اطلس تاریخ اسلامی



تألیف

هاری و. هازارد

ترجمهٔ

محمود عرفان

از انتشارات کتابفروشی ابن سینا تهران

مقدمهٔ مترجم

« اطلس تاریخ اسلامی » که اکنون بنظر خوانندگان می‌رسد تألیف Harray W. Hazard مشاور انجمن جغرافیائی امریکا درامور خاورمیانه ازچاپ‌سوم Atlas of Islamic history که بسال ۱۹۵٤ در چاپخانهٔ دانشگاه پرینستون امریکا بچاپ رسیده‌ترجمه گردیده است. نقشه‌های این کتاب درنیویورک‌چاپ شده‌وترجمهٔفارسی نقشه‌هاومطالب کتاب وفهرست‌مفصل وحواشی وملحقات آن درتهران انجام‌یافته‌است.

درترجمهٔ این کتاب دقت و کوشش بسیارصرف شده که بارجوع بکتابهای‌فارسی و عربی مربوط بهرقرنی بقدرامکان نام‌هائی که درایران معمول‌ومتداول بوده درنقشه‌هاو متن کتاب‌آورده‌شود، مثلاً درنقشهٔ قرن هفتم و هشتم و نهم و دهم میلادی اقیانوس اطلس که در اصل کتاب بنام کهن Oceanus Atlanticus ذکر شده و به « اقیانوس مغربی » ترجمه گردیده ، از کتاب‌فارسی جغرافیای عمومی موسوم به حدودالعالم من‌المشرق الی‌المغرب که از کتاب‌های‌معتبرقرن‌چهارم هجری‌می باشد، اقتباس شده است. درنقشهٔ قرن اول و دوم وسوم‌هجری شهرفیروزآباد فارس در اصل کتاب به پیروی ازکتابهای عربی « جور » ذکرشده ، ولی‌چون باتفاق‌مورخان ، تا زمان عضدالدولهٔ‌دیلمی این شهررا درایران « گور » میگفتند وعضدالدوله که این نام‌را نیکو نشمرد آنرا فیروزآباد نامیدند، درنقشه‌های مذکور بنام « گور » ترجمه شد نه « جور » که معرب آنست. اما قومس درنقشهٔ‌قرن سوم‌هجری هرچند معرب کومش فارسی‌است ، چون دلیلی‌براینکه قومس‌را درآن قرن کومش‌می‌نامیدند بدست‌نیامد همان‌قومس گذارده شد . امید است دانش پژوهانی که در رشتهٔ جغرافیای تاریخی اسلامی معلوماتی وسیع دارند برای نامهای جغرافیائی درقرون مختلفه از نامهای فارسی که معمول و متداول‌زمان بوده‌مجموعه‌ای گرد آورند تاهم‌بر گنجینهٔ زبان فارسی وهم برمعلومات روندگان‌این طریقت یعنی جغرافیای تاریخی اسلامی چیزی بیفزایند.

حواشی مطالب کتاب که بآخرآن ملحق گردیده ازاین جهةاست که چون‌پاره‌ای از موضوعات و شرح نقشه‌ها در اصل کتاب چنان موجز و فشرده است که برای خوانندگان توضیحی ضرورت داشت، بترتیب صفحات کتاب توضیحاتی بنام «حواشی» ازکتابهای ذیل اخذ واقتباس گردید و بآخر کتاب افزوده شد :

الاعلام تألیف خیرالدین زرگلی
تاریخ سیستان
تاریخ معصومی در تاریخ سند تألیف سید محمد معصوم بکری
حبیب‌السیر
دائرةالمعارف اسلامی
دائرةالمعارف بریتانیا
زندگانی شاه عباس‌اول تألیف‌نصرالله‌فلسفی‌استاد دانشگاه تهران
زین‌الاخبار گردیزی
طبقات سلاطین اسلام تألیف Lane Pool
مجموعهٔ انساب و تواریخ برای تاریخ‌اسلام تألیف Zambaur

مرجع‌هاومأخذهای‌مؤلف‌برای‌جمع‌آوری این‌مجموعه درمقدمه‌ای که وی نگاشته است یاد شده واز آنسوی جهان ارمغانی‌را که با مراقبت‌بسیار و طاقت نیرومند فراهم آمده باین سوی‌جهان فرستاده‌اند.

محمود عرفان

غرض از تألیف این‌اطلس آن است که گروه روزافزون محصلان و مردان کسب و کار، وکارگزاران دولت و همهٔ آنها که با امور خاورنزدیک و خاورمیانه سروکار دارند، بتوانند از آن استفاده کنند. در تدوین این کتاب گرچه قصد آن نداشتیم که دانشمندان ورزیده را نیز مفید افتد ولی این گروه هم می‌توانند از این مجموعه که مواد آن در مرجع های مختلف پراکنده است بهره مند شوند. طرح کتاب به نحوی تدارك شده که در باب تاریخ‌اسلام مواد فراوان یکجا فراهم آید و هم‌باقیمت ارزان کتاب‌تناسب پیدا کند. در تألیف این اطلس از معتبرترین مراجعی که در دسترس بود استفاده کردیم؛ از جمله در قسمت تاریخ از:

The Encyclopaedia of Islam, Hitti's *History of the Arabs*, Arnold's *The preaching of Islam*, Langer's *An Encyclopedia of World History*, *The Cambridge Medieval History*, Sarton's *Introduction to the History of Science*, Atiya's *The Crusade in the Later Middle Ages*, Haig's *Cambridge History of India: Turks and Afghans*, Barthold's *Turkestan down to the Mongol Invasion*,

و بسیارگزارشها و مقالات وکتابهای دیگری که در قرون وسطی تألیف گردیده است؛ در قسمت جغرافیا از معجم‌البلدان یاقوت، و Le Strange's *Lands of the Eastern Caliphate*, Webster's *Geographical Dictionary*; و اطلس‌ها و نقشه های رسمی قرون وسطی و قرون جدید؛ درقسمت‌ثبت‌وقایع از Zambaur's *Manuel de Généalogie et Chronologie*, Lane-Pool's *Mohammadan Dynasties*; Wüstenfeld's *Vergleichen Tabellen* به تصحیح Mahler و Haig's *Comparative Tables* ....؛ وهم‌چنین از همکاری صمیمانه و بی‌دریغ Hitti و Young استادان دانشگاه پرینستون، که در حل مسائل و مشکلات بمؤلف یاری داده‌اند. چون در باب جهان اسلام، مواد و اطلاعات تاریخی‌وجغرافیایی معتبر نسبةً اندك بود، با همهٔ توجه و بازدید دقیقی که بکار بردیم شاید برخی اشتباهات‌رخ داده باشد که بیشتر مربوط بارقام جمعیت است. این ارقام را سازمان ملل و دستگاههای دولتی یا دانشمندان صلاحیت‌دار بوجه تخمین‌تهیه کرده‌اند، و تا وقتی که در احتساب جمعیت این کشورها اصول فنی سرشماری نوین بکار نرفته، آن ارقام را باید هم‌چنان تخمینی دانست. بنابراین اگر مترجمان و ناشران، اشتباهات متن و نقشه‌ها را یادآوری کنند مؤلف بسیار سپاسگزارخواهد شد وبرای‌مزیدفایدت‌کتاب تذکرات اصلاحی آنان، درهرزمینهٔ‌مهمی که احیاناً فوت‌شده، به طبع خواهدرسید.

نقشه های آبی و نقشه های مرزی را آقای J. McA. Smiley پرداخته و آقای H. L. Cook.Jr. درآن تجدیدنظر بعمل آورده‌است. نقشه‌های آبی صلیبیون، و نقشه‌های قهوه‌یی تاریخی و نقشه‌های سبز و همهٔ نقشه‌های سیاه بدست آقای Cook وبا همکاری مؤلف تدارك‌شده.

H. W. Hazard

مقدمه برچاپ سوم

مناطقی که برای چاپ دوم کتاب در آنها تجدیدنظر بعمل‌آمده بود، درچاپ سوم هم بطبع رسید، وبرخی اصلاحات نیز به‌متن‌ونقشه‌ها اضافه گردید. در ارقام جمعیت کشورها، تقسیمات کشوری و شهرها تجدیدنظر کامل بعمل آمد وبرای‌این کار از *Demographic Yearbook* سازمان ملل متحد، و *Columbia Lippincott Gazetteer of the World* (که مواد مربوط به ترکی از آن اقتباس شده) و Rand McNally *World Guide*، وسرشماری ها ودیگرمنابع مربوط‌به جمعیت کشورها تا پایان سال ۱۹۵۳، استفاده شده است. تلفظ کلمات ترکی‌را به صلاحدید پرفسور Lewis V. Thomas وازروی نمونهٔ *Islam Ansiklopedisi* ساده‌تر کرده‌ایم.

با آنکه تعویض نقشه‌های رنگین عملی نبود، در تحلیل وشرح مطالب تاریخی تجدیدنظر شد تا با اوضاع‌سال ۱۹۵۳ هم‌آهنگ گردد. دراینجانیزمانند طبع دوم کتاب ازپیشنهادهای سودمند آقای H. A. R. Gibb استاد دانشگاه اکسفورد، و George Hourani استاد دانشگاه میشیگان، و Karl Twitchell استاد دانشگاه نیویورك، و دکتر R. Bayly Winder استاددانشگاه‌پرینستون، هم‌چنین ازمنتقدان‌وخوانندگان و دانش‌پژوهانی که بنا به تقاضای من پیشنهادها و نظرهای اصلاحی خود را ارسال داشته‌اند، و از تذکرات خاص آقای Kenneth M. Setton استاد دانشگاه پنسیلوانیا و آقای F. S. Vidal متصدی بخش تحقیقات شرکت نفت عربستان - امریکا تشکر می کنم. رهین منت‌آقای Col. William A. Eddy کارمندشرکت مزبورنیز هستم‌زیرا در تجدید نظری که ازنقشهٔ خاورنزدیک بعمل آوردم، از انتقادهای مفصل ایشان استفادهٔ بسیار کردم

فوریه ۱۹۵٤ H. W. H.

ادیان مختلفهٔ آن مناطق که درنقشه‌های تاریخی ۷ - ۳۳ آمده، وگسترش‌تقریبی امروز آنها درنقشهٔ پشت جلد بصورت کلی‌نموده شده است. رنگ سبز و قهوه‌یی وسفید به ترتیب علامت اکثریت‌های مسلمان، مسیحی، و مذاهب دیگر است. وضع سیاسی و طبیعی فعلی همان مناطق در صفحهٔ ۳ نشان داده شده است.

ACKU

کتابخانه ابن سینا ـ میدان مخبرالدوله
تهران

با همکاری مؤسسهٔ انتشارات فرانکلین
تهران ـ نیویورک

This is an authorized translation of
ATLAS OF ISLAMIC HISTORY
compiled by Harry W. Hazard. Maps by H. Lester Cooke, Jr. and J. McA. Smiley.
Third Edition, Revised and Corrected. Copyright, 1951, by Princeton University Press.

قیمت : ۱۵۰ ریال

ACKU

اطلس تاریخ اسلامی

فهرست

ACKU

جهان اسلام از مراکش تا ایران

کشورهائی که درسال ۱۳۷۳ هجری قمری (۱۹۵۳ میلادی) حد اقل صدی ۲۰ جمعیت آنها مسلمان باشد در این جدول ذکر میشود.

پایتخت‌ها و شهرهائی که جمعیت آنها از بیست هزار نفر زیاد تراست (مطابق آخرین سرشماری یا آمارقابل اعتماد) بترتیب حجم جمعیت بامفتاحی که بحروف الفبا درنقشهٔ صفحهٔ مقابل است ذکر میگردد.

کشورهائی که کمتر ازصدی ۲۰ جمعیت آنها مسلمان است در صفحهٔ ٤ وکشور های خاور نزدیک درصفحهٔ ۳٤ وکشورهای خاورمیانه وخاور دور درصفحهٔ ٤٠ ذکرخواهد شد.

اتحادجماهیرشوروی: بصفحهٔ ٤ رجوع‌شود

اردن : « ۳٤ « «

اسپانیا : « ٤ « «

اسرائیل : « ۳٤ « «

اطریش : « ٤ « «

افریقای استوائی فرانسه : مستعمرهٔ فرانسه. تشکیل شده از چاد وگابون وکنگوی میانه واوبانگی شاری.

مساحت........ ۲,٥۱۲,۳۰۰ کیلومترمربع

جمعیت........ ٤,٦٥۰,۰۰۰ نفر

مسلمان صدی ۳۰=.. ۱,٤۰۰,۰۰۰ «

کرسی آن : برازاویل.. ۸۳,٤۰۰ «

شهرهای مهم :

بانگوی........ ٤۱,۱۰۰ «

فرلامی........ ۲۳,٥۰۰ «

پوان نوار........ ۲۱,۸۰۰ «

افریقای باختری: مستعمرهٔ فرانسه. تشکیل‌شده است از داهمی، گینهٔ فرانسه، سودان فرانسه ، ساحل عاج ، موریتانیا ، نیجر ، سنگال وولتای علیا .

مساحت........ ٤,٥۹۷,۲٥۰ کیلومتر

جمعیت........ ۱۷,٦۰۰,۰۰۰ نفر

مسلمان صدی ۳٤ =.. ٥,۹۰۰,۰۰۰ «

پایتخت داکار ...... ۱۷۱,۲۰۰ «

شهرهای مهم :

سن لوئی........ ٦۲,٥۰۰ «

باما کو........ ٥۹,۳۰۰ «

ابیدجان........ ٥٦,۰۰۰ «

بوبودیولاسو........ ۳۷,۷٥۰ «

کناکری........ ۳۷,۷۰۰ «

تییس........ ۳٤,۸۰۰ نفر

کائولاك........ ۳۲,٥٥۰ «

روفیسک........ ۳۰,۱۰۰ «

پورتونوو........ ۳۰,۰۰۰ «

کودوگو........ ۲٥,۹۰۰ «

کایس........ ۲٤,۱۰۰ «

کتنو........ ۲۲,۹۰۰ «

واگادوگو(اوا گادوگو)........ ۲۰,۲۰۰ «

افغانستان : بصفحهٔ ٤٠ رجوع شود.

آلبانی : دارای رژیم کمونیستی. اسماً مستقل. متعاهد مقید باتحاد جماهیر شوروی.

مساحت........ ۲۸,۷٥۰ کیلومترمربع

جمعیت........ ۱,۲٥۰,۰۰۰ نفر

مسلمان صدی ٦۹ =. ۸٦۰,۰۰۰ «

پایتخت : تیرانا...... ٥۹,۸۸۷ « م ج

شهرهای مهم :

اسکوتاری........ ۳۳,۸٥۲ « م ج

کورتسه........ ۲٤,۰۳٥ « ل ج

الجزایر : مستعمرهٔ فرانسه

مساحت........ ۲,۱۹۱,٤۰۰ کیلومترمربع

جمعیت........ ۹,۳۰۰,۰۰۰ نفر

مسلمان صدی ۸۸ =. ۸,۲۰۰,۰۰۰ «

کرسی آن: الجزایر .. ۳۱٥,۲۱۰ « ع د

شهرهای مهم :

وهران (اوران)........ ۲٥٦,٦٦۱ « ف د

قسنطلینه........ ۸٤,٦٦۹ « س د

بن (بونه)........ ۷۹,۳٤۳ « س د

سیدی‌ابن العباس........ ٦۱,۳٥٥ « ف د

مستغانم........ ٥۳,٤٦٤ « س د

تلمسان........ ٥۱,۳۷۲ « ف ه

فیلیپ ویل........ ٤۳,۳۹٤ « س د

سطیف........ ۳۹,۸۸۳ « س د

بسکره........ ۳٦,٤۲۲ « س ه

بلیده........ ۳٤,۹۷۸ « ع د

مزن‌کاره........ ۳۰,۹۱۱ « ع د

مسکره (معسکر)........ ۲٦,۰۸٦ « ع د

تاهرت........ ۲۲,۳٤٤ « ع د

بجایه (بوژی)........ ۲۱,۳۱۷ « س د

آلمان باختری بصفحهٔ ٤ رجوع شود.

اندره : « ٤ « «

ایران : « ۳٤ « «

ایطالیا : « ٤ « «

بحرین : بصفحهٔ ۳٤ رجوع شود.

بلغارستان : « ٤ « «

پاکستان : « ٤٠ « «

پرتقال : « ٤ « «

ترکیه : « ۳٤ « «

تریست : « ٤ « «

تونس : تحت‌الحمایهٔ فرانسه بود. اکنون‌مستقل.

مساحت........ ۱٥٥,۸۲۷ کیلومترمربع

جمعیت........ ۳,٥۹۰,۰۰۰ نفر

مسلمان صدی ۹۰ =.. ۳,۲۰۰,۰۰۰ «

کرسی آن: تونس........ ۳٦٤,٥۹۳ « ن د

شهرهای مهم :

سفاقس........ ٥٤,٦۳۷ « ن ه

بیزرت (بنزت)........ ۳۹,۳۲۷ « س د

سوس (سوسه)........ ۳٦,٥٦٦ « ن د

قیروان........ ۳۲,۲۹۹ « ن د

فری ویل........ ۲۹,۳٥۳ « س د

قابس........ ۲۲,٥۱۲ « ن ه

باجه (بژا)........ ۲۲,۲۰۸ « س د

جبل طارق : بصفحهٔ ٤ رجوع شود.

چك اسلواکی : « ٤ « «

حبشه : سلطنتی مستقل بضمیمهٔ اریتره (مساحت ۱۲٤,۳۲۰ کیلومترمربع ، جمعیت ۱,۱٦۰,۰۰۰ نفر)

مساحت........ ۱,۰٦۱,۹۰۰ کیلومترمربع

جمعیت........ ۱۲,۰۰۰,۰۰۰ نفر

مسلمان صدی ۳۱ = ۳,۷۰۰,۰۰۰ «

پایتخت : آدیس‌آبابا. ٤۰۰,۰۰۰ « ط ی

شهرهای مهم :

اسمره........ ۱۳۱,۰۰۰ « ط ح

هرر........ ٤۰,۰۰۰ « ح ی

دسی........ ٤۰,۰۰۰ «

مصوع........ ۲٥,۰۰۰ « ط ح

دردوه........ ۲٥,۰۰۰ « ح ی

رومانی : بصفحهٔ ٤ رجوع شود.

سن‌مارینو : « ٤ « «

سودان مصروانگلیس : زیر اداره مشترك مصر و انگلیس بود. اکنون مستقل است

مساحت........ ۲,٥۰٥,۸۲٥ کیلومترمربع

جمعیت........ ۹,۱۸۰,۰۰۰ نفر

مسلمان صدی ۸۰ =. ۷,٤۰۰,۰۰۰ «

کرسی آن: خرطوم .. ۷۱,٤۰۰ « ی ح

شهرهای مهم :

ام درمان........ ۱۲٥,۳۰۰ « ی ح

ابیض........ ۷۰,۱۰۰ نفر ی ط

وادمدنی........ ٥۷,۳۰۰ « ی ط

پرت سودان........ ٤۷,٤٥۰ « ط ح

عطبره........ ۳۷,۷٥۰ « ی ح

کسلا........ ۳٦,۰۰۰ « ط ح

خرطوم شمالی........ ۳٤,۰٥۰ «

فاشر........ ۲۳,٦٥۰ « ك ط

سومالی انگلیس : تحت‌الحمایهٔ انگلیس

مساحت........ ۱۷٦,۱۲۰ کیلومترمربع

جمعیت........ ٥۰۰,۰۰۰ نفر

مسلمان صدی ۹۹ =.. ٤۹٥,۰۰۰ «

کرسی آن: هرگیسه.... ۱٥,۰۰۰ « ح ی

شهر مهم :

بربره........ ۲۰,۰۰۰ « ز ط

سومالی فرانسه : مستعمرهٔ فرانسه

مساحت........ ۲۱,۷٥٦ کیلومترمربع

جمعیت........ ٥۷,۰۰۰ نفر

مسلمان صدی ۹۷ =.. ٥٦,۰۰۰ «

کرسی‌آن : جیبوتی...... ۲۲,۰۰۰ « ح ط

سومالی : بقیمومت ملل متحد و ادارهٔ آن بعهدهٔ ایطالیا.

مساحت........ ٥۱۳,٥۹۷ کیلومترمربع

جمعیت........ ۱,۳۰۰,۰۰۰ نفر

مسلمان صدی ۹۹ =.. ۱,۲۹۰,۰۰۰ «

کرسی آن : مقدشو... ۷٤,۰۰۰ «

سویس : بصفحهٔ ٤ رجوع شود.

شام : « ۳٤ « «

طنجه : منطقهٔ بین‌المللی

مساحت ۳٥۰ کیلومترمترمربع

جمعیت........ ۱۸۰,۰۰۰ نفر

مسلمان صدی ٥٥ =. ۱۰۰,۰۰۰ «

کرسی آن : طنجه.... ۹٥,۰۰۰ « ص د

عدن : مستعمرهٔ انگلیس بضمیمهٔ جزیرهٔ پریم (۱۳ کیلومتر مربع مساحت و ٤۰۰ نفر جمعیت) وکامار ان (٥۷ کیلومترمربع مساحت و ۲,۲۰۰ نفر جمعیت) وجزائرخوریان موریان(۷۲ کیلومترمربع مساحت و ۱۰۰ نفرجمعیت).

مساحت........ ۳۳٦ کیلومترمربع

جمعیت........ ۱۰۰,۰۰۰ نفر

مسلمان صدی ۸۰=.. ۸۰,۰۰۰ «

کرسی : عدن........ ۷۱,۰۰۰ نفر ح ط

عدن تحت الحمایه : تحت الحمایهٔ انگلیس تشکیل شده از دو گروه سلطان نشین.

مساحت........ ۲۷۱,۹٥۰ کیلومتر مربع

جمعیت........ ٦۷۰,۰۰۰ نفر

مسلمان صدی ۹۹ =. ٦٦۹,۰۰۰ «

کرسی: عدن (بعدن رجوع شود)

شهر مهم :

مکلا........ ۲۰,۰۰۰ « ز ط

عربستان سعودی : بصفحهٔ ۳٤ رجوع شود

عراق : « ۳٤ « «

عمان‌سلمی(ساحل‌صلح): « ۳٤ « «

فرانسه : « ٤ « «

قبرس : « ۳٤ « «

قطر : « ۳٤ « «

کویت : بصفحهٔ ۳٤ رجوع شود

لبنان : « ۳٤ « «

لهستان : « ٤ « «

لیبی : سلطنتی مستقل . متعاهد مقید بانگلیس

مساحت........ ۱,۷٦۱,۲۰۰ کیلومترمربع

جمعیت........ ۱,۱۷۰,۰۰۰ نفر

مسلمان صدی ۹٦ = . ۱,۱۳۰,۰۰۰ «

پایتخت : طرابلس..... ۱٤٤,٦۱٦ « ن ه

شهرهای مهم :

بنغازی........ ٥٦,۳۲٥ « ل ه

درنه........ ۲۰,۷۸۲ « ل ه

لیختنشتین : بصفحهٔ ٤ رجوع شود

مالطه (مالتا) « ٤ « «

مجارستان : « ٤ « «

مراکش (المغرب الاقصی) : سلطنتی مستقل متعاهد مقید بفرانسه.

مساحت........ ۳۸۸,٥۰۰ کیلومترمربع

جمعیت........ ۸,۷۲۰,۰۰۰ نفر

مسلمان صدی ۹٤ =.. ۸,۲۰۰,۰۰۰ «

کرسی آن : رباط‌الفتح ۱٥٦,۲۰۹ « ص ه

شهرهای مهم :

کازابلانکا(دارالبیضاء) ٦۸۲,۳۸۸ « ص ه

مراکش........ ۲۱٥,۳۱۲ « ص ه

فاس........ ۱۷۹,۳۲۷ « ف ه

مکناسه(مکناس)........ ۱٤۰,۳۸۰ « ص ه

وجده (اجده)........ ۸۰,٥٤٦ « ف ه

آسفی (سفی)........ ٥٦,۷٥۱ « ص ه

قنیطره........ ٥٥,۹۰٥ نفر ص ه

سلا (ساله)........ ٤٦,٥۸۲ « ص ه

مازگان (الجدیده)... ٤۰,۰۰۰ « ص ه

اگادیر........ ۳۰,۱۱۱ « *

تازا........ ۲۸,٤٥۷ « ف ه

فداله........ ۲٥,۲٤۷ « *

وزان........ ۲۳,٥۰۹ « *

مغادور(الصویره)... ۲۲,۲۹۱ « ص ه

مراکش اسپانیا : تحت الحمایهٔ اسپانیا وعبارتست از :

منطقهٔ شمال بمساحت ۱۹,٦٦۳ کیلومترمربع و ۱,۰۹۰,۰۰۰ نفر جمعیت که صدی ۹۸ آن مسلمان اند.

منطقهٔ جنوبی بمساحت ۲٦,۰۰۰ کیلومترمربع و ۱٥,۰۰۰ نفرجمعیت که صدی ۹۹ آن مسلمان‌اند.

پنج شهر متصرفی اسپانیا بمساحت ۲۱۲ کیلومتر مربع و ۱٤٥,۰۰۰ نفر جمعیت که صدی ٦۰ آن مسلمانند.

مساحت ٤٥,۸۸۱ کیلومترمربع

جمعیت........ ۱,۲٥۰,۰۰۰ نفر

مسلمان صدی ۹٤ -...... ۱,۱۷۰,۰۰۰ «

کرسی آن : تطوان.... ۷۸,٤۲۷ « ص د

شهرهای مهم :

ملیله........ ۷٦,۲٤۷ « ف د

سبته........ ٥٦,۹۰۹ « ص د

عرائش........ ٤۱,۸۹۸ « ص د

قصرالکبیر........ ۳٥,۷۸٦ « ص ه

ویلانادور........ ۲۳,۸۱۷ «

مسقط وعمان : بصفحهٔ ۳٤ رجوع شود

مصر « « «

منطقه‌های بیطرف « « «

موناکو : بصفحهٔ ٤ رجوع شود

واتیکان : « « « «

یمن : سلطنتی مستقل

مساحت........ ۱۹٤,۲٥۰ کیلومترمربع

جمعیت........ ٤,٥۰۰,۰۰۰ نفر

مسلمان صدی ۹۹ = ٤,٤۹۰,۰۰۰ «

پایتخت : صنعاء..... ۲۸,۰۰۰ « ح ح

شهرهای مهم :

حدیده........ ۲٦,۰۰۰ « ح ط

یوگوسلاوی : بصفحهٔ ٤ رجوع شود.

یونان : « ۳٤ « «

ACKU



جهانِ اسلام
از مراکش تا ایران
میل
۰ ۱۰۰ ۲۰۰ ۳۰۰ ۴۰۰ ۵۰۰ ۶۰۰ ۷۰۰ ۸۰۰ ۹۰۰ ۱۰۰۰
مرزهای سال ۱۹۵۰ میلادی
ارتفاعات
کمتر از ۱۰۰۰ قدم
۱۰۰۰– ۳۰۰۰ قدم
۳۰۰۰ - ۷۰۰۰ قدم
بیش از ۷۰۰۰ قدم
اقیانوس اطلس
فرانسه
اسپانیا
مراکش
الجزایر
لیبی
مصر
اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی روسیه
بحر اسود
دریای خزر
ترکیه
ایران
عراق
افغانستان
پاکستان
دریای مدیترانه
نفود
عربستان سعودی
ربع الخالی
خلیج فارس
دریای عمان
عمان و مسقط
یمن
خلیج عدن
اقیانوس هند
سودان انگلیس و مصر
افریقای استوائی فرانسه
حبشه

کشورهای غیر مسلمان ـ ازمراکش تا ایران

کشورهائی که درسال ۱۳۷۳ هجری قمری (۱۹۵۳ میلادی) در جمعیت آنها کمتر ازصدی ۲۰ مسلمان بوده (مگر اینکه شمارهٔ مسلمانان آن از صدی یک هم کمتر باشد) دراین جدول ذکر میشود. پایتخت ها وشهرهائیکه بیش از دویست هزار نفر جمعیت داشته باشد (مطابق آخرین سرشماری یا آمار قابل اعتماد) بترتیب حجم جمعیت با مفتاحی که بحروف الفبا درنقشهٔ صفحهٔ ۳ نموده شده ذکرمیگردد.

کشورهائی که درجمعیت آنها حد اقل صدی ۲۰ مسلمان باشد در صفحهٔ ۲ و کشورهای خاور نزدیک درصفحهٔ ۳٤ و کشورهای خاور میانه و خاور دور درصفحهٔ ٤۰ ذکرخواهد شد.

اتحاد جماهیر شوروی

دارای رژیم کمونیستی. از ۱٦ جمهوری فرعی تشکیل یافته که عبارتست از: آذربایجان ـ ارمنستان ـ ازبکستان ـ استونی ـ اوکرانی ـ تاجیکستان ـ ترکمنستان ـ روسیه ـ روسیهٔ سفید ـ قزاقستان ـ قرغیزستان ـ کارلیای فنلاند ـ گرجستان ـ لاتوی ـ لیتوانی ـ ملداوی.

مساحت ۲۲,۲٦٤,۸۱۰ کیلومترمربع.
جمعیت .... ۲۱۲,۰۰۰,۰۰۰ نفر
مسلمان صدی ۸,۷ = ۱۸,۵۰۰,۰۰۰ نفر
پایتخت : مسکو (بروسیه رجوع شود)

آذربایجان :
مساحت ۸٥,۹۷۷ کیلومتر مربع
جمعیت .... ۳,۲۰۰,۰۰۰ نفر
مسلمان صدی ۷٥ = ۲,٤۰۰,۰۰۰ «
پایتخت : باکو..... ۷۲٥,۰۰۰ « زج

ارمنستان :
مساحت ۲۹,۹۹۲ کیلومتر مربع
جمعیت .... ۱,٤۰۰,۰۰۰ نفر
مسلمان صدی ۱۱ = ۱٥۰,۰۰۰ «
پایتخت : ایروان... ۳۱٥,۰۰۰ « ح ج

ازبکستان : بصفحهٔ ٤۰ رجوع شود.

اوکرانی : اسماً خود مختار.
مساحت ٥٥۲,۸۹٥ کیلومترمربع
جمعیت.......... ٤۳,۰۰۰,۰۰۰ نفر
مسلمان صدی ۲ = ۸٥۰,۰۰۰ «
پایتخت : کیف.... ۸۲۰,۰۰۰ « ی ا
شهرهای مهم :
خارکف.......... ۸۲٥,۰۰۰ نفر ط ب
ادسا.......... ٦۲٥,۰۰۰ « ی ب
دنیپروپتروسک.... ٥۲٥,۰۰۰ « ی ب
استالینو.......... ٥۰۰,۰۰۰ « *ط ب
لوف.......... ٤۲٥,۰۰۰ نفر ل ب
ژاپروژیه.......... ۳۲٥,۰۰۰ « *ط ب
کریوی‌روگ.......... ۲٥۰,۰۰۰ « *ی ب
ماکیوگا.......... ۲٥۰,۰۰۰ « *ط ب
ورشیلف گراد.......... ۲٥۰,۰۰۰ « *ط ب
نیکلایف.......... ۲۲٥,۰۰۰ « *ی ب
ژدانف.......... ۲۲٥,۰۰۰ « *ط ب

تاجیکستان : بصفحهٔ ٤۰ رجوع شود.

ترکمنستان : بصفحهٔ ٤۰ رجوع شود.

روسیه :
مساحت ۱٦,۹۸۸,۱۸۸ کیلومتر مربع
جمعیت .... ۱۱٥,۰۰۰,۰۰۰ نفر
مسلمان صدی ۲ = ۲,۰۰۰,۰۰۰ «
پایتخت : مسکو.... ٥,۱۰۰,۰۰۰ «
شهرهای مهم :
لنینگراد.......... ۳,٦۷٥,۰۰۰ « —
گرکی.......... ۸٥۰,۰۰۰ « —
نوسیبرسک.......... ۷٥۰,۰۰۰ « —
رستف.......... ٥٥۰,۰۰۰ « ط ب
سورد لوسک.......... ٥٥۰,۰۰۰ « —
کوی بیچف.......... ٥٥۰,۰۰۰ « —
ساراتف.......... ٥٥۰,۰۰۰ « —
امسک.......... ٥۲٥,۰۰۰ « —
قازان.......... ٥۲٥,۰۰۰ نفر
استالین گراد.......... ٤٥۰,۰۰۰ « ح ب
چلیا بینسک.......... ٤٥۰,۰۰۰ « —
مولوتف.......... ٤٥۰,۰۰۰ « —
۹ شهر که هر کدام از ۳۰۰,۰۰۰ نفر تا ٤۰۰,۰۰۰ نفر جمعیت آنست شامل :
آستارا خان.......... ۳۲٥,۰۰۰ زب
۱۲ شهر که هرکدام از ۲۰۰,۰۰۰ نفر تا ۳۰۰,۰۰۰ نفر جمعیت آنست شامل :
گراسنودار.......... ۲۲٥,۰۰۰ نفر ط ب

روسیهٔ سفید : اسماً خود مختار
مساحت ۲۲۸,۰۳۳ کیلومتر مربع
جمعیت .... ۷,٦۰۰,۰۰۰ نفر
مسلمان : عدهٔ کمی
پایتخت : مینسک ... ۳۰۱,۰۰۰ « —

قزاقستان : بصفحهٔ ٤۰ رجوع شود.

قرغیزستان : بصفحهٔ ٤۰ رجوع شود.

گرجستان :
مساحت ٦۹,٥۸۲ کیلومتر مربع
جمعیت .... ۳,۷۰۰,۰۰۰ نفر
مسلمان صدی ۱٥ = ٥٥۰,۰۰۰ «
پایتخت : تفلیس..... ٥۳۸,۰۰۰ « ح ج

ملداوی :
مساحت ۳٤,۱۸۸ کیلومتر مربع
جمعیت.......... ۲,۷۰۰,۰۰۰ نفر
مسلمان : عدهٔ کمی
پایتخت : کیشینف ۱٥۰,۰۰۰ « ك ب

اسپانیا :
سلطنتی مستقل بحکومت نایب‌السلطنه بضمیمهٔ کاناری (۷,۲۷۰ کیلومترمربع مساحت ۸۰۰,۰۰۰ نفر جمعیت) و بالئار (٥,۰۱٤ کیلومتر مربع مساحت ٤۳۰,۰۰۰ نفر جمعیت) مساحت ٥۰۳,۰٥۸ کیلومترمربع
جمعیت.......... ۲۸,٤۰۰,۰۰۰ نفر
پایتخت : مادرید... ۱,٥۲۷,۸۹٤ « ف ج
شهرهای مهم :
بارسلون.......... ۱,۲۷٦,٦۷٥ « ع ج
بلنسیه.......... ٥۰۳,۸۸٦ « ف د
اشبیلیه.......... ۳۷٤,۱۳۸ « ص د
مالقه.......... ۲۷٤,۸٤۷ « ف د
سرقسطه.......... ۲٤٤,۰۱٥ « ف ج
بیلبائو.......... ۲۱٦,٤۱۷ « ف ج

اسرائیل : بصفحهٔ ۳٤ رجوع شود.

اطریش : جمهوری اسماً مستقل تشکیل شده است از اطریش ساویت (دولت روسیه ۲۸,٤۹۰ کیلومترمربع آنرا که ۲,۲۰۰,۰۰۰ نفر جمعیت داشت در تصرف دارد) و اطریش غربی (امریکا و انگلیس و فرانسه ٥٤,۱٤٦ کیلومتر مربع را که ۳,۲۰۰,۰۰۰ نفرجمعیت داشت در تصرف دارند) و وین که چهار دولت نامبرده ۱,۲۱٥ کیلومترمربع که ۱,۸۰۰,۰۰۰ نفر جمعیت داشت در تصرف دارند.

طبق قرارداد ۱۹٥٥ چهاردولت بزرگ قوای خود را از اطریش بیرون بردند و بیطرفی این کشور را تضمین کردند.
پایتخت : وین...... ۱,۷٦٦,۱۰۲ نفر م ب
شهرمهم : گراتز..... ۲۲٦,٤٥۳ « م ب

آلمان باختری :
جمهوری متعاهد مقید بامریکا وانگلیس وفرانسه و در تصرف آنها بضمیمهٔ برلن باختری و ادعا دارد که آلمان خاوری باید بآن ملحق شود.
مساحت ۲٤٥,۳۱۰ کیلومتر مربع
جمعیت.......... ٥۱,٥۰۰,۰۰۰ نفر
پایتخت : بن...... ۱۲۹,۸۰۰ « —
شهرهای مهم :
برلن باختری...... ۲,۱۸۷,۱۰۰ نفر —
هامبورگ.......... ۱,٦۸۷,۲۰۰ « —
مونیخ.......... ۸۸۸,٤۰۰ نفر ن ب
کلن.......... ٦٤٥,۸۰۰ « —
اسن.......... ٦۳۷,۹۰۰ « —
فرانکفورت.......... ٥۸۱,٦۰۰ « —
دوسلدورف.......... ٥٦۳,۷۰۰ « —
دورتموند.......... ٥٥٤,٥۰۰ « —
اشتوتگارت.......... ٥۳۹,۳۰۰ « س ب
هانور.......... ٤۸۰,٦۰۰ « —
برمن.......... ٤۷۳,۰۰۰ « —
دویسبرگ.......... ٤۳۷,٦۰۰ « —
نورمبرگ.......... ۳۹۲,٤۰۰ « ن ب
ووپرتال.......... ۳۸۲,٤۰۰ « —
گلسن کیرخن.......... ۳٤۱,۳۰۰ « —
بوخوم.......... ۳۱۱,۱۰۰ « —
مانهایم.......... ۲٦٤,۰۰۰ « *س ب
کیل.......... ۲٦۰,۹۰۰ « —
ماگدبورگ.......... ۲۳٦,۳۲٦ « —
ویسبادن.......... ۲۳۳,۸۰۰ « —
برنسویگ.......... ۲۳۳,۱۰۰ « —
لوبک.......... ۲۳۲,۸۰۰ « —
اوبرهوزن.......... ۲۱٦,٦۰۰ « —
کارلس روهه.......... ۲۰۸,۱۰۰ « *س ب

آندره : جمهوری نیمه مستقل
مساحت ٤۹٥ کیلومترمربع
جمعیت.......... ٥۰۰۰ نفر
پایتخت‌آن : آندره.......... ۱۰۰۰ « *ع ج

ایطالیا : جمهوری مستقل بضمیمهٔ ساردنی (۲٤,۰۹۲ کیلومترمربع مساحت ۱,۳۰۰,۰۰۰ جمعیت) و سیسیل (۲٥,۷۰۸ کیلومتر مربع مساحت ٤,٥۰۰,۰۰۰ جمعیت).
مساحت ۳۰۱,۰٥۰ کیلومتر مربع
جمعیت.......... ٤۷,٤۰۰,۰۰۰ نفر
پایتخت : رم...... ۱,٦٥۷,٥۸۸ « ن ج
شهرهای مهم :
میلان.......... ۱,۲٦۸,۹۹٤ « س ب
ناپل.......... ۱,۰۱۱,۹۱۹ « ن ج
تورن.......... ۷۱۲,٥۹٦ « س ب
جنوا (ژن)....... ٦۸۰,٥٦۳ « س ج
پالرمو.......... ۸۳,۷۷۷ « ن د
فلورانس.......... ۳۷٦,۳۸۳ « ن ج
بولونیا.......... ۳۳۹,۱۹٥ « *ن ج
کاتانیا (قطانیه)..... ۲۹۷,۰۳۱ « م د
باری.......... ۲٦۷,۷۹٥ « م ج
ونیس.......... ۲۰٥,۰۰۰ « ن ب

بلغارستان : دارای رژیم کمونیستی. اسماً مستقل. متعاهد مقید باتحاد جماهیر شوروی.
مساحت ۱۱۰,۸٤۱ کیلومتر مربع
جمعیت.......... ۷,٥۰۰,۰۰۰ نفر
مسلمان سنی صدی ٦ = ٤۸۰,۰۰۰ نفر
پماکهای مسلمان صدی ۲ (۱) = ۱۲۰,۰۰۰ «
پایتخت : صوفیه.......... ۳٦٦,۹۲٥ نفر ل ج

پرتقال : جمهوری مستقل بضمیمهٔ آزور (۲,۳۰۰ کیلومتر مربع مساحت ۳٤۰,۰۰۰ نفر جمعیت) ومادیرا (۷۸۲ کیلومترمربع مساحت ۲۹۰,۰۰۰ جمعیت)
مساحت ۹۱,٦۲۰ کیلومتر مربع
جمعیت.......... ۹,۱۰۰,۰۰۰ نفر
پایتخت : لیسبون (اشبونه) ۷۸۳,۹۱۹ نفر ص د
شهرهای مهم : اپرتو..... ۲۷۹,۷۳۸ نفر ص ج

تریست : سرزمین ملل متحد زیر تصرف و ادارهٔ امریکا و انگلیس (منطقهٔ A ۲۲۲ کیلومتر مربع مساحت ۳۱۰,۰۰۰ نفرجمعیت) و یوگوسلاوی (منطقهٔ B ٥۱٥ کیلومتر مربع مساحت ۷۰,۰۰۰ نفر جمعیت)
کرسی آن : تریست ۲۷۱,۸۹۹ نفر ن ب

جبل طارق : مستعمرهٔ انگلیس ص د
مساحت ٥ کیلومتر مربع
جمعیت.......... ۲٤,۰۰۰ نفر

چک اسلواکی : دارای رژیم کمونیستی. اسماً مستقل. متعاهد مقید باتحاد جماهیر شوروی.
مساحت ۱۲۷,۸۲٦ کیلومتر مربع
جمعیت.......... ۱۲,٦۰۰,۰۰۰ نفر
پایتخت : پراگ.... ۹۲۲,۲۸٤ نفر ن ا
شهرمهم : برنو..... ۲۷۳,۱۲۷ « م ب

رومانی : دارای رژیم کمونیستی. اسماً مستقل. متعاهد مقید باتحاد جماهیر شوروی.
مساحت ۲۳۷,۳۸۳ کیلومتر مربع
جمعیت.......... ۱٦,٥۰۰,۰۰۰ نفر
مسلمان صدی ۳ر۰ = ٥۰,۰۰۰ «
پایتخت : بخارست ۱,۰٤۱,۸۰۷ « ك ج

سن مارین : جمهوری مستقل متعاهد مقید بایطالیا.
مساحت ۹۸ کیلومتر مربع
جمعیت.......... ۱۳,۰۰۰ نفر
پایتخت : سن مارین ٤,۰۰۰ « *ن ج

سویس : جمهوری مستقل
مساحت ٤۱,۲۸٥ کیلومتر مربع
جمعیت.......... ٤,۹۰۰,۰۰۰ نفر
پایتخت : برن.......... ۱٤۹,٤۰۰ « س ب
شهر مهم : زوریخ ... ۳۹٦,٥۰۰ « س ب

فرانسه : جمهوری مستقل
مساحت ٥٥۰,۹۸۸ کیلومتر مربع
جمعیت.......... ٤٤,۰۰۰,۰۰۰ نفر
مسلمان صدی ۷ر۰ = ۳۰۰,۰۰۰ «
پایتخت : پاریس...... ۲,۸٥۳,۰۰۰ «
شهرهای مهم :
مارسیل.......... ٦۳٦,۲٦٤ نفر س ج
لیون.......... ٤٦۰,۷٤۸ « ع ب
تولوز.......... ۲٦٤,٤۱۱ « ع ج
بردو.......... ۲٥۳,۷٥۱ « ف ج
نیس.......... ۲۱۱,۱٦٥ « س ج
نانت.......... ۲۰۰,۲٦٥ « ف ب

قبرس : بصفحهٔ ۳٤ رجوع شود.

لهستان : دارای رژیم کمونیستی. اسماً مستقل. متعاهد مقید باتحاد جماهیر شوروی.
مساحت ۳۱۱,۷۲۷ کیلومتر مربع
جمعیت.......... ۲٦,٤۰۰,۰۰۰ نفر —
پایتخت : ورشو... ۷٦۰,۰۰۰ « —
شهرهای مهم :
لودز.......... ٦۲٥,۰۰۰ « —
کراکاو.......... ۳۳٥,۰۰۰ « م ا
پزنان.......... ۳۱٦,۰۰۰ « —
برسلو.......... ۲٤۱,۰۰۰ « —

لیختنشتین : حکومت مستقل. متعاهد مقید بسویس مساحت ۱٦۰ کیلومتر مربع
جمعیت.......... ۱٤,۰۰۰ نفر
پایتخت : وادوز....... ۲,۷۳٥ « *س ب

مالطه (مالتا) : مستعمرهٔ انگلیس وخود مختار محدود بضمیمهٔ گزو (٦۷ کیلومتر مربع مساحت ۲٥,۰۰۰ نفر جمعیت) وکومینو (۲,٦ کیلومتر مربع مساحت ۲,٥۰۰ نفر جمعیت).
مساحت ۳۱٦ کیلومتر مربع
جمعیت.......... ۳۲۰,۰۰۰ نفر
کرسی آن : والتا.... ۱۸,٦٦٦ « ن د

مجارستان : دارای رژیم کمونیستی. اسماً مستقل. متعاهد مقید باتحاد جماهیر شوروی.
مساحت ۹۲,۹۸٦ کیلومتر مربع
جمعیت.......... ۹,٥۸۰,۰۰۰ نفر
پایتخت : بوداپست ۱,٥۹٥,۰۰۰ « م ب

موناکو : حکومت مستقل متعاهد مقید بفرانسه
مساحت ۱,۲۹٥ متر مربع
جمعیت.......... ۲۱,۰۰۰ نفر
پایتخت : موناکو :....... ۱,۹۳۸ « *س ج

واتیکان : مذهبی مستقل. متعاهد مقید بایطالیا ن ج
مساحت ۰ر٤۳۰ کیلومتر مربع
جمعیت.......... ۱۰۰۰ نفر

یوگوسلاوی : دارای رژیم کمونیستی. مستقل
مساحت ۲٥٦,۸۷۸ کیلومتر مربع
جمعیت.......... ۱٦,۸۰۰,۰۰۰ نفر
مسلمان صدی ۱۱ = ۱,۸۰۰,۰۰۰ «
پایتخت : بلگراد ... ۳٦۷,۸۱٦ « ل ج
شهرمهم : زاگرب... ۲۷۹,٦۲۳ « م ب

یونان : بصفحهٔ ۳٤ رجوع شود.

* شهرهائی که با این علامت نشان داده شده اند درنقشه ذکر نشده اند.

ACKU

اسلام در جهان کنونی

کشورهائی که دویست هزار نفر یا بیشتر از دویست هزار نفر مسلمان داشته باشد مطابق آمار سال ۱۳۷۳ هجری قمری (۱۹۵۳ میلادی) باین ترتیب نموده میشود که هر کشوری که شمارهٔ مسلمانان بیشتر باشد در ذکر نام مقدم است .

نام کشور	کل جمعیت ضرب در صد هزار	٪ مسلمان	شمارهٔ مسلمان ضرب در صد هزار
پاکستان	٧٨٥	٩١	٧١٥
اندونزی	٧٩٠	٩٠	٧١١
هندوستان	٣٧٥٠	١٠	٣٦٣
چین	٤٨٠٠	٤ر٨	٢٣٠
ترکیه	٢١٨	٩٨	٢١٤
مصر	٢١٦	٩٢	٢٠٠
ایران	٢٠١	٩٨	١٩٧
اتحادجماهیرشوروی	٢١٢٠	٨ر٧	١٨٥
افغانستان	١٢٠	٩٩	١١٩
نیجریا	٢٦٠	٣٣	٨٧
مراکش فرانسه..	٨٧	٩٤	٨٢
الجزیره	٩٣	٨٨	٨٢
سودان انگلیس ومصر	٩٢	٨٠	٧٤
عربستان سعودی	٦٠	٩٩	٦٠
افریقای باختری فرانسه	١٧٦	٣٤	٥٩
عراق	٥٤	٩٣	٥٠
یمن	٤٥	٩٩	٤٥
کشمیر	٤٦	٨٠	٣٧
حبشه	١٢٠	٣١	٣٧
تونس	٣٦	٩٠	٣٢
سوریه	٣٩	٨٢	٣٢
مالایا	٥٦	٥١	٢٩
یوگوسلاوی	١٦٨	١١	١٨
اردن	١٨	٩٥	١٧
تانگانی کا	٨٢	١٩	١٦
افریقای استوائی فرانسه	٤٧	٣٠	١٤
سومالی	١٣	٩٩	١٣
مراکش اسپانیا	١٣	٩٤	١٢
لیبی	١٢	٩٦	١١
آلبانی	١٢	٦٩	٨ر٦
ماداگاسکار	٤٦	١٧	٧ر٦
برمه	١٩١	٣ر٩	٧ر٥
فیلیپین	٢١٢	٣ر٥	٧ر٥
لبنان	١٤	٥٠	٧
عدن تحت‌الحمایه	٦ر٧	٩٩	٦ر٧
سیام	١٩٨	٣ر٢	٦ر٤
بلغارستان	٧٥	٨	٦
مسقط وعمان...	٥ر٥	٩٩	٥ر٥
سیلان.........	٨٢	٦ر٢	٥ر٢
کامرون انگلیس	١٠	٥٠	٥
سومالی انگلیس	٥	٩٩	٤ر٩
سنگاپور	١١	٤٥	٤ر٩
ساراواك	٥ر٩	٧٥	٤ر٤
لیبریا.........	١٧	٢٠	٣ر٤
فرانسه.........	٤٤٠	٠ر٧	٣
زنگبار.........	٢ر٨	٩٩	٢ر٨
هندوچین فرانسه...	٣٠٠	٠ر٩	٢ر٧
برنئوشمالی......	٣ر٤	٧٥	٢ر٦
گامبیا	٢ر٩	٨٤	٢ر٥
کنیا	٦٠	٣ر٨	٢ر٣
نیاسالند........	٢٫٥	٩	٢ر٢
ساحل طلا	٤٤	٥	٢ر٢
سیرالیون	١٩	١١	٢ر١
هند پرتقال	٦ر٥	٣٠	٢

کشورهائی که مسلمانان آنها زیاداست ودر نقشه‌های این اطلس نشان‌داده نشده‌اند عبارتند از :

اوگانده : حکومت ایلی. تحت‌الحمایه انگلیس
مساحت ٢٤٣,٤١٠ کیلومترمربع
جمعیت .... ٥,٣٦٠,٠٠٠ نفر
مسلمان صدی٣ = ... ١٦٠,٠٠٠ «
کرسی‌آن : انتبه .... ٧,٩٣٢ «

تانگانی کا : زیر حکومت ملل متحد .
ادارهٔ آن بعهدهٔ انگلیس
مساحت ٩٣٩,٥٥٠ کیلومتر مربع
جمعیت .... ٨,٢٠٠,٠٠٠ نفر
مسلمان صدی١٩ =..... ١,٥٨٠,٠٠٠ «
کرسی آن : دارالسلام ..... ٩٩,١٤٠ «

زنگبار : حکومت سلطنتی وتحت‌الحمایه انگلیس
شامل پمبه (٩٨٤ کیلومتر مربع
مساحت ١٢٥,٠٠٠ نفر جمعیت)
مساحت .... ٢,٦٤١ کیلومتر مربع
جمعیت .... ٢٨٠,٠٠٠ نفر
مسلمان صدی٩٩ = ... ٢٧٨,٠٠٠ «
کرسی‌آن : زنگبار .... ٤٥,٢٧٥ «

ساحل طلا : مستعمرهٔ انگلیس(٦١,٩٩٦ کیلومتر مربع مساحت ٢,٢٠٠,٠٠٠ نفر جمعیت)
بضمیمهٔ ساحل طلای تحت‌الحمایه (١)
مساحت ٢٠٤,٠٩٧ کیلو متر مربع
جمعیت .... ٤,٤٠٠,٠٠٠ نفر
مسلمان صدی٥ = ... ٢٢٠,٠٠٠ «
کرسی‌آن : اکره .... ١٣٦,٩٢٦ «
شهرمهم : کوماسی......... ٥٩,٤٢٠ «

سییرالئون : مستعمرهٔ انگلیس (٧٠٢ کیلومتر مربع مساحت و١٣٠,٠٠٠ نفرجمعیت)
سییرالئون تحت‌الحمایه.
مساحت ٧٢,٣٦٤ کیلومتر مربع
جمعیت .... ١,٩٥٠,٠٠٠ نفر
مسلمان صدی ١١ =..... ٢١٥,٠٠٠ «
کرسی‌آن : فری‌تون......... ٦٤,٥٧٦ «

کنیا : مستعمره و تحت‌الحمایهٔ انگلیس
مساحت ٥٨٢,٦٤٦ کیلومتر مربع
جمعیت .... ٥,٩٦٠,٠٠٠ نفر
مسلمان صدی ٣ر٨ =......... ٢٣٠,٠٠٠ «
کرسی آن : نیروبی .... ١١٨,٩٧٦ «
شهرمهم : ممباسه .... ٨٤,٧٤٦ «

گامبیا : مستعمرهٔ انگلیس (٢٤٨کیلومتر مربع مساحت ٢٨,٠٠٠ نفر جمعیت)
بضمیمهٔ گامبیای تحت‌الحمایه
مساحت ١٠,٥٣٦ کیلومترمربع
جمعیت .... ٢٩٠,٠٠٠ نفر
مسلمان صدی٨٤ = ... ٢٥٠,٠٠٠ «
کرسی‌آن : باثورست .... ٢٥,٠٠٠ «

کامرون انگلیس : زیر قیمومت ملل متحد.
ادارهٔ آن بعهدهٔ دولت انگلیس .
مساحت ٨٨,٢٧٠ کیلومترمربع
جمعیت .... ١,٠٠٠,٠٠٠ نفر
مسلمان صدی٥٠ = ... ٥٠٠,٠٠٠ «
کرسی‌آن : بوآ............. ١,٠٠٠ «

کامرون فرانسه : زیر قیمومت ملل متحد .
ادارهٔ آن بعهدهٔ دولت فرانسه.
مساحت ٤٤٠,٣٠٠ کیلومترمربع
جمعیت.............. ٣,٢٣٠,٠٠٠ نفر
مسلمان صدی٣ = ... ١٠٠,٠٠٠ «
کرسی‌آن : یاوندیه .... ٣٠,٠٠٠ «

گینه پرتقال : استان ماوراء بحار پرتقال
مساحت ٣٦,٢١٨ کیلومتر مربع
جمعیت .... ٦٠٠,٠٠٠ نفر
مسلمان صدی٢٠ = ... ١٢٠,٠٠٠ «
کرسی‌آن : بیسو .... ١٨,٣٠٩ «

لیبریا : جمهوری مستقل
مساحت ١١١,٣٧٠ کیلومتر مربع
جمعیت .... ١,٧٢٠,٠٠٠ نفر
مسلمان صدی٢٠ =....... ٣٤٠,٠٠٠ «
پایتخت : مونرویا .... ١٢,٠٠٠ «

ماداگاسکار : مستعمرهٔ فرانسه (شامل جزایر کومرو ٢,١٩٨ کیلومتر مربع مساحت ١٧٠,٠٠٠ جمعیت که صدی٩٥ مسلمان هستند)
مساحت ٥٩٤,٢٤٤ کیلومترمربع
جمعیت .... ٤,٦١٠,٠٠٠ نفر
مسلمان صدی١٧ =....... ٧٦٠,٠٠٠ «
کرسی‌آن : تاناناریو .... ١٧٨,٠٠٠ «

موزامبیك : استان ماوراء بحار پرتقال
مساحت ٧٧١,١٢٣ کیلومتر متر مربع
جمعیت .... ٦,٠٠٠,٠٠٠ نفر
مسلمان صدی٢ =....... ١٢٠,٠٠٠ «
کرسی‌آن : لورنسومارك........ ٩٣,٥١٦ «

نیاسالند : ایل نشین و تحت‌الحمایه انگلیس.
مساحت ١٢٢,٧٧١ کیلومترمربع
جمعیت .... ٢,٤٥٠,٠٠٠ نفر
مسلمان صدی ٩ = ... ٢٢٠,٠٠٠ نفر
کرسی‌آن : زمبا.......... ٦,٨٥٠ «

نیجریا : مستعمره انگلیس (٣,٥٧٦کیلومتر مربع مساحت ٥٠٠,٠٠٠ نفرجمعیت) بضمیمه نیجریای تحت‌الحمایه.
مساحت ٨٧٦,٩٥٥ کیلومتر مربع
جمعیت .... ٢٦,٠٠٠,٠٠٠ نفر
مسلمان صدی٣٣ =..... ٨,٧٠٠,٠٠٠ «
کرسی‌آن : لاگوس(اکو)...... ٢٣٠,٠٠٠ «

شهرهای مهم :
ابدان .... ٣٣٥,٠٠٠ نفر
کانو .... ١٠٠,٠٠٠ «
ایو .... ٨٦,٠٠٠ «
اگبموشو.................... ٨٥,٠٠٠ «
اویو.................... ٨٠,٠٠٠ «
اشگبو.................... ٦٥,٠٠٠ «
آبئوکوتا .... ٥٤,٠٠٠ «
ایلورین .... ٥٣,٠٠٠ «
ادی.................... ٥٢,٠٠٠ «

انتشار اسلام

جدولی که در این صفحه و نقشه ایکه در صفحهٔ پشت جلد این اطلس است نشان میدهد که سیصد ونود میلیون مسلمان چگونه دردنیا از مراکش تااندونزی رخنه نموده و رشتهٔ این کیش را از شمال بسیبری واز جنوب بزنگبار کشانیده وآنرا ازاین سوی جهان بآنسوی جهان رسانیده‌اند. پیشرفت‌های سیاسی پیروان این کیش که سال ٦١٠ میلادی درسرزمین عربستان بنیان گذارده شد برای ممالك مرکزی اسلام قرن بقرن درصفحات ٦-٣٣ وبرای خاور میانه و خاور دور درصفحات ٤٢-٤٣ نموده شده است.

مسلمانان در کشورهائی که فتح کردند مذهب اهالی را بلافاصله تغییرندادند. درتغییر مذهب روشهای مختلف بکار رفت. اگر چه اهالی عربستان هنوز سی‌سال از هجرت نگذشته بود که بدین اسلام درآمدند ولی مسیحیان مصر و شام ، دشمنان کینه توز روم شرقی ، بتدریج اما بطیب خاطر دین اسلام را پذیرفتند. طوایف دیگر مسیحی مثل طایفهٔ مارونی و طایفهٔ قبطی قرنها بدیانت خود باقی ماندند. زردشتی‌های ایران نیز که فاتحین عرب با آنان بملایمت و ارفاق رفتار کردند اندك اندك باسلام متمایل شدند. درحملات بعدی این مدارا وحسن سلوك درطرف دیگر جهان هم از طرف فاتحین مسلمان معمول میگردید. باین توضیح که بربریان افریقای شمالی ومسیحیان اسپانیا و کلیمیان این دو محل مختار بودند که مسلمان شوند یا در کیش سابق خود باقی بمانند. آنان که سرسخت بودند و باسلام نمیگرویدند بندرت مورد آزار واقع میشدند.

اهالی ماوراءالنهر و ترکستان با اینکه مکرر ازدین اسلام دست کشیده وبدین سابق خود باز گشتند بتدریج مسلمان شدند. قبایل ترکستان شمالی این دین را بعداز قرن سیزدهم هجری پذیرفتند. در هندوستان مسلمان شدن اجباری نبود هیئت هائی که کارشان تبلیغات دینی بود اهالی را باسلام متمایل میساختند و نتیجهٔ کار آنها از روش زور و جبر ثابت تر و بهتر بود . در افریقای مرکزی هم این روش معمول میگردید . در افریقای خاوری و چین عدهٔ معدودی مسلمان شدند و باین جهة جامعهٔ مسلمانان در این دو نقطه، مدت زمانی عبارت بود از مهاجرین و اعقاب آنان .

اندونزی که جمعیت مسلمانان آنجا بعد از پاکستان از همه جا بیشتر است در پرتو تبلیغات تجاری که درکار تبلیغ مهارت داشتند باسلام گروید. همچنین است شبه جزیرهٔ مالایا وقسمت عمدهٔ افریقای مرکزی. خاور و باختر افریقا درقرن نوزدهم میلادی که خرید وفروش برده الغاء گردید بحوزهٔ اسلام در آمد ؛ چون مسلمان نباید مسلمان دیگررا بردهٔ خود سازد برده فروشان ازمسلمان شدن بت‌پرستانی که ببردگی خرید وفروش میشدند جلوگیری کرده‌بودند. درافریقای جنوبی مزدوران مالایائی وهندی اهل آنجارا بدین اسلام آشنا کردند.

ترکان عثمانی ضمن فتوحاتی که در بالکان و مجارستان کردند برای انتشار اسلام سعی کافی مبذول نداشتند و تنها سرزمینی که دین مسلمانی را پذیرفت آلبانی و بوسنه و دوبروجه ومقدونیه شمالی وتراکیه بود. گذشته ازقفقاز بااینکه درخاك روسیه دسته های کوچك مسلمان پراکنده هستند دیگر اثری درآنجا ازحکمروائی تاتارهای مسلمان باقی نمانده است .

مسلمانان اسپانیا درزیرفشاردستگاه تفتیش عقایدیا بکیش سابق خودمسیحیت باز گشتند یامجبور بجلاء وطن شدند. در شهرهای امریکای شمالی وجنوبی و جزائر هند غربی وژاپن وجزائر هاوائی اخیراً دستجاتی ازمسلمانان توطن اختیار کرده‌اند ولی تقریباً تمام مسلمانان که تخمیناً یك هفتم کل نفوس جهانرا تشکیل میدهند و حد اکثر توالد وتناسل را دارا هستند، در آسیا و افریقا و اروپای جنوبی ساکن میباشند .

قرن هفتم میلادی　　قرن اول هجری

اول ژانویه ٦٠١ میلادی - ١٥ ژوئیه ٦٢٢ = دورۀ قبل از اسلام

١٦ ژوئیه ٦٢٢ - ٣١ دسامبر ٧٠٠ مطابق ١ محرم سال اول - ١٠ ذوالقعده ٨١ هجری.

ظهور دیانت اسلام در قرن هفتم میلادی با نیروی سیاسی و نظامی هم غیرمترقبه بود و هم باسرعت و استقامت.

بین تولد حضرت رسول اکرم در مکه مقارن ٥٧٠ میلادی تا وفات او در مدینه یعنی یثرب مقارن ٦٣٢ میلادی، دو نیروی بزرگ در خاور نزدیک وجود داشت یکی روم شرقی و دیگری ایران ساسانی. این دو نیرو پیوسته با هم کشمکش داشتند و از این کشمکش خسته و فرسوده شده بودند. اگرچه دولت روم‌شرقی افریقای شمالی وقسمت‌هائی‌از اسپانیا وایطالیا را از شر قبایل توتن که بر اروپای باختری‌استیلا داشتند خلاص کرده بود ولی‌تجاوزات وتعرضات آوارها و بلغارها در بالکان او را آسوده نمیگذاشت (١).

عربستان که سابقۀ تاریخیش تنها روانه ساختن بادیه نشینان سامی بجانب شمال و استفاده از نواحی حاصلخیز آنجا بود بوسیلۀ قبایلی اداره میشد که کمی از آنها مسیحی و یهودی بودند و اکثر یت این قبایل از جمله قبیلۀ حضرت رسول «قبیلۀ قریش» کیش بت پرستی داشتند.

الهاماتی که بآن حضرت نازل شد و بعدها در کتابی که آنرا قرآن مینامند جمع آوری گردید تنی چند را شیفته و مجذوب وی ساخت و چون آن حضرت و یارانش بامخالفت قریش که تولیت‌بتخانۀ مکه را داشتندروبرو گردیدنددر سال ٦٢٢ میلادی از آنجا بمدینه هجرت کردند و بعدها تاریخ این هجرت مبدأ تاریخ اسلامی قرارگرفت (٢).

آن حضرت در مدینه اهالی را هواخواه خود یافت و نیروی تازه‌ای پیدا کرد و برآن شهر که مسلط شد به تسخیر مکه همت گماشت وباندك زمانی سراسر عربستان را مطیع خود ساخت. خلیفه یعنی جانشین او فتوحات او را دنبال نمود تا جائی که ساسانیان برافتادند ودولت روم شرقی از شام ومصر وافریقای شمالی بیرون‌رانده شد واعراب بساحل اقیانوس‌اطلس وحدود قفقاز و رود جیحون و شط سند رسیدند و با مقاومت سختی روبرو نگردیدند. غیر از طوایف عربستان، طوایف واقوامی که از اسلام شکست میخوردند، مسلمین آنهارا بقبول اسلام مجبور نمیکردند (اسلام یعنی تسلیم بخواست خدا) و پس‌از چندی که برای تعیین خلیفه بین خود مسلمین اختلاف و زد وخورد روی داد و فتنه و آشوب بر پاشد خلفای اموی (٣) زمام اموررا بدست گرفتند و خلافت موروثی را در دمشق بنیان نهاده بضبط و ربط کشورهائی که مسلمین فتح کرده بودند پرداختند.

یورش های پی در پی مسلمانان بمدیترانه و آسیای صغیر و ماوراءالنهر و افغانستان دامنۀ فتوحات آنانرا وسعت داد.

در اروپا

بالکان (٤): قسطنطنیه سال ٤٩ و ٥٥ - ٦١ هجری مورد حملۀ خلفای اموی.

داغستان: تا ٢٤ هجری زیر فرمان ساسانیان ٢٤ - ٤١ زیر فرمان خلفای راشدین و بعد از آن زیرفرمان خلفای‌اموی.

در مدیترانه

صقلیه (سیسیل): زیر فرمان امپراطوران روم شرقی (در ٣٢ و ٤٨ هجری از طرف مسلمین تاراج شد.)

اقریطش (کرت): زیر فرمان روم‌شرقی درسال ٥٥ هجری چند سالی در تصرف خلفای اموی شام.

ردس: زیر فرمان روم‌شرقی در ٣٤ هجری مورد حملۀ مسلمین و ٥٣-٦٠ بتصرف آنان درآمد.

قبرس: تا ٢٩ هجری زیر فرمان روم شرقی و بعد از آن مورد نزاع بین روم شرقی و مسلمین.

در افریقا

مراکش و الجزایر: تا ٨٠ هجری سواحل زیر فرمان روم شرقی و (در ٦٣-٦٤ مورد حمله‌عقبةبن نافع (٥) و در ٨٠-٨٧) موسی‌بن نصیر (٦) آنجارا تصرف کرد و نواحی‌پشت سواحل را سرکردگان بربر متصرف بودند.

تونس: تا ٥٠ هجری زیر فرمان روم شرقی‌در ٢٧ عبدالله‌بن سعد (٧) بآنجا حمله برد. در ٥٠-٦٤ عقبةبن نافع آنجا را فتح کرد. بربریان وروميان شرقی درسال ٦٤-٧٤ از تصرف مسلمین بیرون آوردند. ٧٤ - ٧٩ حسن بن نعمان (٨) آنجارا دوباره فتح کرد و از آن ببعد زیر فرمان خلفای اموی شام درآمد.

طرابلس وسیرنائیک (برقه): تا سال ٢٢ هجری سواحل زیرفرمان روم‌شرقی‌درسال ٢٢-٢٧ هجری عمروعاص (٩) آنجا را فتح کرد. از آن پس‌تاسال ٤١ زیرفرمان خلفای راشدین‌وسپس زیر فرمان خلفای اموی شام درآمد اما بربریان (١٠) بت پرست وقبایل تبو نواحی پشت ساحل را متصرف بودند.

افریقای خاوری: نوبه چند بار از طرف مصر تاخت و تازشد. و در سال ٣٢ بموجب عهدنامه‌ای که طرفین‌بستند قبایل نوبه خراجگزار شدند.

مصر: نیل ودلتا تاسال ١٨ هجری زیر فرمان‌روم‌شرقی‌بود (٣ سال قبل از هجرت تا هفت سال پس ازهجرت ساسانیان به آنجاتاخت و تازکرده بودند). صحاری مصررا طوایف بت‌پرست درتصرف خود داشتند در سال ١٨ - ٢٢ عمروعاص آنرا فتح کرد و زیر فرمان خلفای‌راشدین قرارگرفت. در سال ٣٥ و ٣٦ و ٣٩ و ٤١ برمسلمین شوریدند سپس زیر فرمان خلفای‌اموی‌شام درآمد. ازسال ٦١ تا ٦٥ عبدالله‌بن زبیر (١١) برآن ادعا داشت یعنی بین‌او و خلفای‌اموی‌شام مورد نزاع بود.

در آسیا

عربستان (١٢): بین قبایل‌عرب ازجمله غسانیان متحدین روم‌شرقی ولخمی‌ها متحدین ایرانیان وآل‌حمیرمتحدین‌حبشه‌و قبیله کنده تا سال ٦٢٢ مسیحی که سال اول تاریخ هجری است مورد نزاع بود و همان سال بحضرت رسول تسلیم و سپس ازسال ١١ تا ٣٦ زیر فرمان خلفای راشدین درآمد. در زمان خلافت حضرت علی‌بن‌ابیطالب بین او و طلحه و زبیر (١٣) درسال ٣٦ و ازسال ٣٦ تا ٤١ بین حضرت علی‌بن‌ابیطالب ومعاویه مورد نزاع بودسپس زیر فرمان خلفای‌اموی‌شام‌درآمد. درسال ٦١ حضرت امام حسین و از آن پس تا ده سال عبدالله زبیر خودرا فرمانروای آن میدانستند.

شام: تاسال ١٣ زیر فرمان روم شرقی (از ٦١ سال پیش از هجرت تا سال هفتم هجری مورد ادعای ساسانیان) خالدبن‌ولید (١٤) آنرا درسال ١٣ - ١٩ فتح کرد ازسال ١٩ تا ٣٦ زیر فرمان خلفای راشدین از ٣٦ تا ٤١ مورد نزاع بین علی‌بن ابی طالب ومعاویه وسپس زیر فرمان خلفای اموی تاسال ٨٦ که انتهای خلافت عبدالملك مروان است.

آسیای صغیر: زیر فرمان روم‌شرقی بود. از ٤١ سال قبل‌از هجرت‌تاسال‌هفتم‌هجری‌ساسانیان ادعای فرمانروائی آنرا داشتند. ازسال ١٦ هجری مورد تاخت و تازمتناوب مسلمین شام قرارگرفت.

قفقازیۀ جنوبی: دولت روم‌شرقی و ایران تا سال ٢٤ هجری هردو برآن ادعا داشتند (درسال ٢٠ مورد حمله عیاض‌بن‌غنم (١٥) واقع گردید). حبیب‌بن‌مسلمه (١٦) سال ٢٤-٣٢ آنرا فتح کرد. زیر فرمان‌خلفای راشدین ٣٢-٤١. تاسال ٦١ زیر فرمان خلفای اموی شام سپس بین آنها و پادشاهان ارمینیه قسمت شد.

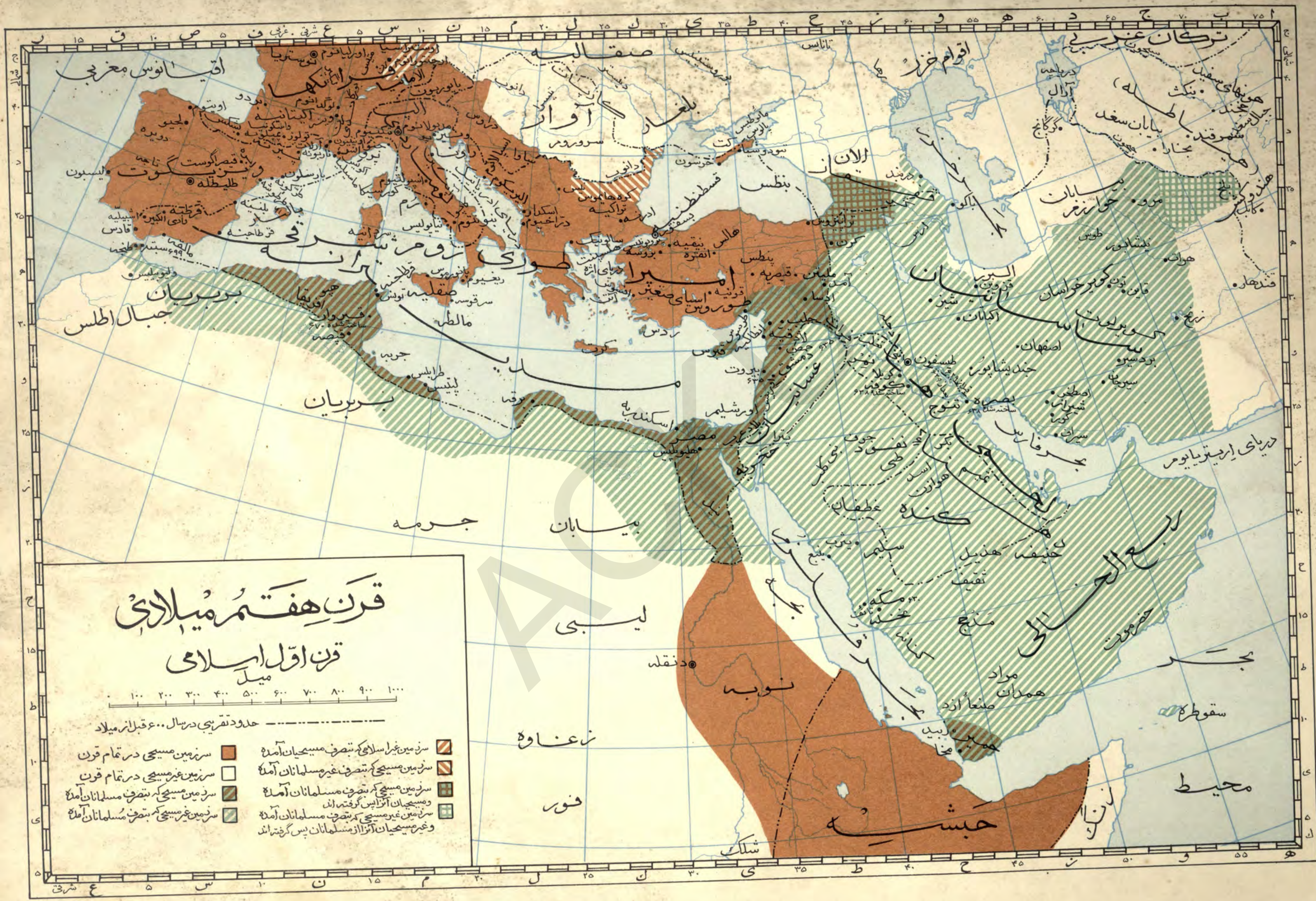
عراق: تا سال ١٣ مورد نزاع بین ساسانیان و روم شرقی درسال ١٣-٢١ سعدوقاص آنرا فتح کردوسال ٢١-٤١ زیرفرمان خلفای راشدین درآمد و زمان خلافت حضرت علی‌بن‌ابیطالب پایتخت آن کوفه بود سپس زیر فرمان خلفای اموی درآمد و مورد ادعای عبدالله زبیر بود.

ایران: تا ١٦ هجری زیر فرمان ساسانیان بود و جز طبرستان که امرای محلی برآن استیلا داشتند سعد وقاص در ١٦-٣٠ هجری همۀ آنرا فتح کرد و تا ٤١ زیرفرمان خلفای راشدین سپس‌زیر فرمان خلفای اموی‌شام و ازسال ٦١-٧١ مورد ادعای عبدالله زبیر واقع بود. خراسان: (١٧) تاسال ١٦ زیر فرمان ساسانیان و از آن‌پس تا سال ٣١ زیر فرمان امرای محلی و درآن سال عبدالله‌بن عامر (١٨) آنرافتح کرد و تا سال ٣٦ زیر فرمان خلفای راشدین و از آن‌پس‌تا سال ٤٣ برضدعلی‌بن ابی طالب و معاویه شورش کرد و از ٤٣-٥١ مسلمین دوباره آنرا فتح نمودند واز آن پس‌زیر فرمان خلفای اموی‌شام‌درآمد.

افغانستان: تا سال ١٦ بین ترکان محلی و ساسانیان و هیاطله مورد نزاع درسال ١٦-٤١ زیر فرمان امرای محلی بود. (درسال ٣٢ اوس‌بن ثعلبه (١٩) بهرات و در ٣٣ احنف‌بن قیس (٢٠) ببلخ حمله آورد). پس‌ازسال ٤١ بین‌خلفای اموی‌شام و امرای محلی تقسیم شد. عبدالرحمن‌بن محمد (٢١) به کابل درسال ٨٠-٨١ تاخت و تازکرد.

ماوراءالنهر: زیر فرمان ترکان و هیاطله بود درسال ٥٥ سعیدبن‌عثمان (٢٢) به بخارا و در ٥٧ به سمرقند تاخت و تازکرد.

ACKU



قرن هفتم میلادی
قرن اول اسلامی
میل
۰ ۱۰۰ ۲۰۰ ۳۰۰ ۴۰۰ ۵۰۰ ۶۰۰ ۷۰۰ ۸۰۰ ۹۰۰ ۱۰۰۰
حدود تقریبی در سال ۶۰۰ قبل از میلاد
سرزمین مسیحی در تمام قرن
سرزمین غیر مسیحی در تمام قرن
سرزمین مسیحی که بتصرف مسلمانان آمده
سرزمین غیر مسیحی که بتصرف مسلمانان آمده
سرزمین غیر اسلامی که بتصرف مسیحیان آمده
سرزمین مسیحی که بتصرف غیر مسلمانان آمده
سرزمین مسیحی که بتصرف مسلمانان آمده و مسیحیان آنرا پس گرفته اند
سرزمین غیر مسیحی که بتصرف مسلمانان آمده و غیر مسیحیان آنرا از مسلمانان پس گرفته اند
اقیانوس مغربی
ویزیگوت
طلیطله
قرطبه
لیسبون
قادس
فرانکها
اوستراسیا
نوستریا
آلمانیا
آکیتانیه
لمباردها
صقالبه
آوار
بلغار
اقوام خزر
ترکان غربی
سغد
سمرقند
بخارا
مرو
خوارزم
بلخ
هرات
قندهار
روم شرقی
امپراطوری روم شرقی
قسطنطنیه
بنطس
ارمنستان
آلان
ساسانیان
تیسفون
کوفه
بصره
اصفهان
کویر
خراسان
نیشابور
طوس
یزد
کرمان
شیراز
بحر فارس
جبال اطلس
بربریان
مالطه
افریقیه
قیروان
طرابلس
برقه
اسکندریه
مصر
اورشلیم
دمشق
غسانیان
حیره
تیماء
نجد
یثرب
مکه
طائف
بحر احمر
جزیره العرب
نجران
صنعا
یمن
حضرموت
عمان
ربع الخالی
بحر عمان
دریای اریتریا بوم
سقوطره
لیبی
بیابان
جرمه
نوبه
دنقله
زغاوه
فور
حبشه
محیط

قرن هشتم میلادی   قرن دوم هجری

اول ژانویه ۷۰۱-۳۱ دسامبر ۸۰۰ میلادی مطابق ۱٦ ذوالقعدة ۸۱-۱۰ ذوالحجة ۱۸٤ هجری .

در نیمهٔ اول قرن هشتم میلادی خلفای اموی کماکان بفتوحاتی که در مرزهای حکومت اسلامی بوقوع می‌پیوست سرگرم بودند و در داخلهٔ قلمرو آن حکومت فتنه و آشوب برپا بود. اسپانیا فتح شد. قسمت اعظم سرزمین اکیتانیه چه پیش از پیروزی شارل مارتل(۱) که در سال ۱۱٤ حوالی تور واقع شد و چه بعداز آن مورد تاخت و تاز مسلمانان قرارگرفت. ارمینیه دوباره بحیطهٔ تصرف مسلمانان در آمد . طبرستان سرسختی خود را از دست داد و تسلیم شد. ماوراءالنهر وافغانستان و سند درحوزهٔ حکومت مسلمانان وارد گردیدند. قبایل بربر و تبو (۲) در شمال افریقا یا قبول اسلام کردند یا قبول جزیه. اما از اواسط این قرن پیشرفت مسلمانان متوقف شد در داخله نیز بر نارضایتیها افزوده گردید، طایفهٔ شیعه که خلافت را حق اولاد علی یعنی ذریهٔ دختر پیغمبر میدانستند با عباسیان که ضبط و ربط سپاه را در عراق و خراسان بعهده داشتند بواژگون ساختن دستگاه امویان میثاق بستند ولی عباسیان که جلو آمدند شیعیان را عقب گذاردند و دستگاه نوظهوری برای خلافت مسلمانان ترتیب داده بغداد را مرکز حکومت خود قرار دادند و نافرمانی‌ها و شورش ها را بیرحمانه درهم شکسته حکومت خود را با قدرت توأم ساختند اما با همهٔ این احوال اسپانیا را نتوانستند نگاه دارند. یکی از فراریان خاندان اموی آنجا را قبضه کرد (۳). مراکش و الجزایر را نیز شیعیانی بنام ادارسه(٤) در دست گرفتند. با این حال قرن دوم هجری وقتی پایان یافت که حکومت مقتدر عباسیان بریاست هارون‌الرشید خلیفهٔ معروف، دورهٔ سعادت و شکوه و جلال خود را میگذرانید. در این دوره فرهنگ مغرب زمین که بر پایهٔ علوم و فلسفهٔ یونانی گذارده شده بود جای خود را بین مسلمانان بازکرد و میدانی فراخ‌تر و آزادتر از امپراطوری قسطنطنیه که رقیب اسلام بود برای علم و فلسفهٔ یونانی پیداشد. ترجمهٔ کتابهای یونانی و پهلوی و سانسکریت ضمیمه گردید بکتابهائی که مؤلفان با شخصیت اسلامی در علم انساب و حدیث و فقه حنفی و مالکی و نحو و نجوم و طب و شیمی تألیف میکردند و راه را برای ترقیات علمی آینده هموار میساختند. شرکت روز افزون ایرانیان و مسیحیان در اوضاع سیاسی و اجتماعی حکومت عباسیان تمدن و فرهنگی بوجود آورد چکیده شده از فرهنگ ملت‌های مختلف ولی در قالب زبان عربی زیرا مدت زمانی بود که عنصر خالص عربی در اجتماع و سیاست حکومت عباسیان مقام اصلی و نفوذ خود را از دست داده بود (٥).

در اروپا

اسپانیا : زیر فرمان پادشاهان ویزیگوت (٦) تا ۹۲. طارق بن زیاد و موسی بن نصیر در ۹۲-۱۰۰ آنرا فتح کردند. مورد نزاع بین مسیحیان و خلفای اموی شام از ۱۰۰-۱۳۳ وبین مسیحیان و خلفای بنی‌عباس از ۱۳۳-۱۳۹ و مورد نزاع بین مسیحیان و شورشیان مسلمین (اهالی یمن و شیعیان که عباسیان آنهارا تحریک میکردندوبربریان) وامویان قرطبه بعداز ۱۳۹.

فرانسه : حر بن عبدالرحمن (۷) در سال ۹۹-۱۰۰ بآن یورش آورد . ناربونه را در سال ۱۰۲ سمح بن مالک (۸) تصرف کرد. سال ۱۰۳ تولوز تاخت وتاز گردید وسال ۱۰۷ کارکاسو (قرقشونه) تصرف شدوسال ۱۱٤ عبدالرحمن عبدالله (۹) بردورا غارت کرد. شارل مارتل در سال ۱۱٤ عبدالرحمن را بین توروتی (تور) و پیکتاوی (پواتیه) شکست داد. همان سال اوبنیون غارت گردید. درسال ۱۱٦ لیون همان سرنوشت را داشت .درسال ۱٤۲ ناربونه از دست مسلمانان بیرون رفت و مسلمانان مجبورشدند باسپانیا عقب نشینی کنند.

ایطالیا : راهزنان دریائی مسلمین بسواحل ایتالیا تاخت و تازکردند.

بالکان : سال ۹۸ و ۹۹ مسلمه پسر خلیفه پنجم (۱۰) از(امویان شام) بقسطنطنیه حمله کرد، در ۱٦٦ مورد تهدید هارون‌الرشید قرارگرفت.

داغستان : تا سال ۱۳۲ زیرفرمان امویان شام و سپس زیر فرمان عباسیان.

در مدیترانه

جزائر بالئار : تا سال ۱۳۷ زیر فرمان امپراطوران روم شرقی. عبدالله بن موسی در سال ۸۹ و ۹۰ بآنجا حمله کرد . درسال ۱۳۷-۱۸۲ زیر فرمان فرانکها. در ۱۸۲ ابسوس را امویان اسپانیا فتح کردند .

کورسیکا : تا ۱٥۸ زیرفرمان روم شرقی وسپس زیرفرمان فرانکها . مسلمین هم بآنجا تاخت و تاز میکردند .

سردانیه وصقلیه و مالطه: زیرفرمان روم‌شرقی و راهزنان دریائی مسلمین مکرر بآنجا تاخت و تاز میکردند.

ردس : زیر فرمان روم‌شرقی . در سال ۹۹-۱۰۰ مسلمین شام آنجا را تصرف کردند .

قبرس : تا سال ۱۳۳ میان روم‌شرقی و امویان و سپس میان روم شرقی و عباسیان مورد نزاع بود .

در افریقا

مراکش و الجزائر باختری : در سال ۸۰-۸٦ موسی‌بن‌نُصَیر سواحل آنجا را متصرف شد و تا ۱۳۳ زیر فرمان امویان شام و تا سال ۱۷۳ زیر فرمان عباسیان . از آن پس زیرفرمان ادارسه که مرکز آنان ولیله بود (بربریان داخلهٔ خاك آنجا را متصرف بودند قسمتی از آنها بدین اسلام گرویده قسمت دیگربادارسه جزیه میدادند.)

الجزیره خاوری وتونس وطرابلس : تا سال ۱۳۳ زیر فرمان امویان شام . از آن به بعد تا سال ۱۸٤ زیر فرمان عباسیان . از آن پس زیر فرمان بنی اغلب که مرکزشان قیروان بود .

صحرا : قسمت شمالی تحت تسلط بربرها و قبایل تبو (قسمتی از آنها مسلمان شده وقسمت دیگر جزیه میدادند).

افریقای خاوری : قبایل نوبه ساکن سواحل نیل و حبشی هائی که در منطقهٔ ساحلی بودند با تجار عرب ارتباط پیدا کردند.

مصر : زیرفرمان امویان شام تا سال ۱۳۳ سپس زیرفرمان عباسیان .

در آسیا

عربستان : تا ۱۳۳ زیر فرمان امویان شام سپس زیر فرمان عباسیان .

شام : تا ۱۳۳ زیر فرمان امویان.

آسیای صغیر : زیر فرمان امپراطوران روم‌شرقی (مسلمین شام مکرر بآنجا تاخت و تاز میکردند.)

قفقازیهٔ جنوبی: تا ۹۹ میان پادشاهان ارمنستان و امویان شام قسمت شده بود. سپس تا ۱۳۳ زیر فرمان امویان شام و از آن بعد زیر فرمان عباسیان.

عراق : تا ۱۳۲ زیر فرمان امویان . سپس زیر فرمان عباسیان که انبار و بغداد مقر خلافت آنها بود (۱۱) .

ایران : تا ۱۳۱ زیر فرمان امویان باستثنای طبرستان، از آن پس تا سال ۱۳۲ مورد نزاع میان امویان و خلفای عباسی، سپس زیر فرمان عباسیان در آمد. در سال ۱٤۸ طبرستان نیز بکشورهای اسلامی ملحق گردید. خراسان تا سال ۱۳۰ زیر فرمان خلفای اموی . درسالهای ۱۳۰- ۱۳۲ عباسیان به پیشوائی ابومسلم خراسانی در آنجاخروج کردند و از آن پس زیر فرمان عباسیان .

افغانستان: تا ۱۳۲ مورد نزاع میان خلفای اموی و ترکها و سرکردگان هیاطله (در ۸۷ قتیبة‌بن‌مسلم (۱۲) بلخ را دوباره فتح کرد). پس از سال ۱۳۲ خلفای عباسی چند بار بآنجا حمله آوردند و مختصر تصرفی در آنجا کردند (برای فتح سند بصفحهٔ ٤۲ رجوع شود).

ماوراءالنهر: تا سال ۸۸ زیر فرمان ترکها و سرکردگان هیاطله درسال ۸۸ تا ۹۷ قتیبة‌بن مسلم آنجارا تصرف کرد. از آن پس تا سال ۱۲۱ خلفای اموی مختصر تصرفی در آنجا داشتند. سپس تا سال ۱۲۳ نصربن سیار(۱۳) این فتوحات را توسعه داد و از ۱۲۳ تا ۱۳۱ زیرفرمان خلفای اموی و ازآن بعد زیر فرمان عباسیان .

(**تاشکند** = بنکث در ۱۳٤ بتصرف مسلمین در آمد شورش‌ونافرمانی درآنجا فراوان‌بود).(برای پیشرفت‌مسلمین درچین بصفحهٔ ٤۲ رجوع شود).

ACKU

قرن هشتم میلادی

قرن دوم اسلامی

میل

۰ ۱۰۰ ۲۰۰ ۳۰۰ ۴۰۰ ۵۰۰ ۶۰۰ ۷۰۰ ۸۰۰ ۹۰۰ ۱۰۰۰

حدود تقریبی در سال ۷۰۰ قبل از میلاد

- سرزمین اسلامی در تمام قرن
- سرزمین مسیحی در تمام قرن
- سرزمین غیر مسیحی و غیر اسلامی در تمام قرن
- سرزمین مسیحی که بتصرف مسلمانان آمده
- سرزمین غیر مسیحی که بتصرف مسلمانان آمده
- سرزمین غیر اسلامی که بتصرف مسیحیان آمده
- سرزمین مسیحی که بتصرف غیر مسلمانان آمده
- سرزمین مسیحی که بتصرف مسلمانان آمده و مسیحیان آنرا پس گرفته‌اند
- سرزمین اسلامی که بتصرف مسیحیان آمده و مسلمانان آنرا پس گرفته‌اند

قرن نهم میلادی   قرن سوم هجری

اول ژانویه ٨٠١ – ٣١ دسامبر ٩٠٠ میلادی مطابق ١١ ذوالحجة ١٨٤ - ٦ محرم ٢٨٨ هجری.

در قرن نهم میلادی سپاهیان نیرومند عرب همت خود را مقصور نمودند براهزنی دریائی درمدیترانه و فتوحات عمدهٔ آنان منحصر شد بحدود پروانس و صقلیه و کرت. امپراطوری عظیم و پهناور عباسیان در نتیجهٔ حادثه‌جوئی سران لشکری تجزیه گردیدبه‌دولتهائی مستعجل و بیدوام وقلمرو فرمانروائی‌خودخلفای عباسی محدود شد بعراق ومغرب ایران. عربستان‌هم تقریباً برگشت بوضع جدائی و انفرادی که پیش‌از ظهور اسلام داشت.

اما علی‌رغم تفرقه ای که در وضع سیاسی مسلمانان ایجاد شد تمدن و فرهنگ عرب جلو رفت و رقیبان خود را پشت سر گذاشت. کتابهای‌مهمی از قبیل مؤلفات ارسطو وسقراطو جالینوس وبطلمیوس و اقلیدس‌ونظایر آنهااز یونانی بعربی بسرعت و با مهارت ترجمه گردید. غالب مترجمین و برخی از مؤلفین‌نسطوریان مسیحی (١) بودند همچنین کلیمی ها وبت پرست - هائی که خلفای عباسی این قرن با آنان بمدارا رفتار میکردند دراین نهضت شرکت داشتند ولی کمک بزرگ و مهمی که بفرهنگ عرب میشد از ناحیهٔ خود مسلمین مخصوصاً ازناحیهٔ ایرانیان بود.

کتابهای مهمی که بعربی تألیف گردید در علوم مختلف بود در جبر و هندسه بوسیلهٔ خوارزمی (٢) در مثلثات و نجوم بوسیلهٔ بتانی (٣) در جغرافیا و معدن شناسی و شیمی و چشم پزشکی و گیاه شناسی و پزشکی عمومی بوسیلهٔ رازی (٤) در علوم و تاریخ بوسیلهٔ یعقوبی(٥) در احوال اشخاص ولغت وفلسفه بوسیلهٔ کندی (٦) درتهذیب‌اخلاق وتکمیل‌مراتب‌نفس انسانی‌وموسیقی‌هم کتابهائی‌نوشته شد. دراحوال رسول‌اکرم وصحابه ودرتواریخ فتوحات‌عرب‌وعلم‌مسالک‌وممالک‌وجغرافیای مناطق اسلامی و جمع‌آوری سنت‌ها، درفقه شافعی و حنبلی نیز کتابهائی تألیف گردید که شالودهٔ فرهنگ اسلامی‌را مستحکم کرد و هرچند که بغداد مرکز دایرهٔ این معارف بود ولی شعاع آن اقطار کشورهای اسلامی را منورساخت.

تحول عمدهٔ این عصر پایه‌گذاری نهضت تصوف دربین اهل تسنن بود. و از طرف دیگر افراطیون مذهب شیعه جماعت اسمعیلی و قرمطی را بوجود آوردند. در ضمن آنکه هنرهای غیرمذهبی شعر و معماری رواج بیشتری یافت، تجارت و داد وستدممالک اسلامی با اروپا و خاورمیانه‌و خاوردورو بین خود ممالک اسلامی نیز رواج پیدا کرد.

در اروپا

اسپانیا : بین مسیحیان (٢٥٪ شمالی) و خلفای اموی که مقرشان قرطبه بود قسمت شد.

فرانسه : سواحل فرانسه را راهزنان دریائی تاخت و تاز کردند ومسلمین پس‌ازسال ٢٧٧ ساحل پروانس را بتصرف خود درآوردند.

ایطالیا : مسلمین از صقلیه و تونس حملات سختی بدانجا میکردند. برندیزیوم در سال ٢٢٢ و ٢٢٦ تا ٢٥٧ بتصرف در آمد. در٢٢٣ حملهٔ دشمن بناپل دفع شد در ٢٢٤ به کالا بریا تاخت و تازشد. در٢٢٦ کاپوا با خاك یکسان گردید. در٢٢٦ تا٢٦٧ تارنتوم و در٢٢٧ باریوم بتصرف‌مسلمین درآمد. در سالهای٢٢٨-٢٣٣ و ٢٣٥-٢٣٨ بنونتوم مطیع مسلمین گردید. در٢٣٢ رم مورد حمله قرار گرفت. در سال ٢٦٣-٢٦٤ کامپانیا غارت ودرسال ٢٧٠ مونت‌کاسینو سوخته شد. امویان اسپانیا که ازآلپ گذشته و بسویس رسیده بودند به ایطالیای شمالی تاخت و تاز کردند.

داغستان : تا سال ٢٨٥ زیرفرمان خلفای عباسی و سپس زیر فرمان امرای بنی‌ساج آذربایجان. (٧)

در مدیترانه

جزائر بالئار : یابسه را خلفای اموی تصرف کردند و میورقه ومینورقه زیرفرمان فرانکها بود اما راهزنان دریائی مسلمین مکرر بآنجا تاخت و تازمیکردند.

کورسیکا : فرانکها آنجارا متصرف‌بودند ولی‌ازسال ١٩٤ ببعد موردنزاع بین‌فرانکها و راهزنان‌دریائی‌بنی‌اغلب.(٨)

سردانیه : زیر فرمان امپراطوران روم شرقی بود ولی ازسال ١٩٤ مورد نزاع بین امپراطوران روم شرقی وراهزنان دریائی بنی اغلب.

صقلیه : تاسال ٢١٢ زیر فرمان روم شرقی. در سالهای ٢١٢ تا ٢٩٠ بنی‌اغلب تدریجاً آنجارا فتح کردند. و در ٢٨٧ فقط تاورو مینیوم در دست رومی‌ها باقی ماند.

مالطه : تا ٢٠٩ زیر فرمان امپراطوران روم‌شرقی. از٢٠٩ تا ٢٥٦ بنی اغلب بآنجا حمله بردند ازآن پس زیر فرمان بنی اغلب قرارگرفت.

کرت : تا سال ٢١٠ زیر فرمان‌رومی ها. در سال ٢١٠ عمربن عیسی و آوارگان اندلس آنجا را فتح کردند و از آن پس زیرفرمان مسلمین درآمد.

قبرس : تا سال ٢٦١ مورد نزاع بین روم‌شرقی و خلفای عباسی. در سالهای ٢٦١-٢٦٣ دو باره بتصرف روم شرقی در آمد. از آن پس در سلطهٔ روم شرقی (مسلمین مکرر بدانجا حمله میبردند).

در افریقا

مراکش و الجزائر باختری : زیر فرمان ادارسه که مرکز آنان ولیله و فاس بود.

الجزائر خاوری وتونس وطرابلس : زیر فرمان بنی اغلب که مرکز آنان قیروان بود.

صحرا : بربرهای مسلمان و قبایل تبو قسمت شمالی آنجا را متصرف بودند و بنی‌اغلب و ادارسه‌مختصر نفوذی درآنجا داشتند.

افریقای خاوری قبایل نوبه که درساحل‌نیل و حبشی‌هائی که درمنطقهٔ ساحلی‌بودندباتجار عرب ارتباط‌پیدا کردند.

سیرنائیك و مصر : تا ٢٥٤ زیر فرمان خلفای عباسی و سپس اسماً زیر فرمان خلفای نامبرده و واقعاً زیرفرمان بنی طولون که مرکز آنان فسطاط بود (٩).

در آسیا

عربستان : بین خلفای عباسی و امرای محلی عرب مخصوصاً بنی زیاد که مرکز آنان زبید بود (١٠) بعدازسال ٢٠٥ و بنی یعفور صنعا بعدازسال ٢٤٧ وائمهٔ رسی که مرکز آنان صعده بود (١١) بعدازسال ٢٨٠ (وهمهٔ آنان‌در یمن بودند)، وآل جلند عمان. (١٢) حجاز و عسیر بعد ازسال ٢٥٥ زیر فرمان بنی طولون. قرامطه درسال ٢٨٦ خروج کردند (١٣).

شام : زیر فرمان خلفای عباسی ولی ازسال ٢٦٤ ببعد عملا زیر فرمان بنی طولون.

آسیای صغیر: زیر فرمان امپراطوران روم‌شرقی بود وهمه ساله مسلمین بآنجا تاخت و تازمیکردند ودرسال‌های ١٩١ و ٢٢٤ بآنجا یورش آوردند.

قفقازیهٔ جنوبی : تا ٢٧٦ و ٢٧٧ زیر فرمان خلفای عباسی وسپس نیمهٔ خاوری آن زیر فرمان بنی ساج که مرکز آنان مراغه بود.

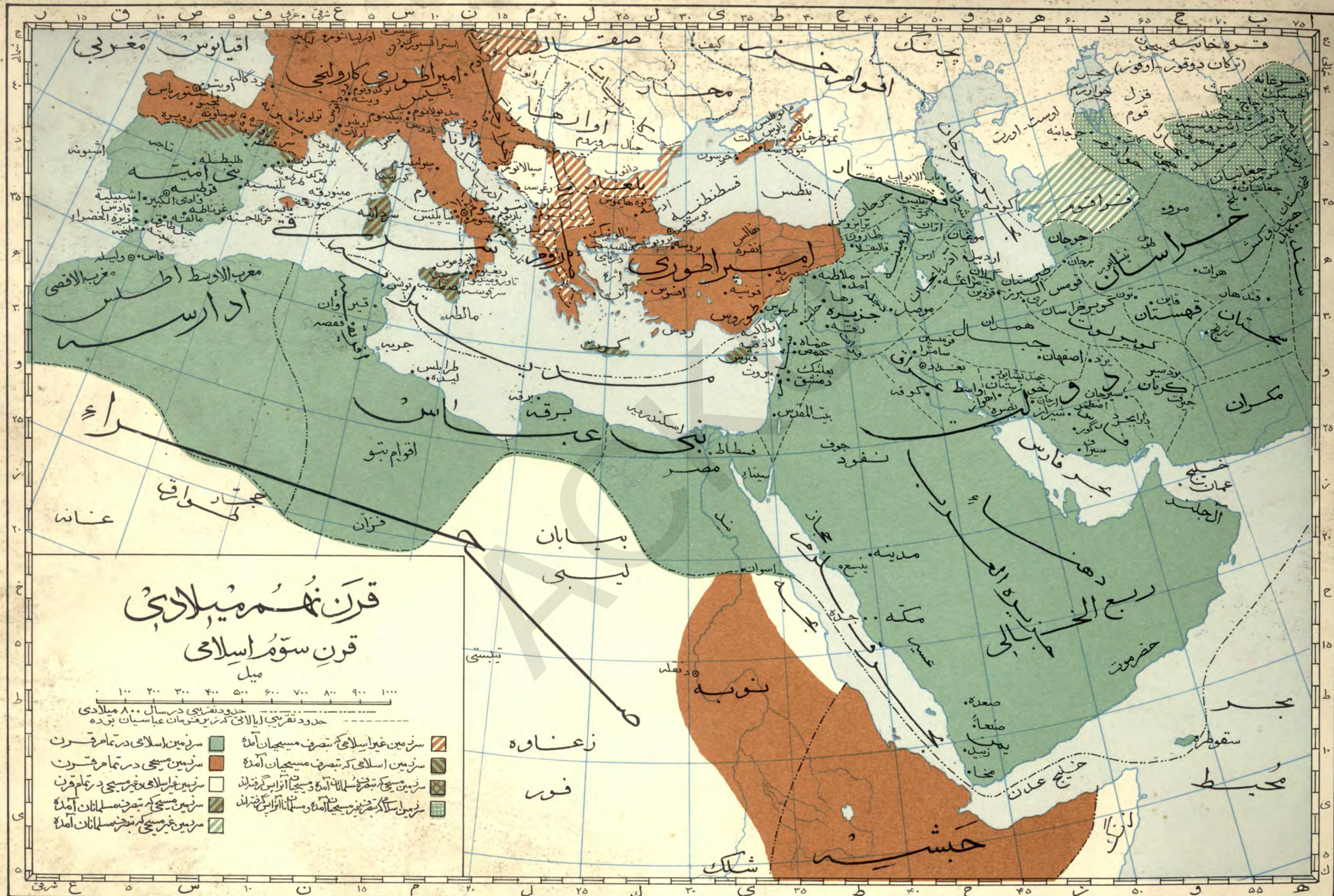
عراق : زیر فرمان خلفای عباسی که مرکز خلافت آنان بغداد و (سال ٢٢٢-٢٧٩) سامره بود.

ایران : تا سال ٢٥٠ زیرفرمان خلفای عباسی‌تا سال ٢٥٣ مورد نزاع با علویان طبرستان (١٤) و ازآن به بعد موردنزاع با صفاریان (١٥) و از ٢٧٦ و ٢٧٧ به بعد موردنزاع با بنی‌ساج آذربایجان. خراسان: تا ٢٠٥ زیر فرمان خلفای عباسی و از ٢٠٥ تا ٢٥٩ اسماً زیر فرمان خلفای عباسی وعملاً زیر فرمان طاهریان مرو و نیشابور از ٢٥٩ - ٢٨٨ زیر فرمان صفاریان.

افغانستان : تا سال ٢٥٦ زیر فرمان خلفای عباسی ازآن پس زیر فرمان صفاریان.

ماوراءالنهر : تا سال ٢٠٤ و ٢٠٥ زیرفرمان خلفای عباسی ودر سال ٢٠٤ و ٢٠٥-٢٦١ اسماً زیر فرمان خلفای نامبرده و عملا یک‌نفر از بزرگان ایرانی موسوم باحمدبن‌اسد بر آنجا فرمانروائی داشت و سپس زیرفرمان سامانیان که اولاد اوبودند و در بخارا جای داشتند استقلال پیدا کرد(١٧).

ACKU



قرن نهم میلادی
قرن سوم اسلامی
میل
٠ ١٠٠ ٢٠٠ ٣٠٠ ٤٠٠ ٥٠٠ ٦٠٠ ٧٠٠ ٨٠٠ ٩٠٠ ١٠٠٠
حدود تقریبی در سال ٨٠٠ میلادی
حدود تقریبی ایالاتی که زیر فرمان عباسیان بوده
سرزمین اسلامی در تمام قرن
سرزمین مسیحی در تمام قرن
سرزمین غیر اسلامی و غیر مسیحی در تمام قرن
سرزمین مسیحی که بتصرف مسلمانان آمده
سرزمین غیر مسیحی که بتصرف مسلمانان آمده
سرزمین غیر اسلامی که بتصرف مسیحیان آمده
سرزمین اسلامی که بتصرف مسیحیان آمده
سرزمین مسیحی که بتصرف مسلمانان آمده و مسیحیان آنرا پس گرفته‌اند
سرزمین اسلامی که بتصرف غیر مسیحیان آمده و مسلمانان آنرا پس گرفته‌اند
اقیانوس مغربی
امپراطوری کارولنجی
اقوام خزر
مجار
چینک
قره خانیه
خراسان
امپراطوری روم
بنی امیه
بنی عباس
ادارسه
اغالبه
صحراء
بیابان لیبی
ربع الخالی
جزیره
جبال
مکران
قهستان
سجستان
بحر فارس
بحر محیط
خلیج عدن
نوبه
حبشه
زغاوه
فور
غانه
مصر
برقه
مدینه
مکه
یمن
حضرموت
سقوطره

قرن دهم میلادی   قرن چهارم هجری

اول ژانویه ۹۰۱ - ۳۱ دسامبر ۱۰۰۰ میلادی مطابق ۷ محرم ۲۸۸ - اول صفر ۳۹۱ هجری

در طول قرن دهم میلادی جز در افریقای خاوری حدود کشورهای اسلام از اسپانیا وکرت و شام و قفقازیه و ماوراءالنهر تجاوز نکرد، مگر چند فقره پیشرفت‌های بی اهمیت و فرعی، اما در داخلهٔ خاك اسلام تغییرات مهمی بوقوع پیوست باین توضیح که خلافت عباسی بدورهٔ ضعف و انحطاط وارد گردید واز یک طرف زیر نفوذ و تسلط آل‌بویه(۱) که شیعیانی متعصب بودند قرارگرفت و از طرف دیگر برای خلافت آنها دو رقیب پیداشد. یکی خلفای فاطمی در تونس (۲) (سال ۲۹۷) و دیگری خلفای اموی در اسپانیا (سال ۳۱۷).

در حقیقت قرن دهم مشخص است باین علامت که قدرت سیاسی و لشکری مسلمانان اسپانیا زیر فرمان دونفر اول از خلفای اموی ومنصور، حاجب بانفوذ و مقتدر آنها باوج اعتلا نائل گردید. آنها بودند که آتش فتنه‌ها را خاموش کردندو حمله وتعرض مسیحیان را دفع نمودند. ادارسه را در مراکش بعقب راندند. فرهنگ و معماری قرطبه را بعظمت و جلال رسانیدند و با علمای کلیمی همان رفتار را داشتند که با دانشمندان مسلمان. همچنین صقلیه زیر فرمان حکام نیمه مستقل بنی کلب در دورهٔ کوتاهی بحد اعلای جلال و شکوه خود نائل شد. خلفای فاطمی که شیعه بودند و داعیهٔ خودرا با نیروی لشکری پشتیبانی میکردند و از حمایت جامعهٔ مسلمین برخوردار بودند بنی‌اغلب را در سال ۲۹۷ از تونس بیرون کردند و مراکش و صقلیه را فتح نموده و مصر و شام جنوبی را از دست بنی اخشید (۳) در سال ۳۵۹ بیرون آوردند ودر سال ۳۶۲ قاهره را بنیان گذاشتندو پایتخت خود را بآنجا بردند وبنی‌زیری را از طرف خود حاکم تونس کردند (٤).

قرن دهم آغازگردید با خروج قرامطه درنزدیکی بغداد بسال ۳۱۸ که با تصرف مکه قدرت آنها بحد اعلای خود رسید. اشعری (۵) درمذهب تسنن طریقهٔ مخصوصی از علم کلام وارد کرد که راه ترقی علمی را مسدود میساخت ولی باز بغداد مرکزیت فرهنگی خود را با حمایت عضدالدوله و شرف‌الدوله (٦) دیلمی که از تحقیقات نجومی و ریاضی تشویق میکردند نگاه داشت. بنی‌حمدان (درحلب وموصل) (۷) وسامانیان (در ماوراءالنهر) هم از لحاظ اینکه دربارشان پناهگاه دانشمندان ملل مختلفه بود مقام بلند خود را در تمدن و فرهنگ دوستی حفظ نمودند.

مسعودی جغرافی‌دان و مورخ، (۸) طبری وقایع نگار، (۹) متنبی شاعر، (۱۰) فارابی دانشمند وموسیقی‌شناس، (۱۱) ابوالفرج اصفهانی عالم، (۱۲) ابن‌ندیم کتابشناس، (۱۳) ابوالوفاء منجم و ریاضی‌دان، (۱٤) ابوالقاسم جراح (۱۵) وعلی‌بن عباس طبیب (۱٦) و اشعری متکلم که قبلاً اسم او را بردیم در صف مقدم علما و متفکرین مسلمان این قرن جای دارند.

نخستین طرح کتاب هزار و یکشب دراین قرن ریخته شد، ارقام هندی در این قرن رواج یافت. تفوق تربیت وفرهنگ ایرانی باتجسسات نژادی عربی درعلم انساب و درعلم آثار قدیمه و لغت شناسی زور آزمائی کردند. زیجهای متعدد وچندین کتاب در مسالك و ممالك و جغرافیا بعرصهٔ ظهور رسید. اخوان الصفا رسائلی زبده که فلسفهٔ افلاطونی جدید را عارفانه با تحقیقات علمی آمیخته بودند انتشار دادند (۱۷).

این پیشرفتهای فرهنگی مسلمین، که هنوز هم اغلب بزبان عربی بود، بی شك از سایر کوششهای دیگر آن عصر برتر وجلوتر بود. مراکز فرهنگی مسلمین کلیه رقبای قرن دهم خودرا، شاید باستثنای رقیب اصلی قسطنطنیه، تحت الشعاع قرار داده بودند.

در اروپا

اسپانیا: بین مسیحیان (۳۰٪ شمالی شبه جزیره) و خلفای اموی قرطبه مورد نزاع بود.

فرانسه: درسال ۲۶۰ راهزنان دریائی مسلمین سواحل پروانس را متصرف گردیده بداخلهٔ آنجا نیز تجاوز کردند و درسال ۹۷۵ میلادی از آنجا بیرون رانده شدند.

ایطالیا: از طرف صقلیه بر سواحل آنجا تاخت و تاز شد. ناوگان فاطمیون جنوا را درسال ۳۲۳ و ۳۲٤ غارت کرد.

داغستان: تا سال ۳۱۸ بنی ساج آنجا را متصرف بودند سپس زیر فرمان سرکردگان محلی کوهستان قرار گرفت

در مدیترانه

جزائر بالئار: درمدیترانه زیر فرمان فرانکها (باستثنای یابسه = اویزا) بود تا سال ۲۹۱ که عصام خولانی (۱۸) آنجا را فتح کرد وسپس بزیر فرمان خلفای اموی اسپانیا بعد ازسال ۲۹۱.

کورسیکا: زیر فرمان امپراطوران روم شرقی بود ولی تا سال ۲۹۷ بنی اغلب و از آن پس تاسال ۳۱۸ فاطمیون بر آن ادعا داشتند.

سردانیه: تاسال ۲۹۷ بین امپراطوران روم‌شرقی وبنی‌اغلب و از آن‌پس بین امپراطوران روم‌شرقی وفاطمیون مورد نزاع بود.

صقلیه: تا سال ۲۹۷ زیر فرمان بنی‌اغلب (درسال ۲۹۰ تاورومینیوم بتصرف مسلمین در آمد). سپس زیر فرمان فاطمیون و از سال ۳۰۰ تا ۳۰٤ بریاست احمدبن قرهب شورش کردند(۱۹). بعداز سال ۳۳۷ حکام بنی کلب درآنجا نیمه استقلالی داشتند. در سال ۳۵٤ تاورومینیوم را رومی‌ها ازمسلمانان گرفتند. درسال ۳۷۲ از حملات رومی‌ها جلوگیری شد.

مالطه: تا ۲۹۷ زیر فرمان بنی اغلب سپس زیر فرمان فاطمیون.

کرت: تا ۳۵۰ زیر فرمان سرکردگان سپس زیر فرمان امپراطوران روم‌شرقی.

قبرس: زیر فرمان امپراطوران روم‌شرقی (تاسال ۲۹۳ بنی طولون و از آن پس تا سال ۳۰۳ خلفای عباسی بر آنجا ادعا داشتند.)

در افریقا

مراکش والجزائر باختری: بین ادارسه (مرکز آنان ولیله و فاس) تا سال ۳۷۵ و فاطمیون (مرکز آنها تونس) و امویان‌اسپانیا (مرکزآنان قرطبه) و قبائل بربر مورد نزاع بود.

الجزائرخاوری و تونس وطرابلس: تا سال ۲۹۷ زیرفرمان بنی‌اغلب و از آن‌پس تا سال ۳٦۲ زیرفرمان فاطمیون (مرکزآنها قیروان). پس از آنکه مقر خلافت فاطمیون درسال۳٦۲ از قیروان بمصر منتقل گردید بنی زیری از طرف فاطمیون در قیروان فرمانروا بودند.

صحرا: شمال آنجا را بربریان و قبایل تبو متصرف بودند و حکمرانان ساحلی مختصر نفوذی بر آنان داشتند.

افریقای خاوری: اعراب درهٔ نیل را تا آبشار دوم و نواحی ساحلی را متصرف گردیدند.

سیر نائیك و مصر: تا سال ۲۹۳ زیر فرمان بنی طولون و از آن پس تا سال ۳۲٤ زیر فرمان خلفای عباسی و تاسال ۳۵۹ زیر فرمان آل اخشید (مرکزآنها فسطاط). فاطمیون درسال ۳۵۹ تا ۳٦۲ مصر را فتح کرده ازآن پس مرکز حکومت خودرا بقاهره انتقال دادند.

در آسیا

عربستان: بین خلفای عباسی و بنی‌طولون وآل‌اخشید و اعراب مخصوصاً بنی‌زیاد (مرکز حکومتشان زبید) و جلندیهٔ عمان و قرامطه که قسمت عمدهٔ عربستان را مطیع خود ساخته بودند مورد نزاع بود.

شام: تا سال ۲۹۳ زیرفرمان بنی‌طولون. از سال ۲۹۳-۳۳۰ زیر فرمان خلفای عباسی تا سال ۳۳۳ زیرفرمان آل‌اخشید. بین بنی‌حمدان (مرکزشان حلب) و آل‌اخشید ۳۳۳-۳۵۹ و فاطمیون بعدازسال ۳۵۹ قسمت‌شد (دولت روم شرقی قسمت بزرگی از نواحی سرحدی راکه شامل طرسوس و انطاکیه و ملاطیه بود دوباره متصرف شد).

آسیای صغیر: زیرفرمان‌روم‌شرقی (گاهگاهی بنی‌حمدان بآنجا تاخت‌وتازمیکردند وغالباً درحال هجوم و حمله‌بودند).

قفقازیهٔ جنوبی: بین عباسیان و بنی ساج تا سال ۳۱۸ قسمت شده بود، مسیحیان بعدازسال ۳۱۸.

عراق: زیر فرمان عباسیان (تا سال ۳۱۷ برآنجا فرمانروائی داشتند و ازسال ۳۱۷ - ۳۳٤ بین بنی حمدان که مقرشان‌موصل بود قسمت شد و از آن بعد اسماً فرمانروا بودند). بین بنی‌حمدان وآل‌بویه درسال ۳۳٤-۳۸۰ و ۳۸۱قسمت شد و از آن پس بین آل بویه و بنی‌مروان و بنی‌عقیل مورد نزاع واقع گردید.

ایران: موردنزاع بین‌عباسیان (تاسال۳۳٤) و علویان طبرستان (تاسال ۳۱٦) و صفاریان (تاسال ۲۹۱) وبنی‌ساج (تا سال ۳۱۸) و سامانیان (سال ۲۹۱-۳۳۳) و آل‌زیار طبرستان (بعداز سال ۳۱٦)و آل‌بویه (بعدازسال ۳۲۰) و بنی حسنویه (۲۰) کردستان (بعدازسال۳٤۸) و غزنویان (بعدازسال۳۸٤). خراسان (سال ۲۸۸-۳۸٤) زیر فرمان سامانیان و سپس زیر فرمان غزنویان.

افغانستان: تا سال ۲۹٦ زیر فرمان صفاریان، سال ۲۹٦ - ۳۵۱ مورد نزاع بین سامانیان و امرای‌محلی‌سپس زیر فرمان غزنویان.

ماوراءالنهر: تا سال ۳۹۰ زیر فرمان سامانیان (پایتختشان بخارا) سپس زیر فرمان‌امرای ایلک‌خانیه. (۲۱)

ACKU



قرن دهم میلادی
قرن چهارم اسلامی
میل
۰ ۱۰۰ ۲۰۰ ۳۰۰ ۴۰۰ ۵۰۰ ۶۰۰ ۷۰۰ ۸۰۰ ۹۰۰ ۱۰۰۰
حدود تقریبی در سال ۲۸۷ میلادی
سرزمین اسلامی در تمام قرن
سرزمین مسیحی در تمام قرن
سرزمین غیر اسلامی وغیر مسیحی
سرزمین مسیحی که بتصرف مسلمانان آمده
سرزمین غیر مسیحی که بتصرف مسلمانان آمده
سرزمین غیر اسلامی که بتصرف مسیحیان آمده
سرزمین اسلامی که بتصرف مسیحیان آمده
سرزمین اسلامی که بتصرف غیر مسیحیان آمده
اقیانوس مغربی
فرانسه
آلمان
لهستان
اقوام خزر
قره خانیه
ترکان دوقوز - اوقوز
قزل قوم
سامانیان
بنی امیه
امپراطوری روم شرقی
عباسیان
صفاریان
ادارسه
اطلس
بنی اغلب
بحر الروم
بنی طولون
صحراء
لیبی
ربع الخالی
نجد
دهناء
نوبه
حبشه
زغاوه
فور
خلیج عدن
بحر محیط
خلیج عمان
آل جلند
بحر فارس
قبیلهٔ تبو
تجار طوارق
غانه
فزان
تیبستی
شلك
سقوطره
بغداد
بصره
کوفه
مکه
مدینه
دمشق
حلب
موصل
فسطاط
اسکندریه
بیت المقدس
قسطنطنیه
قیروان
قرطبه
طلیطله
اشبیلیه
سرقوسه
بخارا
سمرقند
مرو
نیشابور
هرات
غزنه
شیراز
اصفهان
همدان
تبریز

قرن یازدهم میلادی — قرن پنجم هجری

اول ژانویه ١٠٠١ - ٣١ دسامبر ١١٠٠ میلادی مطابق ٢ صفر ٣٩١ - ٢٦ صفر ٤٩٤ هجری.

قرن یازدهم باین علامت مشخص است که در هر دو جانب دنیای اسلام از طرف عشایر و قبایل شورش‌ها و جنبش‌های سخت ایجاد گردید زیرا از یک‌طرف قبیلهٔ نقابدار طوارق که در ناحیهٔ «صحرا» سکنی داشتند مسلمان شدند و نام مرابطین را اختیار کرده مراکش را فتح نمودند(١) و از تنگهٔ جبل‌طارق گذشته مسیحیان اسپانیا را بسال ٤٧٩ در زلاقه شکست دادند و امرای کوچکی را که وارث دولت امویان اسپانیا بودند مطیع ساختند سپس بسمت جنوب متوجه گردیده امپراطوری سیاهان غانه (٢) را سرنگون کردند و از این پس گرویدن افریقای باختری بدین اسلام آغاز شد.

ازطرف دیگر سلاجقه یکی از قبایل ترکان توقوز اقوز از دشت های ترکستان از سمت جنوب بسمت باختر کوچ نمودند وسراسر ماوراءالنهر را در نوردیدند. پس از قبول دیانت اسلام ، ازطریق ایران بعراق و شام و از آنجا بآسیای صغیر داخل شدند. در آسیای صغیر یعنی در ناحیهٔ ملازگرد (منازگرد) بسال ٤٦٤ باسپاهیان نیرومند روم‌شرقی‌مصادف گردیده بالاخره رومی ها را از آسیای صغیر بیرون راندند و صاحب اختیار تمام آسیای جنوب باختری گردیدند. (٣)

بد رفتاری آنها بعیسویانی که بزیارت بیت‌المقدس میآمدند و شکایت‌ها و بهانه جوئی‌های رومیان، مردم اروپای باختری‌را برانگیخت که در سال ٤٨٨ بدعوت پاپ «اربان» دوم باولین جنگ صلیبی قیام کنند (٤) (رجوع بصفحهٔ ٣٦). در همین اوان بود که سلطان محمود غزنوی شمال باختری هندوستان را بنام یک فاتح مسلمان تسخیر کرد (رجوع بصفحهٔ ٤٢). ولی حوزهٔ اسلامی، صقلیه و سردانیه را از دست داد و در افریقای شمالی پیش‌آمدی شوم تر بوقوع پیوست. باین توضیح که یکی از خلفای کینه توز فاطمی برای انتقام جوئی از بنی زیری که دست نشاندهٔ آنها بودند ورایت استقلال بر افراشته بودند عشایر عرب‌رابشورش‌برعلیه بنی زیری تحریک نمود. چه شهرهای بزرگ و معمور که بدست آنها ویران نشد و چه مزارع پر برکت که ضایع و پایمال نگردید و بروزگاری دراز توانستند این خسارت را جبران کنند. با وجود این انقلابات شدید سیاسی باز تمدن و فرهنگ اسلامی در اوج عظمت و جلال بود و یکه تازی میدان فضیلت اختصاص داشت بمسلمانان. بیرونی جغرافی دان و دانشمند (٥) و ابن‌سینا پزشک و دانشمند و ابن هیثم فیزیک‌دان و متخصص در مبحث‌بینائی (٦) وغزالی‌متکلم و فیلسوف(٧) و ابن‌یونس منجم و عالم علم‌مثلثات (٨) وکرخی‌ریاضی‌دان (٩) و ابن - حزم‌متکلم (١٠) و بکری‌جغرافی‌دان (١١)و بسیاری دیگر بزبان عربی تألیفاتی کرده‌اند که در طراز اول مؤلفات عربی بشمارمیآید اما در زبان فارسی‌هم رقیبانی برای آنان پیداشد از قبیل فردوسی در تاریخ وحماسه‌سرائی، خیام در ریاضیات و شعر و خواجه‌نظام‌الملک در ملک‌داری وسیاست و ناصرخسرو در جهان گردی ، و بسیار عدهٔ دیگر .

در اروپا

اسپانیا : بین مسیحیان و خلفای اموی اسپانیا که مرکز آنان قرطبه بود تاسال ٤٢٣ و بین ملوك‌الطوایف (بعد از سال ٤٠٣) و مرابطین بعدازسال ٤٧٩ مورد نزاع بود .

ایطالیا : پیزا را در سال ٣٩٣ راهزنان دریائی مسلمین غارت کردند. در سال ٤٠٦ سالرنو محاصره شد .

بالکان : ناوگان فاطمیون بسواحل دلماسیا و تراکیه تاخت و تازکردند.

در مدیترانه

جزائر بالئار : تا سال ٤١٣ زیر فرمان خلفای اموی اسپانیا و سپس زیر فرمان امرای مسلمان محلی.

سردانیه : تا سال ٣٩٤ بین امپراطوران روم و خلفای فاطمی مورد نزاع وتایک سال بعد زیرفرمان‌خلفای‌اموی اسپانیا و تا زمانی که ازطرف جنوا و پیزا فتح شد (٤٠٧-٤٤٢) امرای مسلمان محلی آنجا را متصرف بودند.

صقلیه : تا سال ٤٥٢ حکمرانان بنی‌کلب که خود را از جانب فاطمیون میدانستند فرمانروائی داشتند (نورمانها در سال ٤٦٣ پالرمو رامتصرف شدند) بعدازسال ٤٨٤ بتصرف نورمانها درآمد.

مالطه : تا سال ٤٨٣ زیر فرمان فاطمیون سپس زیر فرمان نورمانها.

جزائر اژه : درحدود سال ٤٢٢ ناوگان فاطمیون بجزائر کوکلادیس حمله کردند.

مراکش والجزائر باختری : تا سال ٤٤٨ زیرفرمان سرکردگان بربر. درسال ٤٤٨ تا ٤٧٧ مرابطین که مرکز حکومتشان سجلماسه و مراکش بود آنجارا فتح کردند.

الجزائر خاوری : تا سال ٤٠٥ زیر فرمان بنی زیری که از جانب فاطمیون حکومت میکردند و از آن پس زیر فرمان بنی‌حماد که مقرشان قلعهٔ بنی‌حماد و بجایه بود (بعدازسال ٤٠٥ اعراب برآن ادعا داشتند.)

تونس و طرابلس : تا سال ٤٤١ بنی زیری که مرکز حکومتشان قیروان بود از جانب خلفای شیعی مذهب فاطمی وازآن‌پس خود بنی‌زیری که سنی مذهب بودند مستقلاً درآنجا فرمانروائی داشتند. عشایر عرب (بنی‌هلال و بنی سلیم و غیره) ازآن‌پس درآنجا حکومت میکردند و بتدریج حکمرانی بنی زیری منحصر شد به مهدیه.

سیرنائیك : تا سال ٤٤٤ فاطمیون مختصر نفوذی در آنجا داشتند سپس قبایل عرب آنجا را زیر استیلای خود در آوردند.

صحرا : قسمت باختری آن بین مسلمین بربر و سیاهان بت‌پرست و طوارق قسمت شده بود تا سال ٤٤٨ که مرابطین آنجارا فتح کردند. بعدازسال ٤٤٤ قبایل عرب بقسمت شمال خاوری صحرا استیلا یافتند.

افریقای خاوری : کنارهٔ جنوبی تا مقدشو را سوداگران‌عرب وایرانی در تصرف گرفته بودند.

مصر : زیر فرمان فاطمیون که مرکز حکومتشان را قاهره قرار داده بودند.

در آسیا

عربستان : تا سال ٤٦٣ داخلهٔ آنرا قرامطه متصرف گردیده بودند. حجاز بفاطمیون و از سال ٤٦٣ ببعد بسلاجقه تسلیم گردید. یمن زیرفرمان بنی زیاد تا سال ٤٠٩ وبعدازسال ٤١٢ زیرفرمان بنی‌نجاح (١٢). سپس‌زیرفرمان بنی‌صلیح سال ٤٢٩-٤٩٢. وزیر فرمان بنی‌حمدان بعدازسال ٤٩٢. عمان تا سال ٤٠١ زیرفرمان آل‌بویه سپس زیر فرمان جلندیه.

شام : تا سال ٤٦٣ زیر فرمان فاطمیون (رومی‌ها در انطاکیه و بنی حمدان در حلب تا سال ٣٩٤ وآل‌مرداس درحلب سال ٤١٥-٤٢٩و٤٣٤-٤٤٩و٤٥٢-٤٧٢). موردنزاع بین رومی‌هاو فاطمیون‌و سلاجقه و آل‌مرداس‌و بنی‌عقیل (که حلب را درسال ٤٧٢-٤٨٧ متصرف شدند) وسلسله های محلی دیگر (شیزر بعدازسال ٤٧٤ و طرابلس بعد از ٤٨٢ مستقل شد). بعدازسال ٤٨٧ مورد نزاع بین‌سلاجقه وفاطمیون (که‌شهرهای ساحلی‌را بعدازسال ٤٨٢ و بیت‌المقدس را در سال ٤٨٢ تا ٤٩٣ متصرف شده بودند) واسمعیلیه و صلیبیون. (بصفحهٔ ٣٦ رجوع شود).

آسیای صغیر : تاسال ٤٦٤ زیر فرمان‌روم شرقی که‌درملازگرد ازسلاجقه شکست خورد سپس‌تاسال ٤٧٠ زیر فرمان سلاجقه و از ٤٧٠-٤٩١ زیر فرمان سلاجقهٔ روم (که مقر حکومتشان تا سال ٤٩١ نیقیه وسپس قونیه بود) بعد از ٤٩١ ناحیهٔ ساحلی‌را صلیبیون بنفع رومی‌ها پس گرفتند. ارمنستان کیلیکیه آزاد شد. سلاجقهٔ روم در داخله و امرای دانشمندیه در ارتفاعات خاوری.

قفقازیهٔ جنوبی : تا ٤٥٧ زیرفرمان مسیحیان محلی و سپس زیرفرمان سلاجقه.

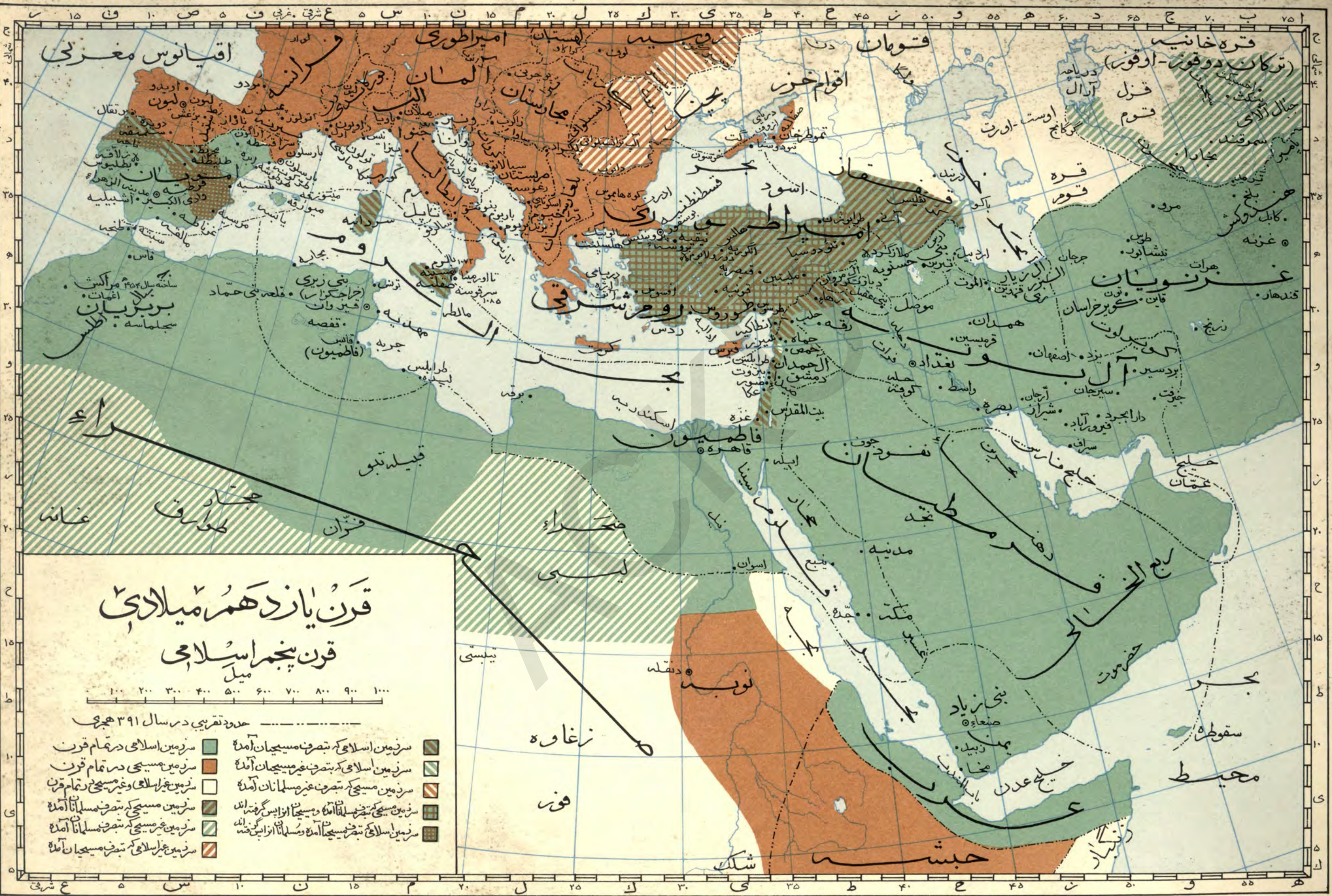
عراق : (تا ٤٤٧) مورد نزاع بود بین‌آل بویه وبنی مروان که مقرشان دیار بکر بود (تا سال ٤٩٠)، وبنی عقیل که مقرشان موصل بود و بنی‌مزید که‌مقرشان حله بود (بعدازسال ٤٠٣) وبعد ازسال ٤٤٧ زیرفرمان سلاجقه و فاطمیون (سال ٤٥٠ تا ٤٥٢) و صلیبیون که‌مقرشان رهابود (بعدازسال ٤٩٢).

ایران : تا سال ٤٤٧ مورد نزاع بین‌آل‌بویه که مقرشان شیراز بود و آل زیارکه مقرشان طبرستان بود (تا سال ٤٣٤) و بنی‌حسنویه (تا سال ٤٠٦) و کاکویه که مقرشان کردستان بود(سال ٣٩٨-٤٤٣) و غزنویان. سلجوقیان تمام خاك ایران را بتصرف خود درآوردند باستثنای سواحل اقیانوس هند (که زیرفرمان غزنویان بود) درسال ٤٢٩-٤٤٧ سلاجقه آنرا فتح کردند وسپس زیر فرمان آنها بود. (اسمعیلیه درالموت بعد ازسال ٤٨٣). خراسان تا سال ٤٢٧ زیر فرمان غزنویان. سال ٤٢٧ تا ٤٣٢ مورد کشمکش وسپس زیر فرمان سلاجقه.

افغانستان : تا سال ٣٨٨-٤٢٢ زیر فرمان غزنویان.

ماوراءالنهر : تا سال ٤٠٧ زیر فرمان امراء ایلك خانیه. سال ٤٠٧ تا ٤٢٩ زیر فرمان غزنویان. سال٤٢٩ تا ٤٨٢ سلاجقه مختصر نفوذی‌درآنجا داشتند سپس زیرفرمان سلاجقه درآمد.

ACKU



قرن یازدهم میلادی
قرن پنجم اسلامی
میل
۱۰۰ ۲۰۰ ۳۰۰ ۴۰۰ ۵۰۰ ۶۰۰ ۷۰۰ ۸۰۰ ۹۰۰ ۱۰۰۰
حدود تقریبی در سال ۳۹۱ هجری
سرزمین اسلامی در تمام قرن
سرزمین مسیحی در تمام قرن
سرزمین غیر اسلامی و غیر مسیحی در تمام قرن
سرزمین مسیحی که بتصرف مسلمانان آمده
سرزمین غیر مسیحی که بتصرف مسلمانان آمده
سرزمین غیر اسلامی که بتصرف مسیحیان آمده
سرزمین اسلامی که بتصرف مسیحیان آمده
سرزمین اسلامی که بتصرف غیر مسیحیان آمده
سرزمین مسیحی که بتصرف غیر مسلمانان آمده
سرزمین مسیحی که بتصرف مسلمانان آمده و مسیحیان از ایشان گرفته اند
سرزمین اسلامی که بتصرف مسیحیان آمده و مسلمانان از ایشان گرفته اند
اقیانوس مغربی
فرانسه
امپراطوری
آلمان
مجارستان
روسیه
قومان
قره خانیه
(ترکان دوقوز - اوقوز)
اقوام خزر
بحر اسود
امپراطوری روم شرقی
ایتالیا
اسپانیا
بحر الروم
بربریان
فاطمیون
آل بویه
غزنویان
صحراء
لیبی
نوبه
حبشه
جزیرة العرب
ربع الخالی
بحر محیط
خلیج فارس
خلیج عدن
قسطنطنیه
بغداد
دمشق
بیت المقدس
قاهره
اسکندریه
مکه
مدینه
صنعاء
یمن
عدن
اصفهان
همدان
هرات
غزنه
بخارا
سمرقند
شیراز
بصره
کوفه
موصل
حلب
قیروان
سجلماسه
فاس
مراکش
قرطبه
طلیطله
اشبیلیه
سقوطره
زغاوه
فزان
تبستی
کانم
غانه

قرن دوازدهم میلادی قرن ششم هجری

اول ژانویه ۱۱۰۱-۳۱ دسامبر ۱۲۰۰ میلادی مطابق ۲۷ صفر ۴۹۴-۲۲ ربیع‌الاول ۵۹۷ هجری

قرن دوازدهم بین دو قرن پرآشوب یازدهم و سیزدهم قرنی است بالنسبه آرام و بی حادثه. در این قرن تقریباً تمام سلسله های مسلمان که فرمانروائی داشتند بعلت تحولات شدید، بر افتادند ولی جانشینان آنها محلی بودند و در بین آنها خارجی وبیگانه دیده نمیشد. موحدین (۱) جای مرابطین و ایوبیان (۲) جای فاطمیون و خوارزمشاهیان (۳) جای سلاجقه وغوریان (٤) جای غزنویان را گرفتند. صلیبیون بکوشش بیهودهٔ خود ادامه میدادند. گرجستان را مسیحیان وماوراءالنهر را بت‌پرستان قراختائی از تصرف مسلمانان بیرون آوردند. پیشرفت های اسلام فقط در افریقای خاوری بود و افریقای باختری. این حوادث نمودار آشفتگی نسبی آنزمان است اما درمقابل حوادثی که در قرن پیش بوقوع پیوست، و بلا و مصیبتی که یک قرن بعد بظهور رسید ناچیز بود.

فعالیت فرهنگی و علمی مسلمانان نیرومندی و اهمیت خود را در این قرن هم نگاهداشت ولی خواه ناخواه اروپا رقابت خودرا با مسلمانان آغازکرده بود. دو قرن دیگر هم اروپا برای توشهٔ فکری وعلمی دست نیاز بجانب اسلام درازمیکرد و باین ترتیب مسلمین حیثیت خود را حفظ میکردند ولی رفته رفته کارهای مهم و پیشرفت‌های بدیع در میان مسلمانان تقلیل یافت. دانشمندان بزرگ و پیشوایان علم این قرن، که آثارشان بر اساس کارهای گذشتگان بود، شایستگی و اهمیت اسلاف خود را نداشتند. طرز تفکر قرون وسطائی و ظلمتی که بر وشنائی عقل از این نوع تفکرات چیره میشود وظیفهٔ تخریبی و فساد انگیز خود راکم و بیش انجام میداد.

در اسپانیا مسلمانان نهضتی بزرگ درتمدن و فرهنگ بوجود آوردندکه هرچند همانند غنچه‌ای دیر شکفته بود ولی برنهضت عادی مسلمانان مشرق زمین تفوق پیداکرد. پیشوائی این نهضت را فیلسوفان و پزشکانی مانندابن‌رشدوابن‌طفیل و ابن‌زهره (۵) بعهده‌داشتند. مترجمین متعدد وربی بن عزرا و ابن میمون (۶)، دوکلیمی نامدار اسپانیارا، میتوان‌از دست پروردگان اسلام دراسپانیا دانست. ادریسی (۷) جغرافی دان مظهری از اهمیت مشترك اسپانیا و صقلیه در انتقال تمدن اسلامی باروپا است.

در اروپا

اسپانیا: مورد نزاع بین مسیحیان و مرابطین (تا سال ۵٤۲) و امرای جزء مسلمین (تا سال ٥٦۷) و موحدین (بعدازسال ٥٤٠).

در مدیترانه

جزائر بالئار: زیرفرمان امرای مسلمین تا سال ٥٠۷ سپس تا سال ۹٠٥ در تصرف جنوا و پیزا. تا سال٥٢٦ زیر فرمان مرابطین. بعدازآن زیرفرمان بنوغانیه (زیرفرمان موحدین بعد ازسال ٥۷۷).

درافریقا

مراکش والجزائر باختری: تا سال ٥٤٢ زیر فرمان مرابطین (بعدازسال ٥٢٥ باموحدین مورد نزاع بود). زیر فرمان موحدین بعدازسال ٥٤٢.

الجزائر خاوری: تا سال ٥٤۷ زیرفرمان بنی حماد که مقرشان بجایه بود. بعدازسال ٥٤۷ زیرفرمان موحدین.

تونس و طرابلس: تا سال ٥٣٠ بین بنی زیری و قبایل عرب و سال ٥٥٥ تا ٥٥٦ بین بربریان واعراب و مسیحیان صقلیه (درجربه ومهدیه وطرابلس) مورد نزاع بود. بعدازسال ٥٥٦ زیرفرمان موحدین.

سیرنائیك: تا سال ٥٦٨ قبایل عرب آنرا متصرف بودند سپس زیرفرمان ایوبیان درآمد.

صحرا: عشایر مسلمین (درشمال) و سیاهان مالی (در جنوب باختری) و قبایل بت‌پرست آنجارا متصرف بودند.

افریقای خاوری: عشیره‌های ساحلی بجاة و سیاه منکوب شدند و قبول اسلام کردند واسلام تمام سواحل را تا زنگبار فراگرفت. اعراب قبایل نوبه راکه درساحل نیل بودند بجنوب راندند.

مصر: تا سال ٥٦۷ زیر فرمان فاطمیون که مقرشان قاهره بود سپس زیر فرمان ایوبیان.

در آسیا

عربستان: قسمت عمده آنرا قرامطه متصرف‌شدند ولی بتدریج قبایل عرب آنراپس گرفتند. حجاز تا سال ٥٦۷ مطیع سلاجقه و سپس مطیع ایوبیان گردید. یمن تا سال ٥٥٤ زیر فرمان‌آل حمدان و از ٥٥٤ تا ٥٦۹ زیرفرمان‌مهدیه و تا سال ٥٦۹ زیرفرمان بنی‌نجاح و سپس زیر فرمان یک شعبه از ایوبیان بود. عمان تا سال ٥٤۹ زیرفرمان آل جلند و از آن پس زیرفرمان آل نبهان.

شام: بین صلیبیون (رجوع بصفحه ٣٦) و اسمعیلیه و سلاجقه (تا سال ٥١١) و امرای بوری که مرکز حکومتشان دمشق بود (٤۹۷ تا ٥٤۹) و ارتقیه و اتابکان زنگی که مرکزحکومتشان حلب بود (٥٢١ تا ٥۷۹) وایوبیان بعداز ٥۷۹ مورد نزاع بود.

آسیای‌صغیر: تاسال ٥٢۹ بین روم شرقی(نواحی‌ساحلی) و ارمنستان وسلاجقه روم (قسمت‌های‌داخله که‌پایتختشان قونیه بود) و امرای دانشمندیه در ارتفاعات شرقی قسمت شد (سلاجقه بقسمت متصرفی روم یورش آوردند ولی از آنها جلوگیری شد سال ٥٠٤ تا ٥١١). سال ٥٢۹ تا ٥٣٢ ارمنستان باطاعت روم شرقی درآمد. بین روم وسلاجقه و امرای دانشمندیه مورد نزاع واقع شد. سال ٥٣٢ تا ٥۷٦ درسال ٥۷٦ امرای دانشمندیه را سلاجقه مطیع کردند. بعداز سال ٥۷٦ بین روم وسلاجقه قسمت شد (صلیبیون از آن عبورکردند سال ٥٨٥-٥٨٦).

قفقازیهٔ جنوبی: تاسال ٥٣١ زیر فرمان سلاجقه. سپس بین گرجیان مسیحی که مرکزشان تفلیس بود و امرای مسلمان آذربایجان و خلاط و سرکردگان محلی‌که درکوهستانهای قفقازیه و حدود باکو میزیستند قسمت گردید.

عراق: بین صلیبیون که مرکزشان رها بود (تا سال٥٣۹) و بنی مزید که مرکزشان حله بود (تا سال٥٤٥). و سلاجقه (تا سال ٥۹١) و ارتقیه که مرکزشان دیار بکر بود (بعدازسال٥۹٤) و امرای‌زنگی که مرکزحکومتشان موصل بود (بعدازسال ٥٢١) و امرای بکتکین که مرکز حکومتشان اربیل بود(بعداز سال ٥٣۹) و ایوبیان(بعدازسال٥٨١) و اتابکان خلاط و کردستان وخلفای عباسی (تحت تسلط بنی‌مزید تا ٥٤٥وسلاجقه سال ٥٤٥-٥۹١ و خوارزمشاهیان بعداز سال ٥۹١) مورد نزاع بود.

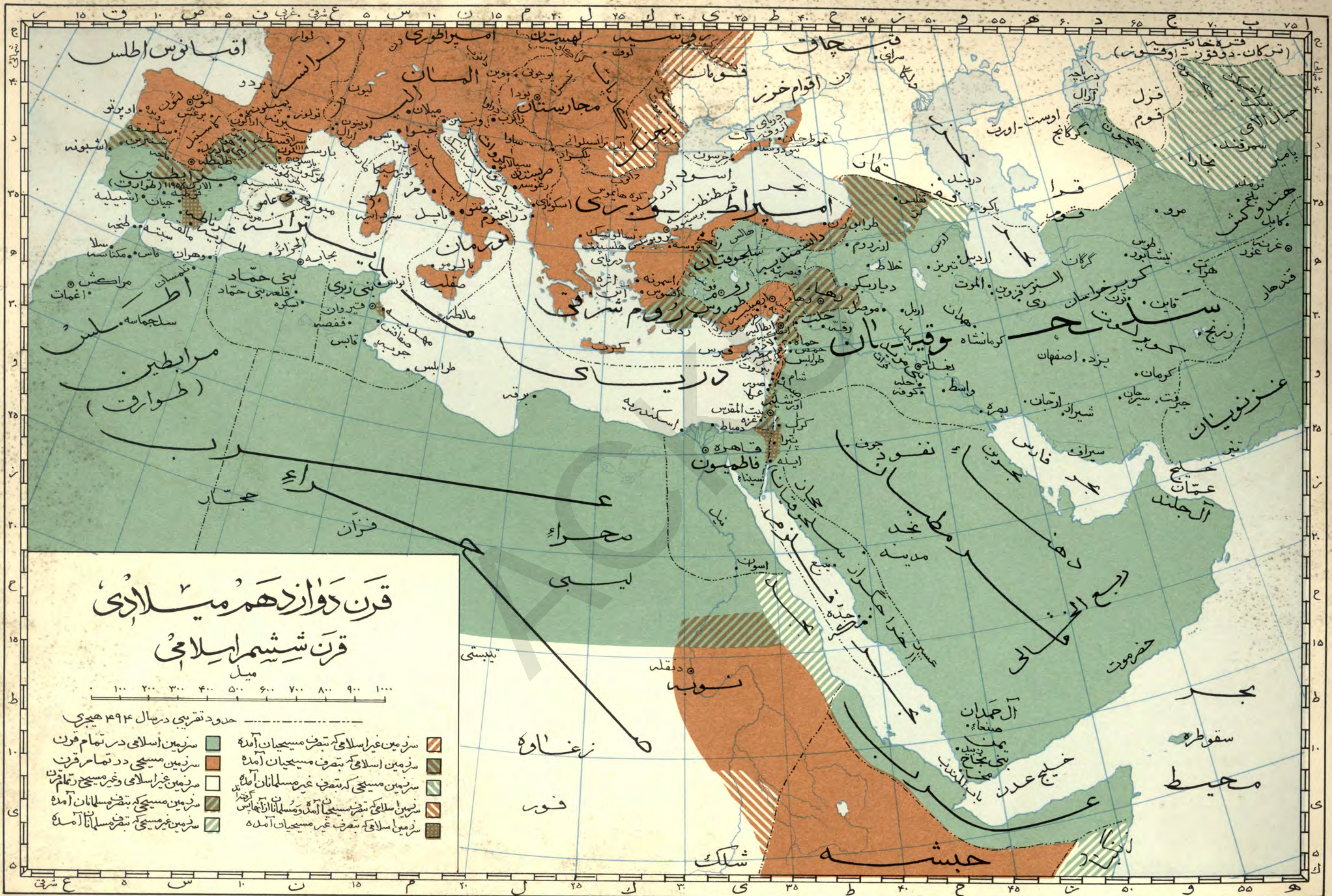
ایران: موردنزاع بین سلاجقه (تا سال ٥۹١) وغزنویان (تا سال ٥٤٤) و اتابکان آذربایجان (بعد از سال ٥٣١) و خوارزمشاهیان (بعداز سال ٥٣٣) و سلغریان فارس (بعدازسال٥٤٣) و امرای هزار اسپی لرستان (بعد از سال ٥٤٣) و غوریان(بعدازسال ٥٤٤)و اسمعیلیه الموت. خراسان تا سال ٥٣٣ زیر فرمان سلاجقه. سال ٥٣٣ تا ٥٦۹ زیر فرمان خوارزمشاهیان‌که مرکز حکومتشان گرگانج بود و (ازسال ٤۷٠ ازطرف سلاجقه فرمانروائی داشتند). بعداز سال ٥٦۹ بین خوارزمشاهیان و غوریان مورد نزاع بود.

افغانستان: تا سال ٥٦۹ زیر فرمان غزنویان (غوریان درسال٥٤٦غزنه را سوزانیدند). بعدازسال٥٦۹ زیرفرمان غوریان و بعدازسال ٥٤٤ مستقل گردید.

ماوراءالنهر: تا سال ٥٣٢ زیرفرمان سلاجقه و از سال ٥٣٢ تا ٥٤٥ بین سلاجقه و قراختائیان مورد نزاع بود و سپس زیر فرمان قراختائیان قرار گرفت.

چند کلمه درباب نیروی دریائی مسلمین:

هرچند عربستان و ایران درساحل اقیانوس هند و شام و مصر درساحل مدیترانه جای دارند اعراب و ایرانیان هیچگاه در دریانوردی استعداد نظامی خودرا بروز نداده اند. راست است‌که درقرون اولیه اسلامی مسلمین قبرس وجزائر دیگر را مورد حمله قرارداده و یا تصرف نمودند ولی این گونه حملات را مشکل است از جنگهای دریائی بشمار آورد. علت این امر فقدان استعداد دریانوردی در آنان نبود زیرا ملاحان عرب از آغاز امرآبهای مشرق را دور زده با هندوستان و چین تجارت منظم داشته‌اند اما آنها کشتی را وسیله و اسبابی میدانستند‌که باید جنگجویان در تاخت و تاز سواحل و غارت‌کردن شهرها از آن استفاده کنند. راهزنان دریائی عرب بمعمول دریانوردان شمال اروپا چندین قرن موجب وحشت مدیترانه باختری بودند ولی وقتی‌که جنوا و پیزا و ونیس، شهرهای معروف ایطالیا، بحریه خود را تکمیل‌کردند دست اعراب از تهدید و بوحشت انداختن اهالی آن حدودکوتاه شد و جای آنها را بحریه غیر منظم عثمانی گرفت که تشکیل میشد ازسفاین راهزن‌که ممالک بربریان شمال افریقا پایگاه آنها بود این راهزنان دریائی درشکار کردن کشتی‌ها مهارت داشتند ولی از جنگ و رزم دریائی اجتناب میکردند.



قرن دوازدهم میلادی
قرن ششم اسلامی
میل
۰ ۱۰۰ ۲۰۰ ۳۰۰ ۴۰۰ ۵۰۰ ۶۰۰ ۷۰۰ ۸۰۰ ۹۰۰ ۱۰۰۰
حدود تقریبی در سال ۴۹۴ هجری
سرزمین اسلامی در تمام قرن
سرزمین مسیحی در تمام قرن
سرزمین غیر اسلامی و غیر مسیحی در تمام قرن
سرزمین مسیحی که بتصرف مسلمانان آمده
سرزمین غیر مسیحی که بتصرف مسلمانان آمده
سرزمین غیر اسلامی که بتصرف مسیحیان آمده
سرزمین اسلامی که بتصرف مسیحیان آمده
سرزمین مسیحی که بتصرف غیر مسلمانان آمده
سرزمین اسلامی که بتصرف مسیحیان آمده و مسلمانان از آنها پس گرفته اند
سرزمین اسلامی که بتصرف غیر مسیحیان آمده
اقیانوس اطلس
فرانسه
المان
مجارستان
روسیه
قبچاق
اقوام خزر
امپراطوری روم شرقی
سلجوقیان
دریای روم
فاطمیون
قاهره
اسکندریه
بیت المقدس
صحراء
محراء لیبی
مرابطین (طوارق)
نجد
مدینه
بحر محیط
خلیج عدن
حبشه
نوبه
غزنویان
فارس
بغداد
اصفهان
یزد
کرمان
سقوطره
حضرموت
زغاوه
فور

قرن سیزدهم میلادی — قرن هفتم هجری

اول ژانویهٔ ۱۲۰۱ - ۳۱ دسامبر ۱۳۰۰ مطابق ۲۳ ربیع‌الاول ۵۹۷ - ۱۸ ربیع‌الثانی ۷۰۰ هجری.

قرن سیزدهم که قرن هجوم و استیلای مغول است هم برای مسلمانان و هم برای مسیحیان قرنی است شوم و نفرت‌انگیز. اینکه این سیل بلا چگونه رو بمغرب براه افتاد و اروپای شرقی را ویران ساخت و بدریای آدریاتیک رسید و چندین قرن باعث عقب‌ماندگی روسیه شد، در نقشه نشان داده شده است و در اینجا احتیاجی بذکر آن نیست.

آنچه از این بلیه بتاریخ اسلام ارتباط پیدامیکند این است که چون هجوم مغول بجنوب باختری سرازیر گردید سراسر ممالک اسلامی را از مرز رود جیحون گرفته تا حد قزل ایرماق و فرات لگدکوب کرد. در اندك زمانی سلسله‌ها برافتادند مردم پایمال و قتل و عام شدند شهرها و کاریزها ویران گشتند تمدنها و فرهنگها را بطور کامل و قطعی و از روی قصد نابود ساختند.

امواج پیاپی وحشیان بی‌رحم و غارتگر هرنوع مقاومتی را از بین برد و فقط «ممالیك» درمقابل آنها ایستادگی نمودند عربستان و افریقا و البته اسپانیا هم نجات یافتند.

مسلمانان اسپانیارا بلاهای دیگر درکمین بود ومتصرفات آنها بقدری کوچك و محدود گردید که منحصر شد بآنچه را که بنی‌نصر در تصرف داشتند و مرکزآنها غرناطه بود. در شمال افریقا امپراطوری موحدین بسه قسمت تجزیه شد که مدام دیوانه‌وار باهم جنگ و ستیز داشتند. صلیبیون قسطنطنیه‌را غارت کردند وبتونس و مصر تاخت و تاز نمودند ولی از تعرض بفلسطین دست نگاهداشتند. سلاطین ممالیک که درمقابل مغولها ایستادگی کرده بودند، حدود ونواحی شامات‌را ازوجود اسمعیلیه و صلیبیون پاك نموده و جای ایوبیان مصر را گرفتند. سلاجقهٔ روم که خود دست‌نشاندگان مغول‌ها بودند در بیرون کردن سپاهیان روم شرقی از آسیای صغیر کوشش فراوان بکار بردند ولی عاقبت خود آنها نیز ببلای تجزیه گرفتار آمدند.

قرن سیزدهم قرنی بود آکنده از آشوبهای سیاسی. هجوم مغول زمانه را دگرگون ساخت. خلافت عباسیان که بیش از پنج قرن دوام آورده بود بدست هلاکو نوادهٔ چنگیز در سال ۶۵۷ واژگون گردید و دستگاه خلافت درهم فروریخت. جانشینان هلاکو بنام ایلخانان که فرمانروای ایران شدند درسال ۶۹۵ دین اسلام را برای خود اختیار کردند و باین‌علت این ناحیه برای همیشه از تسلط اسلام خارج نشد. اما خرابی‌های حاصله بآسانی ترمیم نیافت و ناحیهٔ حاصلخیز فرات‌ودجله که تمدنهای بسیار را حیات داده بود و رونق بخشیده بود هنوزهم شکوه و جلال دورهٔ عباسیان را باز نیافته است. بهرحال پیشرفت فرهنگ و تمدن مسلمانان جای خود را باروپای باختری داده اما بازفن ترجمه رواج داشت و مغزهای با استعداد بکلی از میان نرفته. بود درعلوم طبیعی ابن بیطار گیاه‌شناس وخواجه نصیرطوسی ریاضی دان و فیلسوف (۱) وقطب‌الدین شیرازی فیزیك دان و منجم (۲) در علوم اجتماعی یاقوت و ابن اثیر (۳) و جوینی مورخ (۴) و حمدالله مستوفی جغرافی‌دان (۵) و ابن خلکان شرح حال نویس (۶).

در بشر دوستی سعدی‌شاعر و جلال‌الدین رومی فیلسوف وجود داشتند که در هرقرنی و هرتمدنی باشند آنرا ممتاز میسازند و رونق و صفا می‌بخشند.

در اروپا

اسپانیا: بین مسیحیان و موحدین (تا سال ۶۳۳) و امراء محلی مسلمین (که پس از سقوط اشبیلیه درسال ۶۴۶ منحصر شد بسلطنت غرناطه) مورد نزاع بود.

قفقازیه: ناحیهٔ دربند (باب‌الابواب) را ایلخانان تصرف نمودند.

در مدیترانه

جزائر بالئار: تاسال ۵۹۸ زیرفرمان امراء مسلمین. سال ۵۹۸ تا ۶۲۷ زیر فرمان موحدین. سال ۶۲۷ تا ۶۳۱ اراگن‌ها آنجارا متصرف شدند. (درمنورقه ازسال ۶۳۱ تا ۶۸۶ دست نشاندهٔ مسلمان اراگن‌ها فرمانروائی داشت).

در افریقا

مراکش: تا سال ۶۶۸ زیر فرمان موحدین که با بنی مرین کشمکش داشتند بود و از آن‌پس زیر فرمان بنی مرین قرارگرفت.

الجزائر باختری: تا سال ۶۳۴ زیر فرمان موحدین وسپس زیرفرمان بنی زیان که مرکزحکومتشان تلمسان بود. (بعدازسال ۶۳۴ با بنی حفص و بعدازسال ۶۶۹ با بنی مرین کشمکش داشتند).

الجزائر خاوری وتونس وطرابلس: تا سال ۶۲۸ زیرفرمان موحدین (ولی با بنوغانیه کشمکش داشتند). سپس زیر فرمان بنی حفص که مرکز حکومتشان تونس بود. (صلیبیون زیر فرمان لوئی نهم فرانسه درسال ۶۶۹ سه‌ماه سرپلی درآنجا داشتند).

صحرا: عشایر مسلمین درشمال و سیاهان مالی (در جنوب باختری) وعشایر بت پرست (در جنوب خاوری) آنجارا متصرف بودند.

افریقای خاوری: سواحل را مسلمین در تصرف داشتند. نوبهٔ شمالی را ممالیك فتح نمودند.

سیرنائیك ومصر: تاسال ۶۴۸ زیرفرمان ایوبیان که مرکزحکومتشان قاهره بود (اسماً تا سال ۶۵۰). ازسال ۶۴۸ ببعد زیر فرمان ممالیك بحری (صلیبیون بسرکردگی ژان دوبرین و لوئی نهم فرانسه بدمیاط و دلتای نیل از سال ۶۱۵ تا ۶۱۸ و از ۶۴۶ تا ۶۴۸ حمله کردند).

در آسیا

عربستان: حجاز تاسال ۶۵۰ زیر فرمان ایوبیان سپس خراجگزار ممالیك بحری. یمن زیر فرمان یك تیره از ایوبیان تاسال ۶۲۶. سپس زیر فرمان ائمه رسولی (که بحضرموت نیز فرمانروائی داشتند). ساحل خاوری زیر فرمان بنی نبهان. داخلهٔ آنجارا قبایل عرب متصرف بودند.

شام: تا سال ۶۵۹ بین ایوبیان و اسمعیلیه وصلیبیون (رجوع بصفحهٔ ۳۶) قسمت شده بود. ممالیك بحری که درسال ۶۵۹ مغولهارا در «عین جالوت» شکست داده بودند جای ایوبیان‌را گرفتند. بعدازسال ۶۵۹ زیر فرمان ممالیك بحری (اسمعیلیه درسال ۶۷۱ و صلیبیون درسال ۶۹۱ از بین رفتند. حمص تا سال ۶۶۱ و حماة تا سال ۶۹۸ زیرفرمان یك تیره از ایوبیان).

آسیای صغیر: تا سال ۶۰۱ بین روم شرقی وسلاجقه قسمت شده بود. فتح قسطنطنیه بدست صلیبیون درسال ۶۰۱ باعث شد که آسیای صغیر تابع روم شرقی بین لاتین‌ها (بی‌تی‌نیا) ویونانی‌ها (نیقیه وطرابوزان و جاهای دیگر) و سلاجقه قسمت شود. سال (۶۰۱-۶۲۰) بین مسیحیان و سلاجقه مورد نزاع بود. از سال ۶۲۰-۶۶۰ بین مسیحیان وسلاجقه و امرای قره‌مان که مرکز حکومتشان قونیه بود (سلاجقه که از طرف مغول حکومت داشتند بعد ازسال ۶۴۲). درسال ۶۶۰ فرمانروائی روم شرقی دوباره درآنجا برقرار شد و تنها طرابوزان استقلال خود را حفظ کرد. سال ۶۶۰-۶۹۹ بین روم شرقی و طرابوزان و سلاجقه و قره‌مان و مغول قسمت شد (بعد از ۶۹۱ قزل احمدلی که مرکز آنها سینوپ بود مستقل شدند). سال ۶۹۹-۷۰۰ بقیةالسیف سلاجقه بچند امیرنشین تجزیه گردید که عبارت بود درسال ۶۹۹ ازقره‌سی وعثمانی و جرمیان وحمید وتکه ودرسال ۷۰۰ ازمنتشا وایدین.

قفقازیهٔ جنوبی: گرجستان زیر فرمان مسیحیان که مرکز حکومتشان تفلیس بود (قسمت جنوبی‌را بعد ازسال ۶۴۳ تا ۶۵۱ مغول‌تصرف کرد). ارمنستان تا سال ۶۰۴ زیر فرمان امراء آذربایجان و ازسال ۶۰۴ تا ۶۱۷ زیر فرمان یك‌تیره از ایوبیان و ازسال ۶۱۷ تا ۶۵۴ زیر فرمان مغولهای آسیای مرکزی و سپس زیر فرمان ایلخانان.

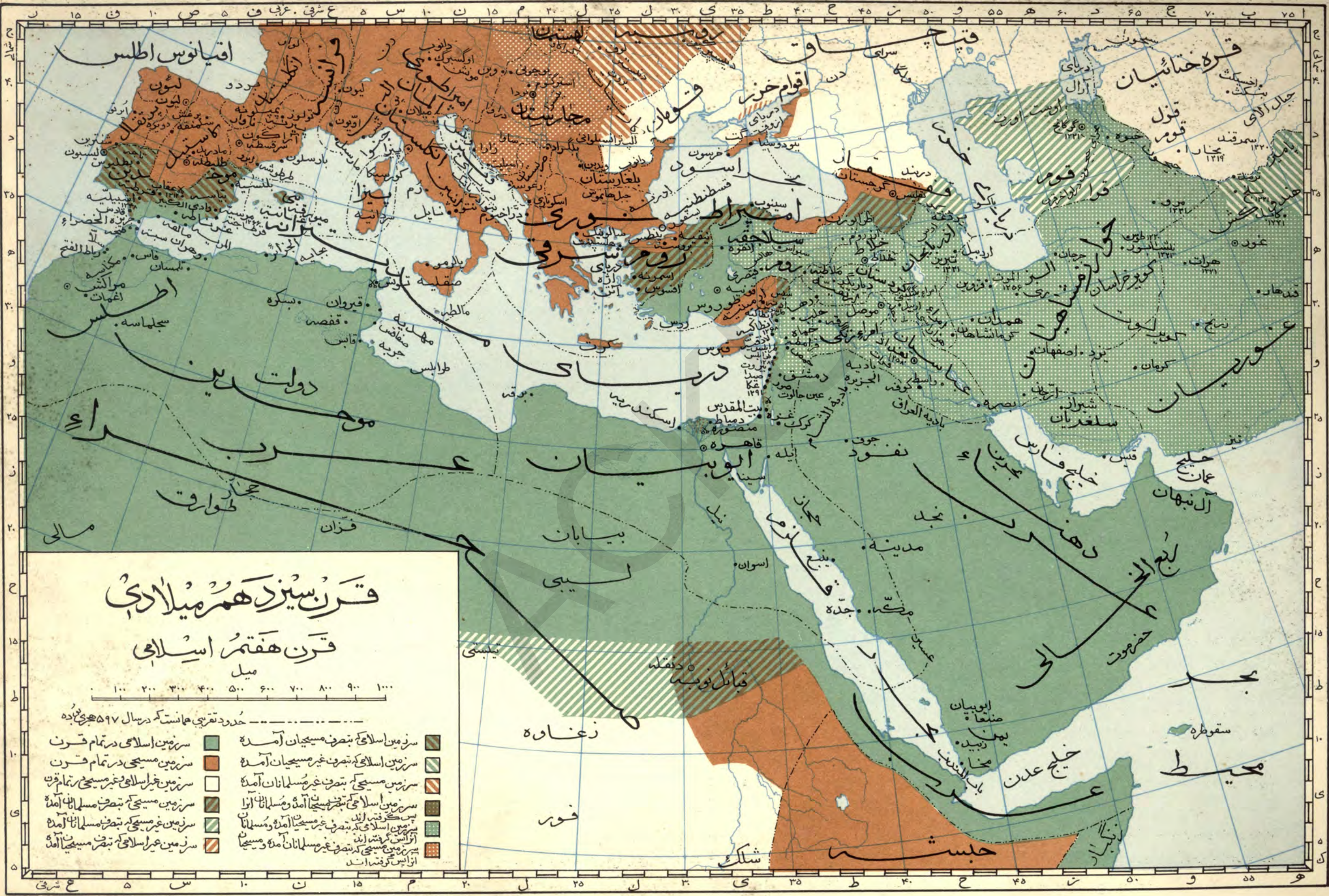
عراق: مورد نزاع بین یك تیره از ایوبیان (تا سال ۶۴۳) و اتابکان زنگی که مرکز حکومتشان موصل بود (تا سال ۶۳۷) و امرای بکتگین که مرکز حکومتشان اربل بود (تا سال ۶۳۰) و ارتقیه که مرکز حکومتشان دیار بکربود (تا سال ۶۲۹) و اتابکان بکتیمورکه مرکز حکومتشان خلاط بود (تا سال ۶۰۴) و اتابکان کردستان و امراء لؤلؤ که مرکز حکومتشان دیار بکر بود (سال ۶۲۹-۶۶۱) و خلفای بنی عباس که مرکز خلافتشان بغداد بود تا هجوم‌مغول درسال ۶۵۶ و سپس زیر فرمان ایلخانان مغول.

ایران: جنوب باختری را سلغریان فارس (تا سال ۶۸۶) و لرستان را امرای هزار اسپی در تصرف داشتند. قسمت عمده بین اتابکان آذربایجان و خوارزمشاهیان و غوریان تا هجوم مغول قسمت شده بود تا اینکه در سالهای ۶۱۷-۶۲۹ زیر فرمان مغولان درآمد. از ۶۲۹ تا ۶۵۴ زیر فرمان مغولان آسیای مرکزی و ازآن‌پس زیر فرمان مغولان ایلخانی (که در ۶۵۴ اسمعیلیهٔ الموت را از بین بردند و خوددرحدودسال ۶۹۵ اسلام پذیرفتند). بعدازسال ۶۱۹ کرمان زیر فرمان قتلغ خانیه (۷) که دست نشاندهٔ مغولها بودند. خراسان: خوارزمشاهیان که مرکز حکومتشان گرگانج بود (تا سال ۶۰۳ باغوریان مورد نزاع بود) تا سال ۶۱۷-۶۱۸ که مغولها زیر فرمان چنگیزخان هجوم آوردند. سپس تا سال ۶۵۲ زیرفرمان مغولان آسیای مرکزی بعد ازآن زیر فرمان ایلخانان (سال ۶۵۲ تا ۶۶۴ هلاکوخان نوادهٔ چنگیزخان).

افغانستان: زیرفرمان غوریان‌بود (مرکزشان‌غور). خوارزمشاهیان آنرا ازتصرف غوریان بیرون‌آوردند ۶۰۳-۶۱۲، ۶۱۲-۶۱۸ زیر فرمان‌خوارزمشاهیان. سال ۶۱۸ تا ۶۴۳ زیر فرمان مغول سپس زیرفرمان آل کرت که مرکزشان هرات‌بود.

ماوراءالنهر: تاسال ۶۱۷ زیر فرمان قراختائیان (بخارا وسمرقند درسال ۶۰۷ بتصرف‌خوارزمشاهیان‌درآمد) سال ۶۱۶-۶۱۷ چنگیزخان آنجا را تسخیر کرد وسپس‌ازسال ۶۲۵ ببعد زیر فرمان خاندان چغتای (۸) درآمد.

ACKU



قرن سیزدهم میلادی
قرن هفتم اسلامی
میل
۰ ۱۰۰ ۲۰۰ ۳۰۰ ۴۰۰ ۵۰۰ ۶۰۰ ۷۰۰ ۸۰۰ ۹۰۰ ۱۰۰۰
حدود تقریبی همانست که در سال ۵۹۷ هجری بوده
سرزمین اسلامی در تمام قرن
سرزمین مسیحی در تمام قرن
سرزمین غیر اسلامی و غیر مسیحی در تمام قرن
سرزمین مسیحی که بتصرف مسلمانان آمده
سرزمین غیر مسیحی که بتصرف مسلمانان آمده
سرزمین غیر اسلامی که بتصرف مسیحیان آمده
سرزمین اسلامی که بتصرف مسیحیان آمده
سرزمین اسلامی که بتصرف غیر مسیحیان آمده
سرزمین مسیحی که بتصرف غیر مسلمانان آمده
سرزمین اسلامی که بتصرف مسیحیان آمده و مسلمانان از ایشان پس گرفته اند
سرزمین اسلامی که بتصرف غیر مسیحیان آمده و مسلمانان از ایشان گرفته اند
سرزمین مسیحی که بتصرف غیر مسلمانان آمده و مسیحیان از ایشان گرفته اند
اقیانوس اطلس
قبچاق
قره ختائیان
بحر اسود
مجارستان
بلغارستان
قسطنطنیه
گرجستان
قبرس
صقلیه
مراکش
اغمات
تلمسان
قیروان
قفصه
قابس
طرابلس
برقه
اسکندریه
دمیاط
قاهره
بیت المقدس
دمشق
بغداد
بصره
همدان
اصفهان
یزد
شیراز
کرمان
هرات
قندهار
سمرقند
بخارا
مرو
نیشابور
دولت موحدین
طوارق
فزان
مالی
بیابان
لیبی
اسوان
نیل
دنقله
زغاوه
فور
نجد
مدینه
مکه
جده
یمن
صنعاء
زبید
مخا
حضرموت
آل نبهان
خلیج فارس
خلیج عدن
سقوطره
بحر محیط
حبشه

قرن چهاردهم میلادی قرن هشتم هجری

اول ژانویه ۱۳۰۱-۳۱ دسامبر ۱۴۰۰ میلادی مطابق ۱۹ ربیع‌الثانی ۷۰۰ - ۱۴ جمادی الاول ۸۰۳ **هجری.**

اگر از لحاظ حملهٔ مغول علامت و نشان قرن سابق تخریب و تباهی باشد درقرن چهاردهم از این‌جهة که مغولان دین اسلام را پذیرفتند درسود و زیان این قرن و قرن گذشته تعادلی ایجاد گردید. اول ایلخانان ایران وسپس در حدود سال ۷۴۱ قبایل سیراردو در روسیه و ترکستان مسلمان شدند و ترکستان با اینکه چندبار از مسلمانی دست‌کشید باز امروز از ملت های اسلامی است. در اواخر این قرن یک نفر مسلمان از اهالی ماوراءالنهر که امیرتیمور نام داشت و خود را نوادهٔ چنگیز میدانست قدرتی پیدا کرد که از چین تا روسیه بسط یافت و ایران وعراق را چنان ویران نمود که اتلاف نفوس و اموال هم کیشان مسلمان او بدست او از آنچه بدست نیاکان بت‌پرست او واقع شد کمتر نبود. فقط در پایان این قرن دوسپاه نیرومند مسلمان یکی ممالیک در شام و دیگری عثمانی درآسیای صغیر اندکی عرصه را بر او تنگ کردند. درطول این قرن دولت عثمانی تمام بازماندگان سلاجقهٔ روم را یا بزور وفشار یا بوسیلهٔ ازدواج با آنها محو و مستهلک نمود وآسیای صغیررا پایگاه عملیات خود ساخته ناحیهٔ جدیدی‌را که شبه‌جزیرهٔبالکان باشد درحوزهٔ اقتدار مسلمین درآورد وبآسانی سرکردگان محلی و مجاهدین صلیبی را که از جانب مسیحیان وحشت زدهٔ مغرب زمین فرستاده شده بودند مقهور ساخت و بقیةالسیف دولت روم شرقی را که درقسطنطنیه وجود داشت با چند فقره استحکامات دیگر محصور کرد و مهیا شد که آنها را هم تسخیر کند که ناگهان تیمور از مرز خاوری سر بیرون آورده آل عثمان را مورد تهدید و تعرض قرار داد.

تحولات سیاسی اسلام در جاهای دیگر اهمیتی نداشت علوم و آداب اسلامی نیز برتری خود را از دست داده بود. شخصیت های ممتاز و با نبوغ منحصرشده بودند در باختر بابن خلدون مورخ وفیلسوف و ابن خطیب مؤلف وسیاستمدار و ابن بطوطه جهانگرد و در ممالک مرکزی اسلامی ابوالفدا تاریخ‌نویس و نویری دانشمند و العمری جغرافی دان ودر کشورهای خاوری خواجه رشیدالدین فضل‌الله و حمدالله مستوفی مورخ و خواجه شمس‌الدین حافظ شاعر. اما حجم وکیفیت کار این شخصیت‌ها با مقایسهٔ بمعاصرین‌مسیحی‌آنها ویا مسلمانان صدراسلام ناتوان وناچیز بود فقط درطب و ریاضیات مسلمانان این قرن بازسرآمد بودند.

مقدمهٔ خارق‌العادهٔ ابن خلدون را هم میتوان آخرین تعاون بزرگ مسلمانان بتمدن جهان محسوب کرد.

در اروپا

اسپانیا : بین مسیحیان (۹۵٪ شمالی) و بنی‌نصر که مقرشان غرناطه‌بود قسمت شد.

بالکان : تمام اراضی جنوب خطی که از رود ساوا تا دانوب امتداد دارد و افلاق‌وهمچنین جزایر ایونیه بعدازسال ۷۵۶ باطاعت عثمانی گردن نهادند جزقسطنطنیه و سالونیک و آتن و داخلهٔ آنها وقسمتی از موره و ساحل خاوری دریای ادریاتیک که عثمانی‌هامختصر نفوذی درآنجا داشتند.

روسیه : ایلخانان و تیموریان ناحیهٔ دربند (باب‌الابواب)را در تصرف داشتند. دشت ها (استپ‌ها) زیرفرمان‌مغولان قپچاق سیراردوکه پس ازسال ۷۴۱ مسلمان شده‌بودند.

در مدیترانه

مسلمین فعالیت مهمی دراین ناحیه نداشتند.

درافریقا

مراکش : بنی‌مرین که مرکز آنها مراکش بود (تطوان را اسپانیا درسال ۸۰۲ غارت‌کرد) .

الجزایر باختری : بنی‌زیان در تلمسان‌که بابنی‌مرین نزاع داشتند.

الجزایر خاوری وتونس وطرابلس : بنی‌حفص که مقر آنان تونس بود درسال ۷۴۸ و ۷۵۸ بنی مرین و درسال ۷۹۳ صلیبیون بسرکردگی لوئی دو بوربون به مهدیه حمله‌کردند.

سیرنائیك : اسماً مطیع ممالیک بود و درواقع قبایل عرب آنجا را متصرف بودند.

صحرا : قبایل مسلمین (درشمال) وسیاهان مالی (جنوب باختری) وعشایر بت‌پرست متصرف بودند.

افریقای خاوری : بت‌پرستان سومالی آنجا را متصرف بودند. قبایل نیل علیا بدین اسلام درآمدند.

مصر : ممالیک بحری که مرکزشان قاهره بود تاسال ۷۸۴و۷۹۲-۷۹۳. ممالیک برجی که آنها نیز مرکزشان قاهره بود سال ۷۸۴-۷۹۲ و بعد ازسال ۷۹۳ (اسکندریه را صلیبیون بسرکردگی پیردولوزینیان غارت‌کردند درسال ۷۶۷) .

در آسیا

عربستان : حجاز تا سال۷۸۴ خراجگزارممالیک بحری‌سپس‌خراجگزار ممالیک برجی. یمن وحضرموت زیرفرمان‌ائمهٔ رسولی‌که مرکزشان صنعا بود. ناحیهٔ خاوری عربستان زیر فرمان سلاطین عمان وغره. داخلهٔ عربستانرا قبایل عرب متصرف بودند.

شام : تا سال ۷۸۴-و۷۹۲-۷۹۳ زیر فرمان ممالیک بحری (حماة زیر فرمان یک تیره از ایوبیان ۷۱۰-۷۴۲). زیر فرمان ممالیک برجی درسال ۷۸۴-۷۹۲ و بعد ازسال ۷۹۳.

آسیای صغیر :تاسال۷۲۷ بین روم شرقی و طرابوزن و ارمنستان وامیرنشین‌های‌مسلمان و ایلخانان قسمت‌شده بود (درسال ۷۰۲ کیلیکیه را ممالیک بحری فتح کردند. صاروخان بعدازسال ۷۱۳ از ایدین جدا شد) عثمانی درسال ۷۲۷ تا۷۳۸ متصرفات روم‌شرقی‌را متصرف شد.عثمانی‌درسال۷۳۷ قره‌سی‌را تصرف کرد .سال۷۳۸تا ۷۵۰مابین‌طرابوزن وایلخانان و بقیةالسیف امیرنشین ها قسمت شد.(درسال ۷۴۵ مسیحیان‌ازمیر را از ایدین گرفتند). متصرفات ایلخانان را سال ۷۵۰ قرمان ازمیان برد. بین طرابوزن و امیرنشین‌ها قسمت شد. سال ۷۵۰-۷۹۳ (عثمانی‌حمید را درسال ۷۸۴ بدست آورد). جرمیان و صاروخان و ایدین و منتشا و تکه را عثمانی درسال ۷۹۳ فتح کرد.قرمان درسال ۷۹۵ وقزل‌احمدلی در۷۹۶ بتصرف عثمانی درآمد. بعدازسال ۷۹۶ قسمت شد بین ممالیک کیلیکیه ومسیحیان طرابوزن وازمیر و چند جای کوچک و عثمانی. ترکمانان درارتفاعات خاوری باقی ماندند.

قفقازیهٔ جنوبی: تا سال ۷۳۷ بین مسیحیان گرجستان و ایلخانان مغول قسمت‌شده بود (در ۷۰۲ و همچنین بعداز آن تاریخ مورد تعرض ایوبیان واقع شد) متصرفات مغول زیر فرمان آل جلایرسال ۷۳۷-۷۸۰. زیر فرمان قره قویونلو سال ۷۸۰-۷۹۴ .تمام قفقازیهٔ جنوبی باستثنای آخرین قسمت شمال باختری که در تصرف مسیحیان گرجی بود بعد از سال ۷۹۴ بتصرف امیرتیمور درآمد.

عراق: تا سال ۷۳۷ زیر فرمان ایلخانان، سال ۷۳۷-۷۸۰ مورد نزاع بین آنها وآل جلایر. سال ۷۸۰-۷۹۶ مورد نزاع بین‌آل جلایر و قره قویونلو و آق‌قویونلو. بعدازسال ۷۹۶ زیرفرمان امیرتیمور .

ایران : تا سال۷۰۳ بین‌ایلخانان و قره‌ختائیان قتلغ‌خانی کرمان وامرای‌هزار اسپی‌لرستان‌مورد نزاع .سال۷۰۳-۷۱۳ بین ایلخانان و امرای هزاراسپی . درسال ۷۱۳ - ۷۳۷ بین ایلخانان و امرای هزار اسپی و آل‌مظفر (که درفارس وکرمان‌وکردستان‌بودند) وسال ۷۳۷-۷۴۰ بین ایلخانان وامرای هزاراسپی‌وآل‌مظفروآل‌جلایر(در آذربایجان وعراق). وسال ۷۴۰-۷۵۰ بین‌ایلخانان وآل‌مظفر وآل‌جلایر وسال۷۵۰-۷۸۴ بین آل‌مظفر وآل جلایر مورد نزاع بود.بعدازسال ۷۸۴شمال‌ایران‌را امیرتیمورتصرف‌کرد (در۷۹۶ آل‌مظفر ازبین رفتند. آل‌جلایر بنیابت از امیرتیمور بفرمانروائی خودادامه دادند) . خراسان تاسال۷۳۸زیرفرمان‌ایلخانان .سال۷۳۸-۷۸۳ سربداران که مرکزشان‌سبزوار بود .سپس‌زیرفرمان امیرتیمور.

افغانستان : تا سال۷۹۲ زیرفرمان امراء کرت که مرکزشان هرات‌بود (سال ۷۸۳-۷۹۲ زیرفرمان امیرتیمور) وازآن پس زیر فرمان مغولان دست نشاندهٔ امیر تیمور.

ماوراءالنهر: تا سال ۷۶۰ زیرفرمان اولوس جغتای (تقریباً تا سال ۷۴۱که مسلمان شدند بت‌پرست بودند). ۷۶۰-۷۷۱ درحال هرج ومرج. بعد از۷۷۱ زیر فرمان تیموریان که مسلمان بودند. ۷۷۱-۸۰۷ زیرفرمان امیر تیمور.

ترکستان : اسلام بسرعت بین ترکان و مغولان دشت‌های آسیای مرکزی شیوع پیداکرد.

ACKU

قرن چهاردهم میلادی

قرن هشتم اسلامی

میل

۰ ۱۰۰ ۲۰۰ ۳۰۰ ۴۰۰ ۵۰۰ ۶۰۰ ۷۰۰ ۸۰۰ ۹۰۰ ۱۰۰۰

- - - - - حدود تقریبی در سال ۷۰۰ هجری

- سرزمین اسلامی در تمام قرن
- سرزمین مسیحی در تمام قرن
- سرزمین غیر مسیحی و غیر اسلامی در تمام قرن
- سرزمین مسیحی که بتصرف مسلمانان آمده
- سرزمین غیر مسیحی که بتصرف مسلمانان آمده
- سرزمین غیر اسلامی که بتصرف مسیحیان آمده
- سرزمین اسلامی که بتصرف مسیحیان آمده
- سرزمین اسلامی که بتصرف غیر مسیحیان آمده
- سرزمین مسیحیان که بتصرف غیر مسلمانان آمده

قرن پانزدهم میلادی   قرن نهم هجری

اول ژانویه ١٤٠١ - ٣١ دسامبر ١٥٠٠ میلادی مطابق ١٥ جمادی‌الاولی ٨٠٣ - ٩ جمادی‌الثانیه ٩٠٦ هجری

قرن پانزدهم باغلبهٔ امیرتیمور در آنقره برعثمانیان آغاز گردید وبا ظهور صفویهٔ شیعی مذهب ایران که درسال ٩٠٦ بوقوع پیوست پایان یافت. امیرتیمور پایگاه آسیای‌صغیر امپراطوری عثمانی را کوبیده و ویران ساخت و عثمانیان قسمت عمدهٔ این قرن را بترمیم آن خرابیها که کاری خطیر و مهم بود صرف کردند و قسطنطنیه را در سال ٨٥٧ تسخیر نمودند، توسعهٔ امپراطوری ومتصرفات آن‌را در اروپا پی‌ریزی کردند. اما صدمه‌وزیانی که ازمغولان تیموری بایران رسید بآسانی وبزودی جبران نشد و ایرانیان از عهدهٔ ترمیم آن خرابیها برنیامدند و در تمام این قرن مغولان و ترکمانان و ایرانیان روی این خرابه‌ها باهم بزد وخورد و کشمکش پرداختند و سرانجام دودمان صفویه غالب آمدند. خاندان صفوی پیروانی داشتند بسیار متعصب بمذهب‌شیعه وبمسلک صوفی وبنام قزلباش وباهم مانند برادر صمیمی و وفادار بودند. ولی از سمت‌شمال خاوری‌آنها دشمنی نابکار که ازبکان‌بودند برخاسته برای صفویه دردسرفراهم آوردند. ازبکان آخرین جماعت مهاجمی بودند که از دشت‌های شمالی بسمت جنوب سرازیر گردیدند و برماوراءالنهر استیلا یافتند و تاقرن نوزدهم میلادی که روسها آنها را تار و مار کردند در آن منطقه استیلای آنها برقرار بود.

در نقاط دیگر از ممالک اسلام حادثهٔ مهمی در این قرن بوقوع نرسید جز فتح غرناطه درسال ٨٩٨ هجری‌بدست مسیحیان اسپانیا. این واقعه دستگاه‌حکومت درخشان مسلمین‌را که تقریباً هشت قرن بطول‌انجامید بیکباره درهم پیچید.

مصرهمچنان در زیرحکومت ممالیک‌برجی بود. سومالی‌های افریقای‌خاوری بدین‌اسلام درآمدند و از این رهگذر این‌منطقه دوباره در حوزهٔ ممالک اسلامی قرارگرفت و درهمان هنگام که اسپانیا و پرتقال درسواحل مراکش در پایگاههائی مستقر میشدند دولتهای افریقای شمالی باز بزدوخوردهای کوچک و کشمکش‌های بی‌اهمیت سرگرم‌بودند. غیراز پیشرفتی که در بالکان نصیب عثمانیان شد قرن پانزدهم برای اسلام چه‌از لحاظ سیاسی و چه از لحاظ نظامی قرن خوشی نبود. در تمام رشته‌های علمی و فلسفی اروپا آشکارا جلو افتاد هرچند که مورد تصدیق مسلمین نباشد. در مصر زمان حکومت ممالیک مختصر نهضتی در معماری و تاریخ نویسی که پیشقدمان آن مقریزی وابن تغری بردی و سیوطی (١) بودند پیدا شد ولی این نهضت و تجدید حیات نه پایدار ماند و نه شیوع و رواج پیدا کرد.

در اروپا

اسپانیا : تا سال ٨٩٨ بین مسیحیان و پادشاهان بنی‌نصر (مرکزشان غرناطه) قسمت شده بود سپس مسیحیان آنرا متصرف شدند.

ایطالیا : در سال ٨٨٥-٨٨٦ عثمانی اوترانتو را تصرف کرد.

بالکان : ونیس‌جزائر ایونیه را از تصرف عثمانی بیرون آورد. بوسنه و صربستان و افلاق باختری از دست عثمانی بیر ون رفت ولی دوباره آنها را بدست آورد. سالونیک (٨٣٤) و قسطنطنیه (٨٥٧) و آتن(٨٦١) و باقیماندهٔ موره (٨٦٥/٦) و آلبانی را عثمانی تسخیر کرد. در ولایات جنوبی دانوب (که عمدهٔ آنها بلگراد وراگوسا بود) فقط چند پایگاه در تصرف مسیحیان باقی ماند.

روسیه : خانان قرم بنیابت از عثمانی درسال ٨٨٠ متصرفات ژن را درقرم (کریمه) و دریای‌آزوف بدست‌آوردند. داخله قسمت شد بین خان نشینهای مسلمان قرم (بعداز سال ٨٢٣) و هشترخان (بعداز ٨٤٢) و سیراردو. داغستان را ترکمانان آق قویونلو متصرف گردیدند.

در مدیترانه

جزائراژه : عثمانی‌ها که بجزائرشمالی‌استیلا یافته بودند نمایندگان ژن و روم شرقی‌را اخراج کردند. جزائرجنوبی بدست سرداران سن ژان (که مرکزشان ردس بود و درسال ٨٨٥ با حملهٔ عثمانیها مقاومت کردند) افتاد.

قبرس : مستقل بود تا سال ٨٢٨-٨٣٠ که ممالیک آنرا تسخیر ومجبور کردند گاه بگاه بآنها باج دهد (درسال ٨٩٥) به ونیس واگذارشد.

در افریقا

مراکش : تا سال ٨٧٠ زیر فرمان بنی مرین سپس زیر فرمان بنی وطاس. وزراء (٢) سال ٨٢٣-٨٧٠ در آنجا استقرار داشتند. پرتقال، آسفی و آزمور و طنجه و سبته را تصرف نمود و درسال ٨٧٥ ملیله بتصرف اسپانیا درآمد.

الجزائر : بین بنی زیان (مرکزشان تلمسان) و بنی حفص قسمت شده بود ولی بنی‌زیان بتدریج برمتصرفات خود می‌افزودند و بالاخره تمام الجزائر را متصرف گردیدند.

تونس وطرابلس : بنی حفص که با سرکردگان عرب نزاع داشتند تونس را متصرف بودند.

سیرنائیك وصحرا : دردست قبائل‌بادیه نشین‌مسلمان(درشمال) و سیاهان سنغای (درجنوب باختری)وبت‌پرستان.

افریقای خاوری : سومالی ها باسلام گرویدند حکومت مسلمانان بر تمام سواحل دوباره برقرار شد و تا صفاله (٢٠ درجه جنوبی) بسط پیدا کرد. اولین گروه پرتقالی بریاست واسکودوگاما درسال ٩٠٤ وارد آنجا شد.

مصر : در دست ممالیک برجی که مرکزشان قاهره بود.

در آسیا

عربستان : حجاز خراجگزار ممالیک برجی. یمن تا سال ٨٥٠ زیر فرمان ائمهٔ رسولی. سال ٨٥٠-٨٥٩ بین ائمهٔ رسولی و طاهریان مورد نزاع و سپس زیر فرمان طاهریان. سواحل زیرفرمان حکمرانان محلی. داخله را قبائل عرب تصرف داشتند.

شام : زیر فرمان ممالیک برجی (درسال ٨٠٤ مورد حملهٔ امیر تیمور واقع گردید. حلب و دمشق وبسیاری از شهرهای کوچک غارت شد و در حقیقت بصورت ویرانه درآمد).

آسیای صغیر : تا سال ٨٠٥ بین مسیحیان اسمرنه (ازمیر) وطرابوزن و ممالیک کیلیکیه وعثمانی قسمت شده بود. امیرتیمور در سال ٨٠٥ عثمانی‌را درآنقره شکست داد. اسمرنه درسال ٨٠٥ بوی تسلیم شد. امیرنشین ها درسال ٨٠٦ بتصرف او درآمد. عثمانی سال ٨٠٨-٨٣٢ بتدریج آنها را پس گرفت جزقره‌مان و قزل احمدلی. سال ٨٣٢-٨٦٥ قسمت شد بین طرابوزن و عثمانی و قره‌مان و قزل احمدلی. سال ٨٦٥ قزل احمدلی را عثمانی از میان برد. سال ٨٦٦ طرابوزن فتح شد. سال ٨٦٦ قسمت شد بین عثمانی و قره‌مان. ٨٦٦-٨٧٦، زیرفرمان عثمانی بعد از ٨٧٦، ارتفاعات خاوری زیر فرمان ترکمانان ذوالقدر.

قفقازیهٔ جنوبی : تا سال ٨٠٨ بین مسیحیان گرجستان وتیموریان قسمت‌شده بود. سال ٨٠٨-٨٧٢ سهم تیموریان بین گرجستان و قره‌قویونلو قسمت شد. سهم ترکمانان زیر فرمان آق قویونلو بعد از سال ٨٧٢ (آق قویونلو پنج بار به گرجستان تاخت و تازنمودند).

عراق : تا سال ٨٠٨ زیر فرمان تیموریان. سال ٨٠٨-٨١٤ زیر فرمان آل جلایر. سال ٨١٤-٨٧٤ مورد نزاع بین قره‌قویونلو و آق‌قویونلو. سال ٨٧٤-٩٠٦ زیر فرمان آق‌قویونلو. ٩٠٦-٩٠٨ مورد نزاع بین آق قویونلو وصفویه.

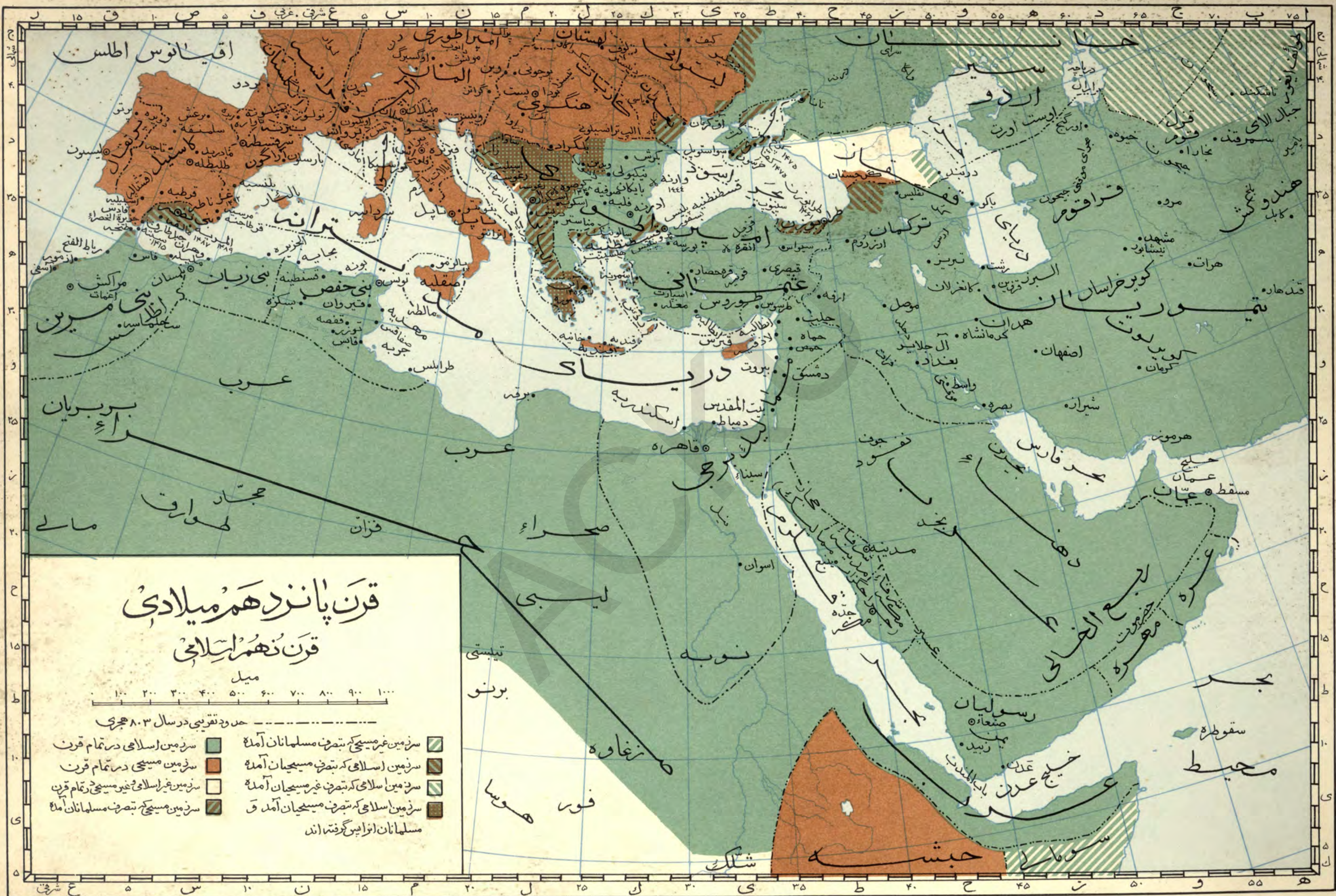
ایران : تا سال ٨١٤ زیر فرمان تیموریان. آل جلایر بنیابت از تیموریان. سال ٨١٤-٨٥٧ مورد نزاع بین تیموریان و قره‌قویونلو. سال ٨٥٧-٨٧٤ مورد نزاع بین تیموریان و قره قویونلو و آق‌قویونلو و سال ٨٧٤-٩٠٦ مورد نزاع بین تیموریان و آق‌قویونلو وسال ٩٠٦-٩٠٨ مورد نزاع بین صفویه و آق‌قویونلو و امراء لارستان.

خراسان و افغانستان : تا سال ٩٠٠ زیر فرمان تیموریان سال ٩٠٠-٩٠٦ در حال هرج و مرج سپس زیر فرمان ازبکها.

ماوراءالنهر : تا سال ٩٠٠ زیر فرمان تیموریان سال ٩٠٠-٩٠٦ در حال هرج و مرج سپس بین ازبکهای مسلمان و قزاقهای بت پرست قسمت شد.

ترکستان : قزاقان بت‌پرست هجوم آورده آنرا از دست مسلمانان بیرون آوردند وبین قبایل مغول و ترکانی که در صحرا بودند ومسلمانان شهرنشین هرچند که از لحاظ تمدن باهم اختلاف بسیار داشتند ارتباط برقرارگردید. گاهی غلامانی از ترکان بسلاطین مسلمان فروخته میشدند واین‌غلامان درزمرهٔ قراولان خاصهٔ سلاطین درآمده چنان‌لیاقت نشان‌میدادند که خود بمقام سلطنت میرسیدند مانند غزنویان و ممالیک و سلاطین ممالیک دهلی. گاهی طایفه‌ای از یورت خود کوچ نموده بمنطقهٔ حکمرانی مسلمانان‌می‌آمدند و فرمانروا میشدند مانندسلجوقیان. یا بطور یورش سرزمینی را تسخیر کرده درآنجا می‌آمدند‌مانندمغولها. گاهی نیز طوایفی در نتیجهٔ فشاریکه پی در پی بآنها میرسید ناچار میشدند بسمت جنوب کوچ نمایند مانند ازبکها و قزاقها و قرغیزها. تمام این مهاجرتها و کوچ کردنها منتهی گردید باینکه افراد و اقوام آن قبایل بدین اسلام درآمدند.

ACKU



قرن پانزدهم میلادی
قرن نهم اسلامی
میل
۰ ۱۰۰ ۲۰۰ ۳۰۰ ۴۰۰ ۵۰۰ ۶۰۰ ۷۰۰ ۸۰۰ ۹۰۰ ۱۰۰۰
حدود تقریبی در سال ۸۰۳ هجری
سرزمین اسلامی در تمام قرن
سرزمین مسیحی در تمام قرن
سرزمین غیر اسلامی و غیر مسیحی در تمام قرن
سرزمین مسیحی که بتصرف مسلمانان آمده
سرزمین غیر مسیحی که بتصرف مسلمانان آمده
سرزمین اسلامی که بتصرف مسیحیان آمده
سرزمین اسلامی که بتصرف غیر مسیحیان آمده
سرزمین اسلامی که بتصرف مسیحیان آمد و مسلمانان از ایشان گرفته اند
اقیانوس اطلس
امپراطوری
آلمان
فرانسه
هنگری
لهستان
لیتوانی
کاستیل
آراگون
پرتغال
لیسبون
طلیطله
قرطبه
غرناطه
بنی زیان
بنی حفص
بنی مرین
مراکش
تلمسان
تونس
طرابلس
صقلیه
ناپل
سردانیه
دریای
برقه
اسکندریه
قاهره
دمیاط
بیت المقدس
دمشق
بیروت
حلب
حماه
حمص
قبرس
عثمانی
امپراطوری عثمانی
قسطنطنیه
ادرنه
بورسه
انقره
سیواس
قیصری
طرابزون
سینوپ
ترکمان
قره قویونلو
آق قویونلو
تبریز
موصل
بغداد
بصره
همدان
اصفهان
شیراز
کرمان
تیموریان
هرات
قندهار
مشهد
نیشابور
مرو
سمرقند
بخارا
تاشکند
خیوه
کابل
هندوکش
قراقوم
بلخ
باکو
دربند
تفلیس
گرجستان
دریای خزر
سیر
اردو
خانان
بحر فارس
هرموز
خلیج عمان
عمان
مسقط
نجد
مدینه
جده
مکه
رسولیان
صنعا
زبید
یمن
عدن
خلیج عدن
باب المندب
سقوطره
بحر محیط
ربع الخالی
حضرموت
مهره
صحراء
عرب
بربریان
لیبی
نوبه
اسوان
تیبستی
برنو
هوسا
مالی
زغاوه
حبشه
سومالی
شلک

قرن شانزدهم میلادی   قرن دهم هجری

اول ژانویه ۱۵۰۱ (تقویم قدیم) - ۳۱ دسامبر ۱۶۰۰ (تقویم جدید) میلادی مطابق دهم جمادی‌الثانی ۹۰۶-۲۴ جمادی‌الثانی ۱۰۰۹ هجری.

(قسمت عمدهٔ کشورهای اروپا تقویم ژولیان قدیم‌را ترک نموده تقویم گریگوری جدیدرا در سال ۱۵۸۲ پذیرفتند و ده روز را از ۵ تا ۱۴ اکتبر حذف کردند).

در میان تمام مسلمانان قرن شانزدهم میلادی مردی‌که اروپائیانرا بیش از همه تحت تأثیر خویش قرار دادسلطان سلیمان قانونی دهمین پادشاه عثمانی‌است(۱). پدرش سلیم‌خان اول (۲)ممالیک را متلاشی و نابود ساخت‌ومصر وعربستان باختری را بامپراطوری عثمانی ضمیمه کرد و خود او ردس و مجارستان را در اروپا و عراق و شمال باختری ایران را در آسیا تسخیر نمود و بر الجزائر و تونس و طرابلس و سیرنائیک در افریقاهم اسماً حکومت داشت. پسرش سلیم‌خان دوم (۳) قبرس‌را بآن فتوحات اضافه کرد و امپراطوری عثمانی در این قرن درقدرت و شهرت بآخرین نقطهٔ قوس صعود نائل گردید ولی در همین قرن هم اندك‌اندك بقوس نزول افتاد. در این قرن روسیه رقیب‌عثمانی میشد و بر حدود خود میافزود واز حدود دول اسلام میکاست. ایوان‌مخوف(۴) ناحیهٔ ولگا را رام ومطیع خودمیساخت‌ولی‌ازبکها که ازطرف صفویه‌بعقب‌رانده میشدند ازاین‌جهت که‌از قلمرو قزاقهای بت پرست‌میکاستند بر قلمرو کشورهای اسلامی‌میافزودند. ایران باصرارصفویه مذهب‌شیعه را که هنوزدر آن سرزمین‌تفوق دارد اختیارکرد (۵) ورشتهٔ مذهب تسنن‌ماوراءالنهر و افغانستان‌باسایر بلادی‌که‌مذهب‌تسنن داشتند جدا گردید. قبل ازسال ۹۰۶ شکاف بزرگی بموازات رودخانهٔ فرات عالم اسلامی را دو قسمت کرده بود. سرزمینهای جنوبی وغربی باعراب وبربرها تعلق داشت وآنچه‌که درشمال ومشرق بود از آن ترکها وایرانیان بود. ازسال ۹۰۶ به بعد دنیای اسلام چهار قسمت شد: مراکش بربر نشین ، امپراطوری عثمانی ، ایران ، مشرق . ارتباط مابین این قسمتها بی اندازه نقصان یافت.

این پیش آمد برای فرهنگ وتمدن عواقب وخیمی‌در برداشت زیرا بینش ایرانی دیگر درقلمرو اسلام نمیتوانست‌انگیزهٔ پیشرفت وترقی باشد و قبایل بادیه نشین مغول مأموریت تخریبی‌خودرا بطورکامل انجام داده برثروتمندترین ومترقی‌ترین قسمت‌های حوزهٔ اسلامی تاخت و تازهای خودرا کرده بودند.

اتفاقاً از لحاظ اقتصاد نیز در همین هنگام از جانب پرتقالیها تهدیدی بزرگ بکشورهای اسلامی متوجه گردید. و اسکودوگاما سال ۹۰٤ از راه دماغهٔ امید بهندوستان رسیده بود. در ظرف ده سال پرتقالی ها در طول ساحل خاوری افریقا (که‌هنوزهم موزامبیك را درآن حدود بتصرف دارند) پایگاههائی برقرار ساختند بسقوطره وعمان وهرموزهم دست انداختند ودرگوای‌هندوستان مستعمره‌ای‌که تاکنون فرمانروای آن هستند ایجادکردند و بدنبالهٔ این تاخت و تازها حبشه از تعرض آنان بی‌نصیب‌نماند واستیلای آنها به تنگهٔ مالاکا و چین و ژاپون هم رسید. در این خلال برزیل راکشف کردند و آنراهم از مستعمرات خود ساختند‌که تاکنون زبانشان در آنجا رواج دارد.

از نتایج جسارت و چابکی و پشتکار این حادثه‌جویان که از میان ملتی نورسیده وکوچك برخاستند تغییرجادهٔ تجارتی از شرق بدماغهٔ امید است‌که بعثمانی ضربت زد و ونیس را از پا درآورد.

در اروپا

اسپانیا: موریسك ها یعنی مسلمانان سابق مورد شکنجه وآزار اسپانیائی‌ها واقع شدند و این کار باعث شدکه اسپانیا غالباً درحال‌تشنج و شورش‌بسر‌برد. راهزنان دریائی تونس والجزائر، سواحل‌اسپانیارا مورد تاخت وتازقرارمیدادند. ناوگان عثمانی درسال ۹٤۷ بجبل‌الطارق حمله‌کرد.

فرانسه: در سال ۹۵۰ نیروی دریائی عثمانی‌که ازمتحدین فرانسه بود نیس را مورد تاخت وتازقرار داد و سال ۹۵۰-۹۵۱ زمستان را در تولون گذرانید.

ایطالیا: عثمانی اوترانتو را تصرف‌کرد سال ۹٤٤.

بالکان: متصرفات عثمانی با فتح قسمت عمدهٔ مجارستان و تمام خاك ملداوی توسعه یافت (رجوع بصفحهٔ ۳۸).

روسیه: قرم (کریمه) جنوبی و تنگهٔ کرچ زیر فرمان عثمانی.قرم شمالی و ناحیه دونتس را تاتارهای قرم‌که مسکورا درسال ۹۷۹غارت‌کردند متصرف گردیدند. خان نشین های حاج‌طرخان (آستارا خان) و قازان در سال ۹۶۰-۹۶۵ از تصرف مسلمانان بتصرف روسیه درآمد. داغستان زیرفرمان آق‌قویونلو و صفویه.

جزائر بالئار: راهزنان دریائی مسلمین درمدیترانه درسال ۹۶۹ بمیورقه حمله‌کردند.

صقیله: راهزنان دریائی ترك بسرکردگی خیرالدین (بربروسه) سواحل را غارت کردند.

مالطه: سرداران سن ژان بعدازسال ۹۳۷ آنجا را متصرف شدند (درسال ۹۵۸ و ۹۷۳ عثمانی بآنجا حمله‌کرد ولی بی نتیجه ماند).

جزائر اژه: در ۹۲۹ عثمانی ردس را ازتصرف سرداران سن‌ژان بیرون آورد. همچنین‌اندکی قبل‌از آن تاریخ و بعدازآن بقیهٔ‌آن مجمع‌الجزائر بچنگ عثمانی‌ها افتاد.

قبرس: درسال ۹۷۹ عثمانی آنرا از تصرف ونیس بیرون آورد.

در افریقا

مراکش: تا سال ۹۱۶ زیر فرمان بنی وطاس (۶) درسال ۹۱۶ - ۹۶۲ میان بنی وطاس و شرفاء مورد نزاع بعدازآن بین شرفاء سعدی‌که مرکزشان فاس ومراکش بود مورد نزاع (چند بندر و نقاط ساحلی را پرتقالی‌ها و اسپانیائی‌ها متصرف شدند).

الجزایر: تا سال ۹۱۰ زیرفرمان بنی‌زیان‌که مرکزشان تلمسان بود سال ۹۱۰-۹٦٤ بین بنی‌زیان و ترکها و اسپانیائی‌ها‌که وهران و نواحی مجاور آنرا تصرف‌کرده بودند مورد نزاع . بعدازسال ۹٦٤ راهزنان دریائی ترك اول آنجارا مورد تعرض قرار دادند سپس بعنوان کارگزاران دولت عثمانی آنجا را متصرف شدند.

تونس: تا سال ۹٤۱ زیر فرمان بنی حفص. درسال ۹٤۱-۹۸۲ بین بنی حفص و ترکها و اسپانیائی ها موردنزاع بود سپس ترکها بعنوان کارگزاران دولت عثمانی آنجا را متصرف گردیدند.

طرابلس: تا سال ۹۱۶ زیرفرمان بنی‌حفص .سال ۹۱۶-۹۳۷ اسپانیا آنجا را متصرف‌گردید. سال ۹۳۷-۹۵۹ سرداران سن ژان وسپس زیر فرمان دولت عثمانی درآمد.

سیرنائیك: تا سال ۹۲۸ قبائل عرب متصرف بودند سپس بامپراطوری عثمانی ملحق گردید.

صحرا: بعد از سال ۹۸۹ شرفاء سعدی ضبط و ربط ناحیهٔ باختری را بعهده گرفتند (تمبوکتو درسال ۱۰۰۰ تصرف شد).

افریقای خاوری: اعراب و سومالی ها سواحل را متصرف بودند. پرتقالی‌ها و حبشی‌ها آنجا را مورد تعرض قرار میدادند.

مصر: تا سال۹۲۳ زیرفرمان ممالیك برجی. سپس زیرفرمان عثمانی (ممالیك ازطرف آنها فرمانروائی داشتند).

در آسیا

عربستان: تا سال ۹۲۳ حجاز خراجگزار ممالیك و سپس خراجگزار عثمانی بود.یمن تا سال ۹۲۳ زیر فرمان طاهریان (خراجگزار ممالیك) و سپس زیرفرمان عثمانی‌که درسال ۹٤۵ درآنجا مستقر گردیدند و عدن در سال ۹٥٤ بتصرف‌آنها درآمد. داخلهٔ عربستان را قبائل عرب تصرف داشتند. عمان و سقوطره را سال۹۱۳ پرتقالیها متصرف شدند.

شام: تا سال ۹۲۲ زیر فرمان ممالیك سپس زیر فرمان عثمانی.

آسیای صغیر: زیرفرمان عثمانی. ذوالقدر و خاورآسیای صغیر درسال ۹۲۱ فتح شد.

قفقازیهٔ جنوبی: تاسال۹۰۸ بین‌مسیحیان گرجستان وترکمانان آق‌قویونلو قسمت شده بودسپس‌بین گرجستان‌وعثمانی وصفویه تا سال۹۹۹ مورد نزاع بعداز آن مسیحیان‌گرجستان وارمینیه‌که زیر تسلط عثمانی بودند آنجارا متصرف شدند.

عراق: تا سال ۹٤۱ زیر فرمان صفویه (تا سال ۹۰۸ با آق قویونلو نزاع داشتند). سال ۹٤۱-۹۶۳ بین صفویه و عثمانی مورد نزاع وسپس بتصرف عثمانی درآمد.

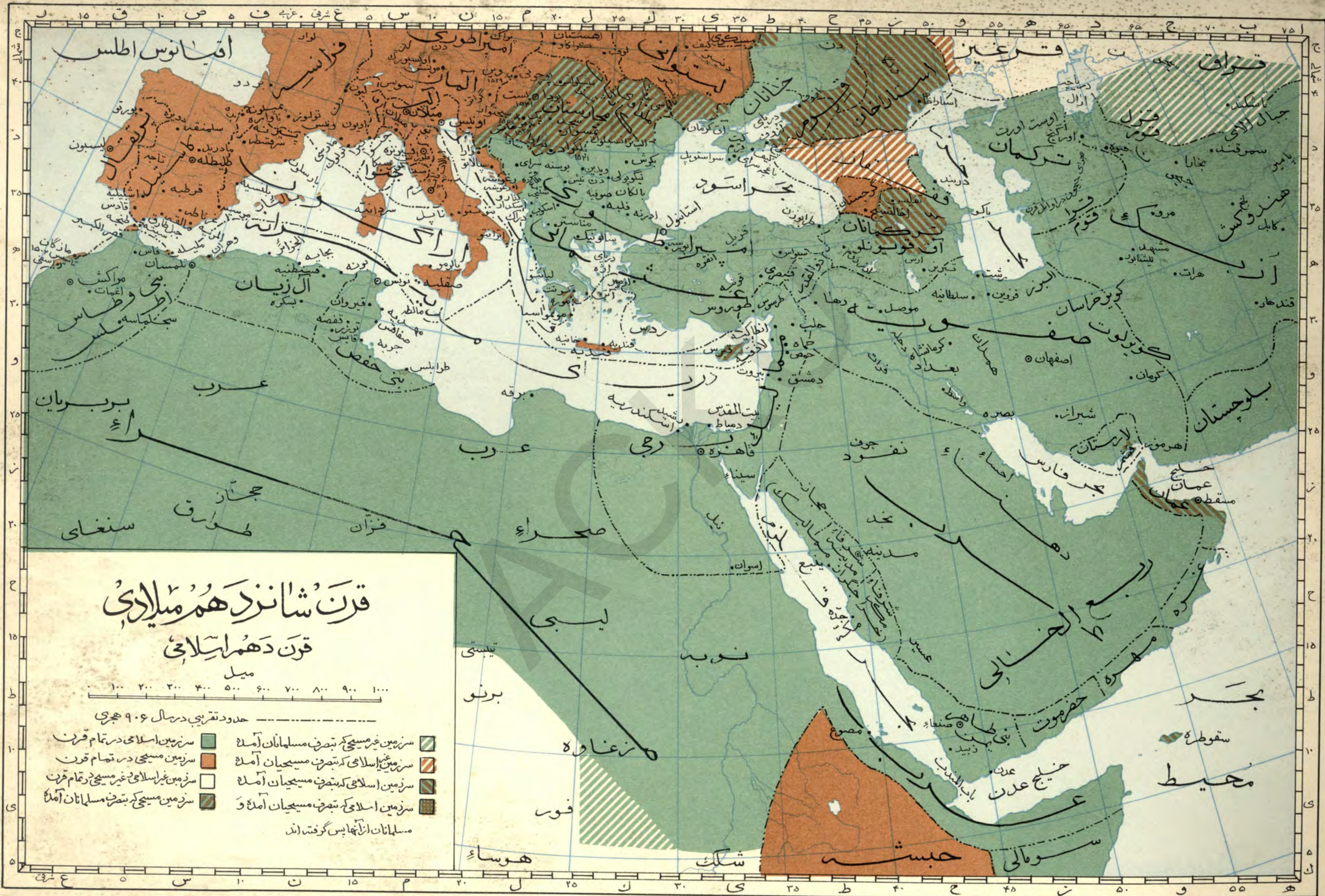
ایران: سال ۹۰٦-۹۰۸ بین صفویه و آق قویونلو و امرای لارستان مورد نزاع سپس زیرفرمان صفویه درآمد. سال۹۲۰-۹۹۹ بین صفویه وعثمانی موردنزاع بعدازآن بین صفویه و عثمانی قسمت شد (۵٪. شمال غربی) (جزیرهٔ هرموز و جزیره قشم بعدازسال ۹۱۳ بتصرف پرتقالیها درآمد).

خراسان و افغانستان: تاسال ۹۱۶ زیر فرمان ازبکها.سال۹۱۶-۱۰۰۷ بین ازبکها وصفویه مورد نزاع وسپس زیر فرمان صفویه (بعدازسال ۹۱۰ کابل را مغول های هندوستان متصرف گردیدند).

ماوراءالنهر: تا سال۹۲٤ بین ازبکها و قزاق‌ها قسمت‌شده بود سپس زیرفرمان ازبکها.شیبانی‌ها از۹۰۶ تا۱۰۰۸ (سال ۹٤۷ تا ۹۹۱ شعبه‌هائی ازآنهادر بخارا وسال ۹٦۸ تا ۹۸٦ در سمرقند) بعداز ۹۲۱خانان خیوه و بعداز۱۰۰۸ امرای جانی در بخا را.

ترکستان: بت‌پرستان قزاق متصرف بودند و عدهٔ کمی ازآنان در این قرن بدین اسلام گرویدند.

ACKU


قرن شانزدهم میلادی
قرن دهم اسلامی
میل
۰ ۱۰۰ ۲۰۰ ۳۰۰ ۴۰۰ ۵۰۰ ۶۰۰ ۷۰۰ ۸۰۰ ۹۰۰ ۱۰۰۰
حدود تقریبی در سال ۹۰۶ هجری
سرزمین اسلامی در تمام قرن
سرزمین مسیحی در تمام قرن
سرزمین غیر اسلامی و غیر مسیحی در تمام قرن
سرزمین مسیحی که بتصرف مسلمانان آمده
سرزمین غیر مسیحی که بتصرف مسلمانان آمده
سرزمین غیر اسلامی که بتصرف مسیحیان آمده
سرزمین اسلامی که بتصرف مسیحیان آمده
سرزمین اسلامی که بتصرف مسیحیان آمده و مسلمانان از آنها پس گرفته اند
اقیانوس اطلس
فرانسه
آلمان
امپراطوری
لیتوانی
قراق
ترکمان
صفویه
عثمانی
بحر اسود
عرب
صحراء
ربع الخالی
بحر محیط
حبشه
خلیج عدن
خلیج فارس
بلوچستان
لیبی
نوبه

قرن هفدهم میلادی   قرن یازدهم هجری

اول ژانویه ۱۶۰۱-۳۱ دسامبر ۱۷۰۰ میلادی مطابق ۲۵ جمادی‌الثانیه ۱۰۰۹-۲۰ رجب ۱۱۱۲ هجری.

قرن هفدهم باید دورهٔ آرامشی برای مسلمانان بشمارآید که پیش از غوغا و هیاهوی عصر جدید وجود داشته است. «ترک وحشتناک» هنوز فکر اروپا را بخود مشغول و متوجه میداشت اما این قرن آخرین قرنی بود که عثمانیان میتوانستند با سپاهیان اروپا از تمام جهات همسری نمایند. دیگر آنروزها که عثمانی بدون عقب‌نشینی پی در پی بفتح و ظفر نائل میگردید سپری گردیده بود. راست است که در نیمهٔ این قرن کرٔت فتح شد، پودولیا از لهستان گرفته شد، وین درسال ۱۰۹۵ محاصره شد، ولی باوجود تلاش وکوششی که عثمانیان برای نتیجه گرفتن از این محاصره بعمل آوردند بناکامی و شکست آنها منتهی گردید و از دست‌دادن مجارستان و پودولیا و موره را بدنبال خود آورد. از این پس عثمانی بجای تعرض و حمله حالت دفاع بخود گرفت. دست نشاندگان او تاتار های قرم حوضهٔ دن و دنتس را بامپراطوری نیرومند روس تسلیم کردند. دست نشاندگان دیگر آنها، در افریقای شمالی رفته‌رفته از اطاعت عثمانیان سرباز زده رایت استقلال بر افراشتند قبیله دروز شام جرأت پیدا کردند که آشکارا نافرمانی کنند امور اقتصادی و سیاسی داخلهٔ عثمانی دیگر درخشان و جالب توجه نبود. پیشرفت واقعی آنها منحصر شد بجنوب قفقاز و باختر ایران که صفویه بعقب رانده شدند و در نتیجه باهم آشتی کردند.

اما کشور هائی که درگوشه وکنار ممالک اسلامی بودند کمترضرر دیدند. در مراکش چند بندر را از پرتقالیها پس گرفتند. یک دولت در تمبوکتو دولتی که بر صحرا فرمانروائی داشت تأسیس یافت. در قسمت اعظم افریقای مرکزی نفوذ اقتصادی مسلمانان رخنه کرد و مردم آنجا را بدین اسلام درآورد. حبشه تاخت و تاز گردید. هرموز و سقوطره وعمان از پرتقالیها پس گرفته شد و از قسمت عمدهٔ متصرفاتشان در ساحل خاوری افریقا نیز بیرون رفتند.

در سمت خاور مغولها و ازبکها کماکان نفوذ واستیلا داشتند. عشایر وطوایف قزاق وقرغیز بالاخره در این قرن بحوزهٔ اسلام داخل شدند.

در اروپا

اسپانیا: بقیةالسیف مسلمانان سابق که فرنگی‌ها آنانرا (موریسکو) مینامیدند در سال ۱۰۱۸ از اسپانیا بیرون رانده شدند.

بالکان: پودولیارا عثمانی هم فتح کرد و هم از دست داد. مجارستان و موره از دست مسلمانان بیرون رفت (رجوع بصفحهٔ ۳۸).

روسیه: قرم (کریمه) جنوبی و تنگهٔ کرچ زیر فرمان عثمانی. قسمت شمالی قرم و نواحی پشت آن زیر فرمان تاتار های قرم که دست نشاندگان عثمانی بودند قرار داشت. روسیه درسال ۱۰۹۲ متصرفات شمالی و درسال ۱۱۰۷ آزوف را از تصرف آنان بیرون آورد. داغستان بین صفویه و دست نشاندگان عثمانی مورد نزاع. (درحدود سال ۱۰۸۱ قزاقها دربند را غارت کردند.)

در مدیترانه

کرت: (اقریطش) عثمانی آن را درسال ۱۰۵۵-۱۰۸۰ از ونیس گرفت و سپس زیر فرمان عثمانی درآمد.

جزائر اژه وقبرس: زیرفرمان عثمانی.

در افریقا

مراکش: تا سال ۱۰۶۹ زیر فرمان شرفاء سعدی سال ۱۰۶۹-۱۰۷۵ زمان فترت بعداز سال ۱۰۷۵ زیر فرمان شرفاء فلالی (چندشهرساحلی از پرتقال پس گرفته‌شد مابقی شهر ها در دست آنها یا اسپانیا باقی‌ماند. طنجه را سال ۱۰۷۳-۱۰۹۶ دولت انگلیس متصرف بود).

الجزائر: زیر فرمان امرای محلی که اسماً مطیع عثمانی بودند. بعد از سال ۱۰۸۲ زیر فرمان حکامی که بطور موروثی درآنجا حکومت میکردند. درسال ۱۰۹۶ فرانسه آنجا را بمباران کرد. وهران را اسپانیا متصرف شد.

تونس وطرابلس وسیرنائیک: زیرفرمان امرای محلی اسماً مطیع عثمانی. بعدازسال ۱۰۶۱ زیرفرمان حکامی که بطور موروثی در تونس حکومت داشتند.

صحرا: نفوذ اسلام را دستجاتی که تبلیغ دینی میکردند وسپاهیان و بازرگانان مسلمان که از جمله برده فروشان بودند تا جنوب صحرا رسانیدند. قسمت باختری را شرفاء سعدی تا سال ۱۰۲۱ ضبط و ربط میکردند از آن پس این منطقهٔ صحرا مستقل گردید وکرسی آنرا تمبوکتو قرار دادند.

افریقای خاوری: سواحل را اعراب ومسلمانان‌سومالی ازتصرف بت‌پرستان ومسیحیان حبشه خارج ساختند. پرتقالیها بتدریج پس از سال ۱۱۱۰ از سواحل بیرون رانده شدند.

مصر: ممالیک از جانب دولت عثمانی در آنجا حکومت میکردند.

در آسیا

عربستان: حجاز و احسا زیرفرمان عثمانی. عسیر و یمن تا سال ۱۰۳۸ زیر فرمان عثمانی. سال ۱۰۳۸-۱۰۴۵ درحال کشمکش. بعدازسال ۱۰۴۵ زیرفرمان ائمهٔ زیدی. داخله را عشایر عرب و سواحل را سلاطین محلی در تصرف داشتند. صفویه سقوطره را از تصرف پرتقال بیرون آوردند. مسقط درسال ۱۰۵۸ و عمان که بعد ازسقوطهرموز درسال ۱۰۳۲ اهمیت پیدا کرده بود درسال ۱۰۶۰ بتصرف صفویه درآمد.

شام: زیر فرمان عثمانی (نا فرمانی فخرالدین پاشا امیر دروز سال ۱۰۱۲-۱۰۴۵).

آسیای صغیر: زیر فرمان عثمانی.

قفقازیهٔ جنوبی: تا سال ۱۰۱۲ زیر فرمان مسیحیان گرجستان وارمینیه که خراجگزار عثمانی بودند. بین مسیحیان وعثمانی و صفویه سال ۱۰۱۲-۱۰۲۷ مورد نزاع. سال ۱۰۲۷-۱۰۴۵ زیر فرمان صفویه. سال ۱۰۴۵-۱۰۵۵ بین‌عثمانی و صفویه مورد نزاع. بعدازسال ۱۰۵۵ بین عثمانی و دولتهائی که تابع آنها بودند قسمت شد. (پس از سال ۱۰۷۵ بتاخت و تاز قزاقها تسلیم گردید).

عراق: زیر فرمان عثمانی (سال ۱۰۱۱-۱۰۴۸ صفویه برآن ادعا داشتند).

ایران: تا سال ۱۰۱۱ بین عثمانی و صفویه قسمت شد. سال ۱۰۱۱-۱۰۴۰ زیر فرمان صفویه (سال ۱۰۲۸ تبریز را صفویه از عثمانی پس‌گرفت) سال ۱۰۴۰-۱۰۴۸ بین صفویه و عثمانی مورد نزاع. بعدازسال ۱۰۴۸ بین دست نشاندگان عثمانی که درآذربایجان و لرستان بودند و صفویه مورد نزاع. هرموز وقشم را پرتقالیها در تصرف خود داشتند تا سال ۱۰۳۲ که ایرانیان و انگلیس‌ها پرتقالیهارا از آنجا بیرون کردند. خراسان زیر فرمان صفویه (مکرر مورد تعرض ازبکها واقع میشد) قراقوم را خانان ازبک که مرکزشان خیوه بود ضبط و ربط میکردند.

افغانستان: بین صفویه و مغولها قسمت شده بود (خانهای بلخ مکرر استقلال پیدا کردند. صفویه درسال ۱۰۳۵ قندهار را از مغولها گرفتند و در مقابل تعرضات مغولها پایداری کردند ۱۰۵۹-۱۰۶۴).

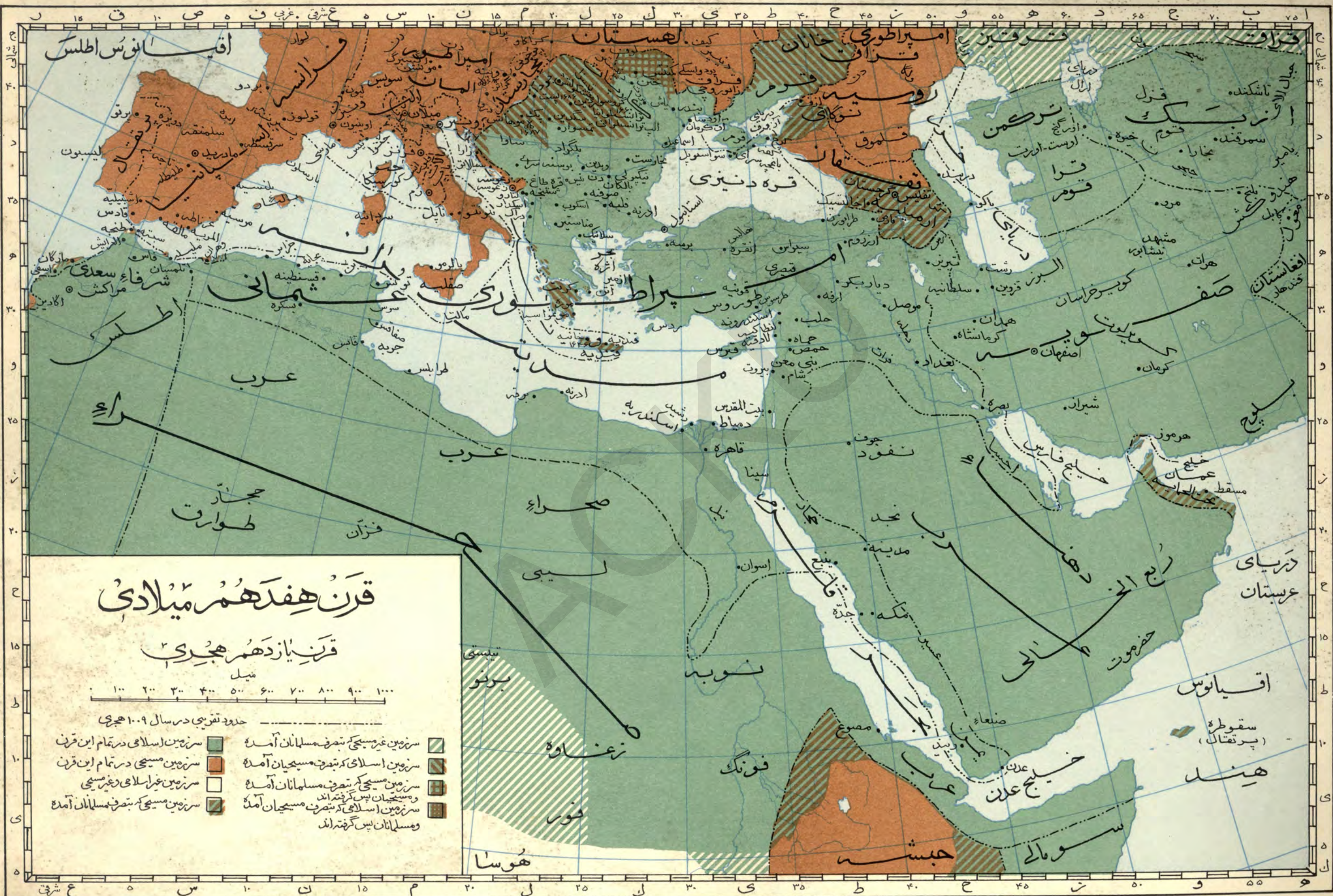
ماوراءالنهر: زیر فرمان ازبکها. بین خان‌نشین‌های خیوه و بخارا (که زیر فرمان امرای جانی بودند بعداز سال ۱۱۱۲) و خان‌نشین خوقند قسمت‌شد.

ترکستان: عشایر بت پرست قزاق و قرغیز مسلمان شدند ازبکان خوقند قزاقان را بشمال راندند.

چند کلمه در باب تقویم مسلمانان

سال مسلمین چنانکه از حضرت رسول منقول است سال قمری است مرکب از ۳۵۴ روز (یا ۳۵۵ روز در یازده‌سال هر دورهٔ سی ساله) و از این قرارسال قمری یازده روز پیش از سال شمسی‌آغاز میگردد و هرماه ممکن‌است در فصول مختلف و غیر معین واقع شود بهمین جهة گاهی ماه رمضان که مسلمین باید روزه دار باشند مصادف میشود با فصل تابستان. مدت شبانروز از غروب آفتاب آغاز و بغروب آفتاب روز دیگرختم میگردد وحساب تبدیل آنرا بتاریخ میلادی مشکل و پیچیده میکند. تاریخ مسلمانان بدستورعمر مبداء آن هجرت حضرت رسول است بمدینه که مصادف است با غروب روز ۱۵ ژوئیه ۶۲۲ میلادی. جدول تبدیل تاریخ هجری بمیلادی درصفحهٔ ۴۴ و ۴۵ نموده شده اما برای حساب سریع میتوان‌سال ۷۰۰ هجری را با سال ۱۳۰۰ میلادی برابر گرفت و برای هرنود وهفت سال میلادی صد سال‌هجری مقابل آن گذارد. سال قمری ۱۲ ماه و هرماه اغلب سی‌روز و بعضی ۲۹ روز است.

ACKU



قرن هفدهم میلادی
قرن یازدهم هجری
میل
۰ ۱۰۰ ۲۰۰ ۳۰۰ ۴۰۰ ۵۰۰ ۶۰۰ ۷۰۰ ۸۰۰ ۹۰۰ ۱۰۰۰
حدود تقریبی در سال ۱۰۰۹ هجری
سرزمین اسلامی در تمام این قرن
سرزمین مسیحی در تمام این قرن
سرزمین غیر اسلامی وغیر مسیحی
سرزمین مسیحی که بتصرف مسلمانان آمده
سرزمین غیر مسیحی که بتصرف مسلمانان آمده
سرزمین اسلامی که بتصرف مسیحیان آمده
سرزمین مسیحی که بتصرف مسلمانان آمده ومسیحیان پس گرفته اند
سرزمین اسلامی که بتصرف مسیحیان آمده ومسلمانان پس گرفته اند
اقیانوس اطلس
فرانسه
لهستان
قرقیز قزاق
روسیه
قرم
نوگای
قلموق
ترکمن
ازبک
قره دنیزی
امپراطوری عثمانی
صفویه
افغانستان
بلوچ
شرفای سعدی
مراکش
اطلس
عرب
صحراء
طوارق
لیبی
نوبه
فونگ
حبشه
سومالی
خلیج عدن
خلیج فارس
ربع الخالی
حضرموت
دریای عربستان
اقیانوس هند
سقوطره (پرتقال)
زغاوه
برنو
هوسا

قرن هیجدهم میلادی   قرن دوازدهم هجری

اول ژانویه ۱۷۰۱-۳۱ دسامبر ۱۸۰۰ میلادی مطابق ۲۱ رجب ۱۱۱۲-۱٤ شعبان ۱۲۱۵ هجری.

در قرن هیجدهم مانند قرن سابق مرزهای ممالک اسلامی چه بین ممالک اسلامی با ممالک مسیحی وچه بین خود ممالک‌اسلامی‌بالنسبه ثابت و بدون تغییر باقی ماند. عثمانی‌ها وتاتارهای‌قرم که‌دست‌نشانده آنهابودندبرای‌همیشه از روسیه بیرون رانده شدند. عثمانی‌ها آنچه‌را که دربالکان ازدست داده بودندیا پس گرفتند یا در جای دیگرتلافی وجبران کردند ازآن جمله است موره. دولتهای شمال افریقا که بکشورهای راهزنان دریائی معروف شده بودند عملاً استقلال یافته وسرگرم بودند بدفاع از خود درمقابل‌انتقامجوئی‌دول اروپائی که اموال‌شان به تاراج‌رفته واتباعشان باسارت درآمده بود. درمصر فتح سهل‌الحصول ناپلئون و شکست بحریه او و بیرون‌کردن انگلیس ها اورا از آنجا بخوبی نشان میداد که موقع تجزیهٔ امپراطوری عثمانی فرارسیده است.

ایران دورهٔ پرآشوبی را میگذرانید روسیه و عثمانی و افغان برای تصرف آن سرزمین بکشمکش پرداخته و طوایف خود ایران‌هم مثل افشاریه و زندیه وقاجاریه به‌جان یکدیگر افتاده بودند و سرانجام طایفهٔ قاجار پیشرفت‌کرد وبرتری یافت. درضمن انگلیسها، از پایگاه‌های‌تجارتی‌خود که درهورمز وبوشهر وبصره واقع شده بود، نفوذآرام وبی سروصدای اقتصادی خود را بسرعت در این ناحیه بسط میدادند و در همین اوان بود که تلاش نادرشاه در قبولانیدن مذهب تسنن بایرانیان با شکست قطعی روبرو گردید.

تاخت و تازه روسیه در حوزهٔ اسلامی منحصر باروپا و ایران نبود. قسمت اعظم دشت های قرغیز تسخیر شد وقسمتی ازآنها بتصرف کوچ نشینهای‌کشاورز درآمد و باین ترتیب برای نخستین بار در تاریخ دوران استفادهٔ چوپانی از این اراضی بسر آمد. این فتح انزوای‌خان‌نشین‌های ترکستان وماوراءالنهر و خراسانرا که با استقرار مذهب شیعه درایران شروع شده بود، تکمیل‌نمود و آنهارا درمقابل توسعه جوئی روسیه تنها و بیدفاع قرار داد. قرن هیجدهم که خاتمه یافت گرجستان ضمیمهٔ روسیه شد واین مقدمهٔ ضمیمه شدن قفقازیهٔ جنوبی بود.

نامهای تازه درصحنهٔ سیاست کشور های مسلمان خاوری پیداشد ازقبیل غلزائی و درانی در افغانستان ووهابی در عربستان. وهابی‌ها فرقه‌ای هستند دینی، دارای مذهب حنبلی که مقدرشده بود اول در اوضاع سیاسی آن حدود و سپس در اوضاع سیاسی جهان نقش مهمی داشته باشند.

در اروپا

بالکان: درسال ۱۱۲۸ عثمانی موره را از ونیز پس گرفت. چند نقطهٔ مرزی بتصرف مجارستان و روسیه درآمدکه برخی ازآنها پس گرفته شد. (رجوع بصفحهٔ ۳۸).

روسیه: درسال ۱۱۲۳ عثمانی آزوف را پس گرفت و درسال ۱۱۵۲ قلاع نظامی آنجا خلع سلاح شد و درسال ۱۱۸۸ بکلی‌ازدست‌عثمانی‌بیرون‌رفت.سال. ۱۱۵۰-۱۲۰۷ تمام متصرفات تاتارهاوترکها درخاور دنیستر بتصرف‌روسیه درآمد. (قرم‌را درسال ۱۱۹۸ روسیه متصرف گردید). داغستان بین امرای لزگی که مطیع عثمانی بودند وقاجار مورد نزاع بود. (درسال ۱۱۳٦ دربند و باکو را روسیه تصرف نمود. درسال ۱۱٤۸ قاجارها آنراپس گرفتند.)

در مدیترانه

کرت (اقریطش) وجزائر اژه وقبرس: زیر فرمان عثمانی.

در افریقا

مراکش: شرفاء فلالی در فاس و مراکش (سبته وملیله در تصرف اسپانیا. آگادیر و مغادور واسفی و مازگان را شرفاء فلالی از پرتقالی‌ها گرفتند).

الجزائر: زیر فرمان حکمرانان محلی (تا سال ۱۱۲۲ امرائی که اسماً مطیع عثمانی بودند حکومت میکردند سپس استقلال خود را اعلام داشتند). درسال ۱۱۱۸ اسپانیا از وهران اخراج شد. درسال ۱۱٤۵ اسپانیا آنرا پس گرفت و در سال ۱۲۰٦ الجزائر بکلی از دست اسپانیا بیرون رفت.

تونس: زیر فرمان حکمرانان محلی (تا سال ۱۱۱۷ حکمرانانی که اسماً دست نشاندهٔ عثمانی بودند درآنجا حکومت میکردند و از آن تاریخ ببعد زیر فرمان امرای حسینی‌عملاً استقلال داشت).

طرابلس: زیرفرمان حکمرانان محلی (تا سال ۱۱۲٦ حکمرانانی که‌اسماً مطیع عثمانی بودند درآنجاحکومت میکردند و از آن پس زیر فرمان امرای قرهمان که عملاً استقلال داشتند).

سیرنائیك: زیر فرمان عثمانی.

صحرا: قبایل عرب و بربر و تبو و طوارق و طوائف سیاهان آنجارا در تصرف‌داشتند. قسمت باختری زیرفرمان حکمرانان محلی که مقر حکومتشان تمبکتو بود تا سال ۱۱۹۵.

افریقای خاوری: سواحل مسلمان نشین تا جنوب صفاله زیر استیلای پادشاه مسقط (مسلمانان ممباسارا درسال ۱۱٤۳ از پرتقال‌پس گرفتندوفقط موزامبیک‌درتصرف پرتقال باقیماند). تمام قبایل نیل ابیض علیا بدین اسلام درآمدند

مصر: زیر فرمان عثمانی (سال ۱۱۸۰ - ۱۱۸۷ درحال شورش. دلتارا ناپلئون بناپارت درسال ۱۲۱۳ فتح‌کرد و با وجود شکستی که درابوقیر از نیروی دریائی نلسن خورد مدتی آنجارا درتصرف داشت).

در آسیا

عربستان: حجاز و احساء در تصرف عثمانی. درعسیر و یمن و حضر موت و عمان و سقوطره سلاطین محلی سلطنت میکردند (تا سال ۱۱۰٤ ایرانی‌ها عمان را متصرف‌بودند). داخله را قبایل عرب درتصرف داشتند. بعدازسال ۱۱۷۱ وهابی‌ها ظهور نموده کارشان بالا گرفت.

شام: زیر فرمان عثمانی (ناپلئون درسال ۱۲۱٤ ساحل فلسطین‌را مورد تعرض قرار داد. حیفا سقوط‌کرد ولی عکا تسلیم نشد و بیشتر قوای فرانسه بمصر عقب نشینی کردند).

آسیای صغیر: زیر فرمان عثمانی (حکمرانان محلی معروف به دره بیگی بعدازسال ۱۱۷۷ نیمه استقلالی‌داشتند).

قفقازیهٔ جنوبی: تاسال ۱۱٤۳ بین عثمانی وامرای دست نشاندهٔ لزگی آنها قسمت شده بود (بموجب قراردادی بعدازسال ۱۱۳۸ با روسیه قسمت شد). سال ۱۱٤۳-۱۱٤۷ مورد نزاع بین عثمانی و افشاریه. سال ۱۱٤۷-۱۲۱۵ بین عثمانی و حکمرانان ایرانی که متوالیاً درآنجا حکمرانی داشتند قسمت شده بود (حکام ایرانی زیر فشار انقطاع ناپذیرروسیه بودند. گرجستان شورش کرد ولی این شورش درسال ۱۲۱۲ ازطرف دولت ایران سرکوبی شد). درسال۱۲۱۵ گرجستان بروسیه ضمیمه گردید. قسمت باختری آن زیرفرمان عثمانی بود و قسمت جنوبی و نواحی خاوری زیرفرمان امرای محلی که خراجگزار دولت ایران بودند باقی ماند.

عراق: زیر فرمان عثمانی (در سال ۱۱٤٦ افشاریه بآنجا حمله‌کردند. بعد ازسال ۱۱۸٤ مرکزتجارتی انگلیسی در بصره برقرار گردید).

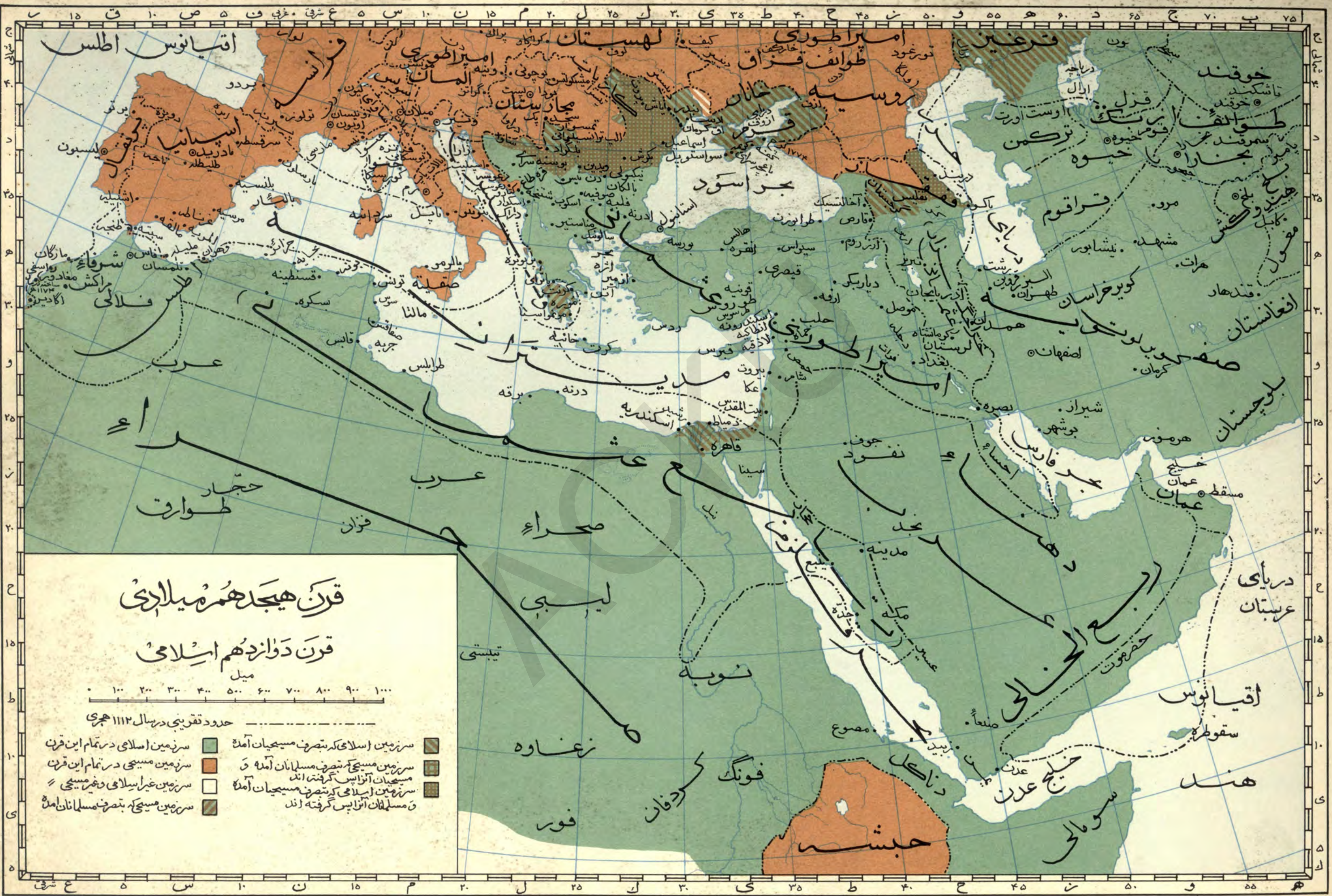
ایران: تا سال ۱۱۳۵ بین صفویه و دست نشاندگان عثمانی قسمت شده بود.سال ۱۱۳۵-۱۲۰۹ بین صفویه (تا سال ۱۱٤۹) و افغانان غلزائی (سال ۱۱۳۵-۱۱٤۳) وافشاریه (سال ۱۱٤۹-۱۱٦۵ نادرشاه درحقیقت ازسال۱۱۳۹ سلطنت میکرد)وزندیه که مقرشان شیراز بود (سال ۱۱٦٤-۱۲۰۹) (عثمانی تبریز را سال۱۱۳٤-۱۱٤۳ وهمدان‌وکرمانشاه را سال ۱۱۳۷-۱۱٤٦ تصرف‌کرد) وروسیه (درسال ۱۱۳٦-۱۱٤۵ اسماً بقسمت باختری و سواحل جنوبی بحر خزر حکومت میکرد اما بطور واقع درآن‌جا متصرف نبود) مورد نزاع بود. تجارت‌خانهٔ انگلیس‌درهرموز وپس‌از سال ۱۱۷۷ در بوشهر برقرار گردید. پس‌از سال۱۲۰۹ سلطنت قاجاریه درطهران (قاجاریه از سال۱۱۹۳ شورش گردند).

خراسان: تاسال ۱۱۳۵ زیر فرمان صفویه. سال ۱۱۳۵-۱۱۳۹ زیر فرمان افغانان غلزائی (که صفویه با آنها درکشمکش بودند). سال۱۱۳۹-۱۱٤۹ زیرفرمان‌صفویه. (افشاریه‌برآنجا تسلط داشتند). سال۱۱٤۹-۱۱٦٤ زیر فرمان افشاریه. سال ۱۱٦٤-۱۲۱۱ بین‌افشاریه‌وافغانان درانی‌وپس‌از آن‌بین قاجاریه وافغانان درانی قسمت شد. قراقوم را ازبکهای خیوه متصرف شدند (درسال ۱۱۵۳ اندك زمانی مطیع افشاریه بود).

افغانستان: تاسال۱۱۲۳ بین‌صفویه و مغولها وخانان بلخ قسمت شده بود (سال۱۱۲۱-۱۱۲۳ قندهارشورش کرد). سال ۱۱۲۳-۱۱۳٤ بین افغانان غلزائی و مغولها و بلخ قسمت شده بود. سال ۱۱٤۳-۱۱۵۰ مغولها و سال ۱۱۵۰-۱۱٦۱ افشاریه آنجارا متصرف بودند (در این دوره خانان بلخ خراجگزار افشاریه بودند). افغانان درانی درقندهار (تاسال۱۱۸۷) وکابل بعدازسال ۱۱٦۰ (استقلال بلخ در حدود سال ۱۱۸۷).

ماوراءالنهر: بین خان‌نشین‌های ازبک (سال ۱۱۵۳-۱۱٦۰ افشاریه آنجارا متصرف شدند) و بخارا (امرای جانی تا سال ۱۱۹۸ درآنجا حکمرانی داشتند؛ ۱۱۵۳-۱۱٦۰ بتصرف افشاریه بود) و خوقند قسمت شد.

ترکستان: قبایل مسلمان قزاق و قرغیز و ازبک آنجارا متصرف گردیدند. ناحیهٔ شمالی که قسمت‌عمدهٔ دشت قرغیزرا نیز در برداشت تدریجاً زیر نفوذ روسیه واقع گردید و مستعمرهٔ آن دولت شد.



قرن هیجدهم میلادی
قرن دوازدهم اسلامی
میل
٠ ١٠٠ ٢٠٠ ٣٠٠ ٤٠٠ ٥٠٠ ٦٠٠ ٧٠٠ ٨٠٠ ٩٠٠ ١٠٠٠
حدود تقریبی در سال ١١١٢ هجری
سرزمین اسلامی در تمام این قرن
سرزمین مسیحی در تمام این قرن
سرزمین غیر اسلامی و غیر مسیحی ″
سرزمین مسیحی که بتصرف مسلمانان آمده
سرزمین اسلامی که بتصرف مسیحیان آمده
سرزمین مسیحی که بتصرف مسلمانان آمده و مسیحیان آنرا پس گرفته اند
سرزمین اسلامی که بتصرف مسیحیان آمده و مسلمانان آنرا پس گرفته اند
اقیانوس اطلس
فرانسه
اسپانیا
پرتغال
امپراطوری آلمان
لهستان
امپراطوری
طوائف قزاق
روسیه
خانات قرم
قرغیز
مجارستان
بحر اسود
امپراطوری عثمانی
مدیترانه
صحراء
عرب
لیبی
حجار
طوارق
فزان
تیبستی
نوبه
زغاوه
کردفان
فور
فونگ
حبشه
سومالی
دناکل
خلیج عدن
هند
اقیانوس
سقوطره
دریای عربستان
ربع الخالی
نجد
دهنا
نفود
حجاز
یمن
عمان
بحر فارس
امپراطوری صفوی
بلوچستان
افغانستان
قراقوم
ترکمن
خیوه
بخارا
خوقند
قزل
تاشکند
سمرقند
مرو
مشهد
هرات
قندهار
کابل
تبریز
طهران
اصفهان
شیراز
بغداد
بصره
موصل
حلب
دمشق
بیت المقدس
اسکندریه
قاهره
مکه
مدینه
استانبول
ادرنه
بورسه
قونیه
قیصری
انقره
سیواس
طرابزون
ارضروم
قارص
تفلیس
باکو
قبرس
کرت
رودس
مالطا
صقلیه
تونس
طرابلس
برقه
درنه
الجزایر
فاس
مراکش
تلمسان
سردانیه
کورسیکا
ناپل
رم
پالرمو
مادرید
طلیطله
لیسبون
بلنسیه
اشبیلیه
غرناطه
بلگراد
بودین

قرن نوزدهم میلادی قرن سیزدهم هجری

اول ژانویه ١٨٠١-٣١ دسامبر ١٩٠٠ میلادی مطابق ١٥ شعبان ١٢١٥-٩ رمضان ١٣١٨ هجری .

قرن نوزدهم دورهٔ پیشرفتهای مهم اروپائیان است برضد دنیای اسلامی که آنچه از استقلال سیاسی در آن باقی مانده بود نیز بیشتر از همه معلول رقابت سیاسی بین دول معظمه بود. فرانسه قسمت عمدهٔ افریقای شمالی را بوسیلهٔ معاهداتی‌تصرف نمودومراکش‌هنوز نیمه استقلالی داشت و ایطالیا چشم طمع به طرابلس عثمانی دوخته بود. مصر که تازه کانال سوئز در آن احداث شده بود بعد از چند صباح آزادی و مختصر سروسری با فرانسه ، بانقیاد انگلستان درآمد. ساحل مسلمان نشین افریقای خاوری مابین انگلیس و ایتالیا وفرانسه و آلمان و پرتقال تقسیم گشت .

عربستان‌باستثنای یمن و داخلهٔ عربستان که ازمتصرفات وهابیها بود درمنطقه نفوذ انگلستان قرارگرفت و دولت انگلیس سواحل و جزائر عربستان را یا بکلی متصرف شد ویاتحت‌الحمایهٔ خویش ساخت. ایران تحت فشار سخت انگلیس و روس واقع گردید و رقابت روزافزون این دو دولت در ایران وافغانستان که سنگر شمالی هندوستان بود شدت یافت. و افغانستان صحنهٔ رقابت این دو دولت نیرومند شد .

روسیه اراضی پهناوری در آسیای مرکزی بدست آورد . خان نشین های بزرگ ازبکستان را بامپراطوری خود ضمیمه کرد وهمسایهٔ پردردسر و ناهنجار ایران و افغانستان‌شد. همینکه فرصت مناسبی بدست آورد قفقازیه را نیز بلعید و درهمان اوقات که دراروپا بسارابی را بچنگ آورد حمایت شدگان او در رومانی و بلغارستان و صربستان خود را از زیر یوغ حکومت عثمانی رهائی دادند . عثمانی ناتوان، یونان وکرت وقبرس وحتی عملاً تمام لبنان‌را از دست داد. همهٔ آثار و علائم نشان میداد که استیلای او در بقیة‌السیف متصرفات اروپائی او محکوم بزوال است و بقای خود او هم بسیاست معروف به «توازن قوای سیاسی» وابسته شد.

با این حال خاور نزدیک بعلت تماس بیشتر با تمدن مغرب زمین از خواب گران بیدار شده بود. مصر و لبنان در این تجدد خواهی مقام پیشاهنگی را داشتند و با آوردن دستگاه چاپ و تأسیس دانشگاه و انتشار روزنامه و مطبوعات در بیداری مردمان این منطقه کمک میکردند. تأثیر سیاسی این نضج فکری ومعنوی تقویت روح ملیت وافکار دموکراسی بود که دستگاه استبدادی و چند ملیتی حکومت عثمانی را بخطر تازه‌ای میانداخت و اروپائیان را درمطیع ساختن مصر و افریقای شمالی با اشکالات بیشتری دچار میساخت .

در اروپا

بالکان : بوسنه‌و افلاق و ملداوی و بسارابی وبلغارستان و یونان از تصرف دولت‌عثمانی بیرون رفت. آلبانی و صربستان جنوبی و مقدونیه و ترکیه در تصرف عثمانی باقیماند.

داغستان : در سال ١٢٢٨ دولت‌روس‌آنرا از تصرف دولت ایران بیرون آورد. ولی تاسال١٢٧٦ کاملا ضمیمه مستملکات روسیه نشده بود.

در مدیترانه

کرت : تا سال ١٣١٦ زیر فرمان دولت عثمانی (مصریها در سال ١٢٣٨-١٢٥٦ آنرا متصرف گردیدند. درسال ١٢٨٣-١٢٨٥ و ١٢٩٥ و ١٣٠٧ و ١٣١٤-١٣١٦ درشورش بود). پس از تاریخ اخیر اروپائی‌ها آنجا را تصرف کردند و منطقهٔ بین‌المللی گردید.

جزائر اژه : تا سال ١٢٤٥ زیر فرمان دولت عثمانی و سپس بین عثمانی و یونان قسمت شد (در سال ١٢٣٨ که یونان شورش‌کرده بود ترکها اهالی کیوس را قتل‌عام کردند).

قبرس : تا سال ١٢٩٦ زیرفرمان عثمانی سپس دولت انگلیس آنجارا متصرف شد.

در افریقا

مراکش : شرفاء فلالی در مراکش . در سال ١٢٦٠ دولت فرانسه بآنجا حمله کرد . سبته و ملیله را دولت اسپانیا با وجود مخالفت سخت قبایل ریف درتصرف خود نگاهداشت.

الجزیره : تا سال ١٢٤٦ زیر فرمان حکمرانان محلی.در سال ١٢٤٦-١٢٦٦ دولت فرانسه آنجا را تسخیر کرد. و بعدازسال ١٢٦٥ تحت تصرف فرانسه درآمد (داخلهٔ آن معمولا در حال انقلاب بود).

تونس : تا سال ١٢٩٩ حکمرانان محلی‌که اسماً خراجگزار دولت عثمانی بودند در آنجا حکومت داشتند. سال ١٢٩٩-١٣٠١ دولت فرانسه آنجا را تسخیر کرد و سپس بتصرف آن دولت در آمده تحت‌الحمایه شد.

طرابلس : تا سال ١٢٥١ زیر فرمان قرمان که عملاً مستقل بودند. درسال١٢٥١ حکومت‌عثمانی دوباره آنجارا متصرف شد. داخله تدریجاً مطیع گردید. درسال ١٣١٧ تحدید حدود بعمل‌آمد.

سیرنائیك : تا سال ١٢٥١ عثمانی‌ها مختصر نفوذی درآنجا داشتند وسپس بتصرف آنها درآمد.

صحرا : عشایر مسلمان آنجارا در تصرف داشتند ولی اروپائیان متدرجاً آنجا را ضبط کردند وبمنطقهٔ نفوذ فرانسه و انگلیس قسمت شد. قبایل کثیری بدیانت اسلام گرویدند.

افریقای خاوری : قبایل‌مسلمان بتدریج تحت‌نفوذ و استیلای اروپائیها درآمدند و بالاخره اراضی آنجابین انگلیس و فرانسه و ایتالیا و (قسمت جنوبی آن) پرتقال و آلمان قسمت شد . مصر درسال ١٢٣٦-١٢٣٨ سودان را فتح کرد. سودان در سال ١٣٠١ - ١٣١٦ بسرکردگی مهدی سودانی (محمد احمد) که سال ١٣٠٣ وفات یافت و عبدالله خلیفه در حال شورش و عصیان بود . درسال ١٣١٦-١٣١٧ واقعهٔ فاشودا بین فرانسه و انگلیس . درسال ١٣١٧ حکومت مشترك انگلیس و مصر درسودان. پس ازالغاء تجارت برده اسلام میان سیاهان افریقای مرکزی بسرعت انتشار یافت.

مصر : تاسال ١٢٢٠ ممالیك‌ازطرف دولت عثمانی برآن حکومت میکردند بودند (فرانسه‌را از دلتای‌نیل درسال١٢١٦ انگلیس‌ها اخراج کردند). درسال ١٢٢٠-١٢٤٨ محمدعلی پاشا ازجانب دولت عثمانی بفرمانروائی آنجا برقرارشد (درسال ١٢٢٢ دولت انگلیس مدت‌کوتاهی اسکندریه را درتصرف داشت) . نیمه مستقل زیر فرمان محمدعلی پاشا و خاندان او (درسالهای١٢٤٨-١٣٠٠ نفوذ فرانسه و بعد نفوذ انگلیس جای گزین نفوذ ترکها گردید . درسال ١٢٧٦-١٢٨٦ کانال سوئز ساخته شد ودرسال ١٢٩٢ انگلستان مالك عمدهٔ کانال شد). بعدازسال ١٣٠٠ انگلستان آنجا را متصرف گردید.

در آسیا

عربستان : حجازواحساء و عسیر و یمن (بعداز سال ١٢٨٨) زیر فرمان عثمانی (حجاز را وهابی ها درسال ١٢١٨-١٢٢٨ و مصر در سال ١٢٢٨-١٢٥٦ متصرف گردیدند). بعدازسال ١٢٥٥ عدن‌را و بعدازسال ١٢٧١ جزائر خوریان موریان‌را انگلیس تصرف کرد. سواحل عمان بعدازسال١٢٣٦ وسقوطره بعد ازسال١٣٠٤، مسقط وعمان‌بعدازسال ١٣٠٩ تحت‌الحمایه انگلیس قرارگرفت. داخله را قبایل عرب که مهمترین آنها وهابیها بودند ، درتصرف داشتند.

شام : زیر فرمان عثمانیها (در سال ١٢١٦ فرانسه از فلسطین بیرون رانده شد ودرسال١٢٤٨-١٢٥٦ شام‌را مصریان تصرف کردند. حملهٔ فرانسه درسال ١٢٧٧ بشورش لبنان کمك کردوبعدازسال ١٢٧٨ لبنان عملاً استقلال پیدا کرد). دانشگاههای امریکائیان و فرانسویان در بیروت احساسات وطن‌خواهی را توسعه داد.

آسیای صغیر : زیرفرمان عثمانیان (دره بیگی نیمه مستقل سرکوبی شد١٢٢٣-١٢٣٤ . مورد تعرض مصریان واقع گردید ١٢٤٨-١٢٤٩ . درسال١٢٧٢-١٢٧٣ روسیه قارص‌را از عثمانی‌ها گرفت و درسال ١٢٩٥ قارص و باطوم‌را بطور دائم متصرف گردید. نیروی دریائی اروپائیان قسطنطنیه را مکرر تهدید کرد) .

قفقازیهٔ جنوبی : گرجستان تا سال ١٢١٨ بین‌روسیه و عثمانی وسرداران دست‌نشاندهٔ ایران‌قسمت شده بود. درسال ١٢١٨-١٢٤٥ روسیه مینگرلیارا ازعثمانی ودرسال ١٢١٨-١٢٢١ و ١٢٤٣-١٢٤٤ قسمتی‌ازآذربایجان ودرسال١٢٤٢-١٢٤٤ ارمنستان شمالی‌را از تصرف دولت ایران بیرون آورد بعدازسال ١٢٤٥ روسیه تمام قفقازیه را متصرف بود.

عراق : زیر فرمان عثمانیها (درسال ١٢١٦ وهابیها کربلا را غارت‌کردند).

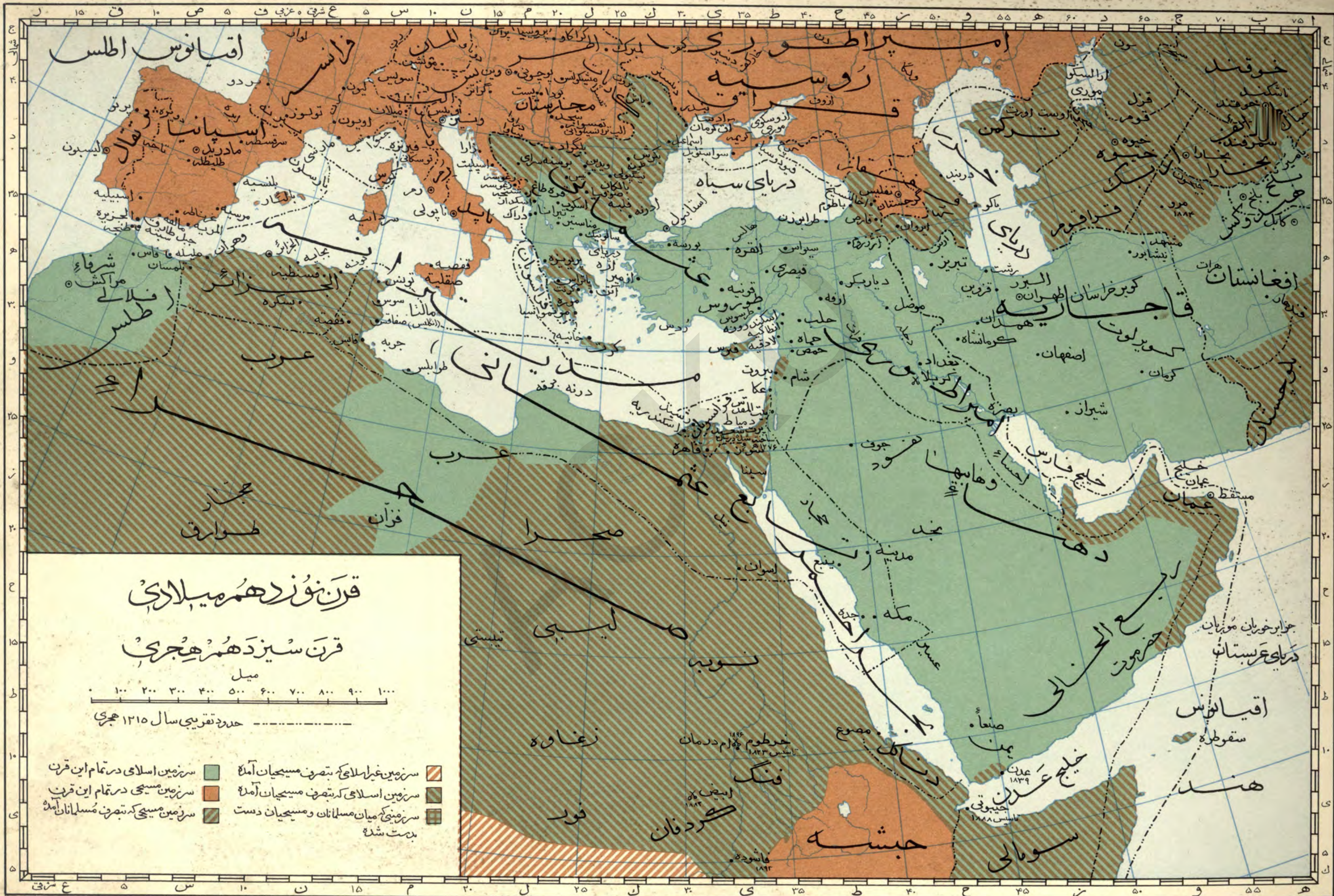
ایران : حکومت قاجاریه (درسال ١٢٤٣ روسیه بایران حمله کرد . درسال ١٢٦٤ با ترکیه تعیین حدود شد. درسال ١٢٧٤ دولت انگلیس بایران حملة کرد) . درسال ١٢٨٩ با افغانستان تعیین حدود شد. بعد ازسال ١٣٠٢ رقابت روس و انگلیس شدت پیدا کرد . خراسان : تا سال ١٢٥١ بین قاجاریه و ازبکها و افغانهای درانی‌وتا سال ١٢٥١-١٢٩٠ بین قاجاریه و ازبکها قسمت شده بود درسال ١٢٩٠ تا ١٣٠٥ قسمت ازبکها بتصرف روسیه درآمد (خیوه درسال ١٢٩٠ و مرو درسال ١٣٠٢) بعد ازسال ١٣٠٥ بین قاجاریه و روسیه قسمت‌شد.

افغانستان : تا سال ١٢٥١ زیرحکومت افغانان درانی (قاجاریه درسال ١٢٣٢ افغانستان‌را مورد تعرض قرار دادند. درسال ١٢٤٢تا١٢٥١ شورش افغانان بارکزائی) زیر حکومت بارکزائی بعد از ١٢٥١ (حملات انگلیس‌ها از ١٢٥٥ تا ١٢٥٨ و از ١٢٩٥ تا ١٢٩٧) وقندهار را درسال ١٢٧٢ وهرات را درسال ١٢٨٠ بدست آورند .

ماوراءالنهر : خان‌نشین های ازبك بروسیه ضمیمه شد. بخارا وسمرقند درسال ١٢٨٥، خیوه درسال ١٢٩٠ خوقند درسال ١٢٩٣ سرزمین پامیر درسال ١٣١٣ بروسیه ملحق گردید .

ترکستان : روسیه درسال ١٢٦٣تا ١٢٨١ ناحیه سیردریا ودرسال ١٢٨٢ تاشکند را متصرف گردید.

ACKU



قرن نوزدهم میلادی
قرن سیزدهم هجری
میل
۰ ۱۰۰ ۲۰۰ ۳۰۰ ۴۰۰ ۵۰۰ ۶۰۰ ۷۰۰ ۸۰۰ ۹۰۰ ۱۰۰۰
حدود تقریبی سال ۱۳۱۵ هجری
سرزمین اسلامی در تمام این قرن
سرزمین مسیحی در تمام این قرن
سرزمین مسیحی که بتصرف مسلمانان آمده
سرزمین غیراسلامی که بتصرف مسیحیان آمده
سرزمین اسلامی که بتصرف مسیحیان آمده
سرزمینی که میان مسلمانان و مسیحیان دست بدست شده
اقیانوس اطلس
فرانسه
اسپانیا
پرتغال
امپراطوری روسیه
روسیه
قزاق
مجارستان
دریای سیاه
دریای خزر
ترکمن
خوقند
بخارا
خیوه
قاجاریه
افغانستان
بلوچستان
امپراطوری عثمانی
دریای مدیترانه
الجزائر
مراکش
طرابلس
برقه
مصر
قاهره
اسکندریه
بغداد
شام
بیروت
اصفهان
تهران
تبریز
شیراز
مشهد
هرات
خلیج فارس
عمان
مسقط
نجد
وهابیها
حجاز
مدینه
مکه
جده
ربع الخالی
حضرموت
یمن
صنعاء
عدن
خلیج عدن
دریای عربستان
اقیانوس هند
سقوطره
صحرا
طوارق
فزان
لیبی
نوبه
دنکل
حبشه
سومالی
زغاوه
فور
کردفان
خرطوم
اسوان
سینا
عرب

قرن بیستم میلادی　　قرن حاضر هجری

اول ژانویه ۱۹۰۱ مطابق ۱۰ رمضان ۱۳۱۸ تاکنون

درسالهای اخیر کشورهای اسلامی برای اینکه خود را با کشورهای مترقی همدوش نشان دهند و قدر ومنزلت خود را نمایان سازند به تغییرات دشوار و مشکلات بسیار دچار گردیدند. کشورهای خاور نزدیک استقلال یافتند و در سیاست جهان مقامی‌را که با سایر ملل یکسان ولی اندکی لغزنده است بدست آوردند. عوامل مختلفی از اتفاق کلمه و فعالیت‌های دسته‌جمعی آنها مخصوصاً فعالیت های ضداسرائیل جلوگیری کرد. اتحادیهٔ عرب‌هم که سال ۱۳٦٥ تأسیس یافته تاکنون نتیجه و اثر مهمی‌نداشته است. البته کشورهای اسلامی تک‌تک از ترقیات بزرگ بی نصیب نمانده وبا سرعت های مختلف درجادهٔ ناهموار تجدد پیش می‌روند. امازیاد بودن توالد و تناسل و بی نصیب بودن آنها ازصنایع و تعلیم وتربیت‌امروزی و مشکلات وضع جغرافیائی که با احساسات ذاتی آنها و تمایلات داخلی همراه گردیده آتیهٔ سیاسی و اقتصادی آنها را روشن نشان نمیدهد حتی درمناطق نفت خیز مثل‌عراق(که نفت آنجا در دست انگلیس وامریکا وفرانسه وهلند است) وایران (که نفت آ نجا ملی شده) و کویت (که نفت آنجا بدست انگلیس و امریکا است) وعربستان سعودی و بحرین (که نفت آنجا بدست امریکا است) و باکوکه (نفت‌آنجا بدست روس هاست) ونصف نفت دنیا از این‌مناطق بیرون میآید. درخود اسلام هم هنوز تجدد رخنه نکرده وکوشش وتلاشی‌که برای هم آهنگ ساختن این دین بااوضاع واحوال قرن‌بیستم میشود بسیارکند است .

در اروپا

بالکان : تا سال ۱۳۳۷ تمام متصرفات عثمانی در اروپا از او گرفته شدو استانبول را قوای متفقین اشغال کردند. درسال ۱۳٤۱-۱۳٤۲ استانبول و تراکیهٔ خاوری را دوباره ترکیه بتصرف خود درآورد و ازآن ببعد آنجارا متصرف است. آلبانی که اکنون شصت‌ونه درصد جمعیت آن مسلمانست و ازسال ۱۳۳۱-۱۳۳۳ استقلال پیدا کرد، درسال ۱۳۳۳-۱۳۳٥ صربستان و ایتالیا و درسال ۱۳۳٥-۱۳۳۷ اطریش‌ودرسال ۱۳۳۷-۱۳۳۹ باز صربستان و ایتالیا آنرااشغال کردند. درسال ۱۳۳۹-۱۳٤٦ آزاد گردید. درسال ۱۳٤٦-۱۳٥۸ زیر تسلط ایتالیا واقع شد (درسال ۱۳٥٦ مسلمانان شورش کردند) سال ۱۳٥۸ - ۱۳٦۰ ایتالیا و سال ۱۳٦۰-۱۳٦٥ آلمان آنرا اشغال کردواز آن پس زیر نفوذروسیه‌شوروی درآمد.

در مدیترانه

جزائر اژه : درسال ۱۳۳۱ از دست دولت عثمانی بیرون رفت.ترکیه‌جزائر ایمروز و بوزکادا را دوباره بدست آورد (جزائر دیگر تا سال ۱۳٦٥ بین یونان و ایتالیا منقسم بود وسپس نصیب یونان به تنهائی گردید).

قبرس: انگلستان‌آنرا اشغال‌کرد وازسال ۱۳۳۳ به بعدضمیمهٔ بریتانیا شد(انقلاباتی‌برای‌الحاق‌بیونان درآنجاوجوددارد).

در افریقا

مراکش : تا سال ۱۳۳۱ در فرمان شرفاء فلالی (واز این سال به بعد اسماً درفرمان ایشان) فرانسه واسپانیا در ۱۳۳۱ آن را بعنوان تحت‌الحمایه میان خود قسمت‌کردند ؛ درسال‌های ۱۳۳۸ - ۱۳٤٥ و ۱۳٥٦ مردم شورش کردند. انقلاب ملیون بسختی سرکوبی شد ؛ دراین اواخر دو باره اهالی مراکش نهضت کردند و فرانسه در سال ۱۳۷٥ ناچار شد بآن سرزمین استقلال بدهد. طنجه از سال ۱۳٤۲ منطقهٔ بین‌المللی گردید.

الجزائر : درتصرف فرانسه(درسال ۱۳٦۱ میدان جنگ آلمان وامریکا بود).هم‌اکنون مدتی‌است‌که شورش‌های استقلال‌طلبانه در آنجا جریان دارد .

تونس : تاسال ۱۳۷٥ تحت‌الحمایهٔ‌فرانسه(سال ۱۳٥۹-۱۳٦۱ آلمان و ایتالیا آنرا اشغال کردند.سال ۱۳٦۱-۱۳٦۲ امریکا و انگلیس آنهارا بیرون کردند. ملیون شورش کردند و سال ۱۳۷٥ مراکش مستقل شد. عضو اتحاد فرانسه.

طرابلس وسیرنائیك (قه) : تاسال ۱۳۳۱ زیر فرمان عثمانی (درسال ۱۳۳۰ ایتالیا برسواحل آن تاخت) سال ۱۳۳۱-۱۳٥۹ در تصرف ایتالیا (سال ۱۳۳۳-۱۳٤۹ درحال انقلاب) در سال ۱۳٥۹-۱۳٦۲ انگلیس و فرانسه آنرا فتح کردند واز طرف‌ملل متحد درسال ۱۳٦۲-۱۳۷۱ اداره کردن آنرا بعهده گرفتند. درسال ۱۳۷۱ باسم‌لیبی مستقل شد.

صحرا : منقسم بین فرانسه و اسپانیا و مصر و انگلیس . اهالی آنجا مسلمانند.

افریقای خاوری : نیروی نظامی اروپا و حبشه آنجارا متصرف شدند (متصرفات آلمان را درسال ۱۳۳۳ متفقین و متصرفات ایتالیا را در سال ۱۳٥۹-۱۳٦۰ انگلستان قبضه کرد. ایتالیا از جانب ملل متحد اداره‌کردن سومالی را بعهده گرفت. درسال ۱۳۷۲ اریتره بحبشه ملحق شد).

مصر : تا سال ۱۳٥٥ در اشغال انگلیس (سال ۱۳۳۳ - ۱۳٤۱ تحت‌الحمایه انگلیس و از سال ۱۳٤۱ اسماً مستقل و بعدازسال ۱۳٤۹ نیمه مستقل شد)؛ سال ۱۳٥٥ - ۱۳۷۳ رسماً دولت‌پادشاهی مستقل (حملهٔ ایتالیا درسال ۱۳٥۹ و حملهٔ آلمان درسال ۱۳٦۱ از طرف انگلیس دفع شد . درسال ۱۳۷۲ فاروق ازآنجا طرد گردید). از سال ۱۳۷۳ زیر فرمان‌یک دسته نظامی‌بریاست نجیب رژیم سلطنتی برژیم جمهوری تبدیل شد. کانال سوئز و همچنین سودان بین مصر و انگلیس مورد نزاع بود . سودان درسال ۱۳۷٥ مستقل گردید . و کانال سوئز در سال ۱۳۷٦ بوسیلهٔ دولت مصر ملی اعلام شد .

در آسیا

عربستان : کویت و بحرین و قطر و ساحل صلح عمان و عمان وحضرموت‌وسقوطره ، تحت‌الحمایهٔ انگلیس؛عدن و جزائر خوریان موریان تحت تصرف انگلیس . حجاز تحت تصرف عثمانی تا سال ۱۳۳٥ و از سال ۱۳۳٥-۱۳۳۹ درحال انقلاب بسرکردگی حسین هاشمی که ازسال ۱۳۳۹-۱۳٤۳ در آنجا فرمانروا شد. سال ۱۳٤۳-۱۳٤٤ ابن‌سعود آنجارا تسخیر کرد و از آن پس زیر فرمان او قرارگرفت. عسیر تا سال ۱۳۳٥ تحت حکومت عثمانی و درسال ۱۳٤۹ ابن سعود برآنجا استیلا یافت ؛ ابن‌سعود حائل‌را درسال ۱۳٤۰ ازدست آل‌رشید وجوف را درسال ۱۳٤۱ از بنی شعلان گرفت و باتصرف نجد خاوری درسال ۱۳٥۱ کشور عربستان‌سعودی را تشکیل داد (نجد را ابن‌سعود پیش از سال ۱۳۳۲ تصرف کرده بود). یمن تا سال ۱۳۳۷ تحت حکومت عثمانی (ازسال ۱۳۳۲ به بعد استقلال داخلی داشت) از سال ۱۳۳۷ رسماً مستقل شد (ابن سعود در سال ۱۳٥۳ یمن را فتح کرد ولی با دخالت انگلیس از تصرف ابن سعود جلوگیری شد) شیعه‌های زیدی فرمانروای یمن هستند.

سوریهٔ جنوبی : تاسال ۱۳۳٦ زیرحکومت عثمانی.سال ۱۳۳٦ - ۱۳۳۹ تحت‌تصرف و ازسال ۱۳۳۹-۱۳٦۸ تحت قیمومت انگلیس. فلسطین ازسال ۱۳۳٦-۱۳۷۰ بین کلیمی‌ها و عربها مورد نزاع بود و درسال ۱۳۷۰ بین اسرائیل و اردن قسمت شد . سال ۱۳٤۲-۱۳٦٦ شرق اردن باحکومت امیرعبدالله هاشمی(درسال ۱۳۷۱ کشته شد)استقلال داخلی‌داشت وازسال ۱۳٦٦ بشکل رژیم سلطنتی استقلال یافت و اکنون اردن نامیده میشود.

سوریهٔ شمالی : تا سال ۱۳۳۷ تحت حکومت عثمانی وهمان سال سپاهیان انگلیس‌واعراب آنرا تسخیر کردند . سال ۱۳۳۹-۱۳٦٥ لبنان تحت قیمومت فرانسه بود (سال ۱۳٤٥ دولت جمهوری در آنجا تشکیل و سال ۱۳٦۳ مستقل گردید) . سال ۱۳۳۹-۱۳٦٥ شام تحت قیمومت فرانسه بود (سال ۱۳۳۷ بسرکردگی امیرفیصل آزاد گردید ، و سال ۱۳۳۹ وی‌پادشاهی آنجابرقرار شد ولی فرانسویها اورا طرد کردند. سال ۱۳٤٤-۱۳٤٦ شورش قبیله دروز. سال ۱۳٤۹ جمهوری. سال ۱۳٥٦ شورش اکراد. سال ۱۳٦٥ مستقل. سال ۱۳٦٥ جنگ بافرانسه) لبنان وسوریه اکنون هردو جمهوری است (آخرین دستهٔ سپاهیان فرانسه درسال ۱۳٦٦ آنجارا تخلیه کرد)

آسیای صغیر : تاسال ۱۳٤۰ تحت‌حکومت عثمانی (ازسال ۱۳۲٦ شورش های متناوب. درسال ۱۳۳۸-۱۳٤۱ یونان که تمام ناحیهٔ باختری آسیای صغیر را مورد تعرض واقع ساخت ازمیر را متصرف گردید. سال ۱۳۳۸ - ۱۳٤۰ ایتالیا انطاکیه‌را ودرسال ۱۳۳۷-۱۳٤۰ فرانسه کیلیکیه را تصرف کردند. انتزاع قارص ازارمنستان درسال ۱۳۳۹)، درتصرف سپاهیان ترك در سال ۱۳٤۰-۱۳٤۲ (الغای سلطنت عثمانی درسال ۱۳٤۱). تشکیل جمهوری ترکیه از سال ۱۳٤۲ (الغای خلافت درسال ۱۳٤۳ ، شورش اکراد سال ۱۳٤٤ . قبول الفبای لاتین درسال ۱۳٤۷، شورش اکراد ۱۳٤۹ . الحاق ناحیهٔ اسکندرون (هتای) درسال ۱۳٥۸ .ریاست جمهوری مصطفی کمال اتاترك سال ۱۳٤۲-۱۳٥۷).

قفقازیهٔ جنوبی: تاسال ۱۳۳۳ زیرحکومت‌روسیه؛ ازسال ۱۳۳۳-۱۳٤۰ موردنزاع بین روسیه وعثمانی وآلمان وانگلیس و بلشویکها. سال ۱۳٤۰-۱۳٤۱ حکومت ساویت. سال ۱۳٤۱ درجرگهٔ جمهوریهای سوسیالیستی شوروی وارد شد. سال ۱۳٥٥ بسه‌قسمت‌منقسم گردید: گرجستان و ارمنستان و آذربایجان .

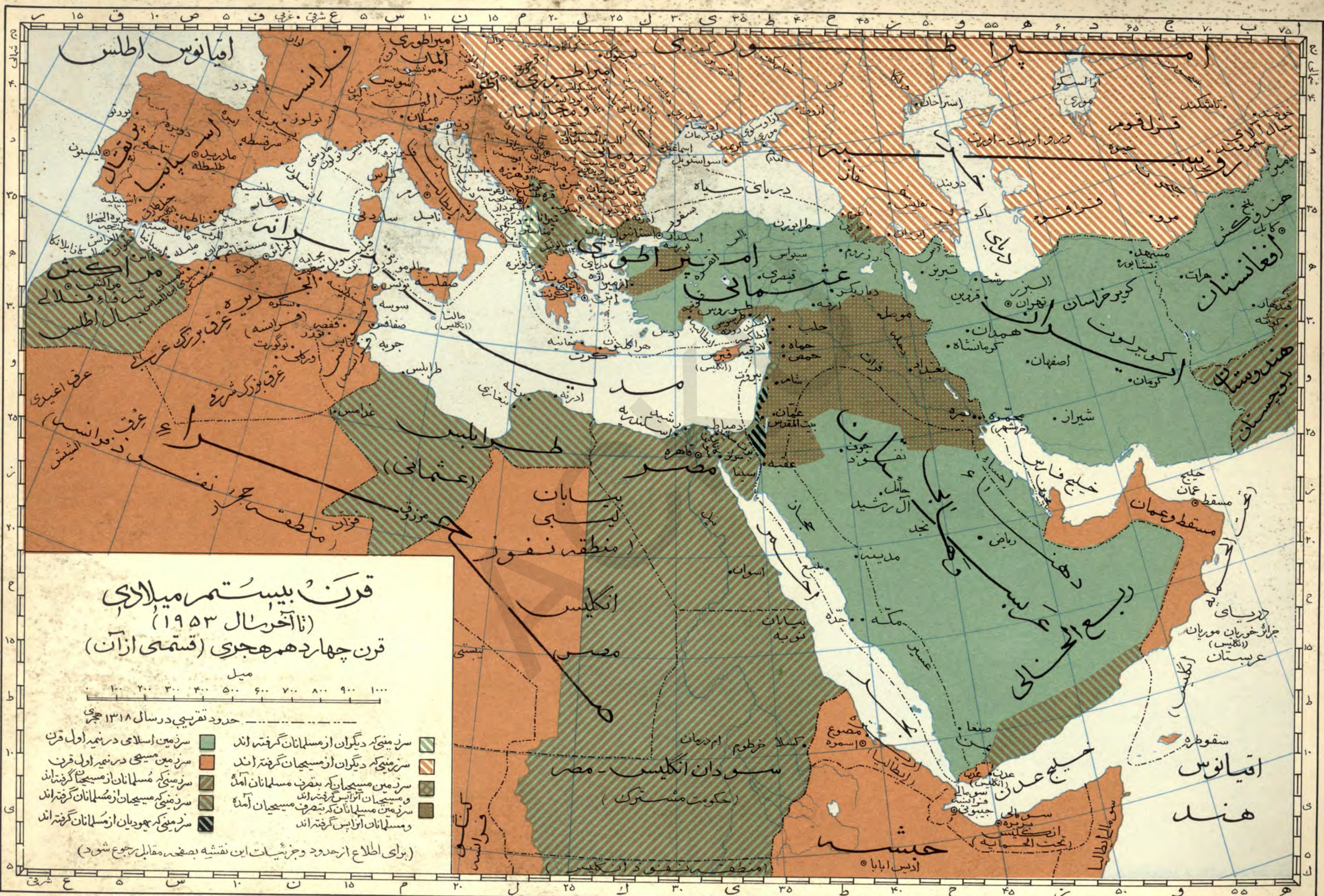
عراق : تا سال ۱۳۳۹ زیر حکومت‌عثمانی (انگلیس بصره را درسال ۱۳۳۳ ، بغداد را درسال ۱۳۳٦ ،موصل را درسال ۱۳۳۷ تصرف‌کرد) قیمومت انگلیس بر عراق سال ۱۳۳۹-۱۳٥۱ (شورش سال ۱۳۳۹ ،سلطنت امیرفیصل سال ۱۳٤۰ - ۱۳٥۲ ، شورش اکراد سال ۱۳٤۱ و ۱۳٤۳ و ۱۳٤۹ و ۱۳٥۱ که درسال ۱۳٤٤ موصل بآنها داده شد، قتل‌عام آسوریان مسیحی‌سال ۱۳٥۲)استقلال‌درسال ۱۳٥۱ :سلطنت‌ملك‌غازی‌پسرفیصل‌سال ۱۳٥۲-۱۳٥۸ ؛ ملك‌فیصل‌دوم پسرملك‌غازی ازسال ۱۳٥۸ (جلوگیری‌سپاهیان‌انگلیس‌ازشورش‌طرفداران‌محوردرسال ۱۳٦۰ ،شورش‌اکراد درسال ۱۳٦٥).

ایران : سلطنت قاجاریه تا سال ۱۳٤٤ (استیلای روس و انگلیس تا سال ۱۳۳٤ ؛ تعرضات روسیه در سال ۱۳۲۷ و ۱۳۲۹ ؛ تعرضات روسیه و عثمانی و انگلیس‌سال ۱۳۳٤-۱۳۳۷ ؛ساویت شدن گیلان درسال ۱۳۳۹-۱۳٤۰ ؛ ضبط و ربط امور از طرف رضاخان بعداز سال ۱۳٤۰) سلطنت‌دودمان پهلوی از سال ۱۳٤٤ (پهلوی اول سال ۱۳٤٤-۱۳٦۰ بنام رضاشاه. شورش اکراد درسال ۱۳٤۹ ، اختیارنام ایران بجای‌پرس و پرشیا درسال ۱۳٥٤، تعرضات روس و انگلیس درسال ۱۳٦۰ . سلطنت پهلوی دوم ازسال ۱۳٦۰ بنام محمدرضا شاه (پسر پهلوی اول)، تخلیهٔ ایران ازسپاهیان روس و انگلیس درسال ۱۳٦٦، سرکوبی متجاسرین‌آذربایجان سال ۱۳٦٦، ملی شدن نفت‌ایران و انگلیس سال ۱۳۷۱ ، عزل دکتر مصدق درسال ۱۳۷۳).

افغانستان : طایفه بارکزائی تا سال ۱۳٤۸، حبیب‌الله خان غازی سال ۱۳٤۷-۱۳٤۸، محمد نادرشاه سال ۱۳٤۸-۱۳٥۲ ، محمد ظاهرشاه ازسال ۱۳٥۲ (شورش درسال ۱۳٥۷).

ماوراءالنهر و ترکستان : زیر حکومت امپراطوری روسیه‌تاسال ۱۳۳٦؛ مورد نزاع بین قزاقها و بلشویکها ونیروهای‌محلی‌سال ۱۳۳٦-۱۳٤۳ ؛ حکومت‌های ساویتی‌کمابیش وابسته باتحادجماهیر شوروی ، سال ۱۳٤۳-۱۳٥٥ ؛ جمهوری‌های ساویتی جزء اتحاد جماهیر شوروی از سال ۱۳٥٥ : جمهوریهای صنعتی شدهٔ قزاقستان و قرغیزستان و تاجیکستان وترکمنستان و ازبکستان . قسمت عمدهٔ ترك زبان هستند.

ACKU



قرن بیستم میلادی
(تا آخر سال ۱۹۵۳)
قرن چهاردهم هجری (قسمتی از آن)
میل
۰ ۱۰۰ ۲۰۰ ۳۰۰ ۴۰۰ ۵۰۰ ۶۰۰ ۷۰۰ ۸۰۰ ۹۰۰ ۱۰۰۰
حدود تقریبی در سال ۱۳۱۸ هجری
سرزمین اسلامی در نیمه اول قرن
سرزمین مسیحی در نیمه اول قرن
سرزمینی که مسلمانان از مسیحیان گرفته اند
سرزمینی که مسیحیان از مسلمانان گرفته اند
سرزمینی که یهودیان از مسلمانان گرفته اند
سرزمینی که دیگران از مسلمانان گرفته اند
سرزمینی که دیگران از مسیحیان گرفته اند
سرزمین مسیحیان که بتصرف مسلمانان آمده و مسیحیان آنرا پس گرفته اند
سرزمین مسلمانان که بتصرف مسیحیان آمده و مسلمانان آنرا پس گرفته اند
(برای اطلاع از حدود و جزئیات این نقشه بصفحه مقابل رجوع شود)
اقیانوس اطلس
فرانسه
اسپانیا
پرتغال
مراکش
الجزیره
دریای مدیترانه
طرابلس (عثمانی)
مصر
صحرای کبیر
بیابان لیبی
سودان انگلیس - مصر
(حکومت مشترک)
حبشه
امپراطوری عثمانی
دریای سیاه
امپراطوری روسیه
ایران
افغانستان
هندوستان
بلوچستان
مسقط وعمان
ربع الخالی
نجد
خلیج فارس
خلیج عدن
اقیانوس هند

خاور نزدیک

اصطلاح « خاور نزدیک » که در این اطلس ذکر میشود بناحیه ای اطلاق میگردد که از طرف باختر محدود است بمرز باختری مصر (٢٥ درجهٔ خاوری) و از طرف خاور بمرز خاوری ایران (٦٣ درجهٔ خاوری) و ازطرف شمال بمرز شمال ترکیهٔ اروپا (٤٢ درجهٔشمالی) واز طرف جنوب بساحل جنوبی سقوطره (١٢ درجهٔ شمالی .)

اصطلاح «خاور میانه » غالباً اطلاق میشود بهمان ناحیه‌ای‌که برای خاور نزدیک حدود آن ذکر گردید ولی‌دراینجا بناحیه‌ای‌اطلاق میشودکه بین‌مرز باختری افغانستان است . (٦٠ درجهٔ خاوری) و مرز خاوری برمه (١٠٠ درجهٔ خاوری) .

شماره جمعیت هائی‌که در این جدول ذکرمیشود راجع است بسال ١٣٣١ هجری شمسی (١٩٥٣ میلادی) ـ پایتخت‌ها یا شهرهائی‌که شمارهٔ جمعیت آن از بیست‌هزار نفر بیشتر باشد (آخرین سرشماری یا تخمین قابل اعتماد برای مصر و یونان و اسرائیل در صورتیکه از بیست‌وپنج هزار نفر بیشتر باشد) باینطور ذکرگردیده که هر شهری‌که جمعیت آن دریک کشور بیشتر باشد در ذکرنام مقدم است و بحروف الفبا درنقشهٔ صفحهٔ مقابل نموده میشود .

اتحاد جماهیر شوروی : رجوع شود بصفحهٔ ٤

اردن : پادشاهی مستقل بضمیمهٔ ناحیهٔ قدیم بیت المقدس و آن قسمت از فلسطین‌که بتصرف اسرائیل نیست (با ٥٥٦٨ کیلومتر مربع مساحت و ٨٠٠,٠٠٠ نفر جمعیت .)

مساحت : .... ٩٨,١٦١ کیلومتر متر مربع
جمعیت : ١,٣٢٠,٠٠٠ نفر بعلاوهٔ ٤٦٠,٠٠٠ نفر آوارگان.
مسلمان صدی ٥٩ = ... ١,٧٠٠,٠٠٠ نفر
پایتخت : عمان .... ٩٠,٠٠٠ « ع ج

شهرهای مهم :

بیت‌المقدس .... ٧٥,٠٠٠ « ع ج
حبرون (الخلیل) .... ٢٦,٣٩٠ « ع ج
نابولس .... ٢٤,٦٦٠ « ع ج

اسرائیل : جمهوری‌مستقل بضمیمهٔ ناحیهٔ جدید بیت‌المقدس.

مساحت : .... ٢٠,٧٢٠ کیلومتر مربع
جمعیت : .... ١,٧٠٠,٠٠٠ نفر
مسلمان صدی ٨ .... ١٣٠,٠٠٠ «
پایتخت : بیت‌المقدس.... ١٧٠,٠٠٠ « ع ج

شهرهای مهم :

تل‌اویو (باضافهٔ یافا).... ٣٤٠,٠٠٠ « ف ج
حیفا.......... ١٤٧,٠٠٠ نفر ع ج
پتاتقوا.......... ٤٠,٠٠٠ « ف ج
رمتگان.......... ٣٧,٠٠٠ « ف خ

افغانستان : رجوع بصفحهٔ ٤٠

آلبانی : « « ٢

ایران : مشروطهٔ مستقل.

مساحت : .... ١,٦٣١,٧٠٠ کیلومتر مربع
جمعیت : .... ١٩,٠٠٠,٠٠٠ نفر
مسلمان شیعه صدی ٩٣ = ١٨,٧٠٠,٠٠٠ «
مسلمان سنی صدی ٥ = ١,٠٠٠,٠٠٠ «
پایتخت : طهران....... ١,٩٥٧,٦٤٣ « م ب

شهرهای مهم :

اصفهان.......... ٦٢١,٠٦١ « م ج
تبریز.......... ٥٧٦,٤٢٦ « ن ب
مشهد.......... ٥٢٨,٤٠٥ « ل ب
همدان.......... ٤١٣,٧٨٩ « ن ج
شیراز.......... ٤١٠,٢٩٠ « م د
زنجان.......... ٣٨٦,٢٦٨ « ن ب
قزوین.......... ٣٦٢,١٠٦ « ن ب
اراك (سلطان‌آباد) ...... ٣٥٢,٧١٨ « ن ج
رشت.......... ٣٤٢,٠٩٧ « ن ب
کرمانشاه.......... ٢٩٨,٠٣٢ « ن ج
یزد .... ٢٩٣,٠٤٠ « م ج
آبادان.......... ٢٨٣,٦٢٥ « ن ج
سنندج .... ٢٦٦,٣١٦ « ن ب
اردبیل.......... ٢٦١,٦٨٠ « ن ب
رضائیه.......... ٢٤١,٥٠٨ « ن ج
قوچان .... ٢١٤,٠٠٧ « ل ب
مراغه .... ٢١١,٧٣٤ « ن ب
اهواز .... ٢١١,١٠٦ « ن ج
قم.......... ١٩٨,٣٤٥ « م ج
بابل (بارفروش)......... ١٨٨,١٧٩ « م ب
گرگان .... ١٨٩,٥٥٦ « م ب
نیشابور .... ١٨١,٧٠٧ « ل ب
دزفول.......... ١٨٠,٦٨٨ « ن ج
کاشان .... ١٦٤,١٥٢ « م ج
کازرون.......... ١٦٢,١٤١ « م د
خوی.......... ١٦٠,٦٨٩ « ن ب
کرمان.......... ١٣٣,٢٤٤ « ل ج
بروجرد.......... ١٣٠,٢٧٧ « ن ب
خرمشهر.......... ٦٧,٤٤٨ « ن ج
شوشتر.......... ٥٧,١١٧ « ن ج
بوشهر .... ٥٣,٥٩٦ « م د
پهلوی.......... ٤٩,١١٤ « ن ب

بحرین : مجمع‌الجزایر . (١)

مساحت : .... ٥٩٨ کیلومتر مربع
جمعیت : .... ١١٥,٠٠٠ نفر
مسلمان شیعه صدی ٥٠ =... ٥٨,٠٠٠ «
مسلمان سنی صدی ٤٩ =... ٥٧,٠٠٠ «
مرکز : منامه.......... ٣٩,٦٤٨ « م د
شهر مهم : محرق.......... ٢٥,٥٧٧ « م د

بلغارستان : رجوع شود بصفحهٔ ٤

پاکستان : رجوع شود بصفحهٔ ٤٠

ترکیه : جمهوری مستقل

مساحت : .... ٧٦٧,١١٣ کیلومتر مربع
جمعیت : .... ٢١,٨٠٠,٠٠٠ نفر
مسلمان صدی ٩٨ =.. ٢١,٤٠٠,٠٠٠ «
پایتخت : آنکارا...... ٢٨٦,٧٨١ « ف ب

شهرهای مهم:

استانبول.......... ١,٠٠٠,٠٢٢ « ص آ
ازمیر.......... ٢٣٠,٥٠٨ « ص ب
ادنه.......... ١١٧,٧٩٩ « ع ب
بورسه.......... ١٠٠,٠٠٧ « ص آ
اسکی شهر .... ٨٨,٤٥٩ « ف ب
غازی عینتاب.......... ٧٢,٧٤٣ « ع ب
قیصری.......... ٦٥,٤٨٩ « ع ب
قونیه.......... ٦٤,٥٠٩ « ف ب
ارز روم.......... ٥٤,٣٦٠ « س ب
سیواس.......... ٥٢,٢٦٩ « ع ب
ملاطیه (ملطیه) ...... ٤٩,٠٧٧ « ع ب
دیاربکر.......... ٤٥,٤٩٥ « س ب
صامسون.......... ٤٣,٩٣٧ « ع آ
مرسین.......... ٣٧,٥٠٨ « ف ب
ارفه (ادسا) .... ٣٧٤,٤٥٦ « ع ب
اطه پازاری.......... ٣٦,٢١٠ « ف آ
بالیکسری.......... ٣٦,٠٠١ « ص ب
زنگولداق.......... ٣٥,٦٣١ « ف آ
ازمید.......... ٣٥,٥٦٤ « ص آ
مرعش.......... ٣٥,٠٧١ « ع ب
منیسا.......... ٣٥,٠١٩ « ص ب
طرابوزن.......... ٣٣,٩٦٩ « ع آ
طرسوس.......... ٣٣,٨٢٢ « ف ب
انطاکیه.......... ٣٠,٣٨٥ « ع ب
ادرنه.......... ٣٠,٢٤٥ « ص آ
افیون قره حصار ...... ٢٩,٨٨١ « ف ب
لاذیق.......... ٢٩,٠٤٤ « ع ب
کلیس.......... ٢٧,٦٩٠ « ع ب
انطالیه.......... ٢٧,٤٧٨ « ب
نازلی.......... ٢٥,٣٧٢ « *ص ب
طورغودلی.......... ٢٥,١٣٩ « ص ب
آق‌حصار .... ٢٣,٥٧٩ « ص ب
اسکندرون.......... ٢٢,٩٤٦ « ع ب
چوروم.......... ٢٢,٨٣٥ « ف آ
اودمش.......... ٢٢,٦٦٢ نفر ص ب
صور.......... ٢٢,١٧٧ « ص ب
دنیزلی.......... ٢٢,٠٢٩ « ص ب
توقات.......... ٢١,٧٠٠ « ع آ
قارص.......... ٢٠,٥٢٤ « س آ
آیدین.......... ٢٠,٤٢١ « ص ب
ماردین.......... ٢٠,٠١٥ « *س ب

سودان انگلیس و مصر : رجوع شود بصفحهٔ ٢

سوریه (شام) : جمهوری مستقل

مساحت : ١٨٦,٤٧٠ کیلومتر مربع
جمعیت : ...... ٣,٧٨٠,٠٠٠ نفر بعلاوهٔ ٨٠,٠٠٠ نفر آوارگان.
مسلمان سنی مذهب صدی ٦٩ = ٢,٧٠٠,٠٠٠ نفر
مسلمان درمذاهب دیگر صدی ١٣ = ٥٠٠,٠٠٠ «
پایتخت : دمشق .... ٣٠٣,٩٥٢ نفر ع ٩

شهرهای مهم :

حلب.......... ٣٣٧,٧٧٧ « ع ب
حمص.......... ١٠٠,١٤٢ « ع ج
حماه.......... ٧١,٣٩١ « ع ب
لاذقیه.......... ٣٦,٦٨٧ « ع ب

عراق : پادشاهی مستقل.

مساحت : .... ٤٣٥,٢٢٠ کیلومتر مربع .
جمعیت : .... ٥,٤٠٠,٠٠٠ نفر
مسلمان شیعه صدی ٥٧ = ٣,٠٥٠,٠٠٠ «
مسلمان سنی صدی ٣٦ = ١,٩٥٠,٠٠٠ «
پایتخت : بغداد.......... ٤٦٦,٧٣٣ « س ج

شهرهای مهم :

موصل.......... ١٣٣,٦٢٥ « س ب
بصره.......... ١٠١,٥٣٠ « ن ج
کرکوك.......... ٦٨,٣٠٨ « س ب
نجف.......... ٥٦,٢٦١ « س ج
کاظمین.......... ٤٨,٦٧٨ « *س ج
کربلا.......... ٤٤,١٥٠ « س ج
عماره.......... ٣٦,٩٠٧ « *ن ج
سلیمانیه.......... ٣٣,٥١٠ « ن ب
حله.......... ٣٦,٥٧٧ «
اربیل.......... ٢٧,٠٣٦ « س ب
ناصریه .... ٢٤,٠٣٨ « *ن ج

عربستان سعودی : پادشاهی مستقل

مساحت ١,٥٠٠,٠٠٠ کیلومتر مربع
جمعیت.......... ٦,٠٠٠,٠٠٠ نفر
مسلمان صدی ٩٩ =.. ٥,٩٨٠,٠٠٠ «
پایتخت : مکه.......... ٩٠,٠٠٠ « ع ه
پایتخت : ریاض.......... ٨٠,٠٠٠ « ن ه

شهرهای مهم :

هفوف.......... ٩٠,٠٠٠ « ن د
جده.......... ٦٠,٠٠٠ « ع ه
مدینه.......... ٤٠,٠٠٠ « ع ه
بریده .... ٣٠,٠٠٠ « س د
عنیزه.......... ٢٥,٠٠٠ « س د
طائف.......... ٢٥,٠٠٠ نفر س ه

عمان سلمی : (ساحل‌الصلح‌البحری : سواحل شیخ نشین . متعاهد مقید بانگلیس . مشتمل است برشارقه و رأس الخیمه و ام‌القیوین و عجمان و دبی و ابوظبی والفجیره .)

مساحت : .... ١٥,٥٤٠ کیلومتر مربع
جمعیت : .... ٨٠,٠٠٠ نفر
مسلمان صدی ٩٩ =...... ٧٩,٠٠٠ «
کرسی آن شارقه .... ٢,٠٠٠ « ل د

قبرس : مستعمرهٔ انگلیس .

مساحت : .... ٩,٢٥١ کیلومتر مربع .
جمعیت : .... ٥١٠,٠٠٠ نفر
مسلمان صدی ١٨ = ... ٩٠,٠٠٠ «
کرسی آن نیکوزیا........ ٣٤,٤٨٥ « ف ب

شهر مهم : لیماسل.. ٢٥,٣٠٨ « ج

قطر : شیخ‌نشین مستقل. متعاهد مقید باانگلیس.

مساحت : ٢٢,٠٠٠ کیلومتر و ٥٠٠ متر مربع.
جمعیت : .... ١٧,٠٠٠ نفر
مسلمان صدی ٩٩ = ... ١٦٩,٠٠٠ «
کرسی آن : دوحه.......... ١٠,٠٠٠ « م د

کویت : شیخ‌نشین‌مستقل. متعاهدمقید باانگلیس. بضمیمهٔ جزیرهٔ بوبیان.

مساحت : .... ١٥,٥٤٠ کیلومتر مربع
جمعیت : .... ١٨٠,٠٠٠ نفر
مسلمان صدی ٩٩ =.... ١٧,٩٠٠ «
کرسی‌آن : کویت.......... ٨٠,٠٠٠ « ن د

لبنان : جمهوری مستقل .

مساحت : .... ٩,٣٢٤ کیلومتر مربع
جمعیت : .... ١,٣٤٠,٠٠٠ نفر بعلاوهٔ ١٠٠,٠٠٠ نفر آوارگان.
مسلمان سنی صدی ٢٥ = ٣٥٣,٠٠٠ «
مسلمان شیعه صدی ١٨ = ٢٥٦,٠٠٠ «
مسلمان‌دروز (١) صدی ٧ = ٩١,٠٠٠ «
پایتخت : بیروت.......... ٢١١,٠٠٦ « ع ج

شهرهای مهم :

طرابلس .... ٥٩,٠٠١ نفر ع ج
زحله.......... ٢٥,١٥٣ « ع ج

لیبی : رجوع شود بصفحهٔ ٢

مسقط وعمان : سلطان نشین مستقل. متعاهد مقید باانگلیس بضمیمهٔ گوادر (٧٧٧ کیلومترمربع مساحت و ٥,٠٠٠ نفر جمعیت) و شیخ نشین های عمان داخلی (ناحیه بریمی ومهاذه که ٧,٠٠٠ نفر جمعیت آنهاست) .

مساحت : .... ١٢,٣٨٠ کیلومتر مربع
جمعیت : .... ٥٥٠,٠٠٠ نفر
مسلمان صدی ٩٩ = ٥٤٥,٠٠٠ «
پایتخت : مسقط.......... ٤,٢٠٠ « ل ه

مناطق بیطرف : تابع‌حکومت مشترك عربستان سعودی و عراق وکویت.

مساحت : .... ٢,٨٤٩ کیلومتر مربع
جمعیت : .... ٣,٠٠٠ نفر
مسلمان صدی ٩٩ = ... ٣,٠٠٠ «

مصر : جمهوری مستقل. بضمیمهٔ شبه جزیرهٔ سینا وغزه (با ٢٢١ کیلومترمربع مساحت و ٤٠,٠٠٠ نفر جمعیت بعلاوهٔ ٢٠٠,٠٠٠ نفرآوارگان).

مساحت : .... ٩٩٩,٧٤٠ کیلومتر مربع
جمعیت.......... ٢١,٦٠٠,٠٠٠ نفر
مسلمان صدی ٩٢ = ... ٢٠,٠٠٠,٠٠٠ «
پایتخت : قاهره.......... ٢,١٠٠,٥٠٦ « ف ج

شهرهای مهم :

اسکندریه .... ٩٢٥,٠٨١ « ص ج
پرت سعید.......... ١٧٨,٤٣٢ « ف ج
طنطا.......... ١٣٩,٨١٦ « ف ج
محلة‌الکبری.......... ١١٥,٥٠٩ « ف ج
سوئز.......... ١٠٨,٢٥٠ « ف ج
منصوره.......... ١٠٢,٥١٩ « ف ج
اسیوط.......... ٨٨,٧٣٠ « ف د
دمنهور.......... ٨٤,٩٨٣ « ف ج
زقازیق.......... ٨٢,٩١٢ « ف ج
فیوم.......... ٧٢,٤٦٥ « ف د
منیا.......... ٦٩,٦٦٧ « ف د
جیزه.......... ٦٦,٢١٣ « ف د
بنی‌سویف.......... ٥٦,٣٥٦ « ف د
دمیاط.......... ٥٣,٦٢٠ « ف ج
سوهاج.......... ٤٣,٢٣٤ « ف د
شبین‌الکوم.......... ٤١,٨٣٦ « ف ج
قنا.......... ٣٩,٦٢٧ « ف د
بنها.......... ٣٥,٢٤٥ « ف ج
رشید.......... ٢٨,٦٩٨ « ف ج
اسوان.......... ٢٥,٣٩٧ « ف ه

یوگوسلاوی : رجوع شود بصفحهٔ ٤

یونان (هلاس) : پادشاهی مستقل. بضمیمهٔ کرت (٨,٢٨٨ کیلومتر مربع مساحت و ٤٨٠,٠٠٠ نفر جمعیت)

مساحت : .... ١٣٢,٥٦١ کیلومتر مربع.
جمعیت : .... ٧,٨٠٠,٠٠٠ نفر
مسلمان صدی ١٫٨ = ... ١٤٠,٠٠٠ «
پایتخت : آتن.......... ٥٦١,٢٥٠ « ق ب

شهرهای مهم :

سالونیک.......... ٢١٦,١٣٨ « ق ا
پیروس.......... ١٨٤,٨٠٢ « ق ب
پاترای.......... ٨٨,٤١٤ « ق ب
هراکلیون .... ٥٤,٥٤١ « ص ب
ولوس.......... ٥١,١٣٤ « *ق ب
لاریسا.......... ٤٣,١٦٣ « *ق ب
قواله.......... ٤٢,٢٥٠ « ق آ
خانیه .... ٣٥,٢٣٧ « ق ب
ایونیه.......... ٣٣,٢٦٨ « *ق ب
کوموتینی.......... ٣١,٩٠٦ « ص آ

ACKU



خاور نزدیک
میل
۰ ۵۰ ۱۰۰ ۱۵۰ ۲۰۰
حدود سال ۱۳۷۰ هجری
زمین زراعتی
دشت (استپ)
بیابان
جنگل
کوه
شبه بیابان
اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی
دریای سیاه
ترکیه
دریای مدیترانه
سوریه
عراق
ایران
کویر خراسان
کویر لوت
قراقوم
دریای خزر
البرز
عربستان سعودی
نفود
مصر
سودان انگلیس و مصر
خلیج فارس
خلیج عمان
دریای عربستان
ربع الخالی
دریای احمر
بغداد
تهران
اصفهان
مدینه
مکه
جده
ریاض
قاهره
اسکندریه
دمشق
بیروت
حلب
موصل
بصره
کویت
مسقط
SAND
GRAVEL
LAVA
SALT

جنگهای صلیبی

لشکرکشی‌های شبه صلیبی برای پس گرفتن شهرهائی که مسلمانان بتصرف خود آورده بودند ۷۱۸-۱۰۹۵ میلادی

	لشکرکشی در		تاریخ (میلادی)	صلیبیون	سرکردگان مهم	جنگهائی که واقع شد (ه) وشهرهائی که تسخیر گردید ونتایج آنها
١	اسپانیا :	جلیقیه و لیون	۷۱۸ - ۹۱۰	اسپانیائی ها	الفونس اول - الفونس سوم	ه کو وادونگا ۷۱۸؛لیون ؛ تارود دویره تسخیر شد.
٢		کاتالونیه	۷۷۷ - ۸۰۱	فرانکها	شارلمان	ه سرقسطه؛ ۷۷۸ رونشه ۷۷۸ - بارسلون ۸۰۱
٣		کاستیل جدید	۱۰۳۷ - ۱۰۹۵	کاستیلی ها	الفونس ششم	مادرید.۱۰۸۵؛طلیطله ۱۰۸۵؛ه زلاقه ۱۰۸٦؛تسخیر شد
٤		پرتغال مرکزی	۱۰۵۵ - ۱۰٦٤	کاستیلی ها	فردیناند اول	قویمره ۱۰٦٤؛تسخیر شد ولی فقط قسمتی از آن پس گرفته شد .
٥	فرانسه :	اکیتانیه	۷۳۲ - ۷۵۹	فرانکها	شارل مارتل	ه تور۷۳۲؛نربونه ۷۵۹؛مسلمانان اخراج شدند .
٦		پروانس	۸۹۰ - ۹۷۵	فرانسویها	-	مسلمانان اخراج شدند .
٧	ایطالیا :	کالابریا	۸٤٦ - ۸۸۹	لمباردیها وبیزانتها	-	ه رم ۸٤٦؛بنونتو۸۵۲؛باری ۸۷۱؛تارانتو ۸۸۰ .
٨	سردانیه		۱۰۱٦ - ۱۰۵۰	پیزاییها وجنوائیها	-	مسلمانان اخراج شدند
٩	صقلیه		۱۰٦۰ - ۱۰۹۱	نورمانها	رجر اول	پالرمو۱۰۷۲؛ مسلمانان یا اخراج یا مطیع شدند .
١٠	مالطه		۱۰۹۰ -	نورمانها	رجر اول	مسلمانان یا اخراج یا مطیع شدند .

جنگهای صلیبی (۱) ۱۰۹۵ - ۱۲۹۱

١	فلسطین	(اول)	۱۰۹۹ - ۱۱۰۱	لورنی ها وپرونسالیها	گادفری ورایموند	بیت المقدس ۱۰۹۹؛ کشور اورشلیم ۱۰۹۹ - ۱۱۸۷.
٢			۱۱۰۷ - ۱۱۱۱	شمالی ها	سیگورد جورسالافار	ه عکا ۱۱۰۹ .
٣		(سوم)	۱۱۹۱ - ۱۱۹۲	انگلیسها وفرانسویها	ریچارد (اول) وفیلیپ (اول)	عکا ۱۱۹۱؛متارکه ، دسترسی مسیحیان بربیت المقدس .
٤			۱۲۲۸ - ۱۲۲۹	اهالی صقلیه وآلمانیها	فردریک دوم	بیت المقدس ۱۲۲۹ (تا ۱۲٤٤)؛ ده سال متارکه .
٥			۱۲٤۰ - ۱۲٤۱	انگلیس ها	ریچارد کرنوال	——
٦		(بعد از ششم)	۱۲۵۰ - ۱۲۵٤	فرانسویها	لوئی نهم	تعمیر استحکامات .
٧	شام	(اول)	۱۰۹۷ - ۱۰۹۹	نورمانها وپرونسالیها	بوهمند ورایموند	انطاکیه ۱۰۹۸؛امیرنشین انطاکیه ۱۰۹۸ - ۱۲٦۸.
٨		(بعد از اول)	۱۱۰۱ - ۱۱۲٤	پرونسالیها وایطالیائیها	ریموند تولوز	طرابلس ۱۱۰۹؛صور ۱۱۲٤؛کونت نشین طرابلس تا ۱۲۸۹
٩		(دوم)	۱۱٤۷ - ۱۱٤۹	فرانسویها وآلمانیها	لوئی هفتم وکنراد سوم	ه دمشق ۱۱٤۸
١٠		(پیش از پنجم)	۱۲۱۸	اهالی هنگری	آندرو دوم	——
١١			۱۲۳۹	اهالی ناوار	تیبو	——
١٢		(بعد از هفتم)	۱۲۷۰ - ۱۲۷۲	انگلیس ها	ادوارد (بعدها اول)	——
١٣	آسیای صغیر	(اول)	۱۰۹۷	فرانسویها ونورمانها	گادفری و بوهمند	نیقیه ۱۰۹۷؛ه دوریلایوم ۱۰۹۷؛ به بیزانت بخشیده شد .
١٤		(پیش از سوم)	۱۱۸۹ - ۱۱۹۰	آلمانیها	فردریک بربروسه	——
١٥	مصر	(پنجم)	۱۲۱۸ - ۱۲۲۱	فرانسویها	ژان دوبریین	دمیاط ۱۲۱۹ (بزودی تخلیه شد).
١٦		(ششم)	۱۲٤۸ - ۱۲۵۰	فرانسویها	لوئی نهم	دمیاط ۱۲٤۹ (« «) خراج سنگینی پرداختند .
١٧	تونس		۱۱۱۷ - ۱۱۲۳	نورمانهای صقلیه	——	غنیمت و امتیازات تجارتی
١٨			۱۱۳۵ - ۱۱۵۳	نورمانهای صقلیه	ژرژ انطاکیه	طرابلس ۱۱٤٦؛مهدیه ۱۱٤۸؛بتصرف موحدین آمد ۱۱۵۹.
١٩		(هفتم)	۱۲۷۰	فرانسویها	لوئی نهم وشارل	قرطاجنه ۱۲۷۰ (تسلیم شد) خراجگزار شارل .
٢٠			۱۲۸۲	اراغونیها	پدرو سوم	کلو۱۲۸۲ (تسلیم شد)
٢١	جربه		۱۱۳۵	نورمانهای صقلیه	ژرژ انطاکیه	درتصرف متناوب صقلیه سپس درتصرف کاتالونیها .
٢٢	بالئار		۱۱۱۳ - ۱۱۱۵	اهالی پیزا	——	مرابطین آنرا در ۱۱۵۱ تصرف کردند .
٢٣			۱۱۲۹ - ۱۲۳۵	اراغونیها	جمس اول	میورقه ۱۲۳۰؛منورقه۱۲۳۲ (خراجگزارتا ۱۲۸۷)
٢٤	اسپانیا :	اراغون شمالی	۱۰۹٦ - ۱۱٤۹	اراغونیها	الفونس ششم سید	وشقه ۱۰۹٦ ، سرقسطه ۱۱۱۸؛طرطوشه ۱۱٤۸.
٢٥		پرتغال جنوبی	۱۱۳۹ - ۱۲۵۷	پرتغالیها وانگلیسها	الفونس هنریك	لیسبون ۱۱٤۷؛شلب ۱۱۹۷؛میرتله ۱۲۳۹؛تسخیر شد .
٢٦		کاستیل جنوبی	۱۱٤٤ - ۱۱٤۷	کاستیلی‌ها وکاتالونیها	الفونس هفتم	المریه ۱۱٤۷ (بزودی ازدست رفت) سود ویژه اندك بود .
٢٧		کاستیل جنوبی	۱۲۱۲ - ۱۲٦٦	کاستیلی ها وارا غونیها	الفونس هشتم وجمس اول	ه ۱۲۱۲ قرطبه ۱۲۳٦ ، اشبیلیه ۱۲٤۸ ، مرسیه ۱۲٦٦ .
٢٨		اراغون جنوبی	۱۲۳۳ - ۱۲٤۵	اراغونیها	جمس اول	بلنسیه ۱۲۳۸ ، شاطبه ۱۲٤٤ ، تمام آن تسخیر شد .

جنگهای صلیبی متأخر

١	آسیای صغیر	شمال باختری ومرکزی .	۱۳۰٤	کاتالونیها	روجرد فلور	ه دروازهای کیلیکیه ۱۳۰٤ ، غنیمت
٢		باختری	۱۳٤۳ - ۱۳٤۷	ونیزیها وقبرسیها	زنو، داستی ، همبرت	ازمیر ۱۳٤٤ (درتصرف آنها بود تا زمان امیرتیمور ۱٤۰۲)
٣		جنوبی	۱۳٦۱	قبرسی‌ها وارمنی‌ها	پیر اول دلوزینان	انطالیه ۱۳٦۱ (درتصرف آنها بود تا ۱۳۷۳)
٤	مصر		۱۳٦۵	ونیزیها وقبرسی‌ها	پیر اول دلوزینان	اسکندریه ۱۳٦۵ (غارت کردند ورها کردند) غنیمت ؛
٥	بالکان :	تراکیه	۱۳٦٦	ایطالیائیها وفرانسویها	امیدیو ششم ساوایی	گالیپولی ۱۳٦٦ (عثمانیان در ۱۳۷۷ پس گرفتند)
٦		بلغارستان	۱۳۹٦	فرانسویها وهنگریها	دنور ، سجسموند	ه نیکپولی ۱۳۹٦؛ عثمانیان برآنجا مسلط شدند
٧		بلغارستان ، صربستان	۱٤٤۳ - ۱٤۵٦	هنگریها ولهستانیها	ژان هنیادی	ه وارنه ۱٤٤٤ ، قوصوه ۱٤٤۸ ، بلگراد ۱٤۵٦
٨	تونس		۱۳۹۰	فرانسویها وجنوائیها	لوئی بوربون	ه مهدیه ۱۳۹۰؛غنیمت و امتیازات تجارتی
٩	مراکش :	خاوری	۱۳۹۹ - ۱٤۷۰	اسپانیائیها	——	تطوان ۱۳۹۹ (غارت کردند ورها کردند) ، ملیله ۱٤۷۰ .
١٠		باختری	۱٤۱۵ - ۱٤۷۱	پرتقالیها	هانری ملاح	سبته ۱٤۱۵ ، طنجه ۱٤۷۱ .
١١	اسپانیا :	غرناطه	۱٤٦۲ - ۱٤۹۲	کاستیلی‌ها وارا غونیها	فردیناند دوم	جبل طارق ۱٤٦۲ ، مالقه ۱٤۸۷ ، غرناطه ۱٤۹۲ .

لشکرکشی‌های بی نتیجهٔ صلیبی

١ ۱۰۹٦ جماعت هائی از مهاجرین بسرکردگی پطر زاهد و ولترمفلس به قسطنطنیه میرسند و بسمت آسیا روانه میشوند و همگی دربین راه تلف میگردند .

٢ ۱۲۱۲ کودکان فرانسه وآلمان بسرکردگی استیفان وانلوی ونیکلای کولونیی یا متفرق میشوند یا در ایتالیا ببردگی درمیآیند .

٣ ۱۲٦۰ اراغنها بسرکردگی جمس اول درنتیجهٔ طوفان باز میگردند .

٤ ۱۲٦۹ اراغنها بسرکردگی جمس اول درنتیجهٔ طوفان باز میگردند.

٥ ۱۳۳۵ شروع جنگ انگلستان مانع ازحرکت فرانسویها بسرکردگی فیلیپ ششم میگردد.

٦ ۱٤٦٤ ایطالیائی‌ها بسرکردگی پیوس دوم درنتیجهٔ مردن پاپ متفرق میشوند.

لشکرکشی‌های صلیبی برضد مسیحیان

١ ۱۰۹۷-۱۰۹۸ اهالی لورن بسرکردگی بالدوین دبورگ در ۱۰۹۸ رها را تسخیر نموده کنت نشین رها را از ۱۰۹۸-۱۱٤٤ تأسیس میکنند و برارمنی‌ها فرمانروائی مینمایند .

٢ ۱۰۹۷-۱۰۹۸ اهالی نورمان بسرکردگی تنکرد در ۱۰۹۸ طرسوس را تسخیر نموده آنرا تابع انطاکیه قرار میدهند (اهالی کیلیکیه هم ارمنی بودند) .

٣ ۱۱۹۱ ریچارد اول پادشاه انگلیس قبرس‌را از تصرف روم شرقی بیرون آورده آنرا باهالی لوزینان میفروشد و آنها مملکت قبرس را تشکیل میدهند (۱۱۹۲-۱٤۸۹).

٤ ۱۲۰۲-۱۲۰٤ (جنگ چهارم صلیبی) اهالی ونیز وفرانسویهادر ۱۲۰۲ زارا ودر ۱۲۰٤ قسطنطنیه را متصرف گردیده امپراطوری لاتن (۱۲۰٤ - ۱۲٦۱) وکشورهای فرانسوی‌دیگر را تشکیل میدهند. و نیزی‌ها سهمی از غنائم می‌برند ، و بیزانتی‌ها در طرابوزان و اپیروس و نیقیه و غیر آن پراکنده میشوند

٥ ۱۳۰۵-۱۳۱۱ کاتالونی ها والتر دبریین را درکفیسوس بسال ۱۳۱۱ هزیمت میدهند و بدوك نشین آتن و تسالیا مسلط میگردند.

٦ ۱۳٦٦-۱۳٦۷ ایطالیائیها وبیزانتیها بسرکردگی امید یوششم ساوایی بلغاریها را هزیمت میدهند و جون پنجم امپراطور را آزاد میسازند.

دولتها وامیرنشین‌های صلیبی درمدیترانهٔ خاوری

١ کنت‌نشین‌رها۱۰۹۸-۱۱٤٤ ؛ ارمنی‌ها زیرفرمان نورمان ها وبورگاندیها ؛ تیولی‌های بیت‌المقدس‌بعداز ۱۰۹۹ ؛ زنگی موصلی آنرا تسخیر میکند .

٢ امیرنشین انطاکیه ۱۰۹۸-۱۲٦۸ ؛ اعراب زیرتسلط نورمانها ؛ تیولی بیت المقدس ۱۰۹۹-۱۱۸۷ . بیبرس از سلاطین سلسلهٔ ممالیك آنرا تسخیر میکند.

٣ مملکت اورشلیم ۱۰۹۹-۱۱۸۷ ؛ اعراب زیرتسلط لورنی ها و بورگاندیها . صلاح‌الدین ایوبی آنرا تسخیر میکند .

٤ کنت نشین طرابلس ۱۱۰۹-۱۲۸۹ ؛ اعراب زیر تسلط پرونسالی ها . تیولی بیت‌المقدس تا ۱۱۸۷ . قلاون یکی از سلاطین سلسلهٔ ممالیك آنرا تسخیر میکند .

٥ مملکت قبرس۱۱۹۲-۱٤۸۹ ؛ قبرسی ها زیر تسلط لوزینانی‌های بورگاندی. بعد از ۱٤۲٦ خراجگزار ممالیک. بخشیده میشود به ونیز.

٦ رمانی (امپراطوری لاتین قسطنطنیه) ۱۲۰٤-۱۲٦۱ ؛یونانی‌ها ها زیرفرمان ونیزیها وفلامان‌ها.میشل هشتم پالیولوگوس آنرا تسخیر میکند.

٧ مملکت سالونیك ۱۲۰٤-۱۲۲۲ ؛ یونانی‌ها زیر فرمان ایطالیائی‌ها. خراجگزار قسطنطنیه . تئودورا پیروسی آنرا تسخیر میکند.

٨ دوك نشین آتن ۱۲۰۵-۱۳۸۸ ؛یونانی‌ها زیر فرمان خانوادهٔ دلاروش‌تا۱۳۰۸، زیر فرمان‌دبریین۱۳۰۹-۱۳۱۱ ؛کاتالونی‌ها۱۳۱۱-۱۳۱۲ وخراجگزار سیسیل۱۳۱۲-۱۳۷۷(کاتالونی‌هاخراجگزار اراگون ۱۳۷۷-۱۳۸۸ ؛ اکسیا ژولی فلورانسی ازسال ۱۳۸۸تا۱۳۹٤و نیز از ۱۳۹٤ - ۱٤۰۲)

٩ امیرنشین آخائیا ۱۲۰۵-۱٤۳۰. یونانیها زیر فرمان ویلدهردوین های فرانسوی وانگوین ها وناوارها . توماس پالیولوگوس برآن استیلا پیدا میکند.

١٠ رودس زیرفرمان سرکردگان سن ژان ۱۳۱۰-۱۵۲۲ (اسپتاریه درفلسطین حوالی ۱۰۷۰-۱۲۹۱ ودرقبرس ۱۲۹۱-۱۳۱۰ ؛ مالطه را متصرف میشوند ۱۵۳۰-۱۷۹۸ و طرابلس را متصرف میشوند ۱۵۳۰-۱۵۵۱) ؛ سلیمان اول سلطان عثمانی آنجارا تسخیر میکند.

١١ دوك‌نشین نیوپاتراس ۱۳۱۹-۱۳۸۸ ؛یونانیها زیر فرمان کاتالونی‌های‌فرمانروای دوك نشین آتن. اکسیاژولی فلورانسی آنرا تسخیر میکند.

لشکرکشی‌های دیگر صلیبی

علاوه برجنگها ولشکرکشی هائی که ذکر شد زد وخورد ها وجنگهای کوچك درفلسطین و شام وجنگهای متوالی دیگری دراسپانیا وجزائر اژه وتاخت وتازهائی درسواحل شام وتونس باصلیبیون بوقوع پیوسته است که قابل شماره نیست. اصطلاح (جنگهای صلیبی) به‌جنگهائی‌که پاپ‌ها باکولولنا و باخانوادهٔ هوهنشتافن وبا آراغون وبا از دین برگشتان البیجنسین و مسیحیان دیگر وهمچنین با بت برستان بالتیك میثمودند . اطلاق شده است .

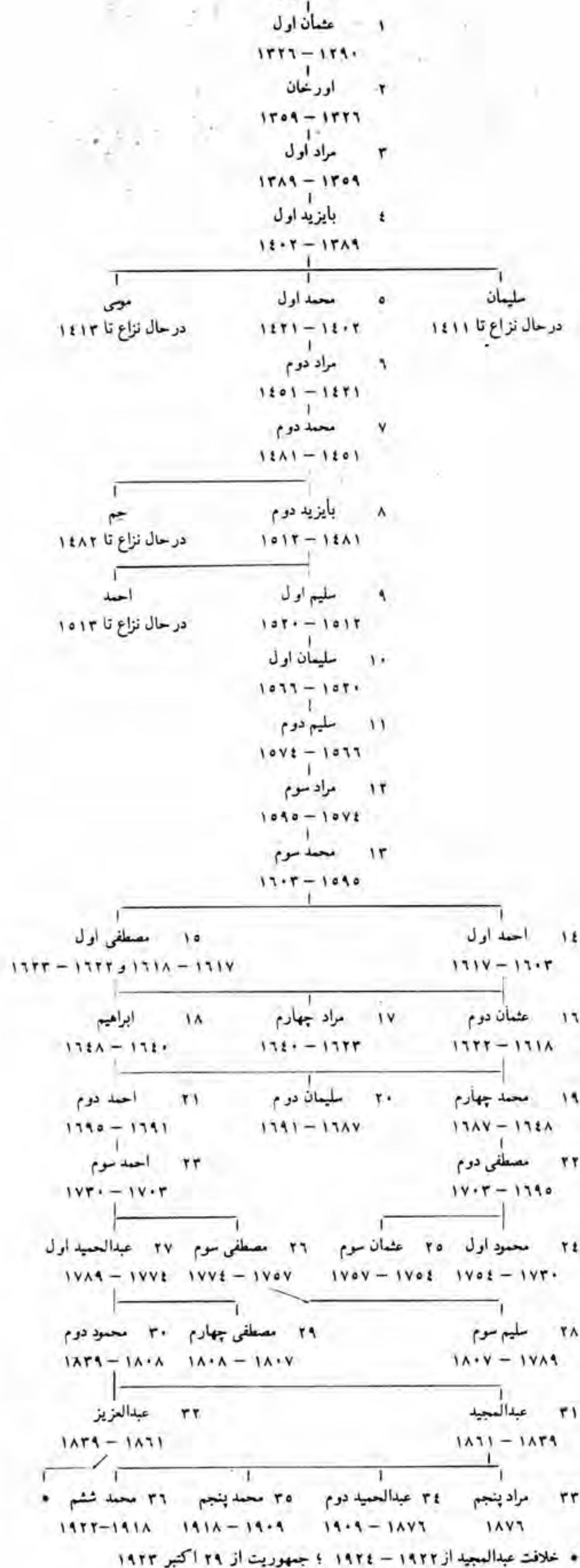
ACKU


صلیبیون
میل
۵۰ ۱۰۰ ۱۵۰ ۲۰۰ ۲۵۰ ۳۰۰ ۳۵۰ ۴۰۰ ۴۵۰ ۵۰۰
سرزمین مسیحیان ۴۸۸ — ۶۹۰ هجری
سرزمین مسلمانان ۴۸۸ — ۶۹۰ هجری
سرزمین بت پرستان ۴۸۸ – ۶۹۰ هجری
سرزمین مسیحیان که آنرا از مسلمانان پس گرفته اند قبل از ۴۸۸ هجری
دولتهای صلیبی در مشرق مدیترانه
سرزمین های دیگری که صلیبیون از مسلمانان گرفته اند ۴۸۸-۶۹۰ هجری
اسمعیلیه
ایرلند
انگلستان
دریای شمال
دانمارک
دریای بالتیک
لیتوانی
روسیه
قپچاق
المان
فرانسه
مجارستان
کارپات
الپ
اقیانوس اطلس
بحر اسود
بحر ازوف
قفقاز
گرجستان
ارمنیه
کردستان
آسیای صغیر
جزیره
دریای مدیترانه
دریای اژه
ادریاتیک
کورسیکا
سردانیه
صقلیه
مراکش
جبال اطلس
تونس
مصر
عربستان
بحر احمر
صحرا
دریای خزر
لندن
پاریس
کلن
پراگ
کراکوف
وینه
بودا
ونیس
رم
ناپل
پالرمو
مسینا
قسطنطنیه
نیقیه
قونیه
انطاکیه
حلب
دمشق
طرابلس
قبرس
رودس
کرت
عکا
صور
بیت المقدس
عسقلان
دمیاط
اسکندریه
قاهره
سیناء
ایله
موصل
بغداد
بصره
همدان
الموت
تبریز
مدینه
ینبع
مکه
نجد
حجاز
نیل
فارس
کیف
سمولنسک
فاس
تلمسان
طنجه
قرطبه
اشبیلیه
غرناطه
طلیطله
لیسبون
پرتغال
کاستیل
اراغون
مالطا
مهدیه
بجایه
تونس
طرابلس
جربه

١ **سلطان اونو** ١٢٩٩ – ١٩٢٣.
٢ **بی ثونیا** ١٣١٦/٣٨ – ١٩٢٣ (بروسه ١٣٢٦ – ١٤٠٢ و ١٤٠٣ – ١٩٢٠ و ١٩٢٢–١٩٢٣ مرکز ١٣٢٦ – ١٣٦٦؛ ازنیک [نیقیه] ١٣٣١ – ١٤٠٢ و ١٤٠٣–١٩٢٣؛ ازمید [نیقومیدیه] ١٣٣٧/٨ – ١٤٠٢ و ١٤٠٣ – ١٩٢٣).
٣ **قره سی** ١٣٣٦ – ١٩٢٣.
٤ **تراکیه خاوری** ١٣٥٤/٦١ – ١٩٢٠ و ١٩٢٢ – ١٩٢٣ (بخواهش رومی‌ها ازاهالی تراکیه ١٣٤٥ و ١٣٤٩ و ١٣٥٤؛ گالیپولی ١٣٥٤–١٣٦٦ و ١٣٧٧–١٩٢٣؛ ادرنه؛ ١٣٦١–١٩١٣ و ١٩١٣–١٩٢٠ و ١٩٢٢ – ١٩٢٣؛ مرکز ١٣٦٦–١٤٥٣؛ استانبول ١٤٥٣ – ١٩١٨ و ١٩٢٣؛ مرکز ١٤٥٣ – ١٩٢٣).
٥ **قره مان شمالی** ١٣٦٠ – ١٤٠٢ و ١٤٣١ – ١٩٢٣ (انقره پایتخت شد ١٩٢٣).
٦ **روملی خاوری** ١٣٦٤/٧٢ – ١٩٠٨ (مستقل شد ١٨٧٨ – ١٨٨٥؛ و در ضمن استقلال بلغارستان ١٨٨٥ – ١٩٠٨).
٧ **تراکیه باختری** ١٣٧١ – ١٩١٣.
٨ **مقدونیه** ١٣٧١/٨٢–١٩١٢/٣ (مناستر [بیتولج ومناستر] ١٣٨٢ – ١٩١٢؛ سالونیک ١٣٠٧ – ١٣٩٦ و ١٤٣٠ – ١٩١٢).
٩ **بلغارستان** ١٣٧٢/٩٣ – ١٩٠٨ (خراجگزاروتابع ١٣٧٩–١٣٨٥؛ مستقل ١٨٧٨–١٩٠٨).
١٠ **گرمیان خاوری** ١٣٨١ – ١٤٠٢ و ١٤٢٨ – ١٩٢١ و ١٩٢٢ – ١٩٢٣.
١١ **حمید** ١٣٨٢ – ١٤٠٢ و ١٤٢٨ – ١٩٢٣.
١٢ **صربستان** ١٣٨٦ – ١٤٠٢ و ١٤٣٩ – ١٤٤٤ و ١٤٥٦/٩ – ١٨٧٨ (خراجگزار و تابع ١٣٨٦ – ١٤٠٢؛ درحال شورش ١٨٠٤ – ١٨١٣ و ١٨١٥ – ١٨١٧؛ نیمه استقلال ١٨١٧ – ١٨٢٩؛ مستقل ١٨٢٩ – ١٨٧٨؛ بلگراد ١٥٢١ – ١٦٨٨ و ١٦٩٠ – ١٧١٧ و ١٧٣٩ – ١٧٨٩ و ١٧٩١ ÷ ١٨٦٧).
١٣ **بوسنه** ١٣٨٩ – ١٤٠٢ و ١٤٦٣ – ١٩٠٨ (خراجگزار و تابع ١٣٨٩ – ١٤٠٢؛ درحال شورش ١٨٢١ – ١٨٥١ و ١٨٧٥ – ١٨٧٨؛ فقط اسماً خراجگزار ١٨٧٨ – ١٩٠٨).
١٤ **هرزه گوین** ١٣٨٩ – ١٤٠٢ و ١٤٨٣ – ١٩٠٨ (خراجگزار و تابع ١٣٨٩ – ١٤٠٢؛ درحال شورش ١٨٧٥ – ١٨٧٨؛ فقط اسماً خراجگزار ١٨٧٨ – ١٩٠٨).
١٥ **گرمیان باختری** ١٣٩٠ – ١٤٠٢ و ١٤٢٨ – ١٩٢١ و ١٩٢٢ – ١٩٢٣.
١٦ **صاروخان** ١٣٩٠ – ١٤٠٢ و ١٤٢٦ – ١٩٢٣.
١٧ **آیدین** ١٣٩٠ – ١٤٠٢ و ١٤٢٦ – ١٩٢٠ و ١٩٢٢ – ١٩٢٣ (ازمیر ـ اسمرنه ١٤٢٦ – ١٩١٩ و ١٩٢٢ – ١٩٢٣).
١٨ **منتشا** ١٣٩٠ – ١٤٠٢ و ١٤٢٦ – ١٩٢٣.
١٩ **تکه** ١٣٩٠ – ١٤٠٢ و ١٤٢٧ – ١٩١٩ و ١٩٢١ – ١٩٢٣.
٢٠ **کروات جنوبی** ١٣٩١ – ١٤٠٢ و ١٤٦٨ – ١٦٩٩ (خراجگزاروتابع ١٣٩١ – ١٤٠٢).
٢١ **افلاق باختری** ١٣٩١ – ١٤٠٢ و ١٤٧٥ – ١٧١٨ و ١٧٣٩ – ١٨٦٨ و ١٧٧٤–١٨٧٨ (خراجگزاروتابع تا ١٧١١؛ فقط اسماً تابع ١٨٢٩ – ١٨٧٨).
٢٢ **افلاق خاوری** ١٣٩١ – ١٧٦٨ و ١٧٧٤ – ١٨٧٨ (خراجگزاروتابع تا ١٧١١؛ فقط اسماً تابع ١٨٢٩ – ١٨٧٨).
٢٣ **قره مان جنوبی** ١٣٩٢ – ١٤٠٢ و ١٤٧١ – ١٩٢٣.
٢٤ **قزل احمدلی** ١٣٩٣–١٤٠٢ و ١٤٦٠–١٩٢٣ (سیواس ١٣٩٥–١٤٠٠ و ١٤٦٠–١٩٢٣).
٢٥ **تسالی** ١٣٩٣/٧ – ١٨٨١.
٢٦ **آتیکا** ١٣٩٧ – ١٤٠٢ و ١٤٥٦ – ١٨٢١/٣٢ (آتن ١٤٥٦ – ١٦٨٧ و ١٦٩٩ – ١٨٢٢ و ١٨٢٧ – ١٨٢٩).
٢٧ **موره** ١٣٩٧ – ١٤٠٢ و ١٤٥٦/٦٠ – ١٦٨٥/٩٩ و ١٧١٤/٥ – ١٨٢١/٣٢.
٢٨ **جزائر ایونی جنوبی** ١٣٩٩ – ١٤٠٢ و ١٤٨٠ – ١٤٨٢ و ١٧٩٧ – ١٨٦٣ (فقط اسماً تابع ١٧٩٧ – ١٨٦٣؛ اوترانتو واقع در ایتالیا اشغال شد ١٤٨٠/١ و ١٥٣٧.)
٢٩ **قرم (کریمه) شمالی** ١٤٢٠ – ١٧٧٤ (خراجگزار وتابع).
٣٠ **اپیروس** ١٤٣٠ – ١٨٨١/١٩١٣
٣١ **آلبانی** ١٤٣٠ – ١٤٤٣ و ١٤٦٧/٧٩ – ١٩١٢ (بطور متزلزل درتصرف بود).
٣٢ **طرابوزان** ١٤٦١ – ١٩٢٣.
٣٣ **جزائر اژه** ١٤٦٢/١٥٦٦ – ١٨٢٩/١٩١٢ (لسبوس وتاسوس ١٤٦٢ – ١٩١٢؛ ایوبیا ١٤٧٠ – ١٨٢٩؛ لمنوس ١٤٧٩ – ١٩١٢؛ ساموس ١٥٥٠ – ١٩١٢ [مستقل ١٨٣٢–١٩١٢] خیوس واندروس وناکسوس ١٥٦٦ – ١٨٢٩).
٣٤ **قرم (کریمه) جنوبی** ١٤٧٥ – ١٧٤٤.
٣٥ **دریای آزوف** (سواحل) ١٤٧٥ – ١٧٤٤ (تانا ١٤٧٥ – ١٦٩٥ و ١٧١١–١٧٤٤).
٣٦ **بسارابی جنوبی** ١٤٨٤ – ١٧٨٩ و ١٧٩٢ – ١٨١٢ (فقط اسماً تابع ١٨٥٦–١٨٧٨).

٣٧ **قره طاغ** (مونته نگرو) ١٤٨٠/٩٩ – ١٧٩٩ (تابع و غالباً درحال شورش).
٣٨ **الجزائر** ١٥٠٤ – ١٧١٠ (مورد نزاع ١٥٠٤ – ١٥٥٦؛ تابع ١٥٥٦ – ١٦٧١ فقط اسماً تابع ١٦٧١ – ١٧١٠).
٣٩ **ملداوی** ١٥١٢ – ١٧٦٨ و ١٧٧٤ – ١٧٨٩ و ١٧٩٢ – ١٨٧٨ (تابع تا ١٧١١؛ فقط اسماً تابع ١٨٢٩ – ١٨٧٨).
٤٠ **ارمنستان باختری** ١٥١٤ – ١٩٢٣.
٤١ **ارمنستان خاوری** ١٥١٤/٧–١٦٠٣ و ١٦٣٥–١٦٣٨ و ١٦٤٥–١٨٧٨ و ١٩٢١–١٩٢٣.
٤٢ **آذربایجان** ١٥١٤ و ١٥٣٤ و ١٥٤٨ و ١٥٩٠ – ١٦٠٢/١٨ و ١٦٣٥/٨ – ١٧٣٠ (تابع ١٦٣٨ – ١٧٢١).
٤٣ **کردستان** ١٥١٥ – ١٩٢٣ (غالباً درحال شورش).
٤٤ **کیلیکیه** ١٥١٦ – ١٨٣٢ و ١٨٤٠ – ١٩١٨ و ١٩٢١ – ١٩٢٣.
٤٥ **شام (سوریه)** ١٥١٦–١٨٣٢ و ١٨٤٠–١٩١٨ (شورش قبیله دوروز ١٦٠٣–١٦٣٥).
٤٦ **لبنان** ١٥١٦ – ١٨٣٢ و ١٨٤٠ – ١٩١٨ (مستقل ١٨٦١ – ١٩١٤).
٤٧ **فلسطین** ١٥١٦ – ١٧٩٩ و ١٨٠١ – ١٨٣٢ و ١٨٤٠ – ١٩١٧/٨.
٤٨ **مصر** ١٥١٧ – ١٨٨٢ (درحال شورش ١٧٦٦ – ١٧٧٣؛ تسخیرشد ١٧٩٨–١٨٠١؛ فقط اسماً تابع بود ١٨٠٥ – ١٨٨٢).
٤٩ **حجاز** ١٥١٧ – ١٨٠٣ و ١٨٤٠ – ١٩١٦/٢٠ (نیمه مستقل).
٥٠ **عسیر** ١٥١٧ – ١٩١٦/٢٠ (نیمه مستقل).
٥١ **یمن** ١٥١٧ – ١٦٣٥ و ١٨٧١ – ١٩١٨ (خراجگزار وتابع ١٥١٧ – ١٥٣٨؛ درحال شورش ١٦٢٨ – ١٦٣٥ و ١٩٠٤ – ١٩٠٥؛ مستقل ١٩١٣ – ١٩١٨).
٥٢ **سیرنائیك** ١٥٢١ – ١٩١٢ (نیمه مستقل ١٥٢١ – ١٨٣٥).
٥٣ **ردس** ١٥٢٢ – ١٩١٢.
٥٤ **مجارستان** ١٥٢٦ – ١٦٩٩ (خراجگزاروتابع ١٥٢٦ – ١٥٤١ و ١٦٨٧ – ١٦٩٩).
٥٥ **بسارابی شمالی** ١٥٢٦ – ١٧٨٩ و ١٧٩٢ – ١٨١٢.
٥٦ **یدیصان** ١٥٢٦ – ١٧٩١.
٥٧ **تونس** ١٥٣٤ – ١٨٨١/٣ (مورد نزاع ١٥٣٤ – ١٥٧٤؛ خراجگزار ١٥٧٤ – ١٧٠٥؛ اسماً تابع ١٧٠٥ – ١٨٨٣؛ شهر تونس ١٥٣٤–١٥٣٥ و ١٥٦٩–١٥٧٣ و ١٥٧٤ – ١٨٨١).
٥٨ **بین‌النهرین** ١٥٣٤/٥٥ – ١٦٠٢/٣ و ١٦٣٨ – ١٩١٤/٢٣.
٥٩ **ترانسیلوانی** ١٥٤١ – ١٦٩٩ (تابع وخراجگزار تا ١٦٦٤؛ فقط اسماً تابع ١٦٦٤–١٦٩٩؛ وگروسواردین [اورادیا] ١٦٦٠ – ١٦٩٩).
٦٠ **عدن** ١٥٤٧ – ١٨٣٩.
٦١ **طرابلس** ١٥٥١ – ١٩١٢ (خراجگزاروتابع ١٥٥٤–١٧١٤؛ اسماً تابع ١٧١٤–١٨٣٥).
٦٢ **طمشوار** ١٥٥٢ – ١٧١٦/٨.
٦٣ **احساء** ١٥٥٥ – ١٩١٤/٦ (فقط اسماً تابع درحدود ١٨٢٠ – ١٩١٦).
٦٤ **قبرس** ١٥٧١ – ١٩١٤ (فقط اسماً تابع ١٨٧٨ – ١٩١٤).
٦٥ **گرجستان** ١٥٩٠ – ١٦١٨ و ١٦٤٥ – ١٧٣٠ (خراجگزار وتابع ١٥٩٠ – ١٦٠٣ و ١٦٤٥ – ١٧٢٥).
٦٦ **قره باغ** ١٥٩٠ – ١٦٠٣ و ١٦٤٥ – ١٧٣٠ (خراجگزار وتابع).
٦٧ **لرستان** ١٦٣٠ – ١٧٤٧ (خراجگزاروتابع ١٦٣٨ – ١٧٤٧).
٦٨ **داغستان** ١٦٤٥ – ١٧٢٥ (خراجگزاروتابع).
٦٩ **کرت** ١٦٤٥/٦٩ – ١٨٢٢ و ١٨٤٠ – ١٨٩٨ (درحال شورش ١٨٦٦ – ١٨٦٨ و ١٨٧٨ و ١٨٨٩ و ١٨٩٦ – ١٨٩٨).
٧٠ **پودولیا** ١٦٧٢/٦ – ١٦٩٩.
٧١ **منگرلیا** ١٧٢٥ – ١٧٣٠ و ١٧٧٤ – ١٨٠٣/٢٩ (بطورمتزلزل درتصرف بود).

جنگهای اولیه	**محاصره های بی نتیجه**	**معاهده های اخیر**
١٣٧١ کرنومن	١٣٩١ قسطنطنیه	١٦٩٩ کارلوویتز
١٣٨٩ قوصوه (١)	١٣٩٧ قسطنطنیه	١٧١١ پروت
١٣٩٦ نیکوپولیس	١٤٢٢ قسطنطنیه	١٧١٨ پساروویتز
١٤٠٢ آنقره	١٤٥٦ بلگراد	١٧٣٩ بلگراد
١٤٤٨ قوصوه (٢)	١٤٨٠ ردس	١٧٧٤ کوچوك کینارجه
١٥١٤ چالدران	١٥٢٩ وین	١٧٩٢ یاسی
١٥١٦ مرج دابق	١٥٣٧ کرفو	١٨٢٩ ادرنه
١٥٢٦ مهاج (١)	١٥٥١ مالطه (مالتا)	١٨٧٨ سن‌استفانو
١٥٧١ لپانتو	١٥٦٥ مالطه (مالتا)	١٩٢٠ سور
١٦٨٧ مهاج (٢)	١٦٨٣ وین	١٩٢٣ لوزان



ACKU



امپراطوری عثمانی
میل
۰ ۱۰۰ ۲۰۰ ۳۰۰ ۴۰۰ ۵۰۰ ۶۰۰ ۷۰۰ ۸۰۰ ۹۰۰ ۱۰۰۰
سرزمینی که هیچگاه در تصرف مسلمانان نبوده ۱۲۹۹-۱۹۲۳
سرزمینی که چندی در تصرف مسلمانان بوده و هیچگاه در تصرف عثمانی نبوده ۱۲۹۹-۱۹۲۳
سرزمینی که مدتی در تصرف عثمانی بوده
نهایت بسط اقتدار عثمانی
اقیانوس اطلس
الپ
پیرنه
بحر اسود
بحر خزر
دریای مدیترانه
مجارستان
کریمه
قفقاز
قرا قوم
فلات اوست اورت
دریای ارال
باکو
تفلیس
کرجستان
داغستان
ارمنستان
کردستان
جبال البرز
همدان
لرستان
موصل
کرمانشاه
بغداد
بصره
بوشهر
احساء
نفود
نجد
مدینه
مکه
عسیر
عدن
خلیج عدن
باب المندب
بحر احمر
مصر
سیناء
قاهره
اسکندریه
دمشق
بیروت
عکا
بیت المقدس
قبرس
حلب
سوریه
قیصری
انقره
قونیه
طوروس
آیدین
کرت
ردس
مورا
سالونیک
قسطنطنیه
ادرنه
طرابزون
ارضروم
تبریز
آذربایجان
اراق
بلغارستان
صوفیه
بوسنه
صربستان
بلگراد
افلاق
ترانسلوانی
کرواسی
آپنین
سیسیل
کورسیکا
ساردنیه
بالئار
جبل الطارق
الجزائر
تونس
مالطه
جربه
طرابلس
برقه
سیرنائیک
تلمسان
جبال اطلس
صحراء
بیابان لیبی
بیابان نوبه
کوه تیبستی
فزان
جمار
اسوان
نیل

خاور میانه و خاور دور

شماره جمعیت کشورها و شهرها مطابق آمار سال ۱۳۳۲ هجری شمسی است (۱۹۵۳ میلادی) پایتخت‌ها و شهرهائی که جمعیت آنها از ۴۰۰,۰۰۰ نفر تجاوز کند (کشورهائیکه مسلمانان آنها زیاد است ۱۰۰,۰۰۰ نفر و کشورهائی که مسلمانان آنها زیاد نیست ۴۰,۰۰۰ نفر) در این جدول به نسبت جمعیت شهرها ذکر گردیده ، باین توضیح : هرشهری که جمعیت آن درآن کشور بیشتر باشد در ذکر نام مقدم است و بحروف الفبا در نقشهٔ صفحه مقابل نموده شده .

اتحاد جماهیر شوروی (روسیه) : برای جمهوری هائی که در این جدول نامبرده نشده اند بصفحهٔ ۴ رجوع کنید.

قزاقستان : مساحت ۲,۷۴۳,۷۸۶ کیلومترمربع.
جمعیت.................. ۶,۰۰۰,۰۰۰ نفر
مسلمان صدی ۶۰ = ... ۳,۶۰۰,۰۰۰ «
مرکز: آلماآتا........ ۲۹۲,۲۰۰ « س ج

شهرهای مهم :
کاراگاندا (قرقنده)...... ۴۴۰,۰۰۰ « ع ا
سیمیپالاتینسک........ ۱۲۰,۰۰۰ « ن ا
ژامبول (اولی آتا)...... ۱۲۰,۰۰۰ « ع ج
پطروپاولوسک........ ۱۱۰,۰۰۰ « —
چمکنت........ ۱۰۰,۰۰۰ « ف ج

قرغیزستان :
مساحت........ ۱۹۶,۶۹۰ کیلومترمربع.
جمعیت........ ۱,۵۰۰,۰۰۰ نفر
مسلمان صدی ۸۵ = .. ۱,۳۰۰,۰۰۰ «
مرکز: فرونزه (پیشیک) ۱۴۸,۵۰۰ « ع ج

تاجیکستان :
مساحت .... ۱۴۳,۸۶۱ کیلومترمربع
جمعیت .... ۱,۵۰۰,۰۰۰ نفر
مسلمان صدی = ۹۵.. ۱,۴۰۰,۰۰۰ «
مرکز: استالین‌آباد ...... ۱۳۰,۰۰۰ « ف د

ترکمنستان :
مساحت........ ۴۴۳,۵۳۵ کیلومترمربع.
جمعیت........ ۱,۲۰۰,۰۰۰ نفر
مسلمان صدی ۹۰ = .. ۱,۱۰۰,۰۰۰ «
مرکز : عشق‌آباد ...... ۱۳۳,۶۰۰ « ق د

ازبکستان :
مساحت .... ۳۷۸,۲۰۲ کیلومترمربع.
جمعیت........ ۶,۰۰۰,۰۰۰ نفر
مسلمان صدی ۸۵ = .. ۵,۱۰۰,۰۰۰ «
مرکز: تاشکند........ ۵۹۴,۰۰۰ « ف ج

شهرهای مهم :
سمرقند........ ۱۵۰,۰۰۰ « ف د
اندجان........ ۱۰۰,۰۰۰ « ع ج

افغانستان : سلطنتی مستقل
مساحت........ ۶۴۷,۵۰۰ کیلومترمربع
جمعیت........ ۱۲,۰۰۰,۰۰۰ نفر
مسلمان سنی صدی ۹۰ = ۱۰,۸۰۰,۰۰۰ «
مسلمان شیعه صدی ۹ = ۱,۸۰۰,۰۰۰ «
مرکز : کابل........ ۱۵۴,۱۳۴ « ف ه

شهرهای مهم :
هرات........ ۸۵,۰۰۰ « ص ه
قندهار .... ۶۰,۰۰۰ « ف ه
مزارشریف .... ۵۰,۰۰۰ « ف د

اندونزی : جمهوری مستقل ، بر گینهٔ جدید (ایریان غربی) هم ادعا دارد.
مساحت........ ۱,۴۹۱,۵۵۲ کیلو متر مربع .
جمعیت........ ۷۹,۰۰۰,۰۰۰ نفر
مسلمان صدی ۹۰ = .. ۷۱,۱۰۰,۰۰۰ «
مرکز : جاکارتا (باتاویا) ۱,۲۰۰,۰۰۰ « ط م

شهرهای مهم :
سربایا .... ۵۵۰,۰۰۰ « ح م
سمارانگ........ ۲۲۰,۰۰۰ « ح م
باندونگ........ ۱۷۰,۰۰۰ « ط م
سولو (سوراکارتا) ...... ۱۷۰,۰۰۰ « ح م
جاگجاکارتا .... ۱۴۰,۰۰۰ « ح م
پالمبانگ........ ۱۱۰,۰۰۰ « ی ل

ایران : رجوع بصفحهٔ ۳۴

برمه : جمهوری مستقل .
مساحت........ ۶۷۷,۵۷۰ کیلومترمربع.
جمعیت........ ۱۹,۱۰۰,۰۰۰ نفر
مسلمان صدی ۳ر۹ = .. ۷۵۰,۰۰۰ «
مرکز : رانگون...... ۶۰۰,۰۰۰ « ك ح

برنئو شمالی : مستعمرهٔ انگلیس بضمیمهٔ لابوان (۹۰ کیلومترمربع مساحت و ۹,۰۰۰ نفر جمعیت).
مساحت........ ۷۶,۱۰۰ کیلومترمربع.
جمعیت........ ۳۴۰,۰۰۰ نفر
مسلمان صدی ۷۵ = ... ۲۵۵,۰۰۰ «
مرکز : جسلتن........ ۱۱,۷۰۴ «* ز ی

برونی : سلطنتی. تحت تسلط انگلیس ومشتمل بر دو قسمت است. ساراواك آن دوقسمت را از هم جدا میکند.
مساحت........ ۵,۷۶۵ کیلومترمربع.
جمعیت........ ۵۰,۰۰۰ نفر
مسلمان صدی ۷۷ = ... ۳۹,۰۰۰ «
مرکز : برونی........ ۱۰,۶۲۰ «* ح ك

بهوتان : (دروك یول) : سلطنتی واسماً مستقل. متعاهد مقید با هندوستان.
مساحت........ ۴۶,۶۲۰ کیلومترمربع.
جمعیت........ ۳۰۰,۰۰۰ نفر
مرکز : پناکها........ ۵,۰۰۰ نفر * م و

پاکستان : مستقل. عضودول مشترك المنافع انگلیس. دو قسمت است که هندوستان آن دو قسمت را از هم جدا کرده و پاکستان برکشمیر ادعا دارد.
مساحت........ ۹۴۷,۶۵۵ کیلومترمربع
جمعیت........ ۷۸,۵۰۰,۰۰۰ نفر
مسلمان صدی ۹۱ = ... ۷۱,۵۰۰,۰۰۰ «
مرکز : کراچی........ ۹۰۵,۷۸۱ « ف ز

شهرهای مهم :
لاهور........ ۷۸۹,۴۰۰ « ع ه
داکا........ ۲۷۳,۱۵۹ « ل ز
حیدرآباد........ ۲۴۱,۸۰۱ « ف و
لیالپور .... ۱۷۹,۱۲۷ «* ع ه
ملتان........ ۱۷۵,۴۲۹ « ع ه
راولپندی........ ۱۵۳,۰۷۰ « ع ه
چاتکام (چیتاگنگ).. ۱۴۳,۲۶۴ «* ل ز
سیالکوت........ ۱۳۵,۴۰۱ « ع ه
گوجران والا........ ۱۱۴,۱۹۳ «* ع ه
پیشاور........ ۱۰۹,۷۱۵ « ع ه

تیمور پرتقال : مستعمرهٔ پرتقال بضمیمهٔ ناحیهٔ اکوسی ام بنو (۲,۴۶۰ کیلومتر متربع مساحت و ۶۰,۰۰۰ نفر جمعیت).
مساحت........ ۱۸,۹۸۴ کیلومترمربع.
جمعیت........ ۴۵۰,۰۰۰ نفر
مسلمان صدی ۲۰ = .. ۹۰,۰۰۰ «
مرکز : دلی........ ۴۳,۵۸۹ «

چین : سابقاً جمهوری مستقل اکنون منقسم است بچین ملی و چین کمونیست و منچوری کمونیست و مغولستان داخلی کمونیست و ترکستان شرقی کمونیست وتبت کمونیست .
مساحت........ ۹,۷۳۶,۲۱۴ کیلومترمربع
جمعیت........ ۴۸۰,۰۰۰,۰۰۰ نفر
مسلمان صدی ۴ر۸ = ... ۲۳,۰۰۰,۰۰۰ «

چین ملی : دولت مستقل ونظامی شامل جزیرهٔ فرموز (تایوان) .
مساحت........ ۳۵,۹۶۲ کیلومترمربع.
جمعیت........ ۸,۴۰۰,۰۰۰ نفر
مرکز: تایپه........ ۵۰۳,۰۸۶ « و ز

چین کمونیست : کمونیستی و اسماً مستقل . متعاهد با اتحاد جماهیر شوروی شامل تمام چین خاص (۱۸ استان) وسیکانك چینگهای .
مساحت........ ۴,۷۴۳,۲۰۰ کیلومترمربع
جمعیت........ ۴۲۰,۰۰۰,۰۰۰ نفر
مسلمان صدی ۵ = ... ۲۰,۰۰۰,۰۰۰ «
مرکز : پکن........ ۱,۹۴۰,۰۰۰ «

شهرهای مهم :
شانگهای........ ۵,۴۱۰,۰۰۰ « و ه
تیان‌تسین........ ۱,۷۹۰,۰۰۰ « —
کانتون (کوانگچو)... ۱,۵۰۰,۰۰۰ « ح ز
چونکینگ........ ۱,۰۴۰,۰۰۰ نفر ط و
نانکینگ........ ۱,۰۲۰,۰۰۰ « ز ه
تسینگ تاو........ ۸۹۰,۰۰۰ « و د
هانکاو........ ۷۵۰,۰۰۰ « ح ه
چانگتو........ ۷۵۰,۰۰۰ « ی ه
تسینان........ ۶۵۰,۰۰۰ « ز د
هانگچو........ ۶۰۰,۰۰۰ « و ه
سیان........ ۵۶۰,۰۰۰ « ط ه

مغولستان داخلی کمونیست : اسماً قسمتی ازچین کمونیست ولی تحت تسلط اتحاد جماهیرشوروی. شامل سه استان (چاهار و نیسینگسیا و سوئیان).
مساحت........ ۹۰۱,۳۹۵ کیلومترمربع
جمعیت .... ۵,۲۰۰,۰۰۰ نفر
مرکز : فعلا ندارد.

ترکستان شرقی کمونیست : اسماً قسمتی ازچین کمونیست ولی تحت تسلط اتحاد جماهیر شوروی.
مساحت ۱,۸۴۸,۴۴۱ کیلومترمربع
جمعیت........ ۴,۰۰۰,۰۰۰ نفر
مسلمان صدی ۷۵ = ... ۳,۰۰۰,۰۰۰ «
مرکز : ارومچی...... ۷۰,۰۰۰ « م ج

شهرهای مهم :
یارقند (یارکند)...... ۶۰,۰۰۰ « س د
کاشغر........ ۵۰,۰۰۰ « س د
آقسو........ ۴۰,۰۰۰ « س ج

تبت کمونیست : اسماً قسمتی از چین کمونیست ولی تحت تسلط اتحاد جماهیرشوروی.
مساحت........ ۱,۲۱۵,۴۷۱ کیلومترمربع
جمعیت........ ۳,۲۰۰,۰۰۰ نفر
مرکز : لهاسا........ ۲۰,۰۰۰ « ل و

سرواك : مستعمرهٔ انگلیس.
مساحت........ ۱۲۱,۹۰۸ کیلومترمربع
جمعیت........ ۵۹۰,۰۰۰ نفر
مسلمان صدی ۷۵ = ... ۴۴۰,۰۰۰ «
مرکز : کوچنگ........ ۳۷,۹۵۴ « ح ك

سنگاپور : مستعمرهٔ انگلیس بضمیمهٔ جزائر کوکوس (۲ر۶ کیلومتر مربع مساحت و ۱,۴۰۰ نفرجمعیت)
مساحت........ ۷۳۰ کیلو متر مربع
جمعیت........ ۱,۱۰۰,۰۰۰ نفر
مسلمان صدی ۴۵ = ... ۴۹۰,۰۰۰ «
مرکز : سنگاپور........ ۶۷۹,۶۵۹ « ی ك

سیام : سلطنتی مستقل .
مساحت .... ۵۱۳,۵۱۶ کیلومترمربع.
جمعیت........ ۱۹,۸۰۰,۰۰۰ نفر
مسلمان صدی ۲ر۳ = ... ۶۴۰,۰۰۰ «
مرکز : بانکوك........ ۶۲۰,۸۳۰ « ی ط

سیلان (سرندیب) : مستقل وعضودول مشترك المنافع .
مساحت........ ۶۵,۹۰۷ کیلومترمربع.
جمعیت........ ۸,۲۰۰,۰۰۰ نفر
مسلمان صدی ۲ر۶ = .. ۵۱۰,۰۰۰ «
مرکز : کلمبو........ ۴۲۴,۸۱۶ « س ی

فیلیپین : جمهوری مستقل ، متعاهد مقید باامریکای شمالی.
مساحت........ ۲۹۹,۴۰۰ کیلومترمربع
جمعیت .... ۲۱,۲۰۰,۰۰۰ نفر
مسلمان صدی ۵ر۳ = .. ۷۵۰,۰۰۰ «
مرکز : کزن‌سیتی........ ۱۰۷,۹۷۷ «* و ط

شهر مهم :
مانیلا........ ۹۸۳,۹۰۶ « و ط

کشمیر : اسماً مستقل . سرزمین امیرنشین فعلا مورد منازعه وتحت تصرف نیروی هند و پاکستان که قرار است حل قضیه بآراء عمومی محول گردد .
مساحت........ ۲۱۲,۹۳۱ کیلومترمربع.
جمعیت........ ۴,۶۰۰,۰۰۰ نفر
مسلمان صدی ۸۰ = ... ۳,۷۰۰,۰۰۰ «
مرکز : سری نگر........ ۲۱۰,۰۰۰ « ع ه

مالایا : زیرتسلط انگلیس بضمیمهٔ مالاکا (۱۷۱۳ کیلومترمربع مساحت و ۲۵۰,۰۰۰ نفر جمعیت) وپنانگ (۱۰۰۴ کیلومترمربع مساحت و ۴۶۰,۰۰۰ نفر جمعیت) و نه ناحیه مالای (جوهور، کده ،کلانتان، نگری سمبیلان ، پاهنگ، پراك ، پرلیس، سلانگر، ترنگ گانو).
مساحت........ ۱۳۱,۰۴۶ کیلومترمربع
جمعیت........ ۵,۶۳۰,۰۰۰ نفر
مسلمان صدی ۵۱ = ... ۲,۹۰۰,۰۰۰ «
مرکز : کوالا لمپور...... ۱۷۵,۹۶۱ « ی ك

شهرهای مهم :
جرج تون .... ۱۸۹,۰۶۸ نفر ی ی
ایپوه........ ۸۰,۸۹۴ « ی ك
مالاکا .... ۵۴,۵۰۷ « ی ك
تای پینگ........ ۴۱,۳۶۱ «* ی ك

مالدیو : جمهوری تحت‌الحمایهٔ انگلیس
مساحت........ ۲۹۸ کیلومترمربع .
جمعیت........ ۹۰,۰۰۰ نفر
مسلمان صدی ۹۵ = .. ۸۵,۰۰۰ «
مرکز : مالی .... ۸,۴۳۱ « —

مغولستان خارجی : اسماً مستقل کمونیست. متعاهد مقید با اتحاد جماهیر شوروی.
مساحت........ ۱,۶۲۱,۳۴۰ کیلومترمربع
جمعیت .... ۹۰۰,۰۰۰ نفر
مرکز: اولان‌باتور (ارگا) ۷۰,۰۰۰ « ط ب

ماکائو : مستعمرهٔ پرتقال
مساحت........ ۱۵ر۵ کیلومترمربع
جمعیت........ ۱۹۰,۰۰۰ نفر
مرکز : ماکاو (ماکائو) ۱۶۶,۵۴۴ نفر * ح ز

نپال : سلطنتی مستقل.
مساحت........ ۱۳۹,۸۶۰ کیلومترمربع
جمعیت........ ۷,۰۰۰,۰۰۰ نفر
مرکز : کاتماندو .... ۱۱۰,۰۰۰ « م و

هند پرتقال : مستعمرهٔ پرتقال . شامل گوآو دامائو و دیو است . مورد نزاع بین هند و پرتقال
مساحت........ ۳,۹۸۰ کیلومترمربع
جمعیت........ ۶۵۰,۰۰۰ نفر
مسلمان صدی ۳۰ = ... ۲۰۰,۰۰۰ «
مرکز: گوا (نواگوآ - پانگیم) ۳۱,۹۵۰ «* ع ح

هند فرانسه : مستعمرهٔ فرانسه شامل پاندیچری و کاریکال وماهه ویاناون.
مساحت........ ۵۰۰ کیلومترمربع
جمعیت........ ۳۵۰,۰۰۰ نفر
مسلمان صدی ۶ = ... ۲۰,۰۰۰ «
مرکز : پاندیچری...... ۵۲,۸۰۰ « س ط

هندوچین فرانسه : عضواتحادیهٔ فرانسه شامل ویت نام (انام و تونکین و کشن شین) ولائوس وکامبودیا. درسال ۱۹۵۴ مستقل شدند
مساحت........ ۷۰۵,۲۵۷ کیلومترمربع
جمعیت........ ۳۰,۰۰۰,۰۰۰ نفر
مسلمان صدی ۹ر۰ = . ۲۷۰,۰۰۰ «

شهرهای مهم :
سایگون........ ۶۹۸,۰۰۰ « ط ط
چولون........ ۴۸۱,۰۰۰ «* ط ط

هندوستان : جمهوری مستقل عضودول مشترك المنافع انگلیس بضمیمهٔ **لاکادیو** (۲۰۷ کیلومتر مربع مساحت و ۲۲,۰۰۰ نفر جمعیت) ، انداماًن (۵,۳۳۰ کیلومتر مربع مساحت و ۲۰,۰۰۰ نفر جمعیت) ، نیکوبار (۱,۶۴۴ کیلومتر مربع مساحت و ۱۳,۰۰۰ نفر جمعیت) برکشمیر ادعا دارد.
مساحت........ ۳,۱۶۲,۰۴۰ کیلومترمربع
جمعیت........ ۳۷۵,۰۰۰,۰۰۰ نفر
مسلمان صدی ۱۰ = ... ۳۶,۳۰۰,۰۰۰ «
مرکز : دهلی جدید..... ۲۷۶,۳۱۴ « س و

شهرهای مهم :
بمبئی........ ۲,۸۳۹,۲۷۰ « ع ح
کلکته........ ۲,۵۴۸,۶۷۷ « م ز
مدرس........ ۱,۴۱۶,۰۵۶ « ن ط
حیدرآباد........ ۱,۰۸۵,۷۲۲ « س ح
دهلی........ ۹۱۴,۷۹۰ « س و
احمدآباد........ ۷۸۸,۳۳۳ « ع ز
بنگلور........ ۷۷۸,۹۷۷ « س ط
کانپور .... ۷۰۵,۳۸۳ « ن و
لکنهو........ ۴۹۶,۸۶۱ « ن و
پونه........ ۴۸۰,۹۸۲ « ع ح
ناگپور........ ۴۴۹,۰۹۹ « س ز
هاوره........ ۴۳۳,۶۳۰ « م ز

هونگ کنگ : مستعمرهٔ انگلیس شامل جزیرهٔ هونگ کنگ و شبه جزیرهٔ کولون و مناطقی که باجاره گرفته شده (۹۱۹ کیلومترمربع مساحت و ۲۰۰,۰۰۰ نفر جمعیت)
مساحت........ ۱,۰۱۲ کیلومترمربع
جمعیت........ ۲,۲۰۰,۰۰۰ نفر
مرکز : ویکتوریا........ ۱,۰۰۰,۰۰۰ * ح ز

شهر مهم :
کولون........ ۸۰۰,۰۰۰ * ح ز

ACKU

خاور میانه

میل

۰ ۱۰۰ ۲۰۰ ۳۰۰ ۴۰۰ ۵۰۰

مرزهای سال ۱۳۷۰ هجری

ارتفاعات

کمتر از ۱۰۰۰ پا	
۱۰۰۰ - ۳۰۰۰ پا	
۳۰۰۰ - ۷۰۰۰ پا	
بیش از ۷۰۰۰ پا	

مغولستان
جبال آلتائی
گبی
مغولستان داخلی
ترکستان شرقی
تکله مکان
چین کمونیست
جبال کون لون
تبت کمونیست
جبال هیمالایا
هند
دریای عربستان
خلیج بنگاله
اقیانوس هند
افغانستان
پاکستان
بلوچستان
برمه
سیلان

خاور دور

میل

۰ ۱۰۰ ۲۰۰ ۳۰۰ ۴۰۰

مرزهای ۱۳۷۳ هجری

ارتفاعات

کمتر از ۱۰۰۰ پا	
۱۰۰۰ - ۳۰۰۰ پا	
۳۰۰۰ - ۷۰۰۰ پا	
بیش از ۷۰۰۰ پا	

بحر اصفر
چین کمونیست
تبت
هند و چین
سیام
دریای چین جنوبی
خلیج سیام
اقیانوس آرام
دریای سلب
دریای سولو
اندونزی
اقیانوس هند
دریای جاوه
دریای فلور
دریای بندا
بورنئو
مانیلا
بانکوک
سنگاپور

اسلام درهند

سند را امویان بسال ۹٤ هجری بدست محمد قاسم (۱) تسخیر نمودند و از آن پس همیشه یکی از نواحی اسلامیٔ بوده است . پس از آن سند پایگاهی شد برای فتوحات کم اهمیت و تاخت و تازهای پرمنفعت (کجرات ۹٤ هجری و بروج ۱۰٦-۱۲٦ . اما سلسله کرجارا ـ پراتها درشمال هندوستان وسلسلهٔ میترا کا درفالبهی (که درسال ۲۵۸ هجری منقرض شد) مانع ازگسترش حقیقی اسلام در این سمت گشتند . درضمن که تجارعرب درسواحل جنوبی هندوستان رخنه نموده عده زیادی را مسلمان مینمودند ، دعوت باسلام درسند وپنجاب (پنجاب یعنی پنج رودخانه) که حکمرانان مسلمان داشت پیش میرفت . این امرای مسلمان درسال ۲۵۸ هجری از بیعت با خلفای عباسی سرباز زدند.

این وضع تا سال ۳۷۱ که سبکتکین غزنوی بهمسایگان هندی خود حمله نمود ادامه داشت . محمود پسراو درسالهای ۳۹۲ الی ٤۱۵ هفده بار بهندوستان لشکر کشید وغنایم زیاد بدست آورد وایالت پنجاب‌را که ازآنزمان اسلام درآن نفوذ فراوان دارد ، بمتصرفات خود ضمیمه نمود . بیرونی(۲) یکی از رعایای سرشناس او که ریاضی دان ومنجم قابلی بود کتابی دربارهٔ هندوستان نوشت که توجه عالم مرکزی اسلام را بهندوستان جلب نمود . شمال باختری‌هندوستان تا سال ۵۸۲ هجری‌که غوریان لاهوررا فتح کردند درتصرف غزنویان بود .

یورش غوریان بسال ۵۸۲ باحمله محمدبن سام (۳) به سند و پنجاب آغازگردید. اتحادیهٔ نظامی هندیها بسال ۵۸۸ در ترائم بکلی نابود شد. درعرض دەسال دهلی ، گوالیور ، بهار و بنگاله سقوط کردند و در سال ٦۰۳ هجری ممالیك دهلی از غور جدا شدند و مستقل گردیدند . هرچند چنگیزخان ازحمله بهندوستان منصرف شد اما مغولها لاهور وملتان‌را غارت‌کردند. ممالیك دهلی تاسال ٦۳٤ قسمت اعظم راجپوتانارا تصرف کردند اما این سلسله درسال ٦۸۹ بدست سلاطین سلسلهٔ خلجی (٤) برافتاد. حملات مغولها درسال‌های ٦۹۷ تا ۷۰٤ رخ داد . کجرات بسال ۷۰۰ تسخیر شد . بدکن حمله شد وتا سال ۷۱۰ قسمتی از آن تسخیرگردید . افرد خاندان خلجی درسال ۷۲۰ بقتل رسیدند وسال بعد خاندان تغلق جای‌آنها راگرفتند. امیرنشین دهلی درتحت فرمانروائی محمد بن تغلق(۵) تقریباً برهمهٔ هندوستان دست یافته بود اما شورشی که درسال ۷٤۰ رخ داد برای او بقیمت از دست رفتن بنگال و هندوستان جنوبی‌تمام شد. درتمام طول این دوره معماری وگرایش بدین اسلام خواه بزور وخواه بمیل وخواه ازروی‌مصلحت ـ رواج کامل داشت. تجار عرب درسیلان (سراندیب) توطن اختیارکرده واهالی جزائر لاکادیو، مال‌دیو، اندمان ونیکوبارا بدین‌اسلام تبلیغ‌نمودند که‌هنوز دین رایج این نواحی اسلام است .

تیمور ، سند و پنجاب را در سال های ۸۰۱ ـ ۸۰۲ ویران ساخت اما از آنجا بازگشت و هندوستان مسلمان نشین را درهرج و مرج باقی گذاشت . خاندان‌لودی‌که ازعشایر پاتان (پشتو) بودند درسال ۸۵٤ نظم وآرامش را برقرارکردند وتا سال ۹۳۳ دردهلی حکمروائی میکردند. سایر دولتهای‌مسلمان هندوستان عبارت بودند از : خاندان بهمنی دردکن (ازسال ۷٤۸ تا ۹۳۳). بنگالهٔ مستقل (ازسال ۷۳۰ تا ۸۸٤) . مالوه درهندوستان مرکزی‌که ازسال ۸۰٤ الی ۸٤۰ زیرفرمان غوریان وازسال ۸٤۰ الی ۹۳۸ زیر فرمان خلجی‌ها بود . کجرات ازسال ۸۰٤ الی ۹۸۱ هجری. کشمیرکه درسال ۷۱۵ اسلام بدانجا رسیده بود ازسال ۷۳۵ الی ۹۹۵ هجری . دکن‌که بعد ازسال ۹۲٤ به پنج امیرنشین تقسیم شده بود مدام با هندوهای « ویج یا ناکار» و« مراتها » درزد وخورد بودند .

دورهٔ مغولی هندوستان با حملهٔ بابر درسال ۹۳۲ وفتح او درپانی پیت بسال ۹۳۳ آغاز میگردد. دورهٔ مغول در زمان اکبر (سال ۹٦٤ تا ۱۰۱٤) که ازسال ۹۸۷ به بعد باسلام خصومت میورزید و درضمن قسمت اعظم هندوستان را در زیرسلطهٔ اسلام در آورد و پسرش شاه جهان ونوه‌اش جهانگیر با علی درجهٔ قوس صعودی رسید. ضعف این دوره از زمان اورنگ زیب (۱۰۷۰-۱۱۱۹) که مسلمانی متعصب وسخت گیر بود آغازشد وبا فتح هندوستان بدست انگلیسها درقرن ۱۸ میلادی خاتمه یافت .

بعد از تسلط انگلیس برهندوستان هرچندکه مسلمانان آن دیار محدودیت‌های سیاسی داشتند اما حمایت میشدند وکار وبارشان رونق داشت. در زمینهٔ استقلال طلبی شور وهیجان هندیها ازمسلمانان بمراتب زیادتر بود . چون تخلیهٔ هندوستان از انگلیس بالاخره قطعی آمد پیشنهاد مسلمین مبنی بر تجزیهٔ آندیار پذیرفته گردید. باین ترتیب درسال ۱۳۹۸ پاکستان تحت پیشوائی محمد علی‌جناح استقلال یافت و بعضویت ممالك مشترك المنافع درآمد. این‌کشوراز دوناحیهٔ مجزیٰ از هم تشکیل یافت و ۹۰ درصد جمعیت آن مسلمان است ، از یکطرف گرفتار اختلاف با هندوستان برسرکشمیر وحیدر آباد است و از طرف دیگر با افغانستان برسرناحیهٔ پشتونستان کشمکش دارد . تا زمانیکه این اختلافات و مشکلات اقتصادی ناشیه از آنها از طریق مذاکرات مسالمت آمیز حل نشود پاکستان در وضع مشکل کنونی باقی خواهد ماند .

اسلام درآسیای مرکزی

بتاریخ اسلام در افغانستان و ماوراءالنهر درصفحات پیش اشاره شد . مردم این دو منطقه از روزگار کهن بدین اسلام گرویدند ، وصرف نظر از چند تاخت و تاز متفرق و پراکنده که بآنها شده همچنان مسلمان باقی مانده‌اند، گواینکه نزدیك بیك قرن است روسیه برماوراءالنهر حکومت میکند.

درترکستان قلمرو اسلامی دچار فرازها و نشیب‌های سخت گردیده است : گاهی فتوحات مسلمانان یاگرویدن جماعاتی بدین‌اسلام بروسعت آن افزوده ، وزمانی تاخت وتازهای قبائل غیرمسلمان از وسعت آن کاسته است. جمهوریهای شوروی قزاقستان وقرغیزستان وترکمنستان واز بکستان اکنون نموداریست از تاخت و تازهای طوائف وقبایل ترك بآن سرزمین. اهالی جمهوری دیگر موسوم بتاجیکستان‌که فارسی زبان هستند بازحمت بسیار بدین اسلام‌گرویدند. مرزهای دور دست ترکستان بعلت استیلای روسیه برسیبری از بعد ازسال ۱٦۰۰ کوچك‌گردید ، وگرچه ترکان شمالی بطور کلی تاقرن نوزدهم اسلام‌را قبول نکردند ، اما از این تاریخ به‌بعد باوجود آزارها ونفی‌بلدها وحتی کشتارهائیکه ازطرف روسیه دربارهٔ آنان بعمل میآمد بدین اسلام گرویدند.

درزمانهای بسیارقدیم دین اسلام بسمت خاور پیشرفت و بترکستان چین یعنی غربی‌ترین ایالات چین رسید . لشکریان چین که صحرا نشینان ترك را درزیر استیلای خود گرفته بودند تارومارگردیدند ودر ۷۵۱ ازآنجا رانده شدند وکاشغر تسلیم گردید. با وجود مقاومت چینی‌ها وتبتی‌ها نفوذ مسلمانان بدست ترکان قرلق وقره‌خانیه واوغوز وقراختائیان که تا دوران مغول یکی پس ازدیگری قدرت پیدا کردند بسرعت پیشرفت میکرد . جدا بودن ترکستان چین از جهت جغرافیائی باعث شدکه بعد از سال ۱۳۰۰ باآنکه اسماً زیرفرمانروائی دولت چین بود استقلال واقعی پیدا کند. مهمترین انقلابات آنجا شورش یعقوب بیك بود (۱۸٦۷ ـ ۱۸۷۷) . اکنون مسلمانان ترك بی آنکه توفیقی بدست آورند در برابر تسلط حکومت سویتی مقاومت میکنند.

تبت ونپال وبهوتان هیچگاه زیرفرمان اسلام درنیامدند.

اسلام درچین

مسلمانان باکشور چین ازروزگارکهن روابطی داشته اند ، ولی این روایت که عموی حضرت رسول درسال هفتم هجری امپراتور چین‌را ملاقات‌کرده کاملاً ساختگی‌است. تجارعرب قبل ازسال ٦۰۰ میلادی تجارت ابریشم میکردند و دین اسلام از راه دریائی کانتون و از راه زمینی کاروان رو به مهاجرنشینهای عرب درچین وارد گردید . درحدود سال ٦۵۰ میلادی امپراطوری ازخاندان تانگ موسوم به «کائوتسنگ» چون ازساسانیان و بیزانسی‌ها شنیدکه دولت نظامی تازه‌ای راههای تجارتی‌را زیرتسلط خود آورده سفیری بمدینه فرستاد ، وعثمان‌هم ازجانب خود درسال ٦۵۱ سفیری بچین اعزام داشت. پس‌ازآن‌درسال ۷۱۳ و ۷۲٦ بین طرفین هیئت‌هائی مبادله‌گردید. گروهی نیز ازعلویان زیدی که ازشکنجه وفشار بنی‌امیه فرارکرده بودند پیش ازسال ۷۵۰ به چین رفتند ودرآنجا اقامت‌گزیدند.

درسال ۷۵۱ لشکریان چین ازاعراب شکست خوردند واز ترکستان بیرون رانده شدند. درسال ۷۵۷ خلفای‌عباسی فوجی مرکب از ٤۰۰۰ نفررا که قسمت عمدهٔ آنها اویغورمانوی مذهب و برخی‌هم ترکان مسلمان بودند، بسرکوبی شورشی مأمورکردندکه تاتارها برپا کرده بودند . افراد این فوج بازنان چینی ازدواج کردند و باسلوب مستعمرات ومهاجرنشینان بازرگانان عرب درشهرهای ساحلی، مستعمراتی درداخل خاك چین ایجاد کردند ، ورفته‌رفته عدهٔ بیشتری‌هم ازطبقه لشکری و هم ازصنف بازرگانان وسوداگر بآنان ملحق گردیدند وداد وستد مسلمانان واهل چین ازراه خشکی ودریا رواج یافت. بااین‌حال عدهٔ کسانی ازاهالی چین که بدین اسلام گرویدند اندك بود وتا دورهٔ مغول مسلمانان بهمین مهاجرین واولاد واحفاد آنان محدود ماندند .

قوبلای خان (۱۲٦۰-۱۲۹٤) عدهٔ زیادی از ایرانیان‌را بکارگماشت وایشان مسلمانان را بمهاجرت به‌چین وبخصوص ناحیهٔ یونان تشویق‌کردند. سیل این‌مهاجران تاشورش منگ(۱) درسالهای۱۳٦۸-۹ ادامه داشت . ازآن پس نفوذ تدریجی مسلمانان درچین وگرویدن عدهٔ دیگر بدین اسلام و توالد و تناسل سریع مسلمانان (سرشماری چین دردورهٔ امپراطوری هرخانوار مسلمان‌را شش نفر وهرخانوار غیرمسلمان را پنج نفربحساب آورده است) وخریدن کودکان چینی هنگام قحطی ، موجب افزونی جمعیت مسلمانان شد ، بنحوی‌که اکنون جمعیت مسلمانان چین به پنج درصدکل جمعیت چین خاص که چهارصد ملیون نفراست تخمین زده میشود......

مسلمانان چین چنانکه گفته شد اقلیت داشتند و بنابراین ناچار بودند با عادتها و رسم‌های آنجا مماشات کنند ، تاآنجاکه دربند حجاب زنان وگوشه‌نشینی آنان نبودند ومسجدهای خودرا بدون مناره ساختند ، ولی افراد خانوادهٔ خود را ازخوردن گوشت خوك واحترام به بت منع میکردند. مسلمانان چین هیچگاه قدرت سیاسی نداشته اند ، گواینکه دردورهٔ مغولها مقام ومرتبهٔ آنها ترقی فوق‌العاده پیدا کرده بود ، ولی درسالهای ۱٦٤۸ ـ ۱۷۸۵-۱۸۲٦-۱۸۳٤-۱۸٤۰-۱۸۵۵ ـ ۱۸۷۳ (شورش پانتای دریون نان) و ۱۸٦۲-۱۸۷٦-۱۸۹۵-۱۸۹٦ (شورش تونغان درکانسو وشنسی) شورش‌های بسیار کردند ودراین شورش ها عدهٔ کثیری ازآنها بهلاکت رسیدند. مسلمانان باستثنای دورهٔ این حوادث درزمان امپراطوری ودورهٔ جمهوریت چین زندگانی را بخوشی گذرانیده‌اند.

اسلام در جنوب خاوری آسیا

با اینکه مسلمانان درهندوستان دارای قدرت سیاسی ونظامی بسیاربودند نفوذ اسلام ازبنگاله جلوتر نرفت ، وازاین جهت است که اهالی آسام وبرمه وهندوچین وسیام هیچوقت بدین اسلام نگرویدند، گواینکه جماعت‌های‌کوچکی ازمسلمانان فعلاً درهریك ازآن نقاط وجود دارد. پیشرفت مهم اسلام درجنوب خاوری آسیا درشبه جزیرهٔ مالای بوده است که درحدود سال ۱٤۰۰ میلادی این دین ازکجرات وسوماترا بآن سرزمین رخنه کرد وبسرعت توفیق نصیب آن شد.

باآنکه مالاکا در ۱۵۱۱ بدست پرتغالی‌ها افتاد وبعد ازآن انگلیسها برآن شبه‌جزیره مسلط‌گردیدند آن قسمت ازایالات مالای‌که زیرفرمان مسلمانان بود تا حدی استقلال خودرا نگهداشته ، اکنون هم دراتحادیه مالای این استقلال‌را دارند ، گرچه انگلیس ها سنگاپور راکه دارای اقلیتی مسلمان است ازآن اتحادیه جدا ساخته‌اند تابتوانند تسلط خودرا برتنگه‌ها ،که اهمیت نظامی بسیاردارد ،درآن حدود باقی نگاهدارند . اکنون تقریباً نصف تمام جمعیت مخلوط آنجا مسلمانست وبقیه بیشترچینی‌هستند.

اسلام در اندونزی

نخستین گروهی ازمسلمانان که به‌اندونزی وارد شده‌اند تصور میشود بازرگانان عرب باشندکه درقرن هفتم میلادی ، درسوماترا که سرراه چین بوده است ، توقف‌کرده‌اند، بعدازآنها بازرگانان گجراتی ، هستندکه معاملهٔ فلفل میکردند ، وتا پیش از ۱۱۰۰ میلادی اسلوبی داشتند که منحصر بخود آنها بود ، باین توضیح که هم تجارت میکردند وهم تبلیغ مذهبی ؛ وتوسل باین اسلوب برای انتشار اسلام مخصوص است به اندونزی . تا سال ۱۲۹۰ نتوانسته بودند درپارلاك حوالی جزیرهٔ سوماترا استقرار یابند وازآنجا درسراسرسواحل این جزیره پخش شدند ، وبه جزائر دیگر نیزرفتند ودربنادر توطن اختیار نمودند و با دختران بومی ازدواج کردند وزبان ورسوم اهل محل‌را فراگرفتند وبااعیان واشراف آنجا قرارداد بستند وغلام وکنیز خریدند ودراثر این آمیزش‌ها ، حکام سواحل واهالی‌را بصورتی ازدین اسلام که آداب ورسومی ساده وبیشتر رنگ جنگی داشت درآوردند ، وهمین صورت از اسلام بود که درآن حول وحوش بدست تازه مسلمانان مشتاق بسرعت رواج یافت .

ابن بطوطه درسال ۱۳٤۵ درسوماترا یك کشور اسلامی مترقی را دیده‌که پادشاهی مسلمان وخوب ازاهل محل برآن حکمفرما بوده است . سلاطین نیرومند اتچه (اچیه) تا سال ۱۵۰٤ بدین اسلام درآمده بودند وتاسال ۱۵۵۰ تمام اهالی سوماترا ، باستثنای قبیلهٔ باتك که درداخل جزیره بودند ، مسلمان شده‌اند. رواج این دین درجاوه بآن سرعتی‌که درسوماترا انجام گرفته است نبوده ، زیرا درآنجا هندوها با اسلام مخالفت سخت داشته‌اند ، گرچه نقل میکنند یکی ازشاهزاده‌های آنجا درحدود سال ۱۱۹۰ مسلمان شده است . درنیمهٔ دوم قرن چهاردهم میلادی مسلمانان برای‌پیشرفت اسلام درجاوه بکوشش منظم وفراوانی دست زدند واین کارمنتهی شد بشورشی‌که درحدود سال ۱۵۱۵ سلطنت ماجاپاهیت واقع درخاور جاوهٔ مرکزی برافتاد وهندوها ازآنجا به بالی که اسلام تاکنون بآنجا رخنه نکرده است فرار کردند . باقیماندهٔ دولتهای هند وازجمله پاجاجاران درجاوهٔ باختری بتدریج درطول قرن شانزدهم مسلمان شدند .

اهالی مالاکا درقرن پانزدهم باسلام گرویدند ، وتاسال ۱٤۳۰ بلاد ساحلی مالای مسلمان شده بودند ، وتاسال ۱٤۹۰ نیز فروشندگان ادویه بدین اسلام درآمده‌اند . عشایری‌که درارتفاعات میزیستند اگر بدین اسلام گرویده باشند مدتها بعد بوده است . راجهٔ برونی درحدود سال ۱۵۱۰، وقسمت اعظم شمال باختری برنئو تا پیش ازسال ۱۵۲۰ مسلمان گردیده‌اند . باین جهة است که ماژلان جهانگرد معروف اسپانیا درسال ۱۵۲۱ درآنجا مسلمانهائی را دیده ، همانطورکه البوکرك پرتغالی درسال ۱۵۱۱ درمالاکا بمسلمانهائی برخورد کرده است. اهالی جنوب فیلیپین پیش ازوارد شدن اسپانیائیها بآنجا مسلمان‌شده‌اند، وکوشش دستجات مبلغین کاتولیك اسپانیا مانند زحمات مبلغین پرتغالی دراندونزی بهدررفت وکارفرانسیس اگزاویه وهمکاران وی بسیار دیرآغازگردید ؛ فقط درنواحی دوردست مثل جزایر فلور وتیمور پیشرفتی نصیب آنان شد.

دشمنی‌های بین‌اسپانیا وپرتغال وشرکت هند شرقی هلندی منجرشد بنفوذ سیاسی هلند دراندونزی ودرنتیجه مسلمانان اندونزی ازنفوذ هلندیها بیشتر استفاده کردند و اهالی‌را که درآغاز امر لفظاً مسلمان بودند ، بعدازسال ۱٦٤۰ بآداب ورسوم اسلام آشنا ساختند ، وازاین جهة است که اکنون جمعیت مسلمانان اندونزی باستثنای پاکستان بیش ازدیگر کشورهاست . اندونزی درسال ۱۹۵۰ استقلال یافت واکنون بادشواریهای اقتصادی وسیاسی روبرواست ، ازجملهٔ آن دشواریها شورش‌های جاوهٔ باختری وجزائرسلب وکشمکش برسرگینهٔ جدید است . درگینهٔ جدید دسته‌هایی ازمالای‌های ساحلی پراکنده گردیده ونمایندهٔ مسلمین درآخرین نقطهٔ خاور اسلامی هستند وبعد ازاین نواحی یعنی نه دراسترالیا ونه درملانزی ونه درنقاط دیگر اقیانوس آرام اثری از اسلامیت وجود ندارد .

اسلام در خاور میانه

میل

۰ ۱۰۰ ۲۰۰ ۳۰۰ ۴۰۰ ۵۰۰

- سرزمینی که هیچگاه مسلمانان برانجا حکومت نداشته‌اند
- سرزمینی که سابقاً مسلمانان برانجا حکومت داشته‌اند
- سرزمینی که اقلیت انجا مسلمان است
- سرزمینی که اکثریت انجا مسلمان است
- سرزمینی که اکنون مسلمانان برانجا حکومت دارند

سیبری
ترکستان
مغولستان
زابغاریا
ترکستان شرقی
چین
خوراسان
افغانستان
تبت
پنجاب
بلوچستان
سند
راجپوتانا
نپال
اوده
آسام
بنگاله
برمه
هندوستان
گجرات
دریای عربستان
اوریسا
حیدرآباد
دکن
خلیج بنگاله
دریای اندمان
سیلان
اقیانوس هند

اسلام در خاور دور

میل

۰ ۱۰۰ ۲۰۰ ۳۰۰ ۴۰۰

مرز اندونزی در قرن یازدهم هجری

- سرزمینی که هیچگاه مسلمانان برانجا حکومت نداشته‌اند
- سرزمینی که سابقاً مسلمانان برانجا حکومت داشته‌اند
- سرزمینی که اقلیت انجا مسلمان است
- سرزمینی که اکثریت انجا مسلمان است
- سرزمینی که اکنون مسلمانان برانجا حکومت دارند

تبت
چین
دریای زرد
هندوستان
فرمز
برمه
اقیانوس آرام
هاینان
سیام
هندوچین
لوزون
دریای اندمان
خلیج سیام
دریای چین جنوبی
مالای
دریای سولو
مندناو
اتجه
برنئو
دریای سلب
جامبی
پالمبانگ
سکادنا
بنجرماسین
دریای جاوه
سلب
دریای بندا
اندونزی
جاوه
بالی
دریای فلورس
فلورس
تیمور
اقیانوس هند

جدول تبدیل تاریخ از هجری بمیلادی

س . ه	آغاز میشود	س . م
۱	۱۶ ژوئیه	۶۲۲
۲	۵ ژوئیه	۶۲۳
۳	۲۴ ژوئن	۶۲۴
۴	۱۳ ژوئن	۶۲۵
۵	۲ ژوئن	۶۲۶
۶	۲۳ مه	۶۲۷
۷	۱۱ مه	۶۲۸
۸	۱ مه	۶۲۹
۹	۲۰ آوریل	۶۳۰
۱۰	۹ آوریل	۶۳۱
۱۱	۲۹ مارس	۶۳۲
۱۲	۱۸ مارس	۶۳۳
۱۳	۷ مارس	۶۳۴
۱۴	۲۵ فوریه	۶۳۵
۱۵	۱۴ فوریه	۶۳۶
۱۶	۲ فوریه	۶۳۷
۱۷	۲۳ ژانویه	۶۳۸
۱۸	۱۲ ژانویه	۶۳۹
۱۹	۲ ژانویه	۶۴۰
۲۰	۲۱ دسامبر	۶۴۰
۲۱	۱۰ دسامبر	۶۴۱
۲۲	۳۰ نوامبر	۶۴۲
۲۳	۱۹ نوامبر	۶۴۳
۲۴	۷ نوامبر	۶۴۴
۲۵	۲۸ اکتبر	۶۴۵
۲۶	۱۷ اکتبر	۶۴۶
۲۷	۷ اکتبر	۶۴۷
۲۸	۲۵ سپتامبر	۶۴۸
۲۹	۱۴ سپتامبر	۶۴۹
۳۰	۴ سپتامبر	۶۵۰
۳۱	۲۴ اکوست	۶۵۱
۳۲	۱۲ اکوست	۶۵۲
۳۳	۲ اکوست	۶۵۳
۳۴	۲۲ ژوئیه	۶۵۴
۳۵	۱۱ ژوئیه	۶۵۵
۳۶	۳۰ ژوئن	۶۵۶
۳۷	۱۹ ژوئن	۶۵۷
۳۸	۹ ژوئن	۶۵۸
۳۹	۲۹ مه	۶۵۹
۴۰	۱۷ مه	۶۶۰
۴۱	۷ مه	۶۶۱
۴۲	۲۶ آوریل	۶۶۲
۴۳	۱۵ آوریل	۶۶۳
۴۴	۴ آوریل	۶۶۴
۴۵	۲۴ مارس	۶۶۵
۴۶	۱۳ مارس	۶۶۶
۴۷	۳ مارس	۶۶۷
۴۸	۲۰ فوریه	۶۶۸
۴۹	۹ فوریه	۶۶۹
۵۰	۲۹ ژانویه	۶۷۰
۵۱	۱۸ ژانویه	۶۷۱
۵۲	۸ ژانویه	۶۷۲
۵۳	۲۷ دسامبر	۶۷۲
۵۴	۱۶ دسامبر	۶۷۳
۵۵	۶ دسامبر	۶۷۴
۵۶	۲۵ نوامبر	۶۷۵
۵۷	۱۴ نوامبر	۶۷۶
۵۸	۳ نوامبر	۶۷۷
۵۹	۲۳ اکتبر	۶۷۸
۶۰	۱۳ اکتبر	۶۷۹
۶۱	۱ اکتبر	۶۸۰
۶۲	۲۰ سپتامبر	۶۸۱
۶۳	۱۰ سپتامبر	۶۸۲
۶۴	۳۰ اکوست	۶۸۳
۶۵	۱۸ اکوست	۶۸۴
۶۶	۸ اکوست	۶۸۵
۶۷	۲۸ ژوئیه	۶۸۶

س . ه	آغاز میشود	س . م
۶۸	۱۸ ژوئیه	۶۸۷
۶۹	۶ ژوئیه	۶۸۸
۷۰	۲۵ ژوئن	۶۸۹
۷۱	۱۵ ژوئن	۶۹۰
۷۲	۴ ژوئن	۶۹۱
۷۳	۲۳ مه	۶۹۲
۷۴	۱۳ مه	۶۹۳
۷۵	۲ مه	۶۹۴
۷۶	۲۱ آوریل	۶۹۵
۷۷	۱۰ آوریل	۶۹۶
۷۸	۳۰ مارس	۶۹۷
۷۹	۲۰ مارس	۶۹۸
۸۰	۹ مارس	۶۹۹
۸۱	۲۶ فوریه	۷۰۰
۸۲	۱۵ فوریه	۷۰۱
۸۳	۴ فوریه	۷۰۲
۸۴	۲۴ ژانویه	۷۰۳
۸۵	۱۴ ژانویه	۷۰۴
۸۶	۲ ژانویه	۷۰۵
۸۷	۲۳ دسامبر	۷۰۵
۸۸	۱۲ دسامبر	۷۰۶
۸۹	۱ دسامبر	۷۰۷
۹۰	۲۰ نوامبر	۷۰۸
۹۱	۹ نوامبر	۷۰۹
۹۲	۲۹ اکتبر	۷۱۰
۹۳	۱۹ اکتبر	۷۱۱
۹۴	۷ اکتبر	۷۱۲
۹۵	۲۶ سپتامبر	۷۱۳
۹۶	۱۶ سپتامبر	۷۱۴
۹۷	۵ سپتامبر	۷۱۵
۹۸	۲۵ اکوست	۷۱۶
۹۹	۱۴ اکوست	۷۱۷
۱۰۰	۳ اکوست	۷۱۸
۱۰۱	۲۴ ژوئیه	۷۱۹
۱۰۲	۱۲ ژوئیه	۷۲۰
۱۰۳	۱ ژوئیه	۷۲۱
۱۰۴	۲۱ ژوئن	۷۲۲
۱۰۵	۱۰ ژوئن	۷۲۳
۱۰۶	۲۹ مه	۷۲۴
۱۰۷	۱۹ مه	۷۲۵
۱۰۸	۸ مه	۷۲۶
۱۰۹	۲۸ آوریل	۷۲۷
۱۱۰	۱۶ آوریل	۷۲۸
۱۱۱	۵ آوریل	۷۲۹
۱۱۲	۲۶ مارس	۷۳۰
۱۱۳	۱۵ مارس	۷۳۱
۱۱۴	۳ مارس	۷۳۲
۱۱۵	۲۱ فوریه	۷۳۳
۱۱۶	۱۰ فوریه	۷۳۴
۱۱۷	۳۱ ژانویه	۷۳۵
۱۱۸	۲۰ ژانویه	۷۳۶
۱۱۹	۸ ژانویه	۷۳۷
۱۲۰	۲۹ دسامبر	۷۳۷
۱۲۱	۱۸ دسامبر	۷۳۸
۱۲۲	۷ دسامبر	۷۳۹
۱۲۳	۲۶ نوامبر	۷۴۰
۱۲۴	۱۵ نوامبر	۷۴۱
۱۲۵	۴ نوامبر	۷۴۲
۱۲۶	۲۵ اکتبر	۷۴۳
۱۲۷	۱۳ اکتبر	۷۴۴
۱۲۸	۳ اکتبر	۷۴۵
۱۲۹	۲۲ سپتامبر	۷۴۶
۱۳۰	۱۱ سپتامبر	۷۴۷
۱۳۱	۳۱ اکوست	۷۴۸
۱۳۲	۲۰ اکوست	۷۴۹
۱۳۳	۹ اکوست	۷۵۰
۱۳۴	۳۰ ژوئیه	۷۵۱

س . ه	آغاز میشود	س . م
۱۳۵	۱۸ ژوئیه	۷۵۲
۱۳۶	۷ ژوئیه	۷۵۳
۱۳۷	۲۷ ژوئن	۷۵۴
۱۳۸	۱۶ ژوئن	۷۵۵
۱۳۹	۵ ژوئن	۷۵۶
۱۴۰	۲۵ مه	۷۵۷
۱۴۱	۱۴ مه	۷۵۸
۱۴۲	۴ مه	۷۵۹
۱۴۳	۲۲ آوریل	۷۶۰
۱۴۴	۱۱ آوریل	۷۶۱
۱۴۵	۱ آوریل	۷۶۲
۱۴۶	۲۱ مارس	۷۶۳
۱۴۷	۱۰ مارس	۷۶۴
۱۴۸	۲۷ فوریه	۷۶۵
۱۴۹	۱۶ فوریه	۷۶۶
۱۵۰	۶ فوریه	۷۶۷
۱۵۱	۲۶ ژانویه	۷۶۸
۱۵۲	۱۴ ژانویه	۷۶۹
۱۵۳	۴ ژانویه	۷۷۰
۱۵۴	۲۴ دسامبر	۷۷۰
۱۵۵	۱۳ دسامبر	۷۷۱
۱۵۶	۲ دسامبر	۷۷۲
۱۵۷	۲۱ نوامبر	۷۷۳
۱۵۸	۱۱ نوامبر	۷۷۴
۱۵۹	۳۱ اکتبر	۷۷۵
۱۶۰	۱۹ اکتبر	۷۷۶
۱۶۱	۹ اکتبر	۷۷۷
۱۶۲	۲۸ سپتامبر	۷۷۸
۱۶۳	۱۷ سپتامبر	۷۷۹
۱۶۴	۶ سپتامبر	۷۸۰
۱۶۵	۲۶ اکوست	۷۸۱
۱۶۶	۱۵ اکوست	۷۸۲
۱۶۷	۵ اکوست	۷۸۳
۱۶۸	۲۴ ژوئیه	۷۸۴
۱۶۹	۱۴ ژوئیه	۷۸۵
۱۷۰	۳ ژوئیه	۷۸۶
۱۷۱	۲۲ ژوئن	۷۸۷
۱۷۲	۱۱ ژوئن	۷۸۸
۱۷۳	۳۱ مه	۷۸۹
۱۷۴	۲۰ مه	۷۹۰
۱۷۵	۱۰ مه	۷۹۱
۱۷۶	۲۸ آوریل	۷۹۲
۱۷۷	۱۸ آوریل	۷۹۳
۱۷۸	۷ آوریل	۷۹۴
۱۷۹	۲۷ مارس	۷۹۵
۱۸۰	۱۶ مارس	۷۹۶
۱۸۱	۵ مارس	۷۹۷
۱۸۲	۲۲ فوریه	۷۹۸
۱۸۳	۱۲ فوریه	۷۹۹
۱۸۴	۱ فوریه	۸۰۰
۱۸۵	۲۰ ژانویه	۸۰۱
۱۸۶	۱۰ ژانویه	۸۰۲
۱۸۷	۳۰ دسامبر	۸۰۲
۱۸۸	۲۰ دسامبر	۸۰۳
۱۸۹	۸ دسامبر	۸۰۴
۱۹۰	۲۷ نوامبر	۸۰۵
۱۹۱	۱۷ نوامبر	۸۰۶
۱۹۲	۶ نوامبر	۸۰۷
۱۹۳	۲۵ اکتبر	۸۰۸
۱۹۴	۱۵ اکتبر	۸۰۹
۱۹۵	۴ اکتبر	۸۱۰
۱۹۶	۲۳ سپتامبر	۸۱۱
۱۹۷	۱۲ سپتامبر	۸۱۲
۱۹۸	۱ سپتامبر	۸۱۳
۱۹۹	۲۲ اکوست	۸۱۴
۲۰۰	۱۱ اکوست	۸۱۵
۲۰۱	۳۰ ژوئیه	۸۱۶

س . ه	آغاز میشود	س . م
۲۰۲	۲۰ ژوئیه	۸۱۷
۲۰۳	۹ ژوئیه	۸۱۸
۲۰۴	۲۸ ژوئن	۸۱۹
۲۰۵	۱۷ ژوئن	۸۲۰
۲۰۶	۶ ژوئن	۸۲۱
۲۰۷	۲۷ مه	۸۲۲
۲۰۸	۱۶ مه	۸۲۳
۲۰۹	۴ مه	۸۲۴
۲۱۰	۲۴ آوریل	۸۲۵
۲۱۱	۱۳ آوریل	۸۲۶
۲۱۲	۲ آوریل	۸۲۷
۲۱۳	۲۲ مارس	۸۲۸
۲۱۴	۱۱ مارس	۸۲۹
۲۱۵	۲۸ فوریه	۸۳۰
۲۱۶	۱۸ فوریه	۸۳۱
۲۱۷	۷ فوریه	۸۳۲
۲۱۸	۲۷ ژانویه	۸۳۳
۲۱۹	۱۶ ژانویه	۸۳۴
۲۲۰	۵ ژانویه	۸۳۵
۲۲۱	۲۶ دسامبر	۸۳۵
۲۲۲	۱۴ دسامبر	۸۳۶
۲۲۳	۳ دسامبر	۸۳۷
۲۲۴	۲۳ نوامبر	۸۳۸
۲۲۵	۱۲ نوامبر	۸۳۹
۲۲۶	۳۱ اکتبر	۸۴۰
۲۲۷	۲۱ اکتبر	۸۴۱
۲۲۸	۱۰ اکتبر	۸۴۲
۲۲۹	۳۰ سپتامبر	۸۴۳
۲۳۰	۱۸ سپتامبر	۸۴۴
۲۳۱	۷ سپتامبر	۸۴۵
۲۳۲	۲۸ اکوست	۸۴۶
۲۳۳	۱۷ اکوست	۸۴۷
۲۳۴	۵ اکوست	۸۴۸
۲۳۵	۲۶ ژوئیه	۸۴۹
۲۳۶	۱۵ ژوئیه	۸۵۰
۲۳۷	۵ ژوئیه	۸۵۱
۲۳۸	۲۳ ژوئن	۸۵۲
۲۳۹	۱۲ ژوئن	۸۵۳
۲۴۰	۲ ژوئن	۸۵۴
۲۴۱	۲۲ مه	۸۵۵
۲۴۲	۱۰ مه	۸۵۶
۳۴۳	۳۰ آوریل	۸۵۷
۲۴۴	۱۹ آوریل	۸۵۸
۲۴۵	۸ آوریل	۸۵۹
۲۴۶	۲۸ مارس	۸۶۰
۲۴۷	۱۷ مارس	۸۶۱
۲۴۸	۷ مارس	۸۶۲
۲۴۹	۲۴ فوریه	۸۶۳
۲۵۰	۱۳ فوریه	۸۶۴
۲۵۱	۲ فوریه	۸۶۵
۲۵۲	۲۲ ژانویه	۸۶۶
۲۵۳	۱۱ ژانویه	۸۶۷
۲۵۴	۱ ژانویه	۸۶۸
۲۵۵	۲۰ دسامبر	۸۶۸
۲۵۶	۹ دسامبر	۸۶۹
۲۵۷	۲۹ نوامبر	۸۷۰
۲۵۸	۱۸ نوامبر	۸۷۱
۲۵۹	۷ نوامبر	۸۷۲
۲۶۰	۲۷ اکتبر	۸۷۳
۲۶۱	۱۶ اکتبر	۸۷۴
۲۶۲	۶ اکتبر	۸۷۵
۲۶۳	۲۴ سپتامبر	۸۷۶
۲۶۴	۱۳ سپتامبر	۸۷۷
۲۶۵	۳ سپتامبر	۸۷۸
۲۶۶	۲۳ اکوست	۸۷۹
۲۶۷	۱۲ اکوست	۸۸۰
۲۶۸	۱ اکوست	۸۸۱

س . ه	آغاز میشود	س . م
۲۶۹	۲۱ ژوئیه	۸۸۲
۲۷۰	۱۱ ژوئیه	۸۸۳
۲۷۱	۲۹ ژوئن	۸۸۴
۲۷۲	۱۸ ژوئن	۸۸۵
۲۷۳	۸ ژوئن	۸۸۶
۲۷۴	۲۸ مه	۸۸۷
۲۷۵	۱۶ مه	۸۸۸
۲۷۶	۶ مه	۸۸۹
۲۷۷	۲۵ آوریل	۸۹۰
۲۷۸	۱۵ آوریل	۸۹۱
۲۷۹	۳ آوریل	۸۹۲
۲۸۰	۲۳ مارس	۸۹۳
۲۸۱	۱۳ مارس	۸۹۴
۲۸۲	۲ مارس	۸۹۵
۲۸۳	۱۹ فوریه	۸۹۶
۲۸۴	۸ فوریه	۸۹۷
۲۸۵	۲۸ ژانویه	۸۹۸
۲۸۶	۱۷ ژانویه	۸۹۹
۲۸۷	۷ ژانویه	۹۰۰
۲۸۸	۲۶ دسامبر	۹۰۰
۲۸۹	۱۶ دسامبر	۹۰۱
۲۹۰	۵ دسامبر	۹۰۲
۲۹۱	۲۴ نوامبر	۹۰۳
۲۹۲	۱۳ نوامبر	۹۰۴
۲۹۳	۲ نوامبر	۹۰۵
۲۹۴	۲۲ اکتبر	۹۰۶
۲۹۵	۱۲ اکتبر	۹۰۷
۲۹۶	۳۰ سپتامبر	۹۰۸
۲۹۷	۲۰ سپتامبر	۹۰۹
۲۹۸	۹ سپتامبر	۹۱۰
۲۹۹	۲۹ اکوست	۹۱۱
۳۰۰	۱۸ اکوست	۹۱۲
۳۰۱	۷ اکوست	۹۱۳
۳۰۲	۲۷ ژوئیه	۹۱۴
۳۰۳	۱۷ ژوئیه	۹۱۵
۳۰۴	۵ ژوئیه	۹۱۶
۳۰۵	۲۴ ژوئن	۹۱۷
۳۰۶	۱۴ ژوئن	۹۱۸
۳۰۷	۳ ژوئن	۹۱۹
۳۰۸	۲۳ مه	۹۲۰
۳۰۹	۱۲ مه	۹۲۱
۳۱۰	۱ مه	۹۲۲
۳۱۱	۲۱ آوریل	۹۲۳
۳۱۲	۹ آوریل	۹۲۴
۳۱۳	۲۹ مارس	۹۲۵
۳۱۴	۱۹ مارس	۹۲۶
۳۱۵	۸ مارس	۹۲۷
۳۱۶	۲۵ فوریه	۹۲۸
۳۱۷	۱۴ فوریه	۹۲۹
۳۱۸	۳ فوریه	۹۳۰
۳۱۹	۲۴ ژانویه	۹۳۱
۳۲۰	۱۳ ژانویه	۹۳۲
۳۲۱	۱ ژانویه	۹۳۳
۳۲۲	۲۲ دسامبر	۹۳۳
۳۲۳	۱۱ دسامبر	۹۳۴
۳۲۴	۳۰ نوامبر	۹۳۵
۳۲۵	۱۹ نوامبر	۹۳۶
۳۲۶	۸ نوامبر	۹۳۷
۳۲۷	۲۹ اکتبر	۹۳۸
۳۲۸	۱۸ اکتبر	۹۳۹
۳۲۹	۶ اکتبر	۹۴۰
۳۳۰	۲۶ سپتامبر	۹۴۱
۳۳۱	۱۵ سپتامبر	۹۴۲
۳۳۲	۴ سپتامبر	۹۴۳
۳۳۳	۲۴ اکوست	۹۴۴
۳۳۴	۱۳ اکوست	۹۴۵
۳۳۵	۲ اکوست	۹۴۶
۳۳۶	۲۳ ژوئیه	۹۴۷
۳۳۷	۱۱ ژوئیه	۹۴۸
۳۳۸	۱ ژوئیه	۹۴۹
۳۳۹	۲۰ ژوئن	۹۵۰

س . ه	آغاز میشود	س . م
۳۴۰	۹ ژوئن	۹۵۱
۳۴۱	۲۹ مه	۹۵۲
۳۴۲	۱۸ مه	۹۵۳
۳۴۳	۷ مه	۹۵۴
۳۴۴	۲۷ آوریل	۹۵۵
۳۴۵	۱۵ آوریل	۹۵۶
۳۴۶	۴ آوریل	۹۵۷
۳۴۷	۲۵ مارس	۹۵۸
۳۴۸	۱۴ مارس	۹۵۹
۳۴۹	۳ مارس	۹۶۰
۳۵۰	۲۰ فوریه	۹۶۱
۳۵۱	۹ فوریه	۹۶۲
۳۵۲	۳۰ ژانویه	۹۶۳
۳۵۳	۱۹ ژانویه	۹۶۴
۳۵۴	۷ ژانویه	۹۶۵
۳۵۵	۲۸ دسامبر	۹۶۵
۳۵۶	۱۷ دسامبر	۹۶۶
۳۵۷	۷ دسامبر	۹۶۷
۳۵۸	۲۵ نوامبر	۹۶۸
۳۵۹	۱۴ نوامبر	۹۶۹
۳۶۰	۴ نوامبر	۹۷۰
۳۶۱	۲۴ اکتبر	۹۷۱
۳۶۲	۱۲ اکتبر	۹۷۲
۳۶۳	۲ اکتبر	۹۷۳
۳۶۴	۲۱ سپتامبر	۹۷۴
۳۶۵	۱۰ سپتامبر	۹۷۵
۳۶۶	۳۰ اکوست	۹۷۶
۳۶۷	۱۹ اکوست	۹۷۷
۳۶۸	۹ اکوست	۹۷۸
۳۶۹	۲۹ ژوئیه	۹۷۹
۳۷۰	۱۷ ژوئیه	۹۸۰
۳۷۱	۷ ژوئیه	۹۸۱
۳۷۲	۲۶ ژوئن	۹۸۲
۳۷۳	۱۵ ژوئن	۹۸۳
۳۷۴	۴ ژوئن	۹۸۴
۳۷۵	۲۴ مه	۹۸۵
۳۷۶	۱۳ مه	۹۸۶
۳۷۷	۳ مه	۹۸۷
۳۷۸	۲۱ آوریل	۹۸۸
۳۷۹	۱۱ آوریل	۹۸۹
۳۸۰	۳۱ مارس	۹۹۰
۳۸۱	۲۰ مارس	۹۹۱
۳۸۲	۹ مارس	۹۹۲
۳۸۳	۲۶ فوریه	۹۹۳
۳۸۴	۱۵ فوریه	۹۹۴
۳۸۵	۵ فوریه	۹۹۵
۳۸۶	۲۵ ژانویه	۹۹۶
۳۸۷	۱۴ ژانویه	۹۹۷
۳۸۸	۳ ژانویه	۹۹۸
۳۸۹	۲۳ دسامبر	۹۹۸
۳۹۰	۱۳ دسامبر	۹۹۹
۳۹۱	۱ دسامبر	۱۰۰۰
۳۹۲	۲۰ نوامبر	۱۰۰۱
۳۹۳	۱۰ نوامبر	۱۰۰۲
۳۹۴	۳۰ اکتبر	۱۰۰۳
۳۹۵	۱۸ اکتبر	۱۰۰۴
۳۹۶	۸ اکتبر	۱۰۰۵
۳۹۷	۲۷ سپتامبر	۱۰۰۶
۳۹۸	۱۷ سپتامبر	۱۰۰۷
۳۹۹	۵ سپتامبر	۱۰۰۸
۴۰۰	۲۵ اکوست	۱۰۰۹
۴۰۱	۱۵ اکوست	۱۰۱۰
۴۰۲	۴ اکوست	۱۰۱۱
۴۰۳	۲۳ ژوئیه	۱۰۱۲
۴۰۴	۱۳ ژوئیه	۱۰۱۳
۴۰۵	۲ ژوئیه	۱۰۱۴
۴۰۶	۲۱ ژوئن	۱۰۱۵
۴۰۷	۱۰ ژوئن	۱۰۱۶
۴۰۸	۳۰ مه	۱۰۱۷
۴۰۹	۲۰ مه	۱۰۱۸
۱۴۰	۹ مه	۱۰۱۹

س . ه	آغاز میشود	س . م
۴۱۱	۲۷ آوریل	۱۰۲۰
۴۱۲	۱۷ آوریل	۱۰۲۱
۴۱۳	۶ آوریل	۱۰۲۲
۴۱۴	۲۶ مارس	۱۰۲۳
۴۱۵	۱۵ مارس	۱۰۲۴
۴۱۶	۴ مارس	۱۰۲۵
۴۱۷	۲۲ فوریه	۱۰۲۶
۴۱۸	۱۱ فوریه	۱۰۲۷
۴۱۹	۳۱ ژانویه	۱۰۲۸
۴۲۰	۲۰ ژانویه	۱۰۲۹
۴۲۱	۹ ژانویه	۱۰۳۰
۴۲۲	۲۹ دسامبر	۱۰۳۰
۴۲۳	۱۹ دسامبر	۱۰۳۱
۴۲۴	۷ دسامبر	۱۰۳۲
۴۲۵	۲۶ نوامبر	۱۰۳۳
۴۲۶	۱۶ نوامبر	۱۰۳۴
۴۲۷	۵ نوامبر	۱۰۳۵
۴۲۸	۲۵ اکتبر	۱۰۳۶
۴۲۹	۱۴ اکتبر	۱۰۳۷
۴۳۰	۳ اکتبر	۱۰۳۸
۴۳۱	۲۳ سپتامبر	۱۰۳۹
۴۳۲	۱۱ سپتامبر	۱۰۴۰
۴۳۳	۳۱ اکوست	۱۰۴۱
۴۳۴	۲۱ اکوست	۱۰۴۲
۴۳۵	۱۰ اکوست	۱۰۴۳
۴۳۶	۲۹ ژوئیه	۱۰۴۴
۴۳۷	۱۹ ژوئیه	۱۰۴۵
۴۳۸	۸ ژوئیه	۱۰۴۶
۴۳۹	۲۸ ژوئن	۱۰۴۷
۴۴۰	۱۶ ژوئن	۱۰۴۸
۴۴۱	۵ ژوئن	۱۰۴۹
۴۴۲	۲۶ مه	۱۰۵۰
۴۴۳	۱۵ مه	۱۰۵۱
۴۴۴	۳ مه	۱۰۵۲
۴۴۵	۲۳ آوریل	۱۰۵۳
۴۴۶	۱۲ آوریل	۱۰۵۴
۴۴۷	۲ آوریل	۱۰۵۵
۴۴۸	۲۱ مارس	۱۰۵۶
۴۴۹	۱۰ مارس	۱۰۵۷
۴۵۰	۲۸ فوریه	۱۰۵۸
۴۵۱	۱۷ فوریه	۱۰۵۹
۴۵۲	۶ فوریه	۱۰۶۰
۴۵۳	۲۶ ژانویه	۱۰۶۱
۴۵۴	۱۵ ژانویه	۱۰۶۲
۴۵۵	۴ ژانویه	۱۰۶۳
۴۵۶	۲۵ دسامبر	۱۰۶۳
۴۵۷	۱۳ دسامبر	۱۰۶۴
۴۵۸	۳ دسامبر	۱۰۶۵
۴۵۹	۲۲ نوامبر	۱۰۶۶
۴۶۰	۱۱ نوامبر	۱۰۶۷
۴۶۱	۳۱ اکتبر	۱۰۶۸
۴۶۲	۲۰ اکتبر	۱۰۶۹
۴۶۳	۹ اکتبر	۱۰۷۰
۴۶۴	۲۹ سپتامبر	۱۰۷۱
۴۶۵	۱۷ سپتامبر	۱۰۷۲
۴۶۶	۶ سپتامبر	۱۰۷۳
۴۶۷	۲۷ اکوست	۱۰۷۴
۴۶۸	۱۶ اکوست	۱۰۷۵
۴۶۹	۵ اکوست	۱۰۷۶
۴۷۰	۲۵ ژوئیه	۱۰۷۷
۴۷۱	۱۴ ژوئیه	۱۰۷۸
۴۷۲	۴ ژوئیه	۱۰۷۹
۴۷۳	۲۲ ژوئن	۱۰۸۰
۴۷۴	۱۱ ژوئن	۱۰۸۱
۴۷۵	۱ ژوئن	۱۰۸۲
۴۷۶	۲۱ مه	۱۰۸۳
۴۷۷	۱۰ مه	۱۰۸۴
۴۷۸	۲۹ آوریل	۱۰۸۵
۴۷۹	۱۸ آوریل	۱۰۸۶
۴۸۰	۸ آوریل	۱۰۸۷
۴۸۱	۲۷ مارس	۱۰۷۷

س . ه	آغاز میشود	س . م
۴۸۲	۱۶ مارس	۱۰۸۹
۴۸۳	۶ مارس	۱۰۹۰
۴۸۴	۲۳ فوریه	۱۰۹۱
۴۸۵	۱۲ فوریه	۱۰۹۲
۴۸۶	۱ فوریه	۱۰۹۳
۴۸۷	۲۱ ژانویه	۱۰۹۴
۴۸۸	۱۱ ژانویه	۱۰۹۵
۴۸۹	۳۱ دسامبر	۱۰۹۵
۴۹۰	۱۹ دسامبر	۱۰۹۶
۴۹۱	۹ دسامبر	۱۰۹۷
۴۹۲	۲۸ نوامبر	۱۰۹۸
۴۹۳	۱۷ نوامبر	۱۰۹۹
۴۹۴	۶ نوامبر	۱۱۰۰
۴۹۵	۲۶ اکتبر	۱۱۰۱
۴۹۶	۱۵ اکتبر	۱۱۰۲
۴۹۷	۵ اکتبر	۱۱۰۳
۴۹۸	۲۳ سپتامبر	۱۱۰۴
۴۹۹	۱۳ سپتامبر	۱۱۰۵
۵۰۰	۲ سپتامبر	۱۱۰۶
۵۰۱	۲۲ اکوست	۱۱۰۷
۵۰۲	۱۱ اکوست	۱۱۰۸
۵۰۳	۳۱ ژوئیه	۱۱۰۹
۵۰۴	۲۰ ژوئیه	۱۱۱۰
۵۰۵	۱۰ ژوئیه	۱۱۱۱
۵۰۶	۲۸ ژوئن	۱۱۱۲
۵۰۷	۱۸ ژوئن	۱۱۱۳
۵۰۸	۷ ژوئن	۱۱۱۴
۵۰۹	۲۷ مه	۱۱۱۵
۵۱۰	۱۶ مه	۱۱۱۶
۵۱۱	۵ مه	۱۱۱۷
۵۱۲	۲۴ آوریل	۱۱۱۸
۵۱۳	۱۴ آوریل	۱۱۱۹
۵۱۴	۲ آوریل	۱۱۲۰
۵۱۵	۲۲ مارس	۱۱۲۱
۵۱۶	۱۲ مارس	۱۱۲۲
۵۱۷	۱ مارس	۱۱۲۳
۵۱۸	۱۹ فوریه	۱۱۲۴
۵۱۹	۷ فوریه	۱۱۲۵
۵۲۰	۲۷ ژانویه	۱۱۲۶
۵۲۱	۱۷ ژانویه	۱۱۲۷
۵۲۲	۶ ژانویه	۱۱۲۸
۵۲۳	۲۵ دسامبر	۱۱۲۸
۵۲۴	۱۵ دسامبر	۱۱۲۹
۵۲۵	۴ دسامبر	۱۱۳۰
۵۲۶	۲۳ نوامبر	۱۱۳۱
۵۲۷	۱۲ نوامبر	۱۱۳۲
۵۲۸	۱ نوامبر	۱۱۳۳
۵۲۹	۲۲ اکتبر	۱۱۳۴
۵۳۰	۱۱ اکتبر	۱۱۳۵
۵۳۱	۲۹ سپتامبر	۱۱۳۶
۵۳۲	۱۹ سپتامبر	۱۱۳۷
۵۳۳	۸ سپتامبر	۱۱۳۸
۵۳۴	۲۸ اکوست	۱۱۳۹
۵۳۵	۱۷ اکوست	۱۱۴۰
۵۳۶	۶ اکوست	۱۱۴۱
۵۳۷	۲۷ ژوئیه	۱۱۴۲
۵۳۸	۱۶ ژوئیه	۱۱۴۳
۵۳۹	۴ ژوئیه	۱۱۴۴
۵۴۰	۲۴ ژوئن	۱۱۴۵
۵۴۱	۱۳ ژوئن	۱۱۴۶
۵۴۲	۲ ژوئن	۱۱۴۷
۵۴۳	۲۲ مه	۱۱۴۸
۵۴۴	۱۱ مه	۱۱۴۹
۵۴۵	۳۰ آوریل	۱۱۵۰
۵۴۶	۲۰ آوریل	۱۱۵۱
۵۴۷	۸ آوریل	۱۱۵۲
۵۴۸	۲۹ مارس	۱۱۵۳
۵۴۹	۱۸ مارس	۱۱۵۴
۵۵۰	۷ مارس	۱۱۵۵
۵۵۱	۲۵ فوریه	۱۱۵۶
۵۵۲	۱۳ فوریه	۱۱۵۷

س . ه	آغاز میشود	س . م
۵۵۳	۲ فوریه	۱۱۵۸
۵۵۴	۲۳ ژانویه	۱۱۵۹
۵۵۵	۱۲ ژانویه	۱۱۶۰
۵۵۶	۳۱ دسامبر	۱۱۶۰
۵۵۷	۲۱ دسامبر	۱۱۶۱
۵۵۸	۱۰ دسامبر	۱۱۶۲
۵۵۹	۳۰ نوامبر	۱۱۶۳
۵۶۰	۱۸ نوامبر	۱۱۶۴
۵۶۱	۷ نوامبر	۱۱۶۵
۵۶۲	۲۸ اکتبر	۱۱۶۶
۵۶۳	۱۷ اکتبر	۱۱۶۷
۵۶۴	۵ اکتبر	۱۱۶۸
۵۶۵	۲۵ سپتامبر	۱۱۶۹
۵۶۶	۱۴ سپتامبر	۱۱۷۰
۵۶۷	۴ سپتامبر	۱۱۷۱
۵۶۸	۲۳ اکوست	۱۱۷۲
۵۶۹	۱۲ اکوست	۱۱۷۳
۵۷۰	۲ اکوست	۱۱۷۴
۵۷۱	۲۲ ژوئیه	۱۱۷۵
۵۷۲	۱۰ ژوئیه	۱۱۷۶
۵۷۳	۳۰ ژوئن	۱۱۷۷
۵۷۴	۱۹ ژوئن	۱۱۷۸
۵۷۵	۸ ژوئن	۱۱۷۹
۵۷۶	۲۸ مه	۱۱۸۰
۵۷۷	۱۷ مه	۱۱۸۱
۵۷۸	۷ مه	۱۱۸۲
۵۷۹	۲۶ آوریل	۱۱۸۳
۵۸۰	۱۴ آوریل	۱۱۸۴
۵۸۱	۴ آوریل	۱۱۸۵
۵۸۲	۲۴ مارس	۱۱۸۶
۵۸۳	۱۳ مارس	۱۱۸۷
۵۸۴	۲ مارس	۱۱۸۸
۵۸۵	۱۹ فوریه	۱۱۸۹
۵۸۶	۸ فوریه	۱۱۹۰
۵۸۷	۲۹ ژانویه	۱۱۹۱
۵۸۸	۱۸ ژانویه	۱۱۹۲
۵۸۹	۷ ژانویه	۱۱۹۳
۵۹۰	۲۷ دسامبر	۱۱۹۳
۵۹۱	۱۶ دسامبر	۱۱۹۴
۵۹۲	۶ دسامبر	۱۱۹۵
۵۹۳	۲۴ نوامبر	۱۱۹۶
۵۹۴	۱۳ نوامبر	۱۱۹۷
۵۹۵	۳ نوامبر	۱۱۹۸
۵۹۶	۲۳ اکتبر	۱۱۹۹
۵۹۷	۱۲ اکتبر	۱۲۰۰
۵۹۸	۱ اکتبر	۱۲۰۱
۵۹۹	۲۰ سپتامبر	۱۲۰۲
۶۰۰	۱۰ سپتامبر	۱۲۰۳
۶۰۱	۲۹ اکوست	۱۲۰۴
۶۰۲	۱۸ اکوست	۱۲۰۵
۶۰۳	۸ اکوست	۱۲۰۶
۶۰۴	۲۸ ژوئیه	۱۲۰۷
۶۰۵	۱۶ ژوئیه	۱۲۰۸
۶۰۶	۶ ژوئیه	۱۲۰۹
۶۰۷	۲۵ ژوئن	۱۲۱۰
۶۰۸	۱۵ ژوئن	۱۲۱۱
۶۰۹	۳ ژوئن	۱۲۱۲
۶۱۰	۲۳ مه	۱۲۱۳
۶۱۱	۱۳ مه	۱۲۱۴
۶۱۲	۲ مه	۱۲۱۵
۶۱۳	۲۰ آوریل	۱۲۱۶
۶۱۴	۱۰ آوریل	۱۲۱۷
۶۱۵	۳۰ مارس	۱۲۱۸
۶۱۶	۱۹ مارس	۱۲۱۹
۶۱۷	۸ مارس	۱۲۲۰
۶۱۸	۲۵ فوریه	۱۲۲۱
۶۱۹	۱۵ فوریه	۱۲۲۲
۶۲۰	۴ فوریه	۱۲۲۳
۶۲۱	۲۴ ژانویه	۱۲۲۴
۶۲۲	۱۳ ژانویه	۱۲۲۵
۶۲۳	۲ ژانویه	۱۲۲۶

س . ه	آغاز میشود	س . م
۶۲۴	۲۲ دسامبر	۱۲۲۶
۶۲۵	۱۲ دسامبر	۱۲۲۷
۶۲۶	۳۰ نوامبر	۱۲۲۸
۶۲۷	۲۰ نوامبر	۱۲۲۹
۶۲۸	۹ نوامبر	۱۲۳۰
۶۲۹	۲۹ اکتبر	۱۲۳۱
۶۳۰	۱۸ اکتبر	۱۲۳۲
۶۳۱	۷ اکتبر	۱۲۳۳
۶۳۲	۲۶ سپتامبر	۱۲۳۴
۶۳۳	۱۶ سپتامبر	۱۲۳۵
۶۳۴	۴ سپتامبر	۱۲۳۶
۶۳۵	۲۴ اکوست	۱۱۳۷
۶۳۶	۱۴ اکوست	۱۲۳۸
۶۳۷	۳ اکوست	۱۲۳۹
۶۳۸	۲۳ ژوئیه	۱۲۴۰
۶۳۹	۱۲ ژوئیه	۱۲۴۱
۶۴۰	۱ ژوئیه	۱۲۴۲
۶۴۱	۲۱ ژوئن	۱۲۴۳
۶۴۲	۹ ژوئن	۱۲۴۴
۶۴۳	۲۹ مه	۱۲۴۵
۶۴۴	۱۹ مه	۱۲۴۶
۶۴۵	۸ مه	۱۲۴۷
۶۴۶	۲۶ آوریل	۱۲۴۸
۶۴۷	۱۶ آوریل	۱۲۴۹
۶۴۸	۵ آوریل	۱۲۵۰
۶۴۹	۲۶ مارس	۱۲۵۱
۶۵۰	۱۴ مارس	۱۲۵۲
۶۵۱	۳ مارس	۱۲۵۳
۶۵۲	۲۱ فوریه	۱۲۵۴
۶۵۳	۱۰ فوریه	۱۲۵۵
۶۵۴	۳۰ ژانویه	۱۲۵۶
۱۵۵	۱۹ ژانویه	۱۲۵۷
۶۵۶	۸ ژانویه	۱۲۵۸
۶۵۷	۲۹ دسامبر	۱۲۵۸
۶۵۸	۱۸ دسامبر	۱۲۵۹
۶۵۹	۶ دسامبر	۱۲۶۰
۶۱۰	۲۶ نوامبر	۱۲۶۱
۶۶۱	۱۵ نوامبر	۱۲۶۲
۶۶۲	۴ نوامبر	۱۲۶۳
۶۶۳	۲۴ اکتبر	۱۲۶۴
۶۶۴	۱۳ اکتبر	۱۲۶۵
۶۶۵	۲ اکتبر	۱۲۶۶
۶۶۶	۲۲ سپتامبر	۱۲۶۷
۶۶۷	۱۰ سپتامبر	۱۲۶۸
۶۶۸	۳۱ اکوست	۱۲۶۹
۶۶۹	۲۰ اکوست	۱۲۷۰
۶۷۰	۹ اکوست	۱۲۷۱
۶۷۱	۲۹ ژوئیه	۱۲۷۲
۶۷۲	۱۸ ژوئیه	۱۲۷۳
۶۷۳	۷ ژوئیه	۱۲۷۴
۶۷۴	۲۷ ژوئن	۱۲۷۵
۶۷۵	۱۵ ژوئن	۱۲۷۶
۶۷۶	۴ ژوئن	۱۲۷۷
۶۷۷	۲۵ مه	۱۲۷۸
۶۷۸	۱۴ مه	۱۲۷۹
۶۷۹	۳ مه	۱۲۸۰
۶۸۰	۲۲ آوریل	۱۲۸۱
۶۸۱	۱۱ آوریل	۱۲۸۲
۶۸۲	۱ آوریل	۱۲۸۳
۶۸۳	۲۰ مارس	۱۲۸۴
۶۸۴	۹ مارس	۱۲۸۵
۶۸۵	۲۷ فوریه	۱۲۸۶
۶۸۶	۱۶ فوریه	۱۲۸۷
۶۸۷	۶ فوریه	۱۲۸۸
۶۸۸	۲۵ ژانویه	۱۲۸۹
۶۸۹	۱۴ ژانویه	۱۲۹۰
۶۹۰	۴ ژانویه	۱۲۹۱
۶۹۱	۲۴ دسامبر	۱۲۹۱
۶۹۲	۱۲ دسامبر	۱۲۹۲
۶۹۳	۲ دسامبر	۱۲۹۳
۶۹۴	۲۱ نوامبر	۱۲۹۴

س.ه	آغاز میشود	س.م
۶۹۵	۱۰ نوامبر	۱۲۹۵
۶۹۶	۳۰ اکتبر	۱۲۹۶
۶۹۷	۱۹ اکتبر	۱۲۹۷
۶۹۸	۹ اکتبر	۱۲۹۸
۶۹۹	۲۸ سپتامبر	۱۲۹۹
۷۰۰	۱۶ سپتامبر	۱۳۰۰
۷۰۱	۶ سپتامبر	۱۳۰۱
۷۰۲	۲۶ اگوست	۱۳۰۲
۷۰۳	۱۵ اگوست	۱۳۰۳
۷۰۴	۴ اگوست	۱۳۰۴
۷۰۵	۲۴ ژوئیه	۱۳۰۵
۷۰۶	۱۳ ژوئیه	۱۳۰۶
۷۰۷	۳ ژوئیه	۱۳۰۷
۷۰۸	۲۱ ژوئن	۱۳۰۸
۷۰۹	۱۱ ژوئن	۱۳۰۹
۷۱۰	۳۱ مه	۱۳۱۰
۷۱۱	۲۰ مه	۱۳۱۱
۷۱۲	۹ مه	۱۳۱۲
۷۱۳	۲۸ آوریل	۱۳۱۳
۷۱۴	۱۷ آوریل	۱۳۱۴
۷۱۵	۷ آوریل	۱۳۱۵
۷۱۶	۲۶ مارس	۱۳۱۶
۷۱۷	۱۶ مارس	۱۳۱۷
۷۱۸	۵ مارس	۱۳۱۸
۷۱۹	۲۲ فوریه	۱۳۱۹
۷۲۰	۱۲ فوریه	۱۳۲۰
۷۲۱	۳۱ ژانویه	۱۳۲۱
۷۲۲	۲۰ ژانویه	۱۳۲۲
۷۲۳	۱۰ ژانویه	۱۳۲۳
۷۲۴	۳۰ دسامبر	۱۳۲۳
۷۲۵	۱۸ دسامبر	۱۳۲۴
۷۲۶	۸ دسامبر	۱۳۲۵
۷۲۷	۲۷ نوامبر	۱۳۲۶
۷۲۸	۱۷ نوامبر	۱۳۲۷
۷۲۹	۵ نوامبر	۱۳۲۸
۷۳۰	۲۵ اکتبر	۱۳۲۹
۷۳۱	۱۵ اکتبر	۱۳۳۰
۷۳۲	۴ اکتبر	۱۳۳۱
۷۳۳	۲۲ سپتامبر	۱۳۳۲
۷۳۴	۱۲ سپتامبر	۱۳۳۳
۷۳۵	۱ سپتامبر	۱۳۳۴
۷۳۶	۲۱ اگوست	۱۳۳۵
۷۳۷	۱۰ اگوست	۱۳۳۶
۷۳۸	۳۰ ژوئیه	۱۳۳۷
۷۳۹	۲۰ ژوئیه	۱۳۳۸
۷۴۰	۹ ژوئیه	۱۳۳۹
۷۴۱	۲۷ ژوئن	۱۳۴۰
۷۴۲	۱۷ ژوئن	۱۳۴۱
۷۴۳	۶ ژوئن	۱۳۴۲
۷۴۴	۲۶ مه	۱۳۴۳
۷۴۵	۱۵ مه	۱۳۴۴
۷۴۶	۴ مه	۱۳۴۵
۷۴۷	۲۴ آوریل	۱۳۴۶
۷۴۸	۱۳ آوریل	۱۳۴۷
۷۴۹	۱ آوریل	۱۳۴۸
۷۵۰	۲۲ مارس	۱۳۴۹
۷۵۱	۱۱ مارس	۱۳۵۰
۷۵۲	۲۸ فوریه	۱۳۵۱
۷۵۳	۱۸ فوریه	۱۳۵۲
۷۵۴	۶ فوریه	۱۳۵۳
۷۵۵	۲۶ ژانویه	۱۳۵۴
۷۵۶	۱۶ ژانویه	۱۳۵۵
۷۵۷	۵ ژانویه	۱۳۵۶
۷۵۸	۲۵ دسامبر	۱۳۵۶
۷۵۹	۱۴ دسامبر	۱۳۵۷
۷۶۰	۳ دسامبر	۱۳۵۸
۷۶۱	۲۳ نوامبر	۱۳۵۹
۷۶۲	۱۱ نوامبر	۱۳۶۰

س.ه	آغاز میشود	س.م
۷۶۳	۳۱ اکتبر	۱۳۶۱
۷۶۴	۲۱ اکتبر	۱۳۶۲
۷۶۵	۱۰ اکتبر	۱۳۶۳
۷۶۶	۲۸ سپتامبر	۱۳۶۴
۷۶۷	۱۸ سپتامبر	۱۳۶۵
۷۶۸	۷ سپتامبر	۱۳۶۶
۷۶۹	۲۸ اگوست	۱۳۶۷
۷۷۰	۱۶ اگوست	۱۳۶۸
۷۷۱	۵ اگوست	۱۳۶۹
۷۷۲	۲۶ ژوئیه	۱۳۷۰
۷۷۳	۱۵ ژوئیه	۱۳۷۱
۷۷۴	۳ ژوئیه	۱۳۷۲
۷۷۵	۲۳ ژوئن	۱۳۷۳
۷۷۶	۱۲ ژوئن	۱۳۷۴
۷۷۷	۲ ژوئن	۱۳۷۵
۷۷۸	۲۱ مه	۱۳۷۶
۷۷۹	۱۰ مه	۱۳۷۷
۷۸۰	۳۰ آوریل	۱۳۷۸
۷۸۱	۱۹ آوریل	۱۳۷۹
۷۸۲	۷ آوریل	۱۳۸۰
۷۸۳	۲۸ مارس	۱۳۸۱
۷۸۴	۱۷ مارس	۱۳۸۲
۷۸۵	۶ مارس	۱۳۸۳
۷۸۶	۲۴ فوریه	۱۳۸۴
۷۸۷	۱۲ فوریه	۱۳۸۵
۷۸۸	۲ فوریه	۱۳۸۶
۷۸۹	۲۲ ژانویه	۱۳۸۷
۷۹۰	۱۱ ژانویه	۱۳۸۸
۷۹۱	۳۱ دسامبر	۱۳۸۸
۷۹۲	۲۰ دسامبر	۱۳۸۹
۷۹۳	۹ دسامبر	۱۳۹۰
۷۹۴	۲۹ نوامبر	۱۳۹۱
۷۹۵	۱۷ نوامبر	۱۳۹۲
۷۹۶	۶ نوامبر	۱۳۹۳
۷۹۷	۲۷ اکتبر	۱۳۹۴
۷۹۸	۱۶ اکتبر	۱۳۹۵
۷۹۹	۵ اکتبر	۱۳۹۶
۸۰۰	۲۴ سپتامبر	۱۳۹۷
۸۰۱	۱۳ سپتامبر	۱۳۹۸
۸۰۲	۳ سپتامبر	۱۳۹۹
۸۰۳	۲۲ اگوست	۱۴۰۰
۸۰۴	۱۱ اگوست	۱۴۰۱
۸۰۵	۱ اگوست	۱۴۰۲
۸۰۶	۲۱ ژوئیه	۱۴۰۳
۸۰۷	۱۰ ژوئیه	۱۴۰۴
۸۰۸	۲۹ ژوئن	۱۴۰۵
۸۰۹	۱۸ ژوئن	۱۴۰۶
۸۱۰	۸ ژوئن	۱۴۰۷
۸۱۱	۲۷ مه	۱۴۰۸
۸۱۲	۱۶ مه	۱۴۰۹
۸۱۳	۶ مه	۱۴۱۰
۸۱۴	۲۵ آوریل	۱۴۱۱
۸۱۵	۱۳ آوریل	۱۴۱۲
۸۱۶	۳ آوریل	۱۴۱۳
۸۱۷	۲۳ مارس	۱۴۱۴
۸۱۸	۱۳ مارس	۱۴۱۵
۸۱۹	۱ مارس	۱۴۱۶
۸۲۰	۱۸ فوریه	۱۴۱۷
۸۲۱	۸ فوریه	۱۴۱۸
۸۲۲	۲۸ ژانویه	۱۴۱۹
۸۲۳	۱۷ ژانویه	۱۴۲۰
۸۲۴	۶ ژانویه	۱۴۲۱
۸۲۵	۲۶ دسامبر	۱۴۲۱
۸۲۶	۱۵ دسامبر	۱۴۲۲
۸۲۸	۵ دسامبر	۱۴۲۳
۸۲۸	۲۳ نوامبر	۱۴۲۴
۸۲۹	۱۳ نوامبر	۱۴۲۵
۸۳۰	۲ نوامبر	۱۴۲۶

س.ه	آغاز میشود	س.م
۸۳۱	۲۲ اکتبر	۱۴۲۷
۸۳۲	۱۱ اکتبر	۱۴۲۸
۸۳۳	۳۰ سپتامبر	۱۴۲۹
۸۳۴	۱۹ سپتامبر	۱۴۳۰
۸۳۵	۹ سپتامبر	۱۴۳۱
۸۳۶	۲۸ اگوست	۱۴۳۲
۸۳۷	۱۸ اگوست	۱۴۳۳
۸۳۸	۷ اگوست	۱۴۳۴
۸۳۹	۲۷ ژوئیه	۱۴۳۵
۸۴۰	۱۶ ژوئیه	۱۴۳۶
۸۴۱	۵ ژوئیه	۱۴۳۷
۸۴۲	۲۴ ژوئن	۱۴۳۸
۸۴۳	۱۴ ژوئن	۱۴۳۹
۸۴۴	۲ ژوئن	۱۴۴۰
۸۴۵	۲۲ مه	۱۴۴۱
۸۴۶	۱۲ مه	۱۴۴۲
۸۴۷	۱ مه	۱۴۴۳
۸۴۸	۲۰ آوریل	۱۴۴۴
۸۴۹	۹ آوریل	۱۴۴۵
۸۵۰	۲۹ مارس	۱۴۴۶
۸۵۱	۱۹ مارس	۱۴۴۷
۸۵۲	۷ مارس	۱۴۴۸
۸۵۳	۲۴ فوریه	۱۴۴۹
۸۵۴	۱۴ فوریه	۱۴۵۰
۸۵۵	۳ فوریه	۱۴۵۱
۸۵۶	۲۳ ژانویه	۱۴۵۲
۸۵۷	۱۲ ژانویه	۱۴۵۳
۸۵۸	۱ ژانویه	۱۴۵۴
۸۵۹	۲۲ دسامبر	۱۴۵۴
۸۶۰	۱۱ دسامبر	۱۴۵۵
۸۶۱	۲۹ نوامبر	۱۴۵۶
۸۶۲	۱۹ نوامبر	۱۴۵۷
۸۶۳	۸ نوامبر	۱۴۵۸
۸۶۴	۲۸ اکتبر	۱۴۵۹
۸۶۵	۱۷ اکتبر	۱۴۶۰
۸۶۶	۶ اکتبر	۱۴۶۱
۸۶۷	۲۶ سپتامبر	۱۴۶۲
۸۶۸	۱۵ سپتامبر	۱۴۶۳
۸۶۹	۳ سپتامبر	۱۴۶۴
۸۷۰	۲۴ اگوست	۱۴۶۵
۸۷۱	۱۳ اگوست	۱۴۶۶
۸۷۲	۲ اگوست	۱۴۶۷
۸۷۳	۲۲ ژوئیه	۱۴۶۸
۸۷۴	۱۱ ژوئیه	۱۴۶۹
۸۷۵	۳۰ ژوئن	۱۴۷۰
۸۷۶	۲۰ ژوئن	۱۴۷۱
۸۷۷	۸ ژوئن	۱۴۷۲
۸۷۸	۲۹ مه	۱۴۷۳
۸۷۹	۱۸ مه	۱۴۷۴
۸۸۰	۷ مه	۱۴۷۵
۸۸۱	۲۶ آوریل	۱۴۷۶
۸۸۲	۱۵ آوریل	۱۴۷۷
۸۸۳	۴ آوریل	۱۴۷۸
۸۸۴	۲۵ مارس	۱۴۷۹
۸۸۵	۱۳ مارس	۱۴۸۰
۸۸۶	۲ مارس	۱۴۸۱
۸۸۷	۲۰ فوریه	۱۴۸۲
۸۸۸	۹ فوریه	۱۴۸۳
۸۸۹	۳۰ ژانویه	۱۴۸۴
۸۹۰	۱۸ ژانویه	۱۴۸۵
۸۹۱	۷ ژانویه	۱۴۸۶
۸۹۲	۲۸ دسامبر	۱۴۸۶
۸۹۳	۱۷ دسامبر	۱۴۸۷
۸۹۴	۵ دسامبر	۱۴۸۸
۸۹۵	۲۵ نوامبر	۱۴۸۹
۸۹۶	۱۴ نوامبر	۱۴۹۰
۸۹۷	۴ نوامبر	۱۴۹۱
۸۹۸	۲۳ اکتبر	۱۴۹۲

س.ه	آغاز میشود	س.م
۸۹۹	۱۲ اکتبر	۱۴۹۳
۹۰۰	۲ اکتبر	۱۴۹۴
۹۰۱	۲۱ سپتامبر	۱۴۹۵
۹۰۲	۹ سپتامبر	۱۴۹۶
۹۰۳	۳۰ اگوست	۱۴۹۷
۹۰۴	۱۹ اگوست	۱۴۹۸
۹۰۵	۸ اگوست	۱۴۹۹
۹۰۶	۲۸ ژوئیه	۱۵۰۰
۹۰۷	۱۷ ژوئیه	۱۵۰۱
۹۰۸	۷ ژوئیه	۱۵۰۲
۹۰۹	۲۶ ژوئن	۱۵۰۳
۹۱۰	۱۴ ژوئن	۱۵۰۴
۹۱۱	۴ ژوئن	۱۵۰۵
۹۱۲	۲۴ مه	۱۵۰۶
۹۱۳	۱۳ مه	۱۵۰۷
۹۱۴	۲ مه	۱۵۰۸
۹۱۵	۲۱ آوریل	۱۵۰۹
۹۱۶	۱۰ آوریل	۱۵۱۰
۹۱۷	۳۱ مارس	۱۵۱۱
۹۱۸	۱۹ مارس	۱۵۱۲
۹۱۹	۹ مارس	۱۵۱۳
۹۲۰	۲۶ فوریه	۱۵۱۴
۹۲۱	۱۵ فوریه	۱۵۱۵
۹۲۲	۵ فوریه	۱۵۱۶
۹۲۳	۲۴ ژانویه	۱۵۱۷
۹۲۴	۱۳ ژانویه	۱۵۱۸
۹۲۵	۳ ژانویه	۱۵۱۹
۹۲۶	۲۳ دسامبر	۱۵۱۹
۹۲۷	۱۲ دسامبر	۱۵۲۰
۹۲۸	۱ دسامبر	۱۵۲۱
۹۲۹	۲۰ نوامبر	۱۵۲۲
۹۳۰	۱۰ نوامبر	۱۵۲۳
۹۳۱	۲۹ اکتبر	۱۵۲۴
۹۳۲	۱۸ اکتبر	۱۵۲۵
۹۳۳	۸ اکتبر	۱۵۲۶
۹۳۴	۲۷ سپتامبر	۱۵۲۷
۹۳۵	۱۵ سپتامبر	۱۵۲۸
۹۳۶	۵ سپتامبر	۱۵۲۹
۹۳۷	۲۵ اگوست	۱۵۳۰
۹۳۸	۱۵ اگوست	۱۵۳۱
۹۳۹	۳ اگوست	۱۵۳۲
۹۴۰	۲۳ ژوئیه	۱۵۳۳
۹۴۱	۱۳ ژوئیه	۱۵۳۴
۹۴۲	۲ ژوئیه	۱۵۳۵
۹۴۳	۲۰ ژوئن	۱۵۳۶
۹۴۴	۱۰ ژوئن	۱۵۳۷
۹۴۵	۳۰ مه	۱۵۳۸
۹۴۶	۱۹ مه	۱۵۳۹
۹۴۷	۸ مه	۱۵۴۰
۹۴۸	۲۷ آوریل	۱۵۴۱
۹۴۹	۱۷ آوریل	۱۵۴۲
۹۵۰	۶ آوریل	۱۵۴۳
۹۵۱	۲۵ مارس	۱۵۴۴
۹۵۲	۱۵ مارس	۱۵۴۵
۹۵۳	۴ مارس	۱۵۴۶
۹۵۴	۲۱ فوریه	۱۵۴۷
۹۵۵	۱۱ فوریه	۱۵۴۸
۹۵۶	۳۰ ژانویه	۱۵۴۹
۹۵۷	۲۰ ژانویه	۱۵۵۰
۹۵۸	۹ ژانویه	۱۵۵۱
۹۵۹	۲۹ دسامبر	۱۵۵۱
۹۶۰	۱۸ دسامبر	۱۵۵۲
۹۶۱	۷ دسامبر	۱۵۵۳
۹۶۲	۲۶ نوامبر	۱۵۵۴
۹۶۳	۱۶ نوامبر	۱۵۵۵
۹۶۴	۴ نوامبر	۱۵۵۶
۹۶۵	۲۴ اکتبر	۱۵۵۷
۹۶۶	۱۴ اکتبر	۱۵۵۸
۹۶۷	۳ اکتبر	۱۵۵۹
۹۶۸	۲۲ سپتامبر	۱۵۶۰
۹۶۹	۱۱ سپتامبر	۱۵۶۱

س.ه	آغاز میشود	س.م
۹۷۰	۳۱ اگوست	۱۵۶۲
۹۷۱	۲۱ اگوست	۱۵۶۳
۹۷۲	۹ اگوست	۱۵۶۴
۹۷۳	۲۹ ژوئیه	۱۵۶۵
۹۷۴	۱۹ ژوئیه	۱۵۶۶
۹۷۵	۸ ژوئیه	۱۵۶۷
۹۷۶	۲۶ ژوئن	۱۵۶۸
۹۷۷	۱۶ ژوئن	۱۵۶۹
۹۷۸	۵ ژوئن	۱۵۷۰
۹۷۹	۲۶ مه	۱۵۷۱
۹۸۰	۱۴ مه	۱۵۷۲
۹۸۱	۳ مه	۱۵۷۳
۹۸۲	۲۳ آوریل	۱۵۷۴
۹۸۳	۱۲ آوریل	۱۵۷۵
۹۸۴	۳۱ مارس	۱۵۷۶
۹۸۵	۲۱ مارس	۱۵۷۷
۹۸۶	۱۰ مارس	۱۵۷۸
۹۸۷	۲۸ فوریه	۱۵۷۹
۹۸۸	۱۷ فوریه	۱۵۸۰
۹۸۹	۵ فوریه	۱۵۸۱
۹۹۰	۲۶ ژانویه	۱۵۸۲
۹۹۱	۲۵ ژانویه	*۱۵۸۳
۹۹۲	۱۴ ژانویه	۱۵۸۴
۹۹۳	۳ ژانویه	۱۵۸۵
۹۹۴	۲۳ دسامبر	۱۵۸۵
۹۹۵	۱۲ دسامبر	۱۵۸۶
۹۹۶	۲ دسامبر	۱۵۸۷
۹۹۷	۲۰ نوامبر	۱۵۸۸
۹۹۸	۱۰ نوامبر	۱۵۸۹
۹۹۹	۳۰ اکتبر	۱۵۹۰
۱۰۰۰	۱۹ اکتبر	۱۵۹۱
۱۰۰۱	۸ اکتبر	۱۵۹۲
۱۰۰۲	۲۷ سپتامبر	۱۵۹۳
۱۰۰۳	۱۶ سپتامبر	۱۵۹۴
۱۰۰۴	۶ سپتامبر	۱۵۹۵
۱۰۰۵	۲۵ اگوست	۱۵۹۶
۱۰۰۶	۱۴ اگوست	۱۵۹۷
۱۰۰۷	۴ اگوست	۱۵۹۸
۱۰۰۸	۲۴ ژوئیه	۱۵۹۹
۱۰۰۹	۱۳ ژوئیه	۱۶۰۰
۱۰۱۰	۲ ژوئیه	۱۶۰۱
۱۰۱۱	۲۱ ژوئن	۱۶۰۲
۱۰۱۲	۱۱ ژوئن	۱۶۰۳
۱۰۱۳	۳۰ مه	۱۶۰۴
۱۰۱۴	۱۹ مه	۱۶۰۵
۱۰۱۵	۹ مه	۱۶۰۶
۱۰۱۶	۲۸ آوریل	۱۶۰۷
۱۰۱۷	۱۷ آوریل	۱۶۰۸
۱۰۱۸	۶ آوریل	۱۶۰۹
۱۰۱۹	۲۶ مارس	۱۶۱۰
۱۰۲۰	۱۶ مارس	۱۶۱۱
۱۰۲۱	۴ مارس	۱۶۱۲
۱۰۲۲	۲۱ فوریه	۱۶۱۳
۱۰۲۳	۱۱ فوریه	۱۶۱۴
۱۰۲۴	۳۱ ژانویه	۱۶۱۵
۱۰۲۵	۲۰ ژانویه	۱۶۱۶
۱۰۲۶	۹ ژانویه	۱۶۱۷
۱۰۲۷	۲۹ دسامبر	۱۶۱۷
۱۰۲۸	۱۹ دسامبر	۱۶۱۸
۱۰۲۹	۸ دسامبر	۱۶۱۹
۱۰۳۰	۲۶ نوامبر	۱۶۲۰
۱۰۳۱	۱۶ نوامبر	۱۶۲۱
۱۰۳۲	۵ نوامبر	۱۶۲۲
۱۰۳۳	۲۵ اکتبر	۱۶۲۳
۱۰۳۴	۱۴ اکتبر	۱۶۲۴
۱۰۳۵	۳ اکتبر	۱۶۲۵
۱۰۳۶	۲۲ سپتامبر	۱۶۲۶
۱۰۳۷	۱۲ سپتامبر	۱۶۲۷
۱۰۳۸	۳۱ اگوست	۱۶۲۸
۱۰۳۹	۲۱ اگوست	۱۶۲۹
۱۰۴۰	۱۰ اگوست	۱۶۳۰

س.ه	آغاز میشود	س.م
۱۰۴۱	۳۰ ژوئیه	۱۶۳۱
۱۰۴۲	۱۹ ژوئیه	۱۶۳۲
۱۰۴۳	۸ ژوئیه	۱۶۳۳
۱۰۴۴	۲۷ ژوئن	۱۶۳۴
۱۰۴۵	۱۷ ژوئن	۱۶۳۵
۱۰۴۶	۵ ژوئن	۱۶۳۶
۱۰۴۷	۲۶ مه	۱۶۳۷
۱۰۴۸	۱۵ مه	۱۶۳۸
۱۰۴۹	۴ مه	۱۶۳۹
۱۰۵۰	۲۳ آوریل	۱۶۴۰
۱۰۵۱	۱۲ آوریل	۱۶۴۱
۱۰۵۲	۱ آوریل	۱۶۴۲
۱۰۵۳	۲۲ مارس	۱۶۴۳
۱۰۵۴	۱۰ مارس	۱۶۴۴
۱۰۵۵	۲۷ فوریه	۱۶۴۵
۱۰۵۶	۱۷ فوریه	۱۶۴۶
۱۰۵۷	۶ فوریه	۱۶۴۷
۱۰۵۸	۲۷ ژانویه	۱۶۴۸
۱۰۵۹	۱۵ ژانویه	۱۶۴۹
۱۰۶۰	۴ ژانویه	۱۶۵۰
۱۰۶۱	۲۵ دسامبر	۱۶۵۰
۱۰۶۲	۱۴ دسامبر	۱۶۵۱
۱۰۶۳	۲ دسامبر	۱۶۵۲
۱۰۶۴	۲۲ نوامبر	۱۶۵۳
۱۰۶۵	۱۱ نوامبر	۱۶۵۴
۱۰۶۶	۳۱ اکتبر	۱۶۵۵
۱۰۶۷	۲۰ اکتبر	۱۶۵۶
۱۰۶۸	۹ اکتبر	۱۶۵۷
۱۰۶۹	۲۹ سپتامبر	۱۶۵۸
۱۰۷۰	۱۸ سپتامبر	۱۶۵۹
۱۰۷۱	۶ سپتامبر	۱۶۶۰
۱۰۷۲	۲۷ اگوست	۱۶۶۱
۱۰۷۳	۱۶ اگوست	۱۶۶۲
۱۰۷۴	۵ اگوست	۱۶۶۳
۱۰۷۵	۲۵ ژوئیه	۱۶۶۴
۱۰۷۶	۱۴ ژوئیه	۱۶۶۵
۱۰۷۷	۴ ژوئیه	۱۶۶۶
۱۰۷۸	۲۳ ژوئن	۱۶۶۷
۱۰۷۹	۱۱ ژوئن	۱۶۶۸
۱۰۸۰	۱ ژوئن	۱۶۶۹
۱۰۸۱	۲۱ مه	۱۶۷۰
۱۰۸۲	۱۰ مه	۱۶۷۱
۱۰۸۳	۲۹ آوریل	۱۶۷۲
۱۰۸۴	۱۸ آوریل	۱۶۷۳
۱۰۸۵	۷ آوریل	۱۶۷۴
۱۰۸۶	۲۸ مارس	۱۶۷۵
۱۰۸۷	۱۶ مارس	۱۶۷۶
۱۰۸۸	۶ مارس	۱۶۷۷
۱۰۸۹	۲۳ فوریه	۱۶۷۸
۱۰۹۰	۱۲ فوریه	۱۶۷۹
۱۰۹۱	۲ فوریه	۱۶۸۰
۱۰۹۲	۲۱ ژانویه	۱۶۸۱
۱۰۹۳	۱۰ ژانویه	۱۶۸۲
۱۰۹۴	۳۱ دسامبر	۱۶۸۲
۱۰۹۵	۲۰ دسامبر	۱۶۸۳
۱۰۹۶	۸ دسامبر	۱۶۸۴
۱۰۹۷	۲۸ نوامبر	۱۶۸۵
۱۰۹۸	۱۷ نوامبر	۱۶۸۶
۱۰۹۹	۷ نوامبر	۱۶۸۷
۱۱۰۰	۲۶ اکتبر	۱۶۸۸
۱۱۰۱	۱۵ اکتبر	۱۶۸۹
۱۱۰۲	۵ اکتبر	۱۶۹۰
۱۱۰۳	۲۴ سپتامبر	۱۶۹۱
۱۱۰۴	۱۲ سپتامبر	۱۶۹۲
۱۱۰۵	۲ سپتامبر	۱۶۹۳
۱۱۰۶	۲۲ اگوست	۱۶۹۴
۱۱۰۷	۱۲ اگوست	۱۶۹۵
۱۱۰۸	۳۱ ژوئیه	۱۶۹۶
۱۱۰۹	۲۰ ژوئیه	۱۶۹۷
۱۱۱۰	۱۰ ژوئیه	۱۶۹۸
۱۱۱۱	۲۹ ژوئن	۱۶۹۹

س.ه	آغاز میشود	س.م
۱۱۱۲	۱۸ ژوئن	۱۷۰۰
۱۱۱۳	۸ ژوئن	۱۷۰۱
۱۱۱۴	۲۸ مه	۱۷۰۲
۱۱۱۵	۱۷ مه	۱۷۰۳
۱۱۱۶	۶ مه	۱۷۰۴
۱۱۱۷	۲۵ آوریل	۱۷۰۵
۱۱۱۸	۱۵ آوریل	۱۷۰۶
۱۱۱۹	۴ آوریل	۱۷۰۷
۱۱۲۰	۲۳ مارس	۱۷۰۸
۱۱۲۱	۱۳ مارس	۱۷۰۹
۱۱۲۲	۲ مارس	۱۷۱۰
۱۱۲۳	۱۹ فوریه	۱۷۱۱
۱۱۲۴	۹ فوریه	۱۷۱۲
۱۱۲۵	۲۸ ژانویه	۱۷۱۳
۱۱۲۶	۱۷ ژانویه	۱۷۱۴
۱۱۲۷	۷ ژانویه	۱۷۱۵
۱۱۲۸	۲۷ دسامبر	۱۷۱۵
۱۱۲۹	۱۶ دسامبر	۱۷۱۶
۱۱۳۰	۵ دسامبر	۱۷۱۷
۱۱۳۱	۲۴ نوامبر	۱۷۱۸
۱۱۳۲	۱۴ نوامبر	۱۷۱۹
۱۱۳۳	۲ نوامبر	۱۷۲۰
۱۱۳۴	۲۱ اکتبر	۱۷۲۱
۱۱۳۵	۱ اکتبر	۱۷۲۲
۱۱۳۶	۱ اکتبر	۱۷۲۳
۱۱۳۷	۲۰ سپتامبر	۱۷۲۴
۱۱۳۸	۹ سپتامبر	۱۷۲۵
۱۱۳۹	۲۹ اگوست	۱۷۲۶
۱۱۴۰	۱۹ اگوست	۱۷۲۷
۱۱۴۱	۷ اگوست	۱۷۲۸
۱۱۴۲	۲۷ ژوئیه	۱۷۲۹
۱۱۴۳	۱۷ ژوئیه	۱۷۳۰
۱۱۴۴	۶ ژوئیه	۱۷۳۱
۱۱۴۵	۲۴ ژوئن	۱۷۳۲
۱۱۴۶	۱۴ ژوئن	۱۷۳۳
۱۱۴۷	۳ ژوئن	۱۷۳۴
۱۱۴۸	۲۴ مه	۱۷۳۵
۱۱۴۹	۱۲ مه	۱۷۳۶
۱۱۵۰	۱ مه	۱۷۳۷
۱۱۵۱	۲۱ آوریل	۱۷۳۸
۱۱۵۲	۱۰ آوریل	۱۷۳۹
۱۱۵۳	۲۹ مارس	۱۷۴۰
۱۱۵۴	۱۹ مارس	۱۷۴۱
۱۱۵۵	۸ مارس	۱۷۴۲
۱۱۵۶	۲۵ فوریه	۱۷۴۳
۱۱۵۷	۱۵ فوریه	۱۷۴۴
۱۱۵۸	۳ فوریه	۱۷۴۵
۱۱۵۹	۲۴ ژانویه	۱۷۴۶
۱۱۶۰	۱۳ ژانویه	۱۷۴۷
۱۱۶۱	۲ ژانویه	۱۷۴۸
۱۱۶۲	۲۲ دسامبر	۱۷۴۸
۱۱۶۳	۱۱ دسامبر	۱۷۴۹
۱۱۶۴	۳۰ نوامبر	۱۷۵۰
۱۱۶۵	۲۰ نوامبر	۱۷۵۱
۱۱۶۶	۸ نوامبر	۱۷۵۲
۱۱۶۷	۲۹ اکتبر	۱۷۵۳
۱۱۶۸	۱۸ اکتبر	۱۷۵۴
۱۱۶۹	۷ اکتبر	۱۷۵۵
۱۱۷۰	۲۶ سپتامبر	۱۷۵۶
۱۱۷۱	۱۵ سپتامبر	۱۷۵۷
۱۱۷۲	۴ سپتامبر	۱۷۵۸
۱۱۷۳	۲۵ اگوست	۱۷۵۹
۱۱۷۴	۱۳ اگوست	۱۷۶۰
۱۱۷۵	۲ اگوست	۱۷۶۱
۱۱۷۶	۲۳ ژوئیه	۱۷۶۲
۱۱۷۷	۱۲ ژوئیه	۱۷۶۳
۱۱۷۸	۱ ژوئیه	۱۷۶۴
۱۱۷۹	۲۰ ژوئن	۱۷۶۵
۱۱۸۰	۹ ژوئن	۱۷۶۶
۱۱۸۱	۳۰ مه	۱۷۶۷
۱۱۸۲	۱۸ مه	۱۷۶۸

س.ه	آغاز میشود	س.م
۱۱۸۳	۷ مه	۱۷۶۹
۱۱۸۴	۲۷ آوریل	۱۷۷۰
۱۱۸۵	۱۶ آوریل	۱۷۷۱
۱۱۸۶	۴ آوریل	۱۷۷۲
۱۱۸۷	۲۵ مارس	۱۷۷۳
۱۱۸۸	۱۴ مارس	۱۷۷۴
۱۱۸۹	۴ مارس	۱۷۷۵
۱۱۹۰	۲۱ فوریه	۱۷۷۶
۱۱۹۱	۹ فوریه	۱۷۷۷
۱۱۹۲	۳۰ ژانویه	۱۷۷۸
۱۱۹۳	۱۹ ژانویه	۱۷۷۹
۱۱۹۴	۸ ژانویه	۱۷۸۰
۱۱۹۵	۲۸ دسامبر	۱۷۸۰
۱۱۹۶	۱۷ دسامبر	۱۷۸۱
۱۱۹۷	۷ دسامبر	۱۷۸۲
۱۱۹۸	۲۶ نوامبر	۱۷۸۳
۱۱۹۹	۱۴ نوامبر	۱۷۸۴
۱۲۰۰	۴ نوامبر	۱۷۸۵
۱۲۰۱	۲۴ اکتبر	۱۷۸۶
۱۲۰۲	۱۳ اکتبر	۱۷۸۷
۱۲۰۳	۲ اکتبر	۱۷۸۸
۱۲۰۴	۲۱ سپتامبر	۱۷۸۹
۱۲۰۵	۱۰ سپتامبر	۱۷۹۰
۱۲۰۶	۳۱ اگوست	۱۷۹۱
۱۲۰۷	۱۹ اگوست	۱۷۹۲
۱۲۰۸	۹ اگوست	۱۷۹۳
۱۲۰۹	۲۹ ژوئیه	۱۷۹۴
۱۲۱۰	۱۸ ژوئیه	۱۷۹۵
۱۲۱۱	۷ ژوئیه	۱۷۹۶
۱۲۱۲	۲۶ ژوئن	۱۷۹۷
۱۲۱۳	۱۵ ژوئن	۱۷۹۸
۱۲۱۴	۵ ژوئن	۱۷۹۹
۱۲۱۵	۲۵ مه	۱۸۰۰
۱۲۱۶	۱۴ مه	۱۸۰۱
۱۲۱۷	۴ مه	۱۸۰۲
۱۲۱۸	۲۳ آوریل	۱۸۰۳
۱۲۱۹	۱۲ آوریل	۱۸۰۴
۱۲۲۰	۱ آوریل	۱۸۰۵
۱۲۲۱	۲۱ مارس	۱۸۰۶
۱۲۲۲	۱۱ مارس	۱۸۰۷
۱۲۲۳	۲۸ فوریه	۱۸۰۸
۱۲۲۴	۱۶ فوریه	۱۸۰۹
۱۲۲۵	۶ فوریه	۱۸۱۰
۱۲۲۶	۲۶ ژانویه	۱۸۱۱
۱۲۲۷	۱۶ ژانویه	۱۸۱۲
۱۲۲۸	۴ ژانویه	۱۸۱۳
۱۲۲۹	۲۴ دسامبر	۱۸۱۳
۱۲۳۰	۱۴ دسامبر	۱۸۱۴
۱۲۳۱	۳ دسامبر	۱۸۱۵
۱۲۳۲	۲۱ نوامبر	۱۸۱۶
۱۲۳۳	۱۱ نوامبر	۱۸۱۷
۱۲۳۴	۳۱ اکتبر	۱۸۱۸
۱۲۳۵	۲۰ اکتبر	۱۸۱۹
۱۲۳۶	۹ اکتبر	۱۸۲۰
۱۲۳۷	۲۸ سپتامبر	۱۸۲۱
۱۲۳۸	۱۸ سپتامبر	۱۸۲۲
۱۲۳۹	۷ سپتامبر	۱۸۲۳
۱۲۴۰	۲۶ اگوست	۱۸۲۴
۱۲۴۱	۱۶ اگوست	۱۸۲۵
۱۲۴۲	۵ اگوست	۱۸۲۶
۱۲۴۳	۲۵ ژوئیه	۱۸۲۷
۱۲۴۴	۱۴ ژوئیه	۱۸۲۸
۱۲۴۵	۳ ژوئیه	۱۸۲۹
۱۲۴۶	۲۲ ژوئن	۱۸۳۰
۱۲۴۷	۱۲ ژوئن	۱۸۳۱
۱۲۴۸	۳۱ مه	۱۸۳۲
۱۲۴۹	۲۱ مه	۱۸۳۳
۱۲۵۰	۱۰ مه	۱۸۳۴
۱۲۵۱	۲۹ آوریل	۱۸۳۵
۱۲۵۲	۱۸ آوریل	۱۸۳۶
۱۲۵۳	۷ آوریل	۱۸۳۷

س.ه	آغاز میشود	س.م
۱۲۵۴	۲۷ مارس	۱۸۳۸
۱۲۵۵	۱۷ مارس	۱۸۳۹
۱۲۵۶	۵ مارس	۱۸۴۰
۱۲۵۷	۲۳ فوریه	۱۸۴۱
۱۲۵۸	۱۲ فوریه	۱۸۴۲
۱۲۵۹	۱ فوریه	۱۸۴۳
۱۲۶۰	۲۲ ژانویه	۱۸۴۴
۱۲۶۱	۱۰ ژانویه	۱۸۴۵
۱۲۶۲	۳۰ دسامبر	۱۸۴۵
۱۲۶۳	۲۰ دسامبر	۱۸۴۶
۱۲۶۴	۹ دسامبر	۱۸۴۷
۱۲۶۵	۲۷ نوامبر	۱۸۴۸
۱۲۶۶	۱۷ نوامبر	۱۸۴۹
۱۲۶۷	۶ نوامبر	۱۸۵۰
۱۲۶۸	۲۷ اکتبر	۱۸۵۱
۱۲۶۹	۱۵ اکتبر	۱۸۵۲
۱۲۷۰	۴ اکتبر	۱۸۵۳
۱۲۷۱	۲۴ سپتامبر	۱۸۵۴
۱۲۷۲	۱۳ سپتامبر	۱۸۵۵
۱۲۷۳	۱ سپتامبر	۱۸۵۶
۱۲۷۴	۲۲ اگوست	۱۸۵۷
۱۲۷۵	۱۱ اگوست	۱۸۵۸
۱۲۷۶	۳۱ ژوئیه	۱۸۵۹
۱۲۷۷	۲۰ ژوئیه	۱۸۶۰
۱۲۷۸	۹ ژوئیه	۱۸۶۱
۱۲۷۹	۲۹ ژوئن	۱۸۶۲
۱۲۸۰	۱۸ ژوئن	۱۸۶۳
۱۲۸۱	۶ ژوئن	۱۸۶۴
۱۲۸۲	۲۷ مه	۱۸۶۵
۱۲۸۳	۱۶ مه	۱۸۶۶
۱۲۸۴	۵ مه	۱۸۶۷
۱۲۸۵	۲۴ آوریل	۱۸۶۸
۱۲۸۶	۱۳ آوریل	۱۸۶۹
۱۲۸۷	۳ آوریل	۱۸۷۰
۱۲۸۸	۲۳ مارس	۱۸۷۱
۱۲۸۹	۱۱ مارس	۱۸۷۲
۱۲۹۰	۱ مارس	۱۸۷۳
۱۲۹۱	۱۸ فوریه	۱۸۷۴
۱۲۹۲	۷ فوریه	۱۸۷۵
۱۲۹۳	۲۸ ژانویه	۱۸۷۶
۱۲۹۴	۱۶ ژانویه	۱۸۷۷
۱۲۹۵	۵ ژانویه	۱۸۷۸
۱۲۹۶	۲۶ دسامبر	۱۸۷۸
۱۲۹۷	۱۵ دسامبر	۱۸۷۹
۱۲۹۸	۴ دسامبر	۱۸۸۰
۱۲۹۹	۲۳ نوامبر	۱۸۸۱
۱۳۰۰	۱۲ نوامبر	۱۸۸۲
۱۳۰۱	۲ نوامبر	۱۸۸۳
۱۳۰۲	۲۱ اکتبر	۱۸۸۴
۱۳۰۳	۱۰ اکتبر	۱۸۸۵
۱۳۰۴	۳۰ سپتامبر	۱۸۸۶
۱۳۰۵	۱۹ سپتامبر	۱۸۸۷
۱۳۰۶	۷ سپتامبر	۱۸۸۸
۱۳۰۷	۲۸ اگوست	۱۸۸۹
۱۳۰۸	۱۷ اگوست	۱۸۹۰
۱۳۰۹	۷ اگوست	۱۸۹۱
۱۳۱۰	۲۶ ژوئیه	۱۸۹۲
۱۳۱۱	۱۵ ژوئیه	۱۸۹۳
۱۳۱۲	۵ ژوئیه	۱۸۹۴
۱۳۱۳	۲۴ ژوئن	۱۸۹۵
۱۳۱۴	۱۲ ژوئن	۱۸۹۶
۱۳۱۵	۲ ژوئن	۱۸۹۷
۱۳۱۶	۲۲ مه	۱۸۹۸
۱۳۱۷	۱۲ مه	۱۸۹۹
۱۳۱۸	۱ مه	۱۹۰۰
۱۳۱۹	۲۰ آوریل	۱۹۰۱
۱۳۲۰	۱۰ آوریل	۱۹۰۲
۱۳۲۱	۳۰ مارس	۱۹۰۳
۱۳۲۲	۱۸ مارس	۱۹۰۴
۱۳۲۳	۸ مارس	۱۹۰۵
۱۳۲۴	۲۵ فوریه	۱۹۰۶

س.ه	آغاز میشود	س.م
۱۳۲۵	۱۴ فوریه	۱۹۰۷
۱۳۲۶	۴ فوریه	۱۹۰۸
۱۳۲۷	۲۳ ژانویه	۱۹۰۹
۱۳۲۸	۱۳ ژانویه	۱۱۹۰
۱۳۲۹	۲ ژانویه	۱۹۱۱
۱۳۳۰	۲۲ دسامبر	۱۹۱۱
۱۳۳۱	۱۱ دسامبر	۱۹۱۲
۱۳۳۲	۳۰ نوامبر	۱۹۱۳
۱۳۳۳	۱۹ نوامبر	۱۹۱۴
۱۳۳۴	۹ نوامبر	۱۹۱۵
۱۳۳۵	۲۸ اکتبر	۱۹۱۶
۱۳۳۶	۱۷ اکتبر	۱۹۱۷
۱۳۳۷	۷ اکتبر	۱۹۱۸
۱۳۳۸	۲۶ سپتامبر	۱۹۱۹
۱۳۳۹	۱۵ سپتامبر	۱۹۲۰
۱۳۴۰	۴ سپتامبر	۱۹۲۱
۱۳۴۱	۲۴ اگوست	۱۹۲۲
۱۳۴۲	۱۴ اگوست	۱۹۲۳
۱۳۴۳	۲ اگوست	۱۹۲۴
۱۳۴۴	۲۲ ژوئیه	۱۹۲۵
۱۳۴۵	۱۲ ژوئیه	۱۹۲۶
۱۳۴۶	۱ ژوئیه	۱۹۲۷
۱۳۴۷	۲۰ ژوئن	۱۹۲۸
۱۳۴۸	۹ ژوئن	۱۹۲۹
۱۳۴۹	۲۹ مه	۱۹۳۰
۱۳۵۰	۱۹ مه	۱۹۳۱
۱۳۵۱	۷ مه	۱۹۳۲
۱۳۵۲	۲۶ آوریل	۱۹۳۳
۱۳۵۳	۱۶ آوریل	۱۹۳۴
۱۳۵۴	۵ آوریل	۱۹۳۵
۱۳۵۵	۲۴ مارس	۱۹۳۶
۱۳۵۶	۱۴ مارس	۱۹۳۷
۱۳۵۷	۳ مارس	۱۹۳۸
۱۳۵۸	۲۱ فوریه	۱۹۳۹
۱۳۵۹	۱۰ فوریه	۱۹۴۰
۱۳۶۰	۲۹ ژانویه	۱۹۴۱
۱۳۶۱	۱۹ ژانویه	۱۹۴۲
۱۳۶۲	۸ ژانویه	۱۹۴۳
۱۳۶۳	۲۸ دسامبر	۱۹۴۳
۱۳۶۴	۱۷ دسامبر	۱۹۴۴
۱۳۶۵	۶ دسامبر	۱۹۴۵
۱۳۶۶	۲۵ نوامبر	۱۹۴۶
۱۳۶۷	۱۵ نوامبر	۱۹۴۷
۱۳۶۸	۳ نوامبر	۱۹۴۸
۱۳۶۹	۲۴ اکتبر	۱۹۴۹
۱۳۷۰	۱۳ اکتبر	۱۹۵۰
۱۳۷۱	۲ اکتبر	۱۹۵۱
۱۳۷۲	۲۱ سپتامبر	۱۹۵۲
۱۳۷۳	۱۰ سپتامبر	۱۹۵۳
۱۳۷۴	۳۰ اگوست	۱۹۵۴
۱۳۷۵	۲۰ اگوست	۱۹۵۵
۱۳۷۶	۸ اگوست	۱۹۵۶
۱۳۷۷	۲۹ ژوئیه	۱۹۵۷
۱۳۷۸	۱۸ ژوئیه	۱۹۵۸
۱۳۷۹	۷ ژوئیه	۱۹۵۹
۱۳۸۰	۲۶ ژوئن	۱۹۶۰
۱۳۸۱	۱۵ ژوئن	۱۹۶۱
۱۳۸۲	۴ ژوئن	۱۹۶۲
۱۳۸۳	۲۵ مه	۱۹۶۳
۱۳۸۴	۱۳ مه	۱۹۶۴
۱۳۸۵	۲ مه	۱۹۶۵
۱۳۸۶	۲۲ آوریل	۱۹۶۶
۱۳۸۷	۱۱ آوریل	۱۹۶۷
۱۳۸۸	۳۱ مارس	۱۹۶۸
۱۳۸۹	۲۰ مارس	۱۹۶۹
۱۳۹۰	۹ مارس	۱۹۷۰
۱۳۹۱	۲۷ فوریه	۱۹۷۱
۱۳۹۲	۱۶ فوریه	۱۹۷۲
۱۳۹۳	۴ فوریه	۱۹۷۳
۱۳۹۴	۲۵ ژانویه	۱۹۷۴
۱۳۹۵	۱۴ ژانویه	۱۹۷۵

* تقویم جدید از تاریخ ۱۵ اکتبر (تقویم قدیم ۵ اکتبر) ۱۵۸۲ احتساب شد . برای توضیح این‌مطلب به صفحهٔ ۲۶ مراجعه شود .

فهرست اعلام

نام اماکنی که در پرانتز یادشده در نقشه ذکر نگردیده است. حروف مفتاح اشاره باولین نقشه‌ای است که شمارهٔ آن در فهرست ذکر میشود .

ا ـ ایطالیایی . ارم ـ ارمنی . الب ـ آلبانی . الم ـ آلمانی . ب ـ بلغاری . پ ـ پرتقالی . ت ـ ترکی . چ ـ چکواسلواکی . ر ـ روسی . رو ـ رومانی . س ـ اسپانیایی . ص ـ صربی . ع ـ عربی . ف ـ فارسی . فر ـ فرانسه . ق ـ قرون وسطی . ل ـ لاتین . له ـ لهستانی . م ـ مجارستانی . ی ـ یونانی .

ACKU

ACKU

ACKU

خوقند .ف ،ع ،(خان نشین) ؛ Khwaqand ... ..
.... ۲۹ ، ۳۱ ب ج
خوی .ف ، Khuy ؛ Khoi .... ۳۴ ، ۳۵ ن ب
خیوق .ف ، Khivaq ...... رجوع به خیوه .
خیوك .ت ، Hivek ...... رجوع به خیوه .
خیوه (خان نشین) ،ع ، Khiva ...... ۲۹ ، ۳۱ د ج
خیوه .ف ،ر ، Khiva ؛ ف ، Khivaq ؛ت ، Hivek
، Hive .... ۱۰ ص ج

دارا بجرد .ف ،ع ، Darabjird .... ۹ و و
دارالبیضاء .ع ، Casablanca . رجوع به کازابلانکا .
(دارالسلام . Dar Es Salaam ...... ۵)
داردانل (تنگه) ،ل ، Dardanelles ؛ Hellespontus
؛ق ، Çanakkale Bogazi ، ت ، Hellespont
.... ۳۹/۳ ك ج
داغستان (ناحیه) ، Daghestan .... ۳۹ ح ب
داکا . Dacca .... ۴۰ ، ۴۱ ل ز
(داکار . Dakar ....۲)
دانشمندیه (سلسله) ، Danishmandids ...... ۱۷ ط د
دانمارك (ملت) ، Denmark ...... ۳۷ م ا
دانوب (رود) ، Danube ؛ ل ، Danubius ؛ الم ،
Donau ؛ت ، Tuna ؛ رو ، Dunarea ......
.... ۳-۳۳ ، ۳۷ ، ۳۹ ل ج
دبیل .ف ، Dabil .... ۱۳ ح ج
دجله (رود) ،ع ، Dijlah ؛ق ، Tigris ؛ت ، Dicle
، Dijle .... ۳-۳۹ ح د
دراج .ت ، Diraç .... رجوع به دوراتزو .
دراخیوم .ل ، Dyrrachium ... رجوع به دوراتزو .
دراوا (رود) ،ص ، Drava ؛ل ، Dravus ... ۳۹/۳ م ب
دراوه .... رجوع به دراوا .
دربنت .ت ، Derbent ......رجوع به دربند .
دربند .ف ؛ت ، Derbent ؛ ع ، Bab al-Abwab
.... ۳ ز ج
درتوسا .ل ، Dertosa .... ۷ ع ج
دردوه . Diredawa .... ۲ ، ۳ ح ی
درنه .ع ، Derna ؛ت ، Derne .... ۲ ، ۳ ل ه
دروك یول . Druk-yul ...... رجوع به بهوتان .
دریاچهٔ اوزروسیوان . Ozero Sevan ....
.... رجوع به اوزروسیوان .
دریاچهٔ بالکاش . Lake Balkhash ...... ۴۱ س ب
دریاچهٔ توز .ت ، Tuz Gölü ...... ۳۵ ف ب
دریاچهٔ کچه . Rann of Kutch .... ۴۱ ف ز
دریاچهٔ لوط .ع ، Dead Sea .... ۳۵ ع ج
دریای آدریاتیک . Adriatic Sea .رجوع به آدریاتیک .
دریای آرال . Aral Sea .... رجوع به آرال .
دریای آزوف . Sea of Azov .... رجوع به آزوف .
دریای اژه . Aegean Sea .... رجوع به اژه .

دریای اندمان . Andaman Sea .رجوع به اندمان .
دریای بالتیک . Baltic Sea ...رجوع به بالتیک .
دریای چین جنوبی . South china Sea . ۴۱ ، ۴۳ ح ط
دریای خزر .... رجوع به خزر .
دریای سیاه .ف .... رجوع به اسود .
دریای شمال . North Sea ...... رجوع به شمال .
دریای عربستان . Arabian Sea .رجوع به عربستان .
دریای فلورس . Flores .... ۴۱ ، ۴۳ و م
دریای مانش .فر ، Manche ؛ English channel ..
.... ۳۷ ع ج
دریای مدیترانه .... رجوع به مدیترانه .
دریای مرمر . Sea of Marmara .رجوع به مرمره .
دریس . Durrës ....رجوع به دوراتزو .
دزفول .ف ، Dizful .... ۳۴ ، ۳۵ ن ج
دسپوتو پلانینا (جبال) ،ی ، Despoto Planina ... ۳۵ ق ا
(دسی . Dessye .... ۲)
دشت کبیر .ت ، Dast-i-kebir .رجوع به کویر خراسان .
دکن (ناحیه) ، Deccan .. .. ۴۱ ، ۴۳ س ط
(دلی . Dili .... ۴۰)
دماو .پ ، Damao .... ۴۱ ع ز
دماوند (۱۸۶۰۰) ، Demavend ...... ۳ ، ۳۵ و د
دمشق .ع ؛ت ، Damascus ؛ Sam ... ۳۴ ، ۳۵ ع ج
دمنهور .ع ، Damanhur .... ۳۴ ، ۳۵ ف ج
دمیاط .ع ؛ت ، Dimyat ؛ فر ، Damietta .. ....
.... ۳۴ ، ۳۵ ف ج
دن (رود) ، Don ؛ ل ، Tanais ؛ت ، Duna tatr
.... ۳۳/۳ ح ب
دناستریس .ل ، Danastris ...... رجوع به دنیستر .
دناکل (قبیله) ، Danakil .. .. ۲۹ ، ۳۱ ح ط
دنپر .ر ، Dnepr .... رجوع به دنیپر .
دنستر .ر ، Dnestr .... رجوع به دنیستر .
دنقله .ع ؛ Dongola .... ۷ ی ح
دنیپر (رود) ، Dnieper ؛ ل ، Borysthenes ؛ ر ،
Dnepr .... ۳۹/۳ ی ب
دنیپروپتروسک .ر ، Dnepropetrovsk (در نقشه
اشتباهاً دنیستروپتروسک ضبط شده) .... ۴ ، ۳ ی ب
دنیزلی .ت ، Denizli .... ۳۴ ، ۳۵ ص ب
دنیستر (رود) ، Dniester ؛ ل ، Danastris (ر ،
Dnester) .... ۳۹/۳ ك ب
دوبرونیک .ص ، Dubrovnik ؛ل ،ا ، Ragusa ؛
ع ، رغوسه .... ۳ م ج
دوحه .ع ؛ Doha .... ۳۴ ، ۳۵ م د
دوراتزو .ا ، Durazzo ؛ل ، Dyrrachium ؛ ت ،
Diraç ؛ الب ، Durrës .... ۳ ج م
(دورتموند .الم ، Dortmund .... ۴)
دورولایوم .ل ، Dorylaeum ..رجوع به اسکی شهر .
دوریوس .ل ، Durius .... رجوع به دویره .

(دوسلدرف .الم ، Düsseldorf .... ۴)
دوقوز-اوقوز (ترکان) ، (طغزغز) ، Toquz-oghuz Turks
.... ۱۱-۱۷ ج ج
دونا . Duna .... رجوع به دن .
دوناریا .رو ، Dunarea ...... رجوع به دانوب .
دوناو .الم ، Donau .... رجوع به دانوب .
دونتز (رود) ، Donets (درنقشه اشتباهاً دنیستر ضبط
شده) ....۳ ط ب
دونگلا . Dongola .... رجوع به دنقله .
دونه تاتار . Duna tatar ....رجوع به دن .
دویره (رود) ،ع ؛ل ، Durius ؛ Douro ۳/۳۷ ص ج
(دویسبرگ .الم ، Duisburg .... ۴)
دوینا (رود) ، Dvina .... ۳۷ ی ا
دهاولگیری (۲۶۷۹۵) ، Dhaulagiri ... ۴۱ ن و
دهلی . Delhi .... ۴۰ ، ۴۳ س ط
دهلی جدید . New delhi .. .. ۴۰ ، ۴۱ س و
دهناء (صحراء) ،ع ، Dahna ...... ۳-۳۵ ، ۳۹ ز ز
دیاربکر (آمد) ،ع ؛ت ، Diyarbakir ؛ل ، Amida
.... ۳۴ ، ۳۵ س ب
دیو .ب ، Diu .... ۴۱ ع ز

ذوالقدر (دولت) ،ع ، Dhu-al-qadar .... ۲۵ ط ر
ذیبة المهل .ع .... رجوع به مالدیو .

رأس دشان (۱۵۱۶۰) ، Ras Dashan .... ۳ ط ط
راتیسبون . Ratisbon ؛ (الم) Regensburg ... ۳۷ م ج
راجپوتانا (ناحیه) ، Rajputana ...... ۴۱ ، ۴۳ ع و
راشت (ایالت) ، Rasht (درنقشه اشتباهاً رشت ضبط
شده) .... ۱۱ ج د
رانسوال . Roncesvalles ...... رجوع به رونشه .
رانگون . Rangoon .... ۴۰ ، ۴۱ ك ح
راولپندی . Rawalpindi .... ۴۰ ، ۴۱ ع ه
راونا .ل ،ا ، Ravenna .... ۷ ن ج
راین (رود) ، Rhine ؛ الم ، Rhein ؛ل ، Rhenus (در
نقشه اشتباهاً رن ضبط شده) ... ۳-۳۳ س ب
رباط .فر ، Rabat ؛ع ، Ribat al-Fath ... ۲ ، ۳ ص ه
رباط الفتح .ع ، Ribat al-Fath .رجوع به رباط .
ربع الخالی (صحراء) ،ع ، Rub al-Khali .....
.... ۳-۳۵ ، ۳۹ و ز
ردس (جزیره) ،ی ، Rhodes ؛ل ، Rhodus ؛ی ،ت ،
Rhodos .... ۳-۳۹ ك د
رستوف .ر ، Rostov (درنقشه اشتباهاً رشتوف ضبط
شده) .... ۳ ، ۴ ط ب
رسولیان (ائمهٔ رسولی) ، Rasulids ... ۲۱ ، ۲۳ ح ح
رسی (ائمه) ، Rassids .... ۱۳ ح ح
رشت .ف ،ع ؛ت ، Resht .... ۳۴ ، ۳۵ ن ب
رشید .ع ؛ت ، Rosetta ...... ۳۴ ، ۳۵ ف ج

رشید (آل) ، Rashidids .. .. ۱۳ ح و
رضائیه .ف ، Rizaiyeh .... ۳۴ ، ۳۵ ن ب
رغوسه .ع .... رجوع به دوبرونیک .
رغوسه (دولت) ، Ragusa .... ۲۱-۳۱ م ج
رقه .ع ؛ت ، Rakka .... ۳۵ ع ب
رگوسه .ل ،ا ، Ragusa ...رجوع به دوبرونیک .
رگیو .ا ، Reggio ؛ل ، Rhegium (درنقشه اشتباهاً
رگیو ضبط شده) .... ۳ م د
رگیوم .ل ، Rhegium .... رجوع به رگیو .
رم .ا ، Roma .... ۳ ، ۴ ن ج
رم (دولت) ، Rome .... ۳۱ ن ج
رما .ا ، Roma .... رجوع به رم .
(رمتگان . Ramatgan .... ۳۴)
رن (رود) ، Rhone ؛ل ، Rhodanus .. ۳۷/۳ ع ج
روان .فر ، Rouen .... ۳۷ س ج
رودانوس .ل ، Rhodanus ....رجوع به رن .
رودوس .ی ، Rhodus .... رجوع به ردس .
روزتا . Rosetta ....رجوع به رشید .
روس . Rus .... ۱۳ ی ا
روسیه (ملت) ، Russia .... ۱۵/۳۳ ، ۳۷ ی ا
رومانی .رم ، Romania .... ۳ ، ۴ ، ۳۳ ك ب
روم شرقی (امپراطوری) ، Byzantine Empire ...
.... ۷-۲۱ ك ج
روملی شرقی . Eastern Rumelia ...... ۳۹ م ب
رونشه .ع ؛ س ، Roncesvalles .... ۹ ف ج
رها .ل ، Rha ....رجوع به ولگا .
رهاء .ع ، al-Ruha .... رجوع به ارفه .
رهاء (ولایت) ،ع ، Eddessa .... ۱۷ ط د
ری .ف ؛ ت ،ع ، الری .... ۹ و د
ریاض .ع ؛ Riyadh .... ۳۴ ، ۳۵ ن ه
ریجیوم .ل ، Rhegium .... رجوع به رگیو .
ریگستان (صحراء) ، Registan ......۳ ، ۴۱ ج ه
ریمس .فر ، Reims ؛ Rheims .... ۳۷ س ج
رینوس .ل ، Rhenus .... رجوع به راین .

زارا .ا ، Zara ؛ص ، Zadar .... ۱۹ م ج
زاراگوزا .س ، Zaragoza ...... رجوع به سرقسطه .
(زاپروژیه .ر ، Zaporozhye «درمتن اشتباهاً زاپروژیه
ضبط شده» .... ۴)
زاپروژیه (قزاقها) ، Zaporozhye Cossacks (در
نقشه اشتباهاً زاپوروچی ضبط شده) .... ۲۷ ی ب
زاگرب .ص ، Zagreb ؛ الم ، Agram ... ۳ ، ۴ م ب
زالف قره بوغازسکی (خلیج) ، Zaliv Kara Bugazski
.... ۳۵ م ا
زبید .ع ؛ت ، Zebid .... ۷ ح ط
زحله .ع ؛ Zahle .... ۳۴ ، ۳۵ ع ج
زرنج .ف ، Zaranj (درنقشه اشتباهاً زرنح ضبط شده)
.... ۷ د ه
زغاوه .ع ، Zaghawa .... ۷-۳۱ ل ح
زقازیق .ع ؛ Zagazig (درنقشه اشتباهاً زقازق ضبط
شده) .... ۳۴ ، ۳۵ ف ج
زگازیگ . Zagazig .. .. رجوع به زقازیق .
زلاقه .ع ؛ Zallaca .... ۱۵ ص د
(زمبا . Zomba .... ۵)
زنجان (زنگان) ،ف ؛ Zenjan .... ۳۴ ، ۳۵ ن ب
زنگ (زنگبار) ،ف ؛ زنج ،ع ، Zanj ... ۷-۲۱ ز ی
زنگاریا ، زانغاریا (منطقه) ؛ Dzungaria .. ۴۱ ، ۴۳ م ج
(زنگبار . Zanzibar .... ۵)
(زنگبار (سلطنت) ؛ Zanzibar .... ۵)
زنگولداق .ت ، Zonguldak .... ۳۴ ، ۳۵ ف ا
زنگی (امراء) ؛ Zangids .... ۱۹ ح د
زوریخ .الم ، Zürich .... ۳ ، ۴ س ب
زیاد (بنی) ، (دولت) ؛ Ziyadids ... ۱۳ ، ۱۵ ح ط
زیار (آل) ، (دولت) ؛ Ziyarids .... ۱۵ و د
زیان (آل) ، (دولت) ؛ Ziyanids ... ۲۱-۲۵ ع ه
زیری (بنی) ، (دولت) ؛ Zirids ...... ۱۵ ، ۱۷ س د

ژامبول .(اولی آتا) ،ر ؛ (Aulie-Ata) ، Dzhambul
.... ۴۰ ، ۴۱ ع ج
(ژدانف .ر ، Zhdanov .... ۴)
ژنو . Geneva ؛ فر ، Genève (درنقشه اشتباهاً جنوا
ضبط شده) .... ۳ س ب

سات (۱۳۵۰۰) ، Sat .... ۳۵ س ب
ساج (بنی) ، (دولت) ، Sajids .... ۱۳ ز د
ساحل الصلح البحری .ع ؛ Trucial Oman ....
.... ۳۴ ، ۳۵ و ز
(ساحل طلا . Gold Coast .. .. ۵)
(ساراتف .ر ، Saratov .... ۴)
ساراگوسا . Saragossa ...... رجوع به سرقسطه .
ساردنیا .ا ، Sardegna ...... رجوع به سردانیه .
ساردینیا .ل ، Sardinia ...... رجوع به سردانیه .
ساسانیان (دولت) ؛ Sasanids ...... ۷ ز د
سامانیان (سلسله) ، Samanids ...... ۱۳ ح د
سامراء .ع ؛ Samarra .... ۱۱ ح ه
سالامانکا .س ، Salamanca ؛ سلمنقه .ع ؛ شلمنقه ...
.... ۳ ص ج
سالرنو .ا ، Salerno .... ۱۵ ن ج
سالرنو (دولت) ؛ Salerno .... ۱۳ ن ج
سالزبورگ .الم ، Salzburg ؛ل ، Juvavum ... ۳ ن ب
سالونیک . Salonika ؛ق ، Thessalonica ؛ت ،
Selanik ؛ی ، Thessalonike .... ۳۴ ، ۳۵ ق ا
ساله .فر ، Salé .... رجوع به سلا .
سانتارم .پ ، Santarém ...... رجوع به شنترین .

ACKU

ACKU

ACKU

ACKU

ACKU

حواشی

صفحهٔ ۴

۱ - پوماك (= پوماق .) مسیحیان این نام را بر مسلمانان بلغارستان وتراکیه که بزبان بلغاری تکلم می‌کنند و خود بلغاریها آنرا بمسلمانانی که در مقدونیه غربی بزبان صربی تکلم می‌کنند داده اند .

ذیل کلمهٔ تریست

در نیمهٔ دوم سال ۱۳۳۳ هجری شمسی تریست از قیموت ادارهٔ ملل متحد وتصرف امریکا وانگلیس خارج گردید. منطقهٔ (A) بدولت ایطالیا ومثل سابق منطقهٔ (B) بدولت یوگوسلاوی برگزارشد .

صفحهٔ ۵

۱ - از ششم مارس ۱۹۵۷ میلادی ساحل‌طلا مستقل گردید واکنون بنام کشور غنا (غنه) خوانده می‌شود و ازکشورهای مشترك‌المنافع انگلیس است. مذهب اهالی این کشوراسلام است ولی درکوهستان‌ها ونواحی‌مرکزی گروهی بت‌پرست می‌باشند.

صفحهٔ ٦

۱ - توتن ها اجداد نژادی بودندکه ژرمن ها واسکاندیناویها وانگلیس ها از جملهٔ آن نژاد محسوب می‌شوند.

آوارها قومی‌بودند تورانی‌که‌پیوسته اسباب دردسر روم‌شرقی‌می‌شدند و بلغارها قومی بودند از هیاطله غیر از آنهاکه در مرز بلغارستان‌اند واین هردو قوم معروف‌اند به بیرحمی و سفاکی گویند بلغارها در مدت ۳۲ سال سالی دویست هزار تن ازاتباع روم را درتاخت وتازخود ازمیان می‌بردند.

۲ - این‌تاریخ مصادف بود باجمعه اول محرم وبدین‌جهت سال‌هجری قمری از اول محرم آغاز می‌گردد.

مؤلف‌تاریخ جیب‌السیر درچگونگی‌وضع این‌تاریخ نقل‌ازحمزهٔ‌اصفهانی چنین‌گوید « و درسال هفدهم از هجرت فتح اکثر بلاد اهوازکه‌بزعم‌بعضی ازارباب‌اخبارهفتادو هفت‌شهراست‌بوقوع پیوست ......وباتفاق‌اکثرمورخان وضع تاریخ هجری درهمین سال وقوع یافت و سبب این اختراع را رئیس مهرهٔ اخبارحمزهٔ اصفهانی‌درکتاب تواریخ‌کبارالامم برین‌موجب رقم‌فرموده که در زمان خلافت فاروق اعظم رضی‌الله‌عنه وثیقه‌ای نوشته شدکه ختام‌آن بشهر شعبان مختوم بود ونظر امیرالمومنین عمر برآن نوشته‌افتاد پرسیدکه آیا از این شعبان شعبان امسال مراد است یا شعبان زمان استقبال چه‌ازاین اطلاق واجمال صوری تعیین طریق صواب در نقاب ارتیاب می ماند و هیچ صاحب کیاست نتیجهٔ حکمی راکه در رفع خصومات وقطع معاملات مترتب برضبط وتعیین باشد از مطالعهٔ امثال این خطوط باز نمیداند و فی‌الحال جهة قلع این مشکل و قمع این معضل باجتماع اعاظم اصحاب و احضار صحابهٔ اولی‌الالباب امرنمود و با ایشان آغازمشورت‌کرده فرمودکه‌چون مواهب الطاف الهی اعوان شریعت حضرت رسالت پناهی‌را بکثرت اموال و وسعت احوال مخصوص فرمود هر آینه قسمت زکوة و اخراج صدقات را از تعیین اوقات چاره‌نخواهد بود و وضع قانونی‌که مواقیت اداء واجبات مضبوط ماند و انفصام بسر انجام آن راه نیابد ناگزیر است مناسب آنکه باز نمایندکه طریق وصول بمعرفت زمان حدوث ووقایع بچه کیفیت تیسر پذیر است همگنانرا قرعهٔ اختیار براین‌صورت افتادکه دانستن این نوع ضابطه برقواعد ورسوم فارسیان بنیاد توان نهاد آنگاه امیرالمؤمنین عمر باحضار هرمزان‌که ازاعیان ودانایان فرس بود اشارت فرمود واوبملازمت رسیده بعد از وقوف بر سبب طلب چنان باز نمودکه فارسیانرا حسابیست‌که آنرا « ماه روز » می‌خوانند و مراقبت معاملات را بآن حساب درست می‌دانند و اصحاب ماه روزرا تعریف نموده « مورخ » کردندومصدر آنرا بقیاس‌باقی مصادر لفظ « تاریخ » برزبان‌آوردند بعد ازآن عنان اهتمام بطلب وقتی‌که اصل تاریخ اسلام را بر آن مبنی دارند معطوف داشتند و بانعقاد اجتماع صنادید امت مبداء تاریخ ملت سال هجرت را بر صحائف اوراق نگاشتند..... و تاریخ هجری انتباه دارد بر حرکت ماه...»

۳ - امیه جد ابوسفیان و ابوسفیان پدر معاویه است . معاویه سلسلهٔ خلفای امویرا تشکیل داد. این خلفای اموی (بنی امیه) ١٤ نفرندپایتخت آنها دمشق بود درسال۱۳۲ هجری برافتادند ولی‌شعبه‌ای از آنها دراسپانیا باقی ماند چهار نفر ازخلفا راکه پیش ازخلفای اموی بودند ابوبکر وعمر و عثمان و حضرت علی بن ابیطالب‌که ما شیعیان تنها اورا خلیفهٔ منصوص و بلافصل‌حضرت رسول می‌دانیم خلفای راشدین گویند.

در اینجا اسامی خلفای راشدین و خلفای اموی شام را ازکتاب طبقات سلاطین اسلام نقل می‌نمائیم.

خلفای راشدین

سال هجری	اسامی
۱۱	ابوبکر
۱۳	عمر
۲۳	عثمان
۳۵ - ٤۰	علی

خلفای اموی

سال هجری	اسامی
٤۱	معاویه اول
٦۰	یزید اول
٦٤	معاویه ثانی
٦٤	مروان اول
٦٥	عبدالملك
۸٦	ولید اول
۹٦	سلیمان
۹۹	عمر
۱۰۱	یزید ثانی
۱۰٥	هشام
۱۲٥	ولید ثانی
۱۲٦	ابراهیم
۱۲۷ - ۱۳۲	مروان ثانی

٤ - بالکان شبه جزیره‌ایست درجنوب شرقی اروپا و اکنون دولتهائی که در آنجا وجود دارد عبارتست از یوگوسلاوی - رومانی - بلغارستان - آلبانی - یونان - ترکیهٔ اروپا .

٥ - عقبة بن نافع - از سرداران بزرگ تاریخ صدر اسلام است و بانی قیروان . در زمان حضرت رسول متولد شد و در فتح مصر حضور داشت پسرخالهٔ عمرو عاص است اورا بوالیگری افریقیه نامزد ساخت و اوبسیاری از سرزمین سودان‌را دربین راه مسخرکرد وشهرت اوبسمع معاویه‌که رسید اورا مستقلا بفرمانروائی افریقیه گماشت و ده هزار لشکری را تحت امر وی قرار داد. پس ازچندی معاویه اورا معزول ساخت ولی پس ازمعاویه یزید جانشین معاویه عقبة بن نافع را بوالیگری مغرب مأمور کرد وی قلاع و شهرهای بسیاری را مسخر ساخت و عاقبت در همان نواحی با عده قلیلی از لشکریان خود در سال ٦۳ کشته شد. (الاعلام)

٦ - موسی‌بن نصیر (بضم نون وفتح صاد) درسال ۱۹ هجری متولد گردید. ولیدبن‌عبدالملك خلیفهٔ شام اورا بحکومت افریقیه (تونس‌کنونی) درسال ۸۹ هجری منصوب کرد. موسی‌بن نصیر با بربریان جنگهای سخت نمود و عاقبت برآنان غالب‌گردید غلام خود طارق راکه از بربریان بود بحکومت طنجه‌گماشت و ۱۹ هزار نفر از بربریان راکه قبول دین اسلام کرده بودند بسرداری او در طنجه باقی‌گذارد و چندتن از اعراب را بتعلیم قرآن و فرائض دینی آنها مأمور کرد و خود با فریقیه باز گردید و پس از آنکه تمام بلاد مغرب را مطیع ساخت طارق را بجنگ اندلس مأمور نمود. موسی درسن۷۳ سالگی اندلس را فتح‌کرد و در سن ۷۹ سالگی بسال ۹۸ هجری درحجاز وفات یافت.

تاریخ غزوات‌العرب
تألیف شکیب ارسلان

۷ - عبدالله ابن‌سعدبرادررضاعی‌عثمانست.ازکاتبین‌وحی‌بودولی‌بعدمرتد شد و بمکه باز گردید حضرت رسول بقتل او امر فرمود عبدالله فرار کرد و بعثمان پناه برد عثمان از وی شفاعت‌کرد و هرچند حضرت رسول صریحاً او را عفو نکرد ولی چون دوباره اسلام آورد بخشوده شد. درخلافت‌عثمان باعمر وعاص بمصر رفت و پس ازعزل عمر وعاص‌عبدالله‌بن سعد والی‌مصر شد و تا آخر عمر عثمان باین مقام باقی بود وپس از فتوحات بسیار و اقدام بجنگهای بری وبحری سال ۳۷ وفات یافت.

۹ - عمرو پسرعاص‌پیش‌ازاسلام‌بین شام ومصر بخرید وفروش گوسفند مشغول بود ودرقبیلهٔ قریش بزیرکی ودانائی شهرت داشت بسیار جاه‌طلب بود . وی عمر را بفتح مصر تشویق‌کرد وبا چهار هزار نفر از لشکریان عرب روانهٔ مصر شد ولی عمر ٤ هزار نفر دیگر از لشکریان‌را بکومك وی فرستاد و فتح مصر وطرابلس نصیب عمروعاص‌گردید.

مقوقس‌که ازجانب امپراطور روم والی مصربود هنگام محاصرهٔ‌مصر رسولانی نزد عمروعاص فرستاد‌که مذاکرات صلح آغازشود. رسولان‌که نزد مقوقس بازگردیدند ، مقوقس‌وضع مسلمین را ازآنان استفسارکردجواب گفتند: قومی را دیدیم‌که مرگ را از زندگانی دوستر دارند. بدنیا ومقامات دنیوی رغبت ندارند. برخاك می‌نشینند وسواره طعام می‌خورند . امیر آنان چون یکی ازآنان زندگی‌دارد. رئیس ومرئوس وبنده ومولاآنها ازیکدیگر شناخته نمیشوند. هنگام نماز هیچکس از اقامهٔ نماز تخلف نمی‌کند پیش از نماز دست وپا را می‌شویند و با خشوع بنماز مشغول می‌شوند.

عمروعاص درسن ۸۰ سالگی بسال ٤۳ هجری وفات یافت عمروعاص همانست‌که پیوسته معاویه‌را در جنگ با علی کمك میکرد و دشمنی او با حضرت علی‌بن ابیطالب تا جائی بودکه‌چون اختلاف بین‌علی و معاویه بحکمیت کشیده شد عمروعاص حکم معاویه گردیده بااغفال و فریب دادن ابوموسی اشعری‌که حکم علی‌بود رأی بخلع علی از خلافت دادند و معاویه از این رأی بسیار قوت‌گرفت وخلافت اسلامی دومرکز پیداکرد یکی‌کوفه ودیگری شام . از آن حکمیت غلط و زورآمیز هرچندکه نه خود علی و نه پیروان اوبآن‌تسلیم‌شدند فتنه‌ها برخاست وخونهای بسیارازمسلمانان ریخته‌شد باین جهت است‌که عمربن‌عاص منفور تمام شیعیانست بلکه‌چون عمروعاص وقتی مصر را تسخیرکردکتابخانهٔ بزرگ و مهم و معروف اسکندریه راکه ازکتابهای یونانی‌ومصری پربود آتش‌زد درتاریخ‌عمومی‌هم خوشنام‌نیست.

۱۰ - سرزمین بربریان اطلاق‌می‌شودبناحیه‌ای‌که ازسمت‌مشرق بمصر و از غرب باقیانوس اطلس و ازشمال بدریای مدیترانه وازجنوب بصحرای کبیر محدود می‌گردد وشامل طرابلس غرب وتونس و الجزیره ومراکش می‌باشد. درکتابهای تاریخ وجغرافیای اسلامی این بلادرا مغرب وساکنین آنرا بنام بربر ومغاربه ذکرکرده‌اند. مؤلف‌کتاب حدودالعالم گوید « این ناحیتی است‌که اندر وی بیابان بسیار است وکوه سخت اندك واین مردمان سیاه‌اند واسمرو اندروی ناحیت‌های بسیارست وشهرها وروستاها واندربیابان ایشان‌بربرانند بسیاربی‌عدد واین‌جائی گرمسیر است‌وزراندروی بسیارست... این بربریان مردمانی‌اند اندر بیابانهای مغرب همچون عرب اندربادیه.»

ACKU

۱۱ - عبدالله‌بن زبیر العوام - حاکم حجازو یمن و عراق و خراسان بود وعلی ومعاویه را هیچکدام بخلافت قبول نداشت و خود را خلیفهٔ زمان می دانست. مادرش اسماء دختر ابوبکر است وباپدرش‌درجنگ عایشه‌باعلی شرکت‌کرد وچون جراحتی باو رسید خودرا بین‌مجروحین جنگ پنهان‌کرد و از میدان جنگ گریخت وچون معاویه مرد عبدالله زبیر از کسانی بود که با خلافت یزید بشدت مخالفت ورزید وبین او ویزید جنگهای‌سخت وقوع یافت وجمع کثیری از اهل عراق ویمن و خراسان و مصر بوی بیعت کرده بخلع بنی‌امیه ازخلافت رأی دادند. پس‌ازمردن یزید باز بین او وجانشینان یزید جنگهائی روی‌داد اوهم با امویان جنگ داشت و هم با مختار که بخونخواهی حضرت امام حسین برخاسته‌بود عاقبت عبدالملك اموی حجاج‌را بجنگ عبدالله مأمورکرد وحجاج مکه راکه زبیر درانجا مقام کرده‌بود محاصره کرده عبدالله کشته‌شد وحجاج سر ویرا بشام نزد عبدالملك فرستاد وتن او را بدار آویخت عبدالله درسال دوم هجری متولد وسال ۷۳ کشته شد.

۱۲ - عربستان - اعراب بلاد خود راکه جزیرة العرب می نامیدند بشش قسمت‌کرده بودند اول حجازکه اکنون درکشور عربستان سعودیست دوم یمن‌که اکنون‌کشور مستقلی‌است سوم نجدکه دروسط شبه جزیره‌است واکنون مانند حجاز درکشور عربستان سعودی واقع‌است چهارم حضرموت که اکنون جزء عمان‌است پنجم احساءکه‌آنهم اکنون جزءکشور عربستان سعودیست.ششم‌عمان‌که اکنون اسماً مستقل‌است. مکه‌ومدینه درقسمت‌اول یعنی‌حجاز واقع گردیده درزمان‌مؤلف جغرافیای‌معروف احسن التقاسیم‌که سال ۳۷۵ هجری نوشته شده « صحار » مرکز عمان بود و مؤلف آن‌کتاب گوید اهل صحار بفارسی تکلم می‌کنند .

۱۳ - طلحه برادرزادهٔ ابوبکراست.طلحه‌در۲۳سالگی‌مسلمان‌شد وشصت ودوسال عمراو بود عایشه دختر ابوبکر سعی‌داشت طلحه‌را بخلافت‌برساند.

زبیرمادرش‌دختر عبدالمطلب وعمهٔ حضرت رسول است. در۱۶سالگی مسلمان شد و ٦٤ سال عمر او بود در زمان خلافت حضرت علی‌بن‌ابیطالب طلحه وزبیر ومعاویه عایشه دختر ابوبکر را درمخالفت باعلی تحریک‌میکردند این مخالفت عاقبت از حرف و گفتگو بجنگ وزد وخوردکشید وطلحه وزبیر که درجنگ وارد بودند وآتش فتنه‌را دامن می‌زدند هردوکشته شدند.

۱٤ - خالدبن ولید از سرداران بزرگ و معروف اسلام‌است. فتوحات بسیارکرده. خواهر او یکی ازوجات حضرت رسول بوده است خالددرسال ششم هجری مسلمان شد. سال ۲۱ هجری درشام وفات یافت.

۱۵ - عیاض‌بن غنم - از سرداران بزرگ اسلام در جنگ بدر واحد وخندق شرکت داشت بلاد الجزیره را در زمان خلافت عمر فتح کرد. درسن ٦۰ سالگی در شام یا مدینه وفات یافت.

۱٦ - جیب‌بن مسلمه(به فتح‌میم) ازاهالی مکه از بزرگترین سرداران معاویةبن‌ابوسفیانست. درعنفوان شباب درجنگ اول‌شام‌شرکت جست وآغاز حکومت معاویه درحملاتی‌که بآسیای‌صغیروارمنیه‌کردشهرت پیدانمود. برخی ویرا فاتح‌ارمنیه دانسته وازلحاظ‌جنگهائی‌که درروم‌کرده است نام جیب‌روم‌را باو داده‌اند و چون پس از ابتدای حکومت معاویه ذکری از وی نمی شود احتمال داردکه درهمان اوقات وفات یافته باشد.

۱۷ - خراسان‌که‌درزبان‌فارسی‌باستان‌بمعنی‌بلادشرقی‌است‌درزمان اعراب یعنی درقرون وسطی بچهار قسمت می‌شد. نیشابور - مرو - هرات - بلخ . در اوائل قرون وسطی تمام‌ماوراء النهرهم ضمیمهٔ خراسان بود. ماوراءالنهر یعنی ماوراء رودجیحون عبارت‌بود ازبخارا - چاچ - طراز - سغد - نخشب - اشروسنه - فرغانه - سمرقند وچند شهر دیگر در صورتی‌که خراسان امروز ازسمت شمال محدود است بماوراءالنهر و از مشرق بهریرود و دشت ناامید وازجنوب بکرمان و ازمغرب بعراق عجم واسترآباد ومی‌توان گفت خراسان امروز تقریباً از یک‌سوم خراسان دورهٔ اعراب اگر ماوراء النهر هم ضمیمه آن نباشدکوچکتر است.

۱۸ - عبدالله پسرعامرسال چهارم‌هجری‌متولد گردیده است.ازسرداران معروف است‌که در فتح خراسان وسیستان وکرمان وافغانستان شرکت‌جسته وقصد داشته‌که این فتوحاترا بساختن راه ها وعمارتها ضمیمه‌کند و از جمله اینکه عراق را بحجاز باساختن دهکده وقریه متصل سازد. درسن۵۸ سالگی وفات یافت.

۱۹ - اوس‌بن ثعلبة - باسعیدبن‌عثمان بخراسان واردشد وسعیدبن‌عثمان او را بهراة فرستاد.

۲۰ - احنف بن قیس پیش‌از اسلام متولدگردیده‌است درزمان رسول اکرم شهرتی نداشت ولی پس از وفات آن حضرت بمناسبت فتح‌ایران‌شهرت مهمی پیداکرد. یکی ازقلاع حوالی مروالرود مدت زمانی بنام«قصراحنف» ومحل دیگری که نزدیک آن قلعه بود بنام « روستای احنف » نامیده میشد در اختلاف بین حضرت علی‌بن ابیطالب وعایشه احنف جانب علی را گرفت وچون او بحکمیت ابوموسی اشعری در اختلاف بین علی و معاویه اعتراض کرد امویان وجود اورا برای خود خطر دانستند و از جمله بزرگانی که معاویه آنها را بدمشق دعوت‌کردکه برای پسرش یزید ازآنان بیعت‌بگیرد تا پس‌ازوفاتش بحکومت یزید تسلیم باشند یکی احنف است‌که‌هنگام دعوت معاویه احنف‌گفت اگر « دروغ بگویم ازخدا میترسم و اگر راست بگویم ازشما بنی‌امیه »که با این‌جمله بیزاری خودرا درقبول دعوت معاویه صریحا اظهار داشت. احنف عمر طولانی‌کرد ودرکوفه دفن شد.

۲۱ - عبدالرحمن‌بن محمدبن اشعث ، در آغاز امر از سران لشکری امویان بود ولی بعدها درعراق وخراسان برعبدالملك اموی وحجاج عامل وی خروج‌کرد وبین‌او وحجاج جنگهای سخت وقوع یافت و عاقبت درسال ۸٤ هجری‌کشته شد .

۲۲ - سعیدبن عثمان یکی از یازده پسران عثمان خلیفه سوم است.

صفحهٔ ۸

۱ - شارل مارتل در۶۹هجری متولدگردیده و در ۱۲٤ مرده است. شارل مارتل از حملهٔ مسلمانان که بسرداری عبدالرحمن اموی از اسپانیا بسمت فرانسه پیش میآمد جلوگیری کرد . با طوائف ژرمن جنگ سختی نموده‌آنها راهم‌بعقب راند. او وشارلمان نواده‌اش ازبسیاری جهات بیکدیگر شباهت داشتند و هر دو فعال و با جرئت بودند . شارل مارتل از جنگ عبدالرحمن که بکشور خود بازگشت بزرگان فرانسه لقب « مارتل » را که بمعنی چکش است بوی اعطاء کردند.

۲ - تبو طایفه‌ای ازسیاهان ساکن‌کوههای تی‌بستی در شمال دریاچهٔ چاد. قدیمترین ساکنین صحرای کبیر افریقا بودند . قد بلند و پوست سیاه وموی مجعد و صورت باریک داشتند.

۳ - درمیان چند تن ازخاندان اموی‌که ازقتل عام بنی عباس نجات یافتند شخصی بود ازنوادگان هشام خلیفه‌دهم اموی بنام عبدالرحمن. این شخص بعد از چند سال سرگردانی از بی نظمی اسپانیا استفاده‌کرده بمناسبت دشمنی بربریان با قبائل عرب مصمم شد درآن سرزمین علی‌رغم بنی عباس دستگاه خلافتی جهت خود ترتیب دهد و چون مسلمین اسپانیا را دراجابت مسئول خویش موافق یافت درآخرسال ۱۳۷ هجری داخل‌آن شبه جزیره شد و سال بعد یعنی در ۱۳۸ غالب مسلمین اسپانیا در تبعیت او در آمدند وعبدالرحمن موفق گردید جلو تعرضات سپاه بنی عباس را نیز بگیرد.

جانشینان او در قرطبه بحفظ مقام خود کوشیده توانستند با تحصیل بعضی پیشرفت‌ها درمدت دوقرن ازیک‌طرف جلوی دست‌اندازی عیسویان‌را درسمت شمال بگیرند و از طرف دیگر عصیانهائی را که از جانب رعایای ایشان بروز میکرد بخوابانند این سلاطین تا مدتی بهمان عنوان امیری یا سلطانی قناعت داشتند ولی عبدالرحمن ثالث درسال ۳۱۷ عنوان خلیفه اختیارکرد واین خلیفه بزرگترین خلفاء اموی اندلس است

٤ - درسال ۱٦۸ هجری جماعتی ازطرفداران آل علی درمدینه قیام کردند و درمیان ایشان‌کسی بود بنام ادریس بن عبدالله بن حسین بن علی بن ابیطالب چون عمال خلفا شورش‌را خوابانیدند ادریس بمصر قرارکرده ازآنجا بمراکش آمد و درناحیه سبته سلسله علویان را تأسیس کرد. قلمرو حکومتی ادارسه مقارن سال ۲٤٦ بمنتهی بسط خود رسید وانقراض‌آن درسال ۳۷۵ صورت گرفت.

۵ - خلفای عباسی۳۷تن بودند وایشان از فرزندان عباس‌عم‌حضرت رسولند وشهر بغدادکه درسال ۱٤۵ بنا شده پایتخت ایشان بوده. سلسله خلفای عباسی را درسال ٦۵٦ هولاگو ایلخان مغول بر انداخت ولی یک شاخه ازاین خلفا که بنام خلفای عباسی مصر معروفند قلیل زمانی درقاهره شبیه قدرت روحانی داشتند....

خلفای عباسی

از ۱۳۲—٦۵٦

سال هجری	نام خلفا
۱۳۲	سفاح
۱۳٦	منصور
۱۵۸	مهدی
۱٦۹	هادی
۱۷۰	رشید
۱۹۳	امین
۱۹۸	مامون
۲۱۸	معتصم
۲۲۷	واثق
۲۳۲	متوکل
۲٤۷	منتصر
۲٤۸	مستعین
۲۵۱	معتز
۲۵۵	مهتدی
۲۵٦	معتمد
۲۷۹	معتضد
۲۸۹	مکتفی
۲۹۵	مقتدر
۳۲۰	قاهر
۳۲۲	راضی
۳۲۹	متقی
۳۳۳	مستکفی
۳۳٤	مطیع
۳٦۳	طایع
۳۸۱	قادر
٤۲۲	قائم
٤٦۷	مقتدی
٤۸۷	مستظهر

ACKU

سال هجری	نام خلفا
٥٢٩	مسترشد
٥٣٠	راشد
٥٥٥	مقتفی
٥٦٦	مستنجد
٥٦٦	مستسظیئی
٥٧٥	ناصر
٦٢٢	ظاهر
٦٢٣	مستنصر
٦٤ - ٦٥٦	مستعصم

ممالك عباسی نصیب ادارسه و بنی اغلب و بنی طولون و طاهریان و صفاریان و آل بویه و بنی حمدان و غزنویان گردید.

٦ - گت‌ها از طوائف قدیم اروپا و از نژاد توتن بودندکه در قرون اولیه میلادی امپراطوری روم را تاخت و تاز میکردند یك تیره از آنها را که گت‌های غربی باشند ویزیگوت مینامند.

٧ - حر بن عبدالرحمن ثقفی - فرمانروای اسپانیا از سال ٩٨ تا سال ١٠٠ هجری بود. از احوال وی تفصیلی بدست نیامد

٨ - انتخاب سمح بن مالك بامارت اسپانیا ازاین جهة شدکه معمول خلفاء بود هنگام رسیدن مالیات از اکناف کشور های اسلامی باید ده نفر از رجال کشوری ولشکری همراه آن اموال ازمحلی‌که فرستاده شده بحضور خلیفه بیایند و سوگند یادکنندکه ازآن اموال حتی یك دینار ودرهم‌نیست که بحق اخذ نشده باشد یا بقدر یك دینار و یکدرهم ازحق کسانی‌که باید ازبیت‌المال بآنهاداده شودباقی نمانده‌است درزمان عمربن عبدالعزیز هیئتی‌که ازافریقیه بشام وارد شد واموال‌را تسلیم‌مقام‌خلافت کردندهشت نفر ازده نفر آنها سوگند را یادکردند ولی دونفر امتناع کردند یکی ازآن دونفراسمعیل بن عبیدالله بود و دیگری سمح بن مالك. عمربن عبدالعزیز امتناع آن دو نفررا قابل توجه قرار داد و آنهارا درآغوش گرفت وپس ازتحقیق ازسابقهٔ آنها اسمعیل‌را بامارت افریقیه وسمح بن مالك‌را بامارت اسپانیا منصوب کرد

٩ - عبدالرحمن بن عبدالله ابوسعید - امیر اسپانیا از سرداران بزرگ و شجاع و اصل او ازیمن است‌که درزمان امارت موسی بن نصیر دراندلس بسپاه وی ملحق گردید و ریاست لشکریان ساحل شرقی اسپانیا بوی محول شد و او فتوحات خودرا دنبال کرد و از جبال پیرنه‌که گذشت شارل مارتل بجلوگیری ازوی شتافته بین‌آن دوسردارجنگ سختی روی داد وعبدالرحمن درآن‌جنگ بسال ١١٤ هجری کشته شد.درزمان عبدالرحمن قرطبه‌مرکز اسپانیا بود پل معروف قرطبه از بناهای اوست.

١٠ - مسلمه (به فتح‌میم) - پسرعبدالملك‌بن مروانست ازابطال زمان خود بود. فتوحات بسیار کرد مخصوصاً در قسطنطنیه زمان خلافت برادر خود سلیمان‌اوبوالیگری عراقین وسپس‌ارمنیه منصوب گردید و بسال ١٢٠ هجری‌در شام مرد.

١١ - انبار در ساحل چپ فرات٦٨ کیلومتری بغداد واقع گردیده. در زمان ساسانیان ازشهرهای مهم ایران بوده. اهمیت جغرافیائی شهرانبار ازاین‌جهة است‌که اول‌ترعه ای‌که برای‌کشتیرانی بین دجله و فرات احداث گردید درسمت جنوب این‌شهر بوده و باسم «شهر عیسی» معروف گردیده و قبل از اسلام احداث شده و شاید شاپور دوم ساسانی بانی آن باشد و چون انبارهای بسیار درآن شهر بوده بنام انبار موسوم گردید. نام قدیم آن فیروز شاپور است. در قرن اول اسلام شهری با رونق بود و خالد بن ولیدآنرا فتح کرد و مدت‌کوتاهی مقر خلافت بود و ابوجعفر منصور عباسی که سال ١٤٥ بغداد را مقر خلافت ساخت انبار از اهمیت افتاد وسال ٣١٥ که قرامطه آنرا تسخیرکردند ویران شد و اکنون خرابه‌های «تل عقر» نشانی از شهر انبار است.

١٢ - قتیبه - در زمان عبدالملك بن مروان از جانب حجاج امارت خراسانرا یافت وسه سال‌این مقام‌را داشت وپیش ازآن امارت‌ری‌بعهدهٔ وی بود. قتیبه فرغانه را سال ٩٥ فتح کرد و خوارزم و سمرقند را دریك سال فتح نمود وبعد پسرعبدالملك خلیفهٔ اموی‌که مرد وبرادرش سلیمان بخلافت نشست چون با قتیبه سابقهٔ نیکو نداشت قتیبه از وی اندیشناك گردیده براو خروج کرد ولی‌مردم باقتیبه موافقت نکردند وعاقبت‌وی با ده نفر ازکسان خود در سال ٩٦ کشته شد.

١٣- نصربن سیارکنانی- امیروازسرداران‌بزرگ ووالی‌خراسان وبلخ. در ماوراء النهر جنگهای بسیار کرد و چندین قلعه‌را تسخیر نمود و غنائم کثیر بدست آورد و مرو را مرکز خود قرار داد. درزمان او دولت‌عباسیان قوت‌گرفت و ابومسلم خراسانی برخراسان استیلا یافت ونصرکه ازسرداران وی‌بود از خراسان بقومس وهمدان روانه شده درساوه بیمار گردید و جان سپرد. نصر ازشعر وخطابه هم بی‌نصیب نبود درسال٤٦ هجری‌متولد گردیده در١٣١ وفات یافته است.

صفحهٔ ١٠

١ - درشهر ادسا مدرسهٔ مشهوری برای تدریس علم‌الهی تأسیس‌شد این شهر در خاك روم بود ولی شاگردان بسیاری از ایران بدانجا میرفتند و کلیسا های سریانی زبان مشرق را با کلیساهای یونانی زبان مغرب در عقاید مربوط میساختند بسیاری از ایرانیانی‌که درآنجا تحصیل میکردند چون بوطن خود برمی گشتند از اسقفان مشهورکلیسا گردیدند...تعلیم‌دهندهٔ این‌اعتقاد نسطوریوس ساکن قسطنطنیه بود وبدین‌سبب عقیدهٔاو به‌نسطوریت موسوم گردید. در ٤٧٨ میلادی مدرسهٔ ادسا ازطرف امپراطورروم بسته‌شد معلمین و شاگردان این مدرسه به نصیبین‌آمدند....

تاریخ‌کلیسای قدیم درامپراطوری روم و ایران تألیف و. میلرچاپ ١٩٣١

٢ - خوارزمی ابوعبدالله محمدبن احمد درنیمهٔدوم قرن چهارم‌میزیسته صاحب مفاتیح‌العلوم‌که آنرا بابوالحسن عتبی وزیر نوح‌سامانی تقدیم‌داشته.

٣ - بتانی- محمدبن جابراهل فزان است‌که ببغداد آمده بتان‌ازاعمال حرانست دربارهٔبتانی گویندیکی‌ازبیست نفرعلماء علم‌هیئت دنیا بشمارمیرود. صاحب زیج معروف‌بزیج صابی میباشدکه میگویند اززیج بطلمیوس صحیح‌تر است. دراسلام برای تصحیح رصد ستارگان و امتحان حرکات‌آنها هیچکس بپایهٔ بتانی نرسیده او از بغداد عزیمت مسقط‌الراس خودکرد و بسال ٣١٧ هجری بین راه وفات یافت.

٤ - رازی محمدبن‌زکریا ازاهل ری واز اطباء معروف وبزرگ‌است ازکودکی بموسیقی شوق ورغبت وافر داشت وپس از دوران‌کودکی‌بطب وشیمی اشتغال پیداکرد و ریاست بیمارستان بغداد بوی محول گردید ١٤٧ کتاب ورساله را ازمؤلفات او شمرده اند. دراواخرنابیناشد وسال٣١١ هجری وفات یافت‌کتاب «الحاوی» در طب‌که بلاتینی ترجمه وطبع گردیده وطب منصوری‌که آنهم بلاتینی چاپ شده از جمله تألیفات اوست.

٥ - یعقوبی احمدبن ابی یعقوب از بزرگترین و مشهورترین علمای جغرافی ویکی از مشاهیر مورخین اسلامی است. یعقوبی از خاندان خلفای عباسی‌بود و جدش یعقوب ازطرف منصورخلیفه‌حکومت ارمنستان وآذربایجان و مصر را داشته ودرمراکش‌بعلت‌بستگی باشیعیان و پیروی از مذهب شیعه بقتل‌رسیده .... ودرمغرب‌کتاب معروف خود یعنی «کتاب‌البلدان»را بسال ٢٧٨ تألیف‌کرده است.

یعقوبی تاریخ عمومی‌بزرگی‌نیزداردکه دردوجلد وقایع ازابتدای‌خلقت‌را تا سال ٢٥٨ درآن‌جمع آورده وچون زمان او نسبت بمورخین دیگر قدیمتر است وخود او نیز شیعی بود کتاب تاریخ او از این لحاظ فوق‌العاده مهم است‌کتاب‌البلدان یعقوبی یکی ازقدیمترین کتب‌جغرافیای اسلامی‌است وفضلای بعد غالباً از آن استفاده‌کرده اند بهمین نظر میتوان یعقوبی‌را معلم جغرافیای مسلمین شمرد.

٦ - کندی- یعقوب‌ابن‌اسحاق - فیلسوف عرب واز شاهزادگان عرب دربصره تولدیافت و ببغداد مقام گرفت ودر طب وفلسفه و موسیقی و هندسه و هیئت شهرت پیداکرد. کتابهای بسیار تألیف و ترجمه وشرح نمود که شمارهٔ آنها ازسیصدتجاوزمیکند. سرگذشت زندگی اومانند سرگذشت فلاسفهٔ امثال اوست. متوکل خلیفه عباسی باو بدبین شد و او رازدو کتابهایش را ضبط‌کرد ولی بعدها آنهارا بوی بازگردانید. ازکتابهای اوست رساله ای در تنجیم - اختیارات الایام - تحاویل‌السنین - الهیات ارسطو - رسالهٔ در موسیقی- ادویه مرکبه‌که بلاتینی ترجمه و طبع گردیده - مدوجزر وغیره - کندی‌درسال ٢٦٠ هجری وفات یافت.

٧ - ابوالساج دیوداد‌که حکمران‌کوفه بود تا سال فوت‌خود یعنی ٢٦٦ این مقام را داشت وپسرش محمد حاکم حجاز بود ولی درسال ٢٦٩ والی انبار و درسال ٢٧٦ حکمران آذربایجان شد و در این‌حکومت اخیر خود ارمنستان را هم بسال ٢٨٥ ضمیمهٔ حوزهٔ فرمانفرمائی خودش نمود. پس از مرگ محمد برادرش یوسف که از تاریخ ٢٧١ حکومت مکه‌را یافته بود درحکومت آذربایجان و ارمنستان جانشین برادرگردید وپسرمحمد یعنی دیوداد را معزول‌کرد یوسف درسال ٣٠٦ بری حمله برد ولی سال بعد بدست خلیفه اسیر شد. خلیفه در ٣١٠ او را بحکومت سابق خود برقرار نمود ویوسف در ٣١١ ری را بتصرف خویش درآورد و درجنگ باقراسطه شرکت‌کرد. درسال ٣١٩ حکومت آذربایجان نصیب مفلح یکی ازموالی یوسف شد وسلسله بنی‌ساج روبضعف رفت و کمی بعد بدست حکام عباسی انقراض یافت.

٨ - ابراهیم‌بن‌الاغلب درایام هرج و مرجی که متعاقب فوت یزید حکمران‌کل افریقیه (تونس) درسال ٢٧٠ پیش آمد از جانب خلیفهٔ عباسی حکمران زاب بود. هارون‌الرشید درسال ١٨٤ ویرا بحکومت افریقیه‌فرستاد وقرارشدکه اودرسمت مغرب مزاحم امرای ادریسی نشود ابراهیم‌بن‌الاغلب بزودی عملاً مستقل شد ولی فرزندان او برای رعایت احترام مقام روحانی خلیفه نام‌خلیفه را درسکه‌های خود حفظ میکردند. امرای اغلبی‌علاوه‌بر آنکه در اراضی ساحلی افریقا باقتدار و عدالت حکومت میکردند جهازاتی نیز در دریای مدیترانه فراهم ساختند و بدستیاری آنها متعرض سواحل ایتالیا وفرانسه و جزائر قوصره وسردانیه گردیدند وجزیرهٔ صقلیه را در فاصلهٔ بین سنوات ٢١٢ و٢٦٢ مسخر خود ساختند و این جزیره تازمان فتح آن بدست نورمانها در تصرف‌مسلمین باقی بود.

درایام منتهی اقتدار امرای اغلبی درافریقا مسلمین دردریای‌مدیترانه استیلای‌کلی داشته و راهزنان بحری ایشان سراسر آبهای‌آنرا میدان دستبرد خود قرار داده بودند علاوه بر جزیرهٔ صقلیه جزائر مالطه (مالت) وسردانیه (ساردنی) را نیز گرفتند وحتی بحوالی‌شهر رم نیز دست اندازی‌میکردند.

درآخرکار بعلت بی‌کفایتی امرای آخری این‌سلسله ونفوذافکارشیعیان ادریسی در میان رعایای ایشان راه برای پیشرفت کار فاطمیون صاف شد وبالاخره هم خلفای فاطمی این سلسله‌را درسال ٢٩٦ برانداختند.

ACKU

۹ - طولون ازغلامان امرای سامانی است که او را حکمران سامانی بخارا بعنوان هدیه پیش مأمون فرستاد و طولون نزد مأمون در بغداد وسرمن رآی بمناصب‌عالیه رسیده‌بود پسرش احمد درسال ۲٤۰ حائز مقامات پدرشد و در ۲٤۵ بنیابت حکومت مأمور مصر گردید و چیزی نگذشت که درآنجا خود را مستقل اعلان نمود. در سال ۲٦٤ احمدشام را نیز برحوزهٔ حکومتی‌خود افزود ودومملکت مصر وشام دراین‌تاریخ تاسال انقراض‌سلسله طولونی (۲۹۲) تحت حکومت و ادارهٔ ایشان بود.

۱۰ - درابتدای قرن سوم هجری یعنی‌موقعی‌که دولت بزرگ اسلام رو بتجزیه‌گذاشت حکمران یمن نیز از رفتار ادارسه و بنی‌الاغلب در شمال افریقا پیروی نمود و در همان هنگامی‌که آل طاهر درخراسان دست راست دولت بنی‌عباس‌را باقیام خود باستقلال خواهی قطع‌کردند محمدبن عبدالله‌بن زیاد در شهر زبیدکه آنرا دربلاد تهامه ساخته بود رایت استقلال برافراشت و رشتهٔ سلسله‌های مستقل عربستان را شروع نمود وعربستان از این تاریخ از زیر فرمان خلفا بیرون رفت اگر چه با زور بعضی ایام خلفای حکامی ار جانب خود بآن سرزمین فرستاده‌اند ... بنی زیاد مدت دو قرن در زبید حکومت‌کرده‌اند وقلمرو سلطنت ایشان‌قسمت عمدهٔ یمن را شامل بوده وچون شوکت این‌طایفه روبزوال گذاشته فرمانروایان دیگر ظاهر شده وسلسه‌های جدیدی درست‌کرده‌اند مثل یعفور در صنعا.

۱۱ - یکی از نبیرگان القاسم الرسی از مدعیان امامت درعصر مأمون خلیفه باسم یحیی‌الهادی درصعدا ازبلاد یمن شعبه ای ازفرقه زیدیه تأسیس کردکه ائمهٔ آن هنوز درآن سرزمین بامامت فرقهٔ خود باقی‌هستند و ایشان غالباً صنعا را نیز بتصرف خود در میاوردند با این حال صنعا تا سال۱۰٤۳ که ترکان عثمانی درآنجا بودند پایتخت یمن‌محسوب نمیشد وازاین تاریخ که سال اخراج ترکان عثمانی از آنجاست این‌شهرپایتخت یمن قرار گرفت.

۱۲ - جلندیه - خاندانی بودند در عمان که جلندی پسر مسعود امیر عمان و دارای مذهب خوارج مؤسس آن خاندان است . عمان در زمان امویان ناحیهٔ مستقلی بود و چون دورهٔ امویان سرآمد وعباسیان جای‌آنانرا گرفتند سفاح یکی از سرداران خود را برای تسخیر عمان مأمور کرد ولی جلندی امیرعمان باوی جنگ‌کرد و آن سردار باده هزار نفر لشکریانی که باوی بودندکشته شدند . جلندی درسال ۱۳٤ هجری مرد.

۱۳ - قرامطه یاقرمطیان طایفه‌ای بودند از پیروان مذهب اسمعیلیه که‌مؤسس‌آن حمدان قرمطبود وقرمط(بکسرقاف)خطی را گویندکه‌کلمات آن ریزنوشته شود وسطور آن بهم نزدیک شود. گویند چون خط حمدان این صنعت را داشت ویرا حمدان قرمط و پیروانش را قرمطی گفتند عطا ملک جوینی در تاریخ جهانگشا گوید « اول‌ایشان حمدان قرمط بود وچون جمعی بروگرد آمدند در سواد کوفه خروج کرد و دست بقتل مسلمانان و نهب اموال و دیگر دست درازی برآوردند ودرشهرهای عراق و شام افتاد ودر بادیه میشد و فتنهٔ ایشان عظیم گشت و خلفا درکار ایشان عاجز شدند وبر بحرین مستولی گشتند و بعد از آن‌که بمکه رفتند وحاج را قتل‌کردند و چاه زمزم ازکشتگان انباشتند وحجراسود برداشتند ومدت بیست وپنج سال ایشان داشتند و ملوك اسلام بصدهزار دینار خواستندکه باز خرند نفروختند وبعد از بیست و پنج سال بکوفه آوردند و در جامع‌کوفه بینداختند وخطی‌نوشتند و بر سرآن نهادندکه ما این‌سنگ بفرمانی برده بودیم و بفرمانی بازآوردیم واهل‌اسلام‌حجراسودبمکه بردند» صاحب‌تاریخ حبیب‌السیر گوید «ابوطاهر قرمطی بقتل و تاراج قافلهٔ‌حجاج دلیری نموده تاکوفه عنان یکران بازنکشید وبغدادیان ازشنیدن‌آن خبر دربحراضطراب افتاده مقتدر - یوسف بن‌ابی‌الساج‌را که یکی ازامراء معتبربود بحرب ابوطاهرنامزد نمود ومال بسیاربلشکریان بذل‌فرمود یوسف باسی‌هزارمردآراسته متوجه‌کوفه گشته قاصدی نزد ابوطاهر فرستاد و اورا باطاعت خلیفه دعوت‌کرد ابوطاهر ازآن شخص پرسید یوسف چه مقدار لشکر دارد جواب دادکه سی‌هزار گفت حقیقةً سی‌کس ندارد آنگاه یکی از اصحاب خود راگفت شکم خود را پاره ساز آن شخص در ساعت بر آن موجب عمل نمود دیگریراگفت بر بالای آن دیوار برو وخودراپائین انداز و آن بدبخت نیز چنان‌کرد آنگاه ابوطاهر ایلچی راگفت با سپاهی که برین مثابه مطیع فرمان من باشند چگونه محاربه تواندکرد.»

۱٤ - یک شعبه ازائمهٔ علوی زیدی‌که درصعدهٔ یمن حکومت‌میکرده و خود را از فرزندان امام حسن یا امام حسین میدانستند مدتها در ولایات ساحلی بحرخزر یعنی‌دیلم وگیلان و طبرستان در ادعای امامت باقی ومدعی خلفای عباسی بغداد بودند در سال ۲۵۰ علویان موفق بتصرف طبرستان و تشکیل دولت و ضرب سکه شدند و این ولایت را قریب شصت و چهار سال در تحت حکومت خود نگاهداشتند تا آنکه سامانیان ایشانرا از آنجا بر انداختند.

۱۵ - این سلسله را از این جهت صفاریان گویند که مؤسس آن یعقوب لیث صفاریست درکتاب زین الاخبار گردیزی‌چنین ذکرشده است:

« یعقوب بن اللیث بن معدل مردی مجهول بود از روستای سیستان از ده قرنین وچون بشهر آمد رویگری اختیارکرد و همی آموخت وماهی پانزده درهم مزدور بود و سبب رشد اوآن بود که برآنچه یافتی وداشتی جوانمرد بودی و با مردمان‌خوردی و نیز با آن هوشیار بود و مردانه همهٔ قریبان اورا حرمت داشتی و بهر شغلی که بیفتادی میان هم شغلان خویش پیشرو او بودی .»

تاریخ سیستان در ذکر احوال اوچنین نوشته است:

« یعقوب به نشابور قرارگرفت پس او را گفتند که مردمان نیشابور میگویند که یعقوب عهد و منشور امیرالمؤمنین ندارد و خارجی است پس حاجب راگفت رومنادی کن تا بزرگان و علماء و فقهاء نیشابور و رؤساء ایشان فردا این جا جمع باشند تا عهد امیرالمؤمنین برایشان ساخته‌کنم... حاجب فرمان داد تا منادی کردند با مداد همهٔ بزرگان نیشابورجمع بدرگاه آمدند و یعقوب فرمان داد تا دوهزارغلام همه سلاح پوشیدند وبایستادند هریک سپری و شمشیری و عمود سیمین یا زربن بدست .....وخودبرسم شاهان بنشست وآن غلامان دوصف پیش‌او بایستادند فرمان داد تا مردمان اندرآمدند و پیش او بایستادند گفت بنشینید پس حاجب را گفت آن عهد امیرالمؤمنین بیار تا بریشان بخوانم حاجب اندرآمد و تیغ یمانی و دستاری مصری اندر آن پیچیده بیاورد و دستار از آن بیرون‌کرد و تیغ پیش یعقوب نهاد و یعقوب تیغ برگرفت وبجنبانیدآن مردمان بیشتر بیهوش گشتند گفتند مگر بجانهای ما قصد داری یعقوب گفت تیغ نه ازبهر آن آوردم که بجان کس قصدی دارم اما شما شکایت‌کردیدکه یعقوب عهد امیرالمؤمنین‌ندارد خواستم‌که بدانید که دارم امیرالمؤمنین را ببغداد نه این تیغ نشاندست ؟ گفتند بلی‌گفت مرا برین جایگاه نیزهم این تیغ نشاند»

ذیل طاهریان

۱٦ - مأمون خلیفه سر دار مشهور خود طاهر ذوالیمینین را که ازموالی زادگان ایرانی بود درسال ۲۰۵ بحکومت خراسان فرستاد و طاهر و فرزندان او در این سرزمین مستقل شده سلسلهٔ طاهری را تأسیس کردند وهمه وقت تحت امر وتابع خلیفه بودند این سلسله هیچوقت حوزهٔ متصرفات خود را از حدود خراسان جلوتر نبردند و قریب نیم قرن‌دراین حال بودند تا یعقوب لیث صفاری سلسلهٔ ایشانرا منقرض‌کرد.

۱۷ - و سبب ولایت سامانیان آن بودکه سامان خداة مغ بود ودین زردشتی‌داشت (ودرخراسان) این سامان‌خداة بنزدیک مأمون آمد وبردست او مسلمان شد و او را پسری بود نام او اسد و مأمون این اسد را سخت نیکو داشتی و او را چهار پسر بود نوح و احمد و یحیی و الیاس و مأمون ایشانرا نیکو داشتی وبدو نزدیک بودند از آنچه مردمان اصیل‌بودند وچون مأمون ببغداد رفت و بخلافت بنشست و خراسان مرغسان بن عباد را داد و مأمون اندر معنی ایشان وصیت‌کرد پس غسان سمرقند مرنوح بن اسد را داد و فرغانه احمدبن اسد را وچاچ و سرشنه یحیی بن اسد را وهراة الیاس بن اسد را.

صفحهٔ ۱۲

۱ - بویه‌که بقول مشهورنسبت بسلاطین قدیم ایران میرساند رئیس یکی ازطوائف جنگی مرتفعات دیلم بوده‌که مثل غالب هم وطنان خوددر طغیانهای مردم ولایات ساحلی بحرخزر برضد خلفا شرکت میکرده و مانند ایشان درسال ۳۱۸ از خدمت سامانیان رو گردانده و از اتباع مرداویج زیاری شده و مرداویج پسر ارشد بویه یعنی علی عمادالدوله را بحکومت کرج نامزدکرد .

علی بکمک سرداران گیلکی و دیلمی بزودی بطرف جنوب راند واصفهان را مدتی‌تحت حکومت‌خود آورد و ارجان در ۳۲۰ و نوبندجان‌را در ۳۲۱ مسخر ساخت و برادرش حسن رکن الدوله ساخلوی عرب را از کازرون بیرون‌کرد ودو برادر بسمت مشرق جلو رفتند و احمد معزالدوله برادر دیگرهم بایشان ملحق شده شیرازرا درسال ۳۲۲ گرفت وخلیفه مجبور شدکه برادر دیگر را بسرداری خود بشناسد . قدرت ملوك البویه دربغداد هیچگاه مثل سلاطین دیگر مستبدانه نبود و با اینکه خلفا ملعبهٔ دست ایشان محسوب میشدند والبویه نیز شیعه بودند بازرعایت احترامات خارجی‌خلفارا میکردند .

۲ - فاطمیون مثل ادارسه خود را از فرزندان حضرت فاطمه دختر حضرت رسول میدانستند ادارسه راه را برای پیشرفت‌کار فاطمیون صاف‌کرده بودندچه درایام تسلط ایشان دعاة متعددی درمیان‌برابره نفوذ یافته وعقاید شیعی را درمیان آن قبائل انتشار داده بودند ..... پایتخت فاطمیون ابتدا درشهر مهدیه نزدیک تونس قرار داشت .... نیم قرن بعد خلفای فاطمی مصر و شام را نیز بر متصرفات خود افزودند وجوهر سردار ایشان مصر را ازکف امیر صغیر اخشیدی‌آن درسال ۳۵٦ بیرون‌آورد و قلعهٔ القاهره را در درهٔ نیل ساخت و این قلعه اساس شهر حالیه قاهره گردید. شام جنوبی نیز در همین ایام مسخر شد و حلب در سال ۳۸۱ بممالک فاطمی ضمیمه گشت و دراین دوره دولت ایشان از بادیة الشام و نهرالعاصی تا سواحل مراکش وسعت داشت...

دولت فاطمی مصر بدست سلطان صلاح الدین ایوبی درسال ۵٦۷ بر افتاد .

۳ - بعد از قلیل مدتی که در آن ایام حکام خلفای عباسی در مصر و شام قدرتی موقتی بهمرسانده بودند محمد الاخشید سلسلهٔ مستقل دیگری دراین نواحی تشکیل داد . اخشید عنوان رسمی و عمومی امرای فرغانه است و پدرمحمد یعنی طغج پسر یکی از سران لشکری فرغانه بود که در خدمت خلیفهٔ عباسی در بغداد میزیست وبتدریج ترقی یافته بحکومت دمشق منصوب شد ولی‌بعدهاطرف بی‌مهری قرارگرفت ودرحبس افتاده درهمانجا جان سپرد پسرطغج یعنی محمد برای تلافی بی التفاتی‌که درحق پدرش‌رفته بود درسال ۳۱۸ بحکومت دمشق و درسال ۳۲۱ بحکومت مصرنامزد شد ولی‌محمد تا سال ۳۲۳ بمأموریت خود نیامد واین تاریخ اخیر ابتدای‌دولت اوست.... انقراض این سلسله بدست فاطمیون وقوع یافت.

ACKU

۴ - حکمران فاطمی افریقیه یعنی یوسف بلکین رئیس برابره صنهاجه خود را مستقل اعلان کرد وسلسلهٔ بنی زیری را تشکیل داد . همان اوقات سلسلهٔ بنی حماد در شهر بجایه از بلاد الجزائر تأسیس گردید و امرای این سلسلهٔ اخیر حوزهٔ اقتدار بنی‌زیری را بهمان تونس محدود کردند ونگذاشتند که ایشان ازآن حد تجاوز کنند. سلسلهٔ بنی زیری بدست رجارپادشاه صقلیه و امرای موحدین بر افتادند و انقراض سلسلهٔ بنی حماد بدست الموحدین صورت گرفت.

۵ - ابوالحسن اشعری سال ۲۶۰ در بصره متولد گردید و در اصول دین مذهبی نو پدیدکردکه بذهن عامه نزدیک و در مذاق متعصبان‌خوش بود از این رو بسیاری از مسلمانان راه او گرفتند و جمعی کثیر از علما به متابعت و نصرت طریقهٔ وی برخاستند .... نزدیک ۵۵ کتاب و رساله از تألیفات او نام میبرند وفات او بسال ۳۳۰ یا ۳۲۰ واند بوده.

۶ - عضدالدولهٔ دیلمی‌ابوشجاع فناخسرو پسررکن‌الدوله ازپادشاهان نامدار آل بویه و اولین کسی است که بعد از خلفا بر منابر خطبه بنام او خواندند و اولین پادشاهی است که بعد از اسلام بشاهنشاه ملقب گردید عضدالدوله قبرحضرت علی‌بن ابیطالب را در نجف ظاهرکرد وضریحی‌برای آن ساخت. پادشاهی‌است دانشمند وبا تدبیر وسیاست با وقارو ابهت وخطیب و شاعر. در ۳۲۴ متولدگردید و سال ۳۷۲ در بغداد جان سپرد . بند امیر روی رودکر فارس و بیمارستانی در بغداد از بناهای اوست.

شرف‌الدوله پسر عضد الدوله است که پس از مردن پدر بجای او نشست .

۷ - بنی‌حمدان ازقبیلهٔ تغلب‌اندکه در مجاورت موصل اقامت اختیار کرده بودند و حمدان بن حمدون جد ایشان در سال ۲۶۰ درحوادث سیاسی که در موصل روی‌کرد دخالت مهمی داشت در سال ۲۸۱ محمدبن حمدان شهر ماردین را مالک شد ولی معتضد خلیفه او را از آنجا راند درسال۲۹۲ ابوالهیجاء عبداللهبن حمدان بحکومت موصل و توابع آن منصوب‌کرد و از این تاریخ کوکب سعادت آل حمدان اوج گرفت .... امرای حمدانی‌شیعی مذهب بودند .

۸ - مسعودی ابوالحسن علی مورخ وجهانگرد ازاهل بغدادکه مدت زمانی در مصر اقامت اختیار کرده از تألیفات او «مروج الذهب» و اخبار الزمان » که تاریخی است در سی جلد و چندین کتاب دیگر . وی در ۳۴۶ هجری وفات یافته است.

۹ - طبری محمدبن جریر - مورخ معروف و مشهور وفقیه و محدث وحافظ قرآن درآمل طبرستان بسال ۲۲۵ متولد گردیه ودر۳۱۰ وفات‌یافته بعضی گفته اند چون‌متهم بود که شیعی مذهب‌است شبانه او را دفن کردند وی ذرعصر خود دانشمندی بی‌نظیربود وکتاب معروف تاریخ‌الامم‌والملوك و تفسیر قرآن وتهذیب‌الاثار ازمؤلفات اوست‌کتب دیگرهم دراصول وفروع فقه تألیف‌کرده است گویند چهل سال بتألیف مشغول بود روزی چهل ورق مینوشت .

تاریخ الامم و الملوك را ابوعلی محمد بلعمی وزیر معروف سامانیان بفارسی تلخیص و ترجمه کرده و در هندوستان بچاپ رسیده و تفسیر اورانیز همان وزیر بفارسی ترجمه‌کرده است.

۱۰ - متنبی ابوالطیب احمد - مولد اوکوفه بسال۳۰۳بود وی‌علوم ادبیه را بموطن خویش بیاموخت و در ۳۱۲ که قرامطه بکوفه دست یافتند متنبی با کسان خویش بسماوه گریخت و در سال ۳۱۵ بکوفه بازگشت و در اواخر سال ۳۱۶ ببغداد شد پس از آن بشام سفر کرد و اقطار این ناحیت را در مدت دوسال بپای سیاحت به‌پیمود وبفنون ادب اشتغال ورزید ودرهمهٔ آن‌فنون‌مهارت‌یافت.....وجه تلقیب‌او بمتنبی‌این‌است که‌وی‌دربادیهٔ سماوه دعوی نبوت‌کرد وخلقی بسیار ازبنی‌کلب وجز آنان بوی گرویدند و لؤلؤ امیر حمص اخشیدی در حدود سال ۳۲۲ اورا بگرفت و در حمص محبوس ساخت وسپس ویراتوبه داد ورهاکرد.... پس‌از سفر مصربکوفه بازآمد و درسال۳۵۴ ازراه اهواز بارجان(بهبهان) وشیرازرفت‌وعضدالدوله دیلمی وابن عید را بقصائد غرا مدح گفت وعضدالدوله اورا جایزتی جزیل داد..... و آنگاه که از شیراز بازمیگشت بسال ۳۵۴ جمعی باو و یارانش تاختند و متنبی‌کشته شد.

۱۱ - فارابی - ابونصر محمد درسال ۲۶۰ هجری درفاراب ترکستان متولد گردید و بسن هشتاد سالگی در دمشق وفات یافت . زبان عربی را دربغداد آموخت و درآغاز جوانی به تنگدستی امرار معاش میکرد وباآنکه بمنصب قضاء نائل گردید وبملازمت سلاطین رسید باز قناعت پیشه بود . کتابها و رسائل اورا که بزبان عربی است در فلسفه و ریاضیات و موسیقی ونجوم یکصد و دوعدددانسته‌اند پاره‌ای ازآنها درطهران ومصر وحیدرآباد هندوستان و بیروت چاپ و بعضی بلاتینی و عبری ترجمه شده است .

۱۲ - ابوالفرج - علی‌بن الحسین‌بن محمدبن احمد القرشی الاصفهانی مورخ عربی از نسل امویان است که بسال ۲۸۴ در اصفهان متولد گردیده و در بغداد میزیسته و همانجا بتحصیل علم پرداخته و سیف الدوله دیلمی از سلاطین آلبویه از وی رعایت‌کرده و اسمعیل‌بن‌عباد ومهلبی‌که ازوزیران آن سلاطین بوده‌اند ویرا بکنف حمایت خویش گرفته‌اند. ابوالفرج‌سال۳۵۶ وفات‌یافته وکتاب‌اغانی‌که در۲۰جلد ویک‌جلدملحقات‌بچاپ‌رسیده تألیف‌اوست.

۱۳ - ابن الندیم‌محمد دربغداد متولدگردیده وبسال۳۸۵ وفات‌یافته. از زندگانی‌اوچیزی در دست نیست یاقوت درمعجم‌الادباء گوید مذهب شیعه معتزله‌را داشته و ازتصنیفات او کتاب الفهرست وکتاب تشبیهاتست.کتاب الفهرست گنجینه‌ایست شامل تمام‌کتب مؤلفین وبسی فوائد دیگر .

۱۴ - ابوالوفا - محمدبن یحیی بسال۳۲۸ در بوزجان خراسان متولد گردیده و سال ۳۴۸ بعراق مسافرت کرده و در بغداد رحل اقامت افکنده وبسال ۳۸۸ وفات یافته است مؤلفاتش :

۱ - کتابی درعلم حساب بنام « کتاب فیهایحتاج الیه الکتاب والعمال من‌علم الحساب» که‌نسخهٔ ناقصی ازآن درلیدن ودیگری درقاهره موجوداست.

۲ - کتابی بنام « الکامل» که نسخه ناقصی از آن درپاریس‌است.

۳ - کتابی درهندسه که نسخه‌ای از آن بعربی و فارسی درکتابخانهٔ ایاصوفی استانبول موجود است و احتمال دارد همان کتابی باشدکه بفارسی درعلم‌هندسه درپاریس‌میباشد. متأسفانه مؤلفات دیگراو یافت نشده مخصوصاً کتابی‌که در زیج بنام « الواضح » تألیف کرده است.

۱۵ - ابوالقاسم جراح - در زهرا که جوار قرطبه است متولدگردیده وی در تاریخ طب بزرگترین نماینده ومعرف جراحی عرب است وکتب او از مراجعی است‌که جراحان قرون وسطی‌بآن استناد می‌جستند. زمان حیات‌او مورد اختلاف است اینکه بعضی تاریخ فوت او را سال ۴۰۴ هجری ذکر کرده‌اند میتوان مقرون بحقیقت دانست .

۱۶ - علی‌بن عباس مجوسی از اهل اهواز است . طبیبی حاذق بود وکتاب « ملکی » را درطب برای عضدالدوله دیلمی تألیف کرد. این کتاب مشتمل است برصناعت طب چه علمی وچه عملی. طبقات الاطباء

۱۷ - اخوان الصفا .دراواسط قرن چهارم هجری انجمنی مخفی دربصره و بغداد تشکیل شد. اعضای این انجمن جمعی ازعلماء و دانشمندان بزرگ اسلام بودند از ایرانیان و مرام اصلی آنها این بودکه می گفتند دیانت اسلام بخرافات و اوهام آمیخته شده و برای پاک‌کردن‌دین از آلودگی‌های ضلالت انگیز جز فلسفه راهی نیست وشریعت عربی آنگاه بکمال میرسدکه با فلسفه یونانی درآمیزد ومقصود ما همین است‌که دین وا بافلسفه موافقت وشریعت حقه را ازآلایش اوهام وخرافات شست وشو دهیم تا پایدار ماند و مورد قبول عقلا و دانشمندان ملل قرار گیرد .... رسائل اخوان الصفا مشتمل‌بر ۵۱ مقاله است ۵۰ مقاله هرکدام مربوط یکی‌ازفنون طبیعی‌وریاضی والهی و مسائل عقلی و اجتماعی وغیره ومقالهٔ پنجاه ویکم در اقسام مسائل بایجاز ....

پاره‌ای از مقالات بحدی پخته واستواربقلم آمده که بعد ازحدودهزار سال آکنون هم مورد قبول و پسند علماست وحدود فکر و اطلاعات بشری پس از ده قرن وارسی وکنجکاوی هنوز بجائی افزونتر از آنها نرسیده است از روی این گونه نمونه ها توان بدست آورد که مسلمین بمدت دوسه قرن تا چه پایه در معارف بشری پیشرفت‌کرده بودند. مؤلفان رسائل نام‌خود را آشکار نمی‌ساختند اما در نشر افکار و عقاید خویش ساعی بودند و مقالات آنها بمدت حدود یک قرن درسراسر بلاد و ممالک اسلامی انتشار یافت و در مجامع علمی و دینی گفتگوها برپا ساخت ... مجموعه رسائل اخوان الصفا چند بار در لیپزیک ومصر و هندوستان بطبع رسیده و از عربی بدیگر زبانها نقل و تلخیص وهم قسمتی ازمقالات آن بفارسی طبع و نشر شده است.

لغت‌نامهٔ دهخدا

۱۸ و ۱۹ - از احوال عصام خولانی واحمد بن قرهب اطلاع مهمی بدست نیامد .

۲۰ - حسنویه بن حسین برزکانی از رؤسای یکی‌از قبایل کرد است که مثل بنی مروان درقرن چهارم قدرتی بهم رسانده بودند وحسنویه درنیمه اول این قرن قسمت عمدهٔ کردستان را با بلاد دینور وهمدان ونهاوند وقلعهٔ سرماج بتصرف خود آورد واقتدار او تا آنجا رسیدکه البویه نیز بشأن ایشان اعتنا کردند و عضدالدوله پس ازفوت حسنویه اگرچه متصرفات اورا تحت امر خودگرفت ولی پسر حسنویه یعنی بدررا درحکومت پدری باقی گذارد.

۲۱ - ایلک خانیه - . امرای مزبور پس ازاتحاد باطوائف ترکان مشرق فرغانه در قرن چهارم هجری قبول اسلام کرده‌اند . پایتخت این امرا در کاشغر قرار داشته و ایلک خان نصر در سال ۳۸۹ پس از تسخیر ماوراء النهر بخارا را مرکز قرار داده در آنجا بر ممالکی‌که از بحر خزر تا حدود چین امتداد داشته حکومت‌کرده است. امرای ایلک خانیه درصدد تسخیر ولایات جنوبی جیحون نیز برآمدند ولی پس از شکستی‌که در سال ۳۹۸ ازسلطان محمود غزنوی یافتند بهمان ماوراءالنهروکاشغرومغولستان شرقی قناعت نمودند.

صفحهٔ ۱۴

۱ - طوارق نقابدار - درجنوب اراضی مغرب قبیله‌ای از ابطال رجال عرب توطن داشتند و ایشانرا « ملثمین » می گفتند بجهت اینکه پیوسته‌وجوه خود را بنقاب می‌پوشیدند ولثام عبارت است از نقاب ودرباب التثام آن قبیله دووجه گفته اند اول آنکه بواسطهٔ شدت حرارت هوا در اوایل حال خواص آن‌طبقه نقاب می‌بستند و در اواخر آن امر تعمیم یافت و جمع مردم لثام را شعارخود ساختند وجه دوم‌آنکه... نوبتی مردان آن قبیله جهة مقابله دشمنان از منازل خویش بیرون رفتند چنانچه غیر از شیوخ وصبیان و نسوان کسی درخانه ایشان نماند و اعدا از این معنی وقوف یافته. ازراه دیگر روی‌به‌خیل خانهٔ ایشان آوردند وپیران آن قوم چاره‌جوی گشته‌تمامی زنانرا فرمودندکه جامه‌های‌مردانه پوشند ونقاب بروی بسته سلاح‌بدست گیرند وبردرخانه‌های خود بایستند وایشان برین موجب عمل نموده پیران وکودکان نیز نقاب بستند و درپیش نسوان صف‌کشیدند وچون دشمنان سیاهی آن‌جماعت‌را دیدند

تصور کردند که تمامی آن طایفه در سلک ابطال رجال انتظام دارند لاجرم متوهم گشته باهم گفتند که مناسب آن است که ما اغنام ومواشی این مردم را برانیم و اگر ایشان ما را تعاقب نمایند مقاتله کنیم آنگاه جهة جمع ساختن چهارپایان متفق گشتند ودرآن اثنا مردم آن قبیله که درراه کیفیت آن واقعه‌را شنوده مراجعت نموده بودند در رسیدند واکثراً اعدا را بتیغ بیدریغ گذرانیدند و چون بسبب بستن لثام ایشانرا این نوع فتحی بوقوع انجامید بفال نیک گرفته لثام‌را شعارخودساختند وباین‌لقب‌اشتهار یافتند. حبیب‌السیر- جلد دوم

۲ - به حاشیهٔ نمرهٔ دو صفحهٔ ٥ رجوع شود .

۳ - سلاجقه فرزندان سلجوقی‌بن‌تقاق ازرؤسای ترکمانندکه درخدمت یکی از خانان ترکستان سرمیکرده و از دشت قرغیز باتمام قبیلهٔ خود بطرف جند واز آنجا ببخارا کوچ نموده دراین سرزمین او وقبیله‌اش با شوق تمام قبول اسلام کرده اند سلجوق وپسر ونوادگانش درجنگهائی که مابین سامانیان وامرای ایلک خانیه وسلطان محمود غزنوی اتفاق میافتاد شرکت میجستند وطغرل‌بیک وبرادرش چغری‌بیک بتدریج تاآنجا قدرت‌پیداکردندکه بریاست قبیلهٔ ترکمان خود بخراسان هجوم بردند و بعداز آنکه چند بار غزنویانرا مغلوب ساختند بلاد مهم‌آن مملکت را مسخرکرده جای ایشانرا در آن دیار گرفتند .

٤ - اربان دوم (Urban II) از ۱۰۸۸ تا ۱۰۹۹ میلادی پاپ بود. اولین جنگ‌صلیبی بتشویق و تحریض او وقوع یافت و پس از کوشش‌ها وسفرهائی‌که درراه این مقصود بعمل آورد بطور ناگهانی در سال ۱۰۹۹ میلادی چهارده روز پس از تصرف بیت‌المقدس در رم وفات یافت. جانشین او پاسکال دوم است.

٥ - ابوریحان بیرونی محمد بن احمد ازاهل بیرون خوارزم است چند سال در هند اقامت داشته و در خوارزم وفات یافته . او هم فیلسوف است وهم ریاضی‌دان وهم مورخ . بفلسفه یونانی وهندی احاطه یافته ونزد پادشاه زمان خود مکانتی عالی پیدا کرده وکتب بسیاری ازاو باقی مانده‌که‌یاقوت صاحب معجم الادباء فهرستی از تألیفات وی را حاوی شصت ورق در مرو دیده است.

ازجمله آثارالباقیه - الجماهر فی‌معرفة الجواهر- تاریخ الامم‌الشرقیه - قانون مسعودی درهیئت و نجوم وجغرافیا - التفهیم‌لصناعة‌التنجیم درنجوم و تحقیق ماللهند.

قسمتی از کتاب اخیر بهمت آقای اکبر دانا سرشت یکی از قضات دانشمند طهران بفارسی ترجمه شده و حواشی بس سودمند بر آن اضافه گردیده است. بیرونی در٤٤٠ هجری وفات یافت.

٦ - ابن هیثم - ابوعلی الحسن عالم ریاضیات و طبیعیات. بسال ٣٥٤ در بصره متولد گردید و در سن پیری بمصر مهاجرت کرد وبخدمت‌الحاکم بامرالله خلیفه فاطمی درآمده اواخرسال ٤٣٠ درقاهره‌وفات یافت. ابن‌اصیبعهٔ مؤلفات او را دویست‌کتاب و رساله در ریاضیات وهیئت و طبیعیات وفلسفه و طب گفته است.

۷ - غزالی - ابوحامد غزالی در٤٥٠ هجری بطوس خراسان متولد گردید و پس ازسفر نیشابور وبغداد و حجاز و شام و مصربطوس‌بازگشت و بسال ٥٠٥ وفات یافت. دویست‌کتاب ورساله ازتألیفات اوست که‌ازجمله احیاءالعلوم است بعربی وکتابهائی هم بفارسی تألیف‌کرده است.

۸ - ابن یونس ابوالحسن علی - منجم وصاحب زیج حاکمی معروف بزیج ابن یونس متخصص در علم نجوم و متصرف دردیگردانش‌ها وبارع در شعر بود ومردم مصر را تنها اعتماد در تقویم کواکب برزیج اووزیج یحیی بن منصور است او را پسری ناخلف بود که کتابها و جمیع تصنیفات او را بمن و رطل بفروخت وی بسال ۳۹۹ درگذشت.

۹ - کرخی - فخرالدین محمدکرخی ریاضی‌دان قرن پنجم هجریست در ٤٢٠ هجری وفات یافته ازمؤلفانش‌کافی درعلم حساب وفخری والبدیع هر دو کتاب در جبر و مقابله است . کتاب کافی در سال ۱۸٥۳ میلادی در پاریس چاپ شده .

گاهنامهٔ سید جلال‌الدین طهرانی
سال ۱۳٤۹ قمری

۱۰ - ابن حزم ابومحمد علی - اصل او از فارس است جد اعلای او از موالی یزید بن ابی سفیان برادر معاویه بود و از این رو او را اموی گفتندی پدرش احمد وزیرابومنصور ازسلاطین عامری بود. ابن حزم بسال ۳۸٤ در شهر قرطبه متولد شد و مانند پدر خویش جاهی عریض یافت و وزیر مستظهربالله گردید پس از چندی شغل وزارت را ترک گفت و بکار علم گرایید و ازعلم بدان جایگاه رسیدکه دراندلس‌کس پیش‌از وی نرسیده بود ومصنفات بسیارکرد ابورافع فضل فرزند وی گوید مؤلفات پدرش درفقه و حدیث و ادب وغیر آن بچهارصد جلد میرسید نزدیک هشتاد هزار ورقه وفات او بسال ٤٥٦ بوده است.

۱۱ - بکری ابو عبید عبدالله قدیم ترین جغرافی نویس اندلسی که تاکنون بمؤلفات وی دسترسی پیدا نشده است . در نیمه دوم قرن پنجم هجری میزیسته و از قبیله بزرگ بکر است که در میان قبایل عربی مغرب اسپانیا اهمیت بزرگی داشته‌اند. بکری تحصیلات خود را در قرطبه تکمیل‌کرده و از مشهورترین علمای عصرخود گردیده و بخدمت محمد بن معن امیر « المریه » رسیده و از دوستان صدیق او واقع شده و بسال ٤٨٧ وفات یافته. بکری از کسانی است‌که در دوستی آب انگور و دوستی شعر و ادب مانعی نمی‌دیده .

شهرت بکری بکتابی است‌که در مسالک و ممالک نوشته و تمام این کتاب هنوز یافت نشده واین‌کتاب ازچندین مجلد تشکیل میشده‌که جغرافی نویسان‌اخیر فصولی زیادازآن نقل‌کرده‌اند. آنچه‌ازآن‌کتاب دردسترس‌است راجع بافریقای شمالی واندلس ومصر و اندکی راجع بعراق و ماوراء النهر است قسمت هائی از این‌کتاب بروسی ترجمه و سال ۱۸۷۸ میلادی در سن پطرسبرگ منتشر شده اصل کتاب در قسمت افریقیه سال ۱۹۱۰ میلادی درالجزائر بچاپ رسیده.

۱۲ - به حاشیهٔ شمارهٔ ۲ صفحهٔ ۲۲ جوع شود.

ذیل شام

اسدالدوله و ابوعلی صالح بن مرداس ازقبیلهٔ بنی‌کلاب درحدودسال ٤١٢ با اتباع خود بحوالی حلب آمد و درسال ٤١٤ موقعی‌که مردم آن شهر برحکمران فاطمی خود شوریدند حلب‌را بتصرف اسدالدوله دادند.... بعد ازصالح پسرش شهاب‌الدوله نصر جای اورا گرفت ولی بدست لشکریان فاطمی‌کشته شد رشیدالدوله پسر شهاب‌الدوله حلب را ازحکمران فاطمی آن گرفت.... جانشینی رشیدالدوله بپسرش جلال‌الدوله رسید و این سلسله‌را بنی عقیل منقرض کردند.

ذیل کاکویه

محمد بن دشمنزیار معروف بابن‌کاکویه پسرخال مجدالدوله دیلمی بود و چون سماءالدوله خلع شد ابن کاکویه در ٤١٤ جای او را درهمدان گرفت واصفهان‌را نیز سابقاً مدتی در۳۹۸ دردست داشته‌بود. فرزندان محمد بن کاکویه در اصفهان و همدان و یزد و نهاوند و غیره مدتی حکومت میکردند و چون در سال ٤٤٣ سلاجقه این نواحی را مسخر نمودند دیانمه کاکویه نیز از استقلال افتادند.

صفحهٔ ۱٦

۱ - موحدین فرقه‌ای بودند از مسلمین و قائد این فرقه ابو عبدالله محمد بود از بربریان‌که مردم را بتوحید میخواند و پیروانش ویرا مهدی منتظر میدانند وی در سال ٥٢٢ هجری فوت کرد وریاست فرقه موحدین به برادر او عبدالمؤمن رسید. ازسال ٥٣٤ دست بکار تسخیر ممالک زده ازآن‌جمله سپاهیان مرابطین‌را شکست داد وپس‌ازمحاصره مراکش وتسخیر آنجا امرای سلسلهٔ مرابطین را بر انداخت و در همین اثناء یعنی سال ٥٤٠ سپاهیانی باسپانیا فرستاد و در مدت پنج سال تمام بلاد مسلم نشین آن شبه جزیره را تحت امر خویش آورد و پس از آنکه مالک مراکش و اسپانیا شد بسمت‌مشرق معطوف گردید .درسال ٥٤٧ سلسله بنی حمادرا درالجزائر منقرض کرد سپس نورمانهائی را که بجای بنی زیری بر تونس استیلا یافته بودند از آنجا راند وطرابلس را ضمیمه ممالک خود نمود و صاحب جمیع سواحل شمالی افریقا از مصرتا اقیانوس گردید و فرمان خودرا دراین سواحل و دربلاد اسلامی اسپانیا جاری ساخت. جانشینان عبدالمؤمن غالب اوقات را درجهاد با عیسویان اسپانیا سرمیکردند ولی باشکست ناگواری‌که درمحل Las - N.avas درسال ١٦٣٢ یافتند اسپانیا ازاین تاریخ ببعد بدست مجاهدین عیسوی وسلسله‌های کوچک‌امرای مسلمان افتاد وازاین سلسله‌ها ازهمه مشهورتر سلسله بنی نصرندکه درسال ۸۹۷ هجری فردینان وملکه ایزابلا جمیع‌اسپانیا را بتصرف‌عیسویان درآورده مسلمین را یکسره از اسپانیا خارج ساختند وازاین جهت‌قدرت موحدین درافریقا نیزمتزلزل‌شده وبالاخره قبیله کوهستانی بنی‌مرین سلسلهٔ امرای موحدین را منقرض ساخته بر شهر مراکش پا یتخت ایشان استیلا یافتند و خلاصه انقراض آنها بدست امرای مرینی وحفصی صورت گرفت

۲ - صلاح‌الدین ایوب اصلاً کرد است و درخدمت نورالدین محمود بن زنگی سر میکرده ونورالدین بپاس خدمات او را بحکومت شام منصوب نمود و بعدها بعلت بروزجنگی داخلی صلاح‌الدین وعم او شیرکوه ازجانب نورالدین‌مأمورمصر گردیدند.این مداخله دوستانه کمی‌بعدمنجر بضمیمه‌ساختن مصر بشام گردید و صلاح‌الدین پس از فوت شیرکوه در سال ٥٦٥ مالک مطلق مصر شد وآخرین خلیفه فاطمی مصر نیز سه سال بعد فوت کرد . صلاح‌الدین در تاریخ ٥٧٠ بدمشق ورود نمود و با وجود مقاومت اتابکان زنگی در سراسر شام تاکنار فرات تاخت و تاز نمود و دولتی تشکیل داد که از فرات تا نیل ممتد بود وفقط استحکاماتی‌که صلیبیون عیسوی آنها را درتصرف داشتند ازآن خارج محسوب میشد وی در ظرف سه‌ماه‌بر اورشلیم دست یافت . از دست رفتن بیت‌المقدس اروپائیان را بهیجان آورده ایشانرا بتهیهٔ جنگ‌سوم صلیبی واداشت ریچارد اول پادشاه انگلیس و فیلیپ‌اگوست پادشاه فرانسه در سال ٥٨٦ بطرف ارض مقدس حرکت کردند و سال بعد در محاصرهٔ عکا باتفاق هم شرکت نمودند پس از یک سال و نیم جنگ بین مسلمین و عیسویان در سال ٥٨٨ صلحی سه ساله برقرار گردید بدون اینکه عیسویان ازاین جنگها نتیجه‌ای بدست آورند.

۳ - یکی از غلامان بلکاتکین غزنوی بنام انوشتکین که در خدمت ملکشاه سلجوقی برتبهٔطشتداری رسیده بود از جانب آن پادشاه بحکومت خوارزم‌منصوب و بلقب خوارزمشاه مشهور گردید . اتسزاولین پادشاه از خوارزمشاهیانست‌که علم استقلال برافراشته وخود را رسماً پادشاه خواند . در سال ٦١١ سلطان محمد خوارزمشاه بر افغانستان و غزنین استیلا یافت و در٦١٤ بهواخواهی‌آل علی مصمم براندا‌ختن‌خلفای عباسی گردید ولی غفلتاً گرفتار استیلای‌قبایل مغول مطیع چنگیزشد واز طرف شمال ممالک اوطرف تعرض‌این جماعت قرار گرفت. سلطان‌محمدازمقابل این سیل هولناک گریخت

ACKU

و بالاخره در ۶۱۷ در یکی از جزائر مازندران جان سپرد سه پسر سلطان محمد مدتی دژ ولایات مختلفه ایران سرگردان بودند و یکی از ایشان جلال‌الدین مدت دو سال نیز در هند سر کرده بعد از قریب هشت نه سال نگهداری آدربایجان عاقبت الامر در ۶۲۸ بدست مغول از آنجا رانده شد و عمرش خاتمه یافت.

۴ - ولایت غور ما بین هرات و غزنه از خیلی قدیم مرکز سلسلهٔ کوچکی بود که در حقیقت استقلال داشت و قلعهٔ فیروزکوه قرارگاه افراد محسوب میشد محمود غزنوی در سال ۴۰۱ این ولایت را تحت اطاعت خود آورد و این در موقعی بودکه انغانان غوری بریاست محمدبن سوری سر میکردند . فرزندان این شخص از طرف غزنویان مدتها بود حکومت فیروزکوه و بامیان‌را داشتند وبعضی از ایشان با غزنویان وصلت‌نیز کردند و از این راه با ملوك غزنه متحد گردیدند.

۵ - ابن زهر ابو مروان عبدالملك - در دانش طب مشهور و کتب او مرجع اطبای قرون وسطی بوده طب نزد پدر خویش خوانده ابن رشد دانش طب از او آموخت و او را پس از جالینوس بزرگترین اطبا میشمرد ابن زهر بعلت نا معلوم چندی گرفتار حبس بود سپس بدربار عبدالمؤمن موحدی مقام وزارت یافت و بسال ۵۵۷ در اشبیلیه بمرد از کتب اوست کتاب الیتسیر فی‌المداوات والتدبیر وآنرا برای ابن رشد نوشته وآن بزبان لاتینی ترجمه وطبع شده است کتاب‌الاقتصاد فی اصلاح‌النفس و الاجساد . در مبحث‌کسر عظام در این کتاب گوید : « علم تشریح استخوان آسانست و طبیب را کافی است‌که یکبار آنرا بدقت به بیند و بجای خود قرار دهد » و از این‌کلام ظاهر میشودکه اطبای مسلمین برخلاف ظاهر شرع استخوان اموات دردسترس خویش داشته‌اند. اورا درمعالجه اختراعـاتی خاص است و درکشف پاره‌ای امراض مبتکر و مخترع است درآخرعمر از اعمال جراحی وبالخاصه از اخراج سنگ مثانه اجتناب میورزیده است. (درمتن‌کتاب بجای ابن زهر اشتباهاً ابن زهره چاپ شده است)

ابن طفیل ابوبکر محمد - از مشاهیر حکمای عرب اسپانیا در اوائل مائه ششم هجری متولد گشته و در طب ریاضی و فلسفه وشعر مقامی‌شامخ دارد. ویرا دردربار موحدین مکانتی بلندبود و سمت وزارت وطبابت خاص و رازداری ابو یعقوب یوسف دومین سلطان این سلسله داشت . ابن طفیل از تقرب خویش نزد یوسف حسن استفادت کرده دوستان حکیم خویش را بپادشاه نزدیك ساخت از جمله آنگاه که یوسف کتب ارسطو را بساده‌ترین صورتی شرح و تفسیر شدن میخواست ابن طفیل را برای این مقصود حکیم جلیل‌اندلس ابن رشدرا بدو معرفی‌کرد وابن رشد این تقاضا بپذیرفت وبشروح معروف خویش پرداخت . وفات ابن طفیل درمراکش بسال ۵۸۱ بود .

۶ - ابن میمون ابوعمران موسی ازاهالی قرطبه است‌که درسال۱۱۳۵ متولد گردیده است و پدرش یکی از قضاة مذهب‌کلیمی بوده نام کلیمی او موشه است و درعربی اورا بلقب رئیس‌الملة مفتخرکرده‌اند. او بسن سیزده سالگی بودکه قرطبه را مسلمانان فتح‌کردند پدر موشه با خانواده‌اش‌ازآنجا مهاجرت نموده مدتی آواره بیابانها شدند و عاقبت بفلسطین رسیدند از آنجا رهسپار فسطاط شدند در فسطاط پدرموشه مرد واوبابدبختی‌های بسیاردست وگریبان شدو چون میل نداشت شغل پدرش را که شغل‌روحانی ودینی بود دنبال‌کندبتحصیل‌طب پرداخت ودراین‌کارمقام مهمی‌پیداکرد وسال۱۲۰۴ وفات‌یافت‌کتاب مهم‌اودلالة‌الحائرین است ودیگری«مقاله فی صناعة‌المنطق»

قفطی و ابن ابی اصیبعه گویند خاندان ابن میمون در اسپانیا از این جهة قبول اسلام کردندکه‌ازآزار و اذیت مسلمین‌محفوظ مانده باشند والاباطنا بدین‌کلیمی باقی بودند .

ربی بن عزرا - ابراهیم بن میربن عزرا در ۱۱۶۷ میلادی وفات یافته است این شاعر و دانشمند کلیمی از اهالی طلیطله است از اسپانیا و افریقای شمالی وازآنجا بانگلستان و فرانسه و ایتالیا سفرکرد و این سفر در مدتی بیش از یک قرن بطول انجامید رسائل هیوج را که اساس صرف و نحو عبری جدید است از عربی بعبری ترجمه کرد و خودش هم مطالبی بآن علاوه ساخت مهم‌ترین تألیفاتش در فلسفه ونجوم و ریاضیاتست.

دائرةالمعارف بریتانیا

۷ - ادریسی ابو عبدالله محمد یکی از مشاهیر علمای اسلام از نسل حکام اندلس‌است‌که با دارسه مشهور بودند وی‌بنام شریف ادریسی مشهور است زادگاهش شهر سبته در سال ۴۹۳ میباشد . وی در قرطبه بتحصیل علوم خاصه جغرافیا وهیأت و نجوم وطب و فلسفه پرداخت ودر همهٔ این فنون شهرت یافت واندلس ومغرب واناطولی ومصر و بعضی اقطار دیگررا سیاحت‌کرد ونیزقسطنطنیه وفرانسه و انگلستان و بعضی نقاط دیگر اروپا را دید و حکمران صقلیه موسوم برجار (یعنی روژر ، ریشارد) دوم او را بمقر حکومت خویش دعوت‌کرد وبدانجاشد وکرهٔ جغرافیائی بزرگی ازنقره برای او بساخت و نیز کتابی در علم جغرافیا بنام نزهة المشتاق فی‌اختراق الافاق تصنیف‌کرد وآن کرهٔ جغرافیائی امروزه دردست نیست ولی ازکتاب نزهة المشتاق نسخ متعدده موجود است واختصاری ازآن در۱۵۹۳ میلادی بزبان لاتینی نیز ترجمه شده است و در۱۸۳۶ فرانسویان آنرا بزبان خود نقل کرده‌اند. کتاب او از نباتات هر مملکت نیز بحث‌کرده است و هیچیك از نسخ موجوده مکمل نیست وبیش وکم در اختصارآن کوشیده‌اند وچنان مینمایدکه همه آن نسخ اختصارهای مختلف این‌کتابست. ادریسی در۵۷۶ در صقلیه وفات کرد.

ذیل امرای دانشمندیه

امرای دانشمندیه - در موقعی‌که سلاجقه ببسط قدرت خود درآسیای صغیرمشغول بودند یکی ازرؤسای ترك بنام گمشتکین بن دانشمند درولایت کاپادوکیا یعنی در شهرهای سیواس و قیساریه وملاطیه دولتی جهت خود ترتیب داد و در نزدیکی این محل اخیر فرانکها را بسختی مغلوب نمود جانشینان او در جنگهای با صلیبیون دخالتهای مهم کردند ولی مجاورین ایشان‌یعنی سلاجقه روم بزودی بروزگار آن سلسله خاتمه بخشیدند.

ذیل بنی مزید

بنی مزید از قبـائل بنی اسد پس از هجرت از عربستـان در حوالی قادسیه در ساحل یسار دجله ساکن شدند و چهارمین امیر این سلسله صدقه در سال ۴۹۵ پایتخت خود را در نزدیکی جامعـان در شهر حله بنا نمود و آنجا را بوسیله بنای ابنیهٔ زیبا و رونق تجارت تا مدتی مشهورعالم‌کرد. صدقه یکی ازشجعان معروف تاریخ عربست . . . . . این سلسله را اتابکان زنگی منقرض‌کردند.

صفحهٔ ۱۸

۱ - ابن بیطار ابو محمد عبدالله از مردم اندلس گیاه شناس معروف در بیست سالگی در تجسس ادویهٔ مفرده بشمال افریقیه از جمله مصر سفر کرد. ملك کامل ایوبی او را بخدمت خویش گزید و پس از او بخدمت فرزند ملك‌کامل، ملك صالح ایوبی بپوست وآسیة‌الصغری وشامات‌را برای فحص انواع مفردات بپای‌طلب پیمود وبسال ۶۴۴ بدمشق درگذشت اورا در این فن دوکتابست یکی المغنی ودیگری الجامع. درکتاب اخیر ترجمهٔ ناقصی بلاتین و آلمانی هست وبفرانسه هم نقل شده.

۲ - علامه قطب‌الدین شیرازی (۶۳۰ - ۷۱۰) یکی ازعلمای جامع و وجودهای فوق العادهٔ عصر خود بشمار میرفته و علاوه برکمال استادی در حکمت وهیئت و طب مردی درویش مسلك و خوش مشرب و ظریف وبذله‌گو بوده. شطرنج را خوب میباخته ورباب را باستادی مینواخته است داستان ظرافتها و شوخی های او معروف است و بقولی خال سعدی شاعر مشهور بوده و بفارسی نیز اشعاری داشته.

قطب‌الدین شیرازی بفارسی و عربی صاحب تألیفات معتبریست ازآن جمله است شرح قانون درطب‌که شرح قانون ابوعلی سیناست. شرح حکمة الاشراق تألیف‌شیخ شهات‌الدین‌سهروردی.شرح مفتاح العلوم تألیف‌سکاکی. درة التاج که کتابی است بفـارسی در علوم مختلفهٔ حکمتی . تحفهٔ شاهی ونهایة‌الادراك هر دو بفارسی درعلم هیئت.

۳ - یاقوت حموی (۵۷۵-۶۲۶)... مشهورترین جغرافیون اسلامی است و او اصلا در بلاد روم متولد گردیده و با سیری در بغداد بتاجری ازمردم حماة فروخته شده وبعدها متصدی اموتجارتی مولای خودگردیده و بتدریج پیش او ترقی یافته وبعلوم و ادبیات مخصوصاً بنحوولغت آشنائی کامل پیدا کرده و در ضمن سفرهای بازرگانی کـه از جانب مولای خود میرفته باحوال ممالك و مسالك مطلع شده و پس از تحصیل آزادی خود باستنساخ کتب پرداخته و در این راه معاش خود را تأمین مینموده و این دوره از عمر او از سال ۵۹۶ شروع شده است. درسال ۶۱۶ بر اثر هجوم مغول یاقوت ازمرو گریخت وپس‌ازتحمل مصائب بسیاربموصل آمدومدتی در آنجا ماند بعد بسنجار رفت ودر آخر عمر بحلب منتقل گردید و درحلب بسال ۶۲۶ فوت‌کرد در مدت اقامت در حلب با وزیر امیرانجا یعنی قاضی اکرم جمال‌الدین ابوالحسن علی قفطی مورخ معروف دوستی کامل پیدا کرد و شاهکار جاوید خود یعنی معجم البلدان را که در مرو مقدمات کار آنرا فراهم سـاخته بود بمساعدت آن وزیر دانش دوست بانجـام رسانـد و این کتاب که فرهنگی جغرافیائی است‌گنجینه ایست از اطلاعات تاریخی و ادبی . . .

ابن اثیرعزالدین ابوالحسن علی جزری مورخ معروف ۵۵۵-۶۳۰ بموصل و شام و بغداد از اساتید مختلف علم فرا گرفت وسپس در موصل اقامت گزید او راست‌کتاب « کامل » در تاریخ و آن بوقـایع سال ۶۲۸ پایان می‌پذیرد.

۴ - عطاملك جوینی (۶۲۳ - ۶۸۱) مفصل‌ترین تاریخی‌که از دورهٔ استیلای مغول و احوال و فتوحات چنگیز خان نوشته شده تاریخ جهانگشا یعنی تاریخ چنگیز است بقلم منشیانهٔ مورخ مدقق بلیغ علاء الدین عطاملك جوینی‌که درسال ۶۲۳ تولد یافته و ازهمان اوان جوانی یعنی قبل ازرسیدن بسن بیست درکارهای دیوانی داخل شده و از عمال دیوانی امیر ارغون آقا حکمران خراسان گردیده است. اگرچه جوانی عطاملك جوینی بااستیلای مغول مقارن بوده ولی عمدهٔ ایام عمر و دخالت او درکارها از زمان آمدن هولاکو بایران شروع میشود و بهمین جهت غالب‌وقایعی را کـه جوینی راجع بدورهٔ چنگیز درکتاب خود آورده از معمرینی‌که با آن ایام همعصر بوده اند شنیده و ضبط کرده و از معمرین مغول نیزکسب اطلاع مینموده وگویا از بعضی از نوشتهای مغولی نیز استفاده کرده است....

تاریخ جهانگشای جوینی یکی از دوسه‌کتاب تاریخ فارسی است که علاوه بر انشاء بلیغ و استحکام عبارت مؤلف آن در جمع آوری هرگونه اطلاعات نفیس غالب ایام عمر خویش را صرف کرده و چنان در این‌کار دقت بخرج داده‌که قسمت عمدهٔ معلوماتی که جوینی در تاریخ جهانگشا آورده در هیچ‌کتاب دیگر بدست نمی‌آید.

۵ - قزوینی - عمادالدین زکریای قزوینی در حدود ۶۰۰ هجری

ACKU

در قزوین تولد یافت و در آغاز جوانی بدمشق رفته در آنجا بتحصیل علم پرداخت سپس بعراق آمد و بقاضی‌گری دو شهر حله و واسط منصوب شد و در واسط بسن ۸۲ سالگی وفات یافت.

زکریای قزوینی مردی خوش خط و با ذوق وبشعر فارسی وتاریخ و جغرافیا و علوم طبیعی آشنا بود و از وی دو کتاب بعربی باقی است یکی البلاد واخبار العباد درجغرافیاو دیگری عجائب المخلوقات وغرائب الموجودات که اولی شرح جغرافیائی و تاریخی مشاهدات مؤلف واطلاعات اوست واین کتاب علاوه بر اهمیت جغرافیائی و تاریخی شامل معلومات بسیار نفیسی است راجع باحوال ۱۹ نفر ازشعرای معتبر فارسی ازقبیل انوری وعسجدی و فردوسی و فرخی و ناصرخسرو و عمر خیام.

۶ ـ ابن خلکان شمس‌الدین ابوالعباس جداعلای او خالد برمکی است و خود او بسال ۶۰۸ در شهر اربل متولد گردیده است. ابن خلکان متولی قضای شام بود و سپس منعزل گردیدوپس از هفت سال بمقام پیش از گشت. گویند وقتی اورا بکذب در انتسات به برامکه تهمت کردند گفت اگر بدروغ نسب خواستمی کردن خودرا بعباس بن عبدالمطلب یا علی بن ابیطالب یا یکی از اصحابه بستمی چه فایدتی مترتب تواند بود در انتساب بقومی که از آنان بقیتی نمانده و در اصل مجوس بوده‌اند او بسال ۶۸۰ از منصب قضای شام مستعفی و در ۶۸۱ درگذشته است کتاب نفیس او موسوم به «و فیات الاعیان و ابناء انباءالزمان» یکی از بزرگترین و نافعترین کتابهای فن رجال است آنرا در ۶۵۴ بقاهره آغاز و در ۶۷۲ بهمان شهر بپایان رسانیده است. این کتاب بترتیب حروف معجم و ترجمهٔ ۸۴۶ تن ازبزرگان امرا ووزرا وعلما وجز آنانرا شامل است مولانا ظهیرالدین اردبیلی متوفی به ۹۳۰ آنرا بفارسی آورده ومرحوم معتمدالدوله فرهادمیرزا با تصحیح وحواشی واضافاتی درطهران متن عربی آنرا طبع کرده است و دوسلین (Doslane) بفرانسه ترجمه کرده و محمد افندی رودسی زاده با تصرفاتی بترکی نقل و در اسلامبول بسال ۱۲۸۰ بطبع رسیده است و نسخه از کتاب و فیات بخط مؤلف او در متحف بریطانیا موجود است. لغت نامهٔ دهخدا

۷ ـ براق حاجب قراختائی یکی از سران لشکری خوارزمشاه بود که درسال ۶۱۹ حکومت کرمان‌را دردورهٔ فترت بین انقراض خوارزمشاهیان و استقرار مغول بخود اختصاص داد واگتای قاآن او را در آن مقام باقی گذاشته براق را بلقب قتلغ خان ملقب ساخت. قدرت سلسلهٔ قتلغ خان بهمان خاك کرمان محدود بود و افراد آن جمیعاً خراجگزار محسوب میشدند.

ذیل افغانستان

امرای کرت از نژاد غوریانند و ایشان که از ابتدای استیلای مغول بر ایران حکومت داشته اند چون مغول رو بضعف رفتند در خراسان قدرت بهمرساندند و تا تسخیر هرات در سال ۷۸۳ بدست تیمور مستقل بودند وپس ازاینکه اندك مدتی‌راهم تحت بهتبعیت امیر گورکانی سر کردند درسال ۷۹۱ بکلی از میان رفتند.

۸ ـ جغتای یکی از افسران چنگیز است. چنگیز اقوامی را که برآنها حکومت یافته بود بین پسران خویش قسمت کرد. ماوراءالنهر نصیب جغتای شد و خاندان او از سال ۶۲۴ تا ۷۶۰ در آنجا فرمانروا بوده‌اند.

صفحهٔ ۲۰

ذیل سیر اردو

قبائلی ازمغول که رنگ چادرخان یعنی رئیس آن قبائل زرد بود بزبان مغولی قبائل سیر اردو یعنی اردوی زرین مینامیدند. قبائل دیگری که رنگ چادرخان آنان سفید بود قبائل آق اردو وقبائلی که رنگ چادرخان آنان آبی بود گوك اردو میگفتند.

اباقا و جانشینان دیگر هولاگو را که از تاریخ مرگ او تا انقراض این سلسله درایران سلطنت کرده‌اند سلسلهٔ سلاطین مغول یاایلخان میگویند وسلسلهٔ ایشان چون دیگرچندان ارتباطی باخوانین مغولستان نداشته ومحکوم حکم دربارقراقروم نبوده سلسلهٔ مستقلی محسوب میشود و از تاریخ جلوس اباقا ببعد بتدریج نفوذ مغول وحکم خوانین اصلی مغولستان درایران ازمیان میرود و جانشینان هولاگو راه و رسم سلاطین ایران را پیش میگیرند ودر حقیقت یک طبقه از پادشاهان این مملکت بشمار میروند.

در شورائی که غازان (هفتمین پادشاه این سلسله) با حضور امیر نوروز برپاکرده بود امیرنوروز گفت که منجمین وعلما و اهل زهد وورع چنین پیشگوئی کرده اند که درحدود ۶۹۰ سلطانی قیام خواهدکرد که اسلام درکنف حمایت او رونق پیشین خود را از سرخواهد گرفت ورعایای اوقرین امن ورفاه خواهند شد و دولت اوبطول دوام مقرون خواهد بود اگر غازان قبول اسلام کند بسلطنت ایران برقرار خواهد شد ومسلمین درسایه دولت او ازحال نکبت ومذلت خلاص یافته ازننگ تبعیت کفار تاتارخواهندآسود وخداوند بپاداش این امر خیر لشکریان اورا نصرت وظفر خواهد بخشید. این بیانات در مزاج غازان مؤثر افتاد و چون سابقاً هم بامیر نوروز در قبول اسلام وعده داده بود مصمم شد بعهد خود وفا کند و بهمین نیت درچهارم شعبان سال ۶۹۴ در لاردماوند غسل کرده جامه‌ای نوپوشید واسلام آورد وبپیروی از او قریب صد هزار نفر از مغول اسلام آوردند و غازان در این تاریخ بنام محمود خوانده شد.

محمود غازان که سابقاً کیش بودائی داشت بشادی شرف باسلام علما و ائمه دین و شیوخ و سادات را مال بسیار بخشید و بزیارت مساجد واماکن مقدسه رفت وایلچیان برای ابلاغ این امربخراسان وعراق فرستاد وغالباً علما وسادات را دراردوی خود نگاه میداشت و با ایشان غذامیخورد ایام رمضان‌را روزه میگرفت ایلخانان ایران نه تنها قبول اسلام کردند بلکه در عهد جانشینی غازان بتشیع که مذهب غالب ایرانیها بود گرویدند.

ذیل ابن خلدون

ابن خلدون ابوزید عبدالرحمن ـ جداعلای او ازمردم حضرموت بوده و خود ابن خلدون بسال ۷۳۲ در تونس زائیده شده است. در اوان صبا نزد پدر ودیگر دانشمندان درمدتی کوتاه ادب وفنون وعلوم متنوعه دیگر فراگرفت و پدر و مادر و نزدیکان و بیشتر اساتید او در بیماری طاعونی عام درگذشتند واواز غایت اندوه بترك تونس جازم گشت لکن حکمران تونس اورا ازاین عزیمت بازداشت وطغرا نویسی خویش بدومحول کرد درعنفوان شباب صیت علم و فضل او بهمه اقطار مغرب برسید وامیرفاس ابوعنان یکی از دوستاران و مروجین علم او را نزد خویش خواند و رتبت کاتبی فاس بدو تفویض گشت در این وقت هنوز از پای طلب نمی نشست و از علماء مهاجر اندلس و دانشمندان بومی مغرب استفادات علمی میکرد لکن دیری نگذشت که دچار تهمت‌های حسادگشت و معزول و محبوس گردید پس از مرگ ابوعنان از بند رهائی یافت ودوباره بریاست کاتبان جانشین ابوعنان منصوب شد پس از چندی آرزوی سیاحت اندلس کرد و بدون زن و بچه بغرناطه رفت ومورد اکرام امیر غرناطه که نصرانی بود واقع شد و عیال او را بغرناطه باز گردانید پس ازاندی اندلس را ترك گفته به بجایه رفت ومنصب وزارت یا حاجبی باوتفویض گردید ولی ازآزاربد اندیشان بجایه‌را ترك گفت و پس از سفرهائی باز باندلس شد واین احمر امیر غرناطه او را بوزارت برگزید. در این هنگام خواست خانواده خود را بفاس بازگرداند امیر تلمسان مانع آمد ابن خلدون ناگزیر بتلمسان رفت امیرتلمسان تقاضای استخدام وی کرد لکن او از تقلد امور ملکی بیزاری نمود و عزلت گزیده بمطالعه ونوشتن تاریخ مشهورخویش پرداخت وچون بتونس مسقطالرأس خویش باز گشت شهرت فضل و توجه خاص امیر ابراهیم بدو و تاریخ نوشتهٔ او نیت سوءکوته نظران را براو برانگیخت و ازترك تونس وهجرت باسکندریه ناگزیر گشت وازآنجا بقاهره شد ودرجامع ازهر بتدریس مشغول و بقاضی‌القضاتی مذهب مالکی منصوب و عیال خویش بمصر بازگردانیدن خواست از سوء خطرکشتی بشکست وکسان او همگی فرو شدند در عقب این مصیبت ازشغل قضا استعفاگفت وبقیت عمررا درقاهره بتدریس وتألیف و مکاتبه با ادبای اندلس و مغرب صرف کرد و پس از ایفای فریضهٔ حج آنگاه که تیمورلنگ ممالك شام بگرفت بحضور تیمور باریافت وفات او در ۸۰۶ یا ۸۰۸ میباشد. کتاب تاریخ او موسوم به «کتاب العبر ودیوان المبتداء والخبر فی ایام العرب والعجم والبربر» در هفت مجلد ضخیم بطبع رسیده ومقدمه آن‌که یکی از هفت مجلد است در فلسفه تاریخ و اجتماعات باشد وآنرا علم عمران نامیده وخود را حقاً مخترع وموجد آن گفته وبی‌شبهه چنین است وبعید نمی‌نمایدکه منتسکیو ودیگر علمای اجتماع متأخر از این اثر ملهم ومتأثر شده باشند.

ذیل ابن خطیب

ابن خطیب ملقب بذوالوزارتین اصلا از مردم شام یکی از اجداد او از شام بقرطبه وغرناطه هجرت کرده مولد او درسال ۷۱۳ هجری بغرناطه است این خاندان پس ازابن الخطیب مذکوربه‌بنی الخطیب معروف شده ومردانی میرز در سیاست و ادب وسپاهی‌گری داشته‌اند.

ابن خطیب در غرناطه فلسفه و طب وریاضی فرضیه و علوم مختلف دیگر فراگرفت و در سال ۷۴۹ تا ۷۵۴ وزیر و رازدار ابوالحجاج یوسف اول گردید و سپس وزارت پسر او را داشت و عاقبت او را بزندقه متهم کردند وشبانه اورا بکشتند ابن‌خطیب را نزدیک شصت کتاب درشعر وادب وفلسفه وتصوف وطب و جغرافیا بوده است.

ذیل ابن بطوطه

ابن بطوطه ابوعبدالله محمد (۷۰۳-۷۷۹) رحاله و عالم جغرافیائی مشهور مولد او شهر طنجه درسال ۸۲۵ بسفرهای خویش آغازکرده‌است و سیاحت نامهٔ خود را که مشهور برحلهٔ ابن بطوطه و مسمی بتحفةالنظار و غرایب‌الابصار است بمحمد بن حری داده و او آن کتابرا در ۷۵۷ تنقیح و تلخیص‌کرده است و ابن خلدون مورخ و حکیم معروف درمقدمه‌کتاب تاریخ خویش مینویسدکه ابن بطوطه را بیست سال پس از سیاحت‌های او بمغرب دیده است.

ذیل ابوالفدا اسمعیل

ابوالفدا اسمعیل ـ امیری فاضل از خاندان ایوبی مولد وی در سال ۶۷۲ بدمشق بود پس ازکسب فضائل وآداب وقت وبراعت در فقه وطب وبالاخص تاریخ و جغرافیا درخدمت عم خویش درجنگهای صلیبی‌شرکت جست ومدت دوازده سال بخدمت ملك ناصر از ممالیك مصرپیوست وسال ۷۱۰ ولایت حماة از دست ممالیك باو واگذار شد وپس از دوسال بقاهره رفت وملقب به «الملك الصالح» گردید ودرسال ۷۲۰ لقب «الملك‌المؤید» یافت و در محرم ۷۳۲ در حماة درگذشت و از کتب معروفه او المختصر فی تاریخ البشر در چهارجلدکه بنام تاریخ ابوالفدا مشهوراست دیگرکتاب معتبر ومقبول جغرافیائی او موسوم به تقویم البلدان‌که متن عربی آن بارها بطبع رسیده وبه بیشتر السنه اروپائی ترجمه شده ودیگرکتاب الحاوی درفقه

ودیگر کتاب الکناش و آن چندین جلد است ودیگر کتابی مختصر بنام کتاب الموازین ودیگر درکتابخانه عمومی اسلامبول کتابی بنام الطریق الرشادالی تعریف الممالک و البلاد هست مرتب بر حروف هجا در جغرافیا و دیگر در حدیث او را کتابی است بنام جامع المسانید.

ذیل حمدالله مستوفی

حمدالله مستوفی که در سال ۶۸۰ در قزوین متولد شده ازخواص وکتاب زبر دست خواجه رشیدالدین فضل‌الله بود و خواجه در سال ۷۱۱ حکومت و استیفای ابهر و زنجان و طارم را در عهدهٔ حمدالله گذاشت بعد از قتل خواجه رشیدالدین حمدالله مستوفی بحکم‌سابقه خدمتگزاری نسبت بخاندان رشیدی در سلک ملازمان پسرش خواجه غیاث الدین محمد داخل گردید حمدالله مستوفی از شعرا ومنشیان مطلع زبان فارسی و از علاقه مندان بوطن خود ایران بود. واز او سه کتاب معتبر بفارسی در تاریخ و جغرافیا باقی وبقرار ذیل است.

۱ - تاریخ گزیده که خلاصهٔ تاریخ عمومی عالم است از بدو خلقت تا ایام وزارت خواجه غیاث‌الدین محمد رشیدی وبر آخرآن دو فصل یکی در تاریخ علما و ائمه و فضلا و شعرای عرب و عجم دیگری در تاریخ وجغرافیا و بزرگان شهر قزوین وطن خود افزوده که هر دو از مهمترین ابواب آن کتابست.

۲ - ظفرنامه که منظومهٔ بزرگی است بوزن بحرمتقارب در ۷۵۰۰۰ بیت در تاریخ ایران از ابتدای اسلام تا عهد مؤلف.

۳ - نزهة القلوب کتابی است در جغرافیا دارای مقدمه‌ای در باب انسان وحیوانات ونباتات وجمادات وافلاك وآن آخرین تألیف حمدالله است که درسال ۷۴۰ نگاشته شده این کتاب نیز درمقام خود از کتب معتبره است که علاوه بر انشاء روان متین در باب ایران و احوال ممالک مجاور آن مقارن نیمه قرن هشتم هجری حاوی اطلاعات نفیسی است.

مملوك که جمع آن ممالیك است بمعنی غلام است وبیشتر این کلمه‌را درمورد غلامان سفید پوست بکارمیبرده‌اند. سلاطین ممالیك مصر ازغلامان ترك یاچرکسی بودند که ابتدا درجزء قراولان مزدورالملك الصالح ایوب قرار داشتند. اولین ایشان‌شجرة الدرزوجه الملك الصالح است .اگر چه چند سالی اسما سلطنت باموسی‌ازبازماندگان‌خاندان‌ایوبی‌بود ولی‌پس‌ازاو ممالیک رسماً سلطنت‌مصررا بدست گرفتند وایشان‌دو طبقه‌اندممالیک‌بحری و ممالیک برجی و این دو طبقه تا نیمه اول قرن دهم هجری مصروشام را تحت اداره وحکومت خود داشتند وافراد آن سلسله‌ها باوجود سلطنت کوتاه وجنگهای داخلی دائمی و کشتن یکدیگر ممالک خویش را بخوبی اداره میکردند و شهر قاهره از دوره سلطنت ایشان آثاری دارد که نماینده عشق و علاقهٔ سلاطین مملوك بصنایع مستظرفه و بناست. ممالیک علاوه بر این مردمانی جنگ آور و دلیر بودند و در مقابل صلیبیون عیسوی و اردوهای تاتار مقاومت‌های نیکو کردند مخصوصاً تاتارها را که درقرن هفتم هجری برآسیا استیلا یافته مصر را طرف تهدید قرار داده بودند چند بار مغلوب نمودند.

ذیل ایران

رؤسای طایفهٔ جلایر که ایشانرا ایلکانیان نیز میگویند پس از مرگ ابوسعید بهادرخان درایران زمام امور را دردست خود گرفتند بزرگ ایشان که شیخ‌حسن بزرگ بودخودرا پادشاه خوانده برعراق مسلط شد وبغدادرا پایتخت قرارداد. پسرش اویس که درسال۷۵۷ بجای پدر نشست‌آذربایجان و تبریز را از پادشاهان اورنگ‌گرفت موصل و دیار بکر را نیز بر ممالک خود افزود این سلسله را امرای قره‌قویونلو برانداختند.

در نیمهٔ قرن هشتم هجری طایفه‌ای از ترکمانان که بعلت علامت و رنگ علمهای خود خویشتن را قره قویونلو (صاحبان گوسفندان سیاه) نامیده بودند بر نواحی جنوبی دریاچه وان مسلط آمدند و پس از اتحاد با سلطان‌حسین جلایرسلسله‌ای تشکیل دادند وکمی بعد برارمنیه آذربایجان استیلا یافتند سلسهٔ امرای قره‌قویونلو را درسال ۸۷۴ اوزون حسین رئیس طایفهٔ آق قویونلو منقرض نمود.

امرای آق قویونلو درآذربایجان و دیار بکر رقبای طایفه قره‌قویونلو بودند پس ازسی‌سال حکمرانی فقط شاه‌اسمعیل‌صفوی درتاریخ ۹۰۷ درجنگ بزرگ شرور ایشایرا مغلوب‌کرد وکمی بعد ازاین واقعه از بین رفتند.

امیر مظفر مؤسس سلسله‌ای از نوادگان غیاث‌الدین حاجی خراسانی بودکه پس از رسیدن بمقاماتی چند دردربار ایلخانان داخل وبحکومت‌میبد نزدیک اصفهان نامزد شد. پسرش مبارزالدین محمددرسال۷۱۳ بجای پدر بحکومت میبد رسید ودر۷۱۹ ازسلطان‌ابوسعیدخان دریزد وفارس‌ماموریتهای مهم دیگرنیز گرفت. امیرمبارزالدین درسال۷۴۱ برلرستان مستولی شد وپس ازیک‌دوره جنگ سخت باشیخ ابواسحاق‌اینجوشیراز وکلیه فارس را در۷۵۴ مسخر ساخت اصفهان‌را نیز گرفت وشیخ ابواسحاق‌را بقتل‌رسانید جانشینانش کرمان و فارس وکردستان را تا یورش امیرتیمور در سال ۷۸۹ در تصرف داشتند. حافظ شاعر مشهور از شعرای دربار شجاع مظفریست.

عبدالرزاق از قریهٔ باشتین ازقرای خراسان که اندك زمانی درخدمت ابوسعید خان بود در سال ۷۳۷ بریاست هم شهریان خود بر حکمران ظالم خراسان شورید و این شورشیان که خودرا سربداران نامیدند میگفتند یابر دشمن غلبه می کنیم یا سر خود را بدار خواهیم دید. سر بداران کمی بعد سبزوار و ولایات مجاور آنرا مسخرکردند و قریب نیم قرن بر آن نواحی مسلط بودند و در این فاصله دوازده امیر بریاست رسیده‌اند و نه نفر ازآنها عمر خودرا بسختی بپایان برده وبدست دیگران بقتل‌آمده‌اند امیر تیمور این سلسله را برانداخت.

صفحهٔ ۲۲

۱ - سیوطی- عبدالرحمن بن ابی‌بکر مورخ و ادیب در ۸۴۹ متولد و در ۹۱۱ وفات یافت زرگلی مؤلف «الاعلام» گوید در حدود پانصد جلد کتاب تألیفات اوست. پنجساله بودکه پدرش مرد و سیوطی درقاهره بدون پدر بتحصیل علم چنان همت‌گماشت‌که در چهل سالگی ازمشاهیر زمان بود ولی او عزلت اختیار کرد حتی سلطان وقت چند بار ملاقات او را خواست و هدایائی برای او فرستاد سیوطی هدایا را نیز نپذیرفت و از دیدار سلطان امتناع کرد.

ذیل خانان قرم

خانان قرم یاتاتارهای قریم. از اولاد جوجی پسر چنگیز هستند که از سال ۸۲۳ هجری در حوضهٔ رودن و شبه جزیرهٔقرم (کریمه) و قسمتی از شمال قفقاز حکومت یافته و نخستین امیر تاتار که بر این نواحی دست یافت حاجی‌گرای است. امرای تاتار قریم از سال ۸۸۰ بحمایت سلاطین عثمانی درآمدند. شهرهای قرەسو وکرچ و قزل تاج و هشتر خان و غازان وکفه و باغچه‌سرای درقلمرو حکومت امرای تاتار بود و شهر باغچه سرای پایتخت‌آن‌دولت بشمار می‌رفت. دولت تاتار قریم بموجب معاهده ازحمایت دولت عثمانی آزاد گشت و اندکی بعد کاترین دوم ملکهٔ روسیه بحکومت شاهین گرای‌آخرین خان تاتارخاتمه داد ومتصرفات ویرا ضمیمهٔ امپراطوری خویش ساخت. زندگانی شاه عباس اول- تألیف نصرالله فلسفی

۲ - وزراء نام سلاطینی است‌که ازسال ۳۷۱ هجری تا ۴۱۲ درزبید سلطنت می‌کردند و نجاح یکی ازغلامان حبشی آنهارا برانداخت وسلسه‌ای تشکیل دادکه بنام بنی نجاح خوانده میشود.

ذیل خراسان و افغانستان

در موقعی که سه پسر محمود آخرین سلطان تیموری ماوراء النهر بر سر باقی مانده ممالک اجدادی نزاع می‌کردند سلسلهٔ جدیدی بظهور رسید که تمام امرای ماوراءالنهر را از میان برد و دولتی قوی بجای هرج و مرج در آن خطه برقرار نمود. این سلسله را ازبکان تحت ریاست محمد شیبانی‌که آخرین لشکرکش بغیر از خاندان چنگیز بست تشکیل‌دادند.... یک قسمت عمده از این شعبه تحت سرکردگی محمد شیبانی بماوراءالنهر کوچ‌کردند و امرای تیموری‌را ازبین برده دولت ازبکان را تأسیس نمودند و این دولت‌که خانات بخارا و خیوه شاخه‌هائی از آن بودند تا تصرف این دو قسمت بتوسط روسها وجود داشت.

ازبکان تحت امرچند سلسله برماوراءالنهر مستولی بودند یکی امرای شیبانی‌که در تمام مدت قرن یازدهم هجری این خطه را تحت حکومت‌خود داشته ولی خوارزم‌را خانان این‌ناحیه‌که نیزازاولاد شیبانی‌بودند وخراسانرا صفویه ازتحت حکومت ایشان بیرون بردند. سلسله دیگر امرای جانی است که ایشان را امرای هشترخان نیز می‌گویند. این سلسله هم‌که ازمنسوبان امرای شیبانی‌اند در قرن ۱۱ بر ماوراءالنهر که بتدریج از وسعت آن کاسته می‌شد حکومت داشتند.

صفحه ۲۴

۱ - سلطان سلیمان قانونی از این جهة ویرا قانونی گویند که قواعد تازه‌ای در قلمرو حکومت عثمانی بر قرار ساخت از جمله برای علماء دینی و احکامی‌که آنان درمحاکمات و معاملات میدادند قواعدی محکم ویکسان مقرر داشت‌که در احکام آنها تعارض پیدا نشود و ناسخ و منسوخ نداشته باشد. برای طبقه بندی لشکریان عثمانی‌که به « انکشاریه » موسوم بودند وحقوق آنان قواعدی برقرارکرد رسیدگی برشته‌های مختلف امورکشور را که تازمان او فقط بدست سلطان بود بچند وزیر محول‌کرد و برای هر یک مسئولیتی قرارداد.

سلطان سلیمان شام و مصر و عربستان را از ممالیک گرفته بر مکه و مدینه نیز سیادت یافت و خلیفه عباسی مصر را مطیع خود نمود و حق خلافت را بخود اختصاص داد و ازاین تاریخ است‌که سلاطین عثمانی لقب امیرالمؤمنین را برای خود اختیارکردند.

سلطان سلیمان‌بجهة هوش وکفایت و فتوحات درخشان بلقب‌کبیر نیز شهرت دارد. وی ۴۸ سال سلطنت و ۷۴ سال عمرکرد.

۲ - سلطان سلیم‌اول معاصرشاه‌اسمعیل‌صفویست این‌دوشهریار جنگهای بسیار با هم‌کرده‌اند سلطان‌سلیم‌که بسرکردگی سپاهیان خود به تبریزوارد گردید چهل نفر از صنعتگران تبریز را روانه استامبول کرد تا به تکمیل صنایع آن خطه بپردازند. سلطان سلیم فارسی را خوب میدانست و اشعاری بفارسی دارد.

دیوان قصائد و غزلیات فارسی وی بامر ویلهلم امپراطور آلمان در سال ۱۹۰۴ در آلمان چاپ شده و اولین بیت دیوان او این است:

ای ترا پردهٔ عزت علم یکتائی
کس نه همتای تو در ملکت بی‌همتائی

سلیم و سلیمی تخلص او بوده است

۳ - سلطان سلیم دوم در ۹۳۰ هجری متولدگردید وفقط هشت سال وپنج ماه سلطنت او طول‌کشید ودر ۵۲ سالگی مرد.

ACKU

۴ - ایوان مخوف امپراطور روسیه در ۱۵۳۰ میلادی متولد گردید و در ۱۵۸۴ مرد. قازان وهشترخان را از تصرف تاتارها بیرون آورد واز آن‌پس توسعهٔ امپراطوری روس بسمت مشرق آغاز گردید. وی نفوذ وقدرت طبقهٔ اشراف را درهم کوبید و خود را طرف محبت ومیل طبقات متوسط واقع ساخت اما مردن نخستین زوجه‌اش اختلالی درحالات روحی وی پدیدآورد که بعدها شش زن دیگر یکی پس‌از دیگری اختیارکرد وباطرافیان ودوستان خود چنان بی‌اعتماد وبدرفتار وبیرحم وسنگین دل‌شد که پسر بزرگ خودرا کشت و یاران خود را چنان رنجه کرد که همه از گرد وی پراکنده شدند باین جهة اورا ایوان مخوف نامیدند.

۵ - شاه اسمعیل امر کرد مؤذنان اشهدان علیاً ولی الله و حی علی خیرالعمل را که مخصوص شیعیانست در اذان واقامه واردکنند وخطباء هم این کلمات را درخطبهٔ خود یاد نمایند. علمای شیعهٔ تبریز که قرار بود شاه اسمعیل درآنجا تاجگذاری کند نزد وی رفتند و گفتند «قربانت شویم‌دویست سیصد هزار خلق که در تبریز است چهار دانگ آن همه سنی‌اند و از زمان حضرات تا حال این خطبه راکسی برملاء نخوانده ومیترسیم که مردم‌بگویند که پادشاه شیعه نمی‌خواهیم ونعوذ بالله اگررعیت بر گردند چه‌تدارك درین باب توان‌کرد. پادشاه فرمودندکه مرا باین‌کار باز داشته اند وخدای عالم وحضرات ائمه معصومین همراه من اند ومن از هیچکس باك ندارم بتوفیق الله تعالی اگررعیت حرفی‌بگویند شمشیرمی‌کشم ویک‌کس‌را زنده‌نمی گذارم»
تاریخ شاه‌عباس بنقل از تاریخ شاه‌اسمعیل

۶ - بنی‌وطاس - امرای مراکش هستند ازشاخه‌های بنی‌مرین که‌فاس پایتخت آنان بود وتا ظهور شرفاء بحکمرانی باقی ماندند.

صفحهٔ ۳۶

ذیل شرفای اسلامی و فلالی

شرفای مراکش چون خود را از فرزندان حسن بن علی بن ابیطالب و اولاد فاطمه دختر پیغمبر اسلام می دانستند خویشتن را شریف که جمع آن شرفاست می‌نامیدند.

..... شرفای مراکش دو طبقه‌اند حسنی و فلالی و در مدت شش سال‌که سلسلهٔ دوم جای سلسلهٔ اول را گرفتند مراکش قرین هرج و مرج بوده است. حدود مراکش همیشه بحال حالیه بوده ولی همه وقت دو شریف که رقیب یکدیگر محسوب می شده‌اند یکی در فاس مقام داشته و یکی در مراکش.

ذیل ماوراءالنهر

شاهرخ که مدعی رساندن نسب خود بچنگیزخان بود در حدود ۱۱۱۲ خویشتن‌را درفرغانه مستقل خواند و سلسلهٔ خانان خوقندرا تأسیس کرد در سال ۱۲۱۵ تاشکند ضمیمه خوقند شد خانات خوقند نیز در تاریخ ۱۲۹۳ بتصرف روسیه درآمد.

صفحهٔ ۲۸

ذیل وهابی‌ها

۱ - مؤسس مذهب وهابی محمدبن عبدالوهاب بن سلیمان نجدی‌است که پیشوای حنبلی های نجد بود. محمد بن عبدالوهاب درنجد متولدگردید و امیر نجد محمد بن سعود دعوت اورا پذیرفت وپس ازفوت محمد بن‌سعود پسرش عبدالعزیز وسعود پسر عبدالعزیز نیز این مذهب را اختیار کردند و هرکس‌که بآن مذهب مخالفت کرد کشتند و ناحیه شرقی جزیرة العرب و قسمت عمدهٔ یمن را تصرف نموده بمکه و مدینه و قبائل حجاز استیلا یافتند محمد بن عبدالوهاب مؤسس این مذهب‌که در ۱۱۱۵ هجری متولد گردیده بود بسال ۱۲۰۶ در نجد وفات یافت ذریه او اکنون باولاد شیخ معروف میباشند ونزد خانوادهٔ پادشاه کشور سعودی بسیار محترم‌اند. مؤسس آئین وهابی در۱۱۴۳ هجری دعوت خودرا اظهارکرد وازتصنیفات وی‌کتابهای بسیار باقی مانده‌که اکثر آنها بچاپ رسیده است. الاعلام

صفحهٔ ۳۰

ذیل مصر

درسال ۱۲۲۰ محمد علی فرمانده سربازان البانی‌که از جانب سلطان عثمانی مقیم مصر بودند پس از کشتار ممالیك مصر را تحت امر خود درآورد وبعد ازکشتار دیگری درسال ۱۲۳۶ عزم خود را درراه استیلای برمصر ثابت‌ترکرده حاکم واقعی آن سرزمین گردید او و سلسهٔ فرزندانش از این تاریخ مصررا اسما بنام سلطان عثمانی ولی رسماً بنام خود در دست گرفتند وچهارمین جانشین محمدعلی پاشا یعنی اسماعیل پاشا درسال۱۲۴۷ جهت خود لقب خدیو اختیار نمود فاروق‌که آخرین پادشاه این‌سلسله است پسرفواد وفواد پسراسمعیل پاشاست. فاروق درسال ۱۹۵۲ میلادی ازسلطنت خلع شد ودر مصر حکومت جمهوری برقرارگردید.

صفحهٔ ۳۴

۱ - دولت ایران همیشه بحرین را جزخاك خود می‌دانسته وبادعای استقلال آن پیوسته اعتراض داشته است.

ذیل لبنان

دروز طایفه‌ای هستند از اعراب مسیحی که بدین اسلام درآمده ومذهب اسمعیلیه را اختیارکرده‌اند و قسمت عمدهٔ آنها در کوههای لبنان اقامت دارند جمعیت آن طایفه‌را صد وپنجاه هزار نفر می گویند. الدروز

صفحهٔ ۴۰

ذیل هند فرانسه

در اواخر سال ۱۹۵۴ میلادی این مستعمره هندوستانی فرانسه از متصرفات فرانسه خارج گردید وبتصرف دولت هند درآمد.

صفحهٔ ۴۲

۱ - چون محمد بن قاسم درحوالی سیوستان نزول نمود مردم «چته» شخصی را بجاسوسی فرستاده بودند او در وقت بانگ نماز درارد وی اسلام حاضرشده تحقیق احوال سپاه می‌کرد ودر آن اثنا صفوف جماعت برای اداء صلوة منعقد شده بود و محمد بن قاسم امامت جماعت می‌کرد و مقتدیان در جمیع ارکان تبعیت امام می نمودند جاسوس این حال را مشاهده کرده رفت وبامردم «چته» بازنمود و گفت والله من این قوم را آنچنان متفق دیده‌ام که بهرامری‌که روی آورند البته بانصرام می‌رسانند وکیفیت تبعیت قوم را بامام در نمازبایشان بیان‌کرد بمجرد استماع رعبی در دلهای مردم چته راه یافت وهمه آمده اطاعت اهل اسلام نمودند. تاریخ معصومی

۲ - بحاشیه شمارهٔ ۵ صفحهٔ ۱۴ رجوع شود.

۳ - سلطان محمد غوری بعد از اینکه هندوستان شمالی را یا بدست خود یا بدست سرداران خویش تا نزدیکی دهانه شط گنگ تسخیر کرد قطب‌الدین ایبک یکی از غلامان خود را بنیابت در دهلی گذاشت و چون محمد غوری در ۶۰۲ کشته شد قطب الدین خویشتن را پادشاه هندوستان اعلام نمود و اولین سلسلهٔ مسلمانرا که منحصراً در هندوستان فرماندهی داشته اند تشکیل داد چه قبلاً مسلمان نشین هند حکم یکی از مستعمرات خارجی عزنویانرا داشت. این سلسله را که اولین سلاله ازپنج سلسله‌ایست که قبل از دورهٔ سلطنت مغول بر هندوستان حکومت کرده اند سلاطین مملوك می گویند.

۴ - اکبرشاه نسبت بدین اسلام خصومت وکینه توزی نداشت گمان می‌کرد می‌تواند اختلاف آدمیان را از میان بردارد و همه را بصورت یک دین درآورد متملقان هم اورا باین اقدام تحریص می‌کردند حتی تصویرهایی که از اکبر شاه کشیده‌اند هاله‌ای از نور بگرد سر او ترسیم کرده‌اند مؤلف کتاب سیرالمتأخرین گوید «اکبر که عقل خداداد و وفور و شعور درطریقهٔ معاش ومعاد داشت بساط صلح کل گسترد وطوائف انام وطبقات خلایق را یکسان شمرد و گفت که خالق جهان آنرا بر مخلوقات مختلف المشارب و متنوع المذاهب در فیض گشوده لطف عام او همه را شامل است پس برپادشاهان‌والاشکوه که ظلال‌ایزد متعال‌اندنیزواجب ولازم‌است‌که تخالف وتنازع دینی منظور نداشته بندگان خدا را بیک نظر ببینند و پرتو عنایت خودرا مانند نورآفتاب‌که برنیک وبد می‌تابد برهمگنان یکسان اندازد.... وهمین صلح کل را «مذهب الهی» نام نهاده مقرر کرد هر شب جمعه دانشوران جمیع ادیان وفضلای انحای ملل از سنی وشیعه و نصاری و گبر و هنود وارمنی و ملحد وبراهمه و سیوره و دیگر اهل مشارب و مذاهب دو چهار ایوان که بهمین قصد تعمیر یافته بود فراهم آمده مذاکره ومناظره نمایند وپادشاه منصفانه بلاتعصب مقالات آنها را شنیده عیارگفتار هر یکی بمحک خرد بسنجد....» بهمین منظور امرکرد جزیه ای را که مقرر بود از غیرمسلمین گرفته شود نگیرند وخودش از راجهای بت پرست زن گرفت و برای دین اختراعی خود که آنرا مذهب الهی نام گذارده بود قواعد مشروح و مفصلی نوشت موسوم بآئین اکبری. متملقان هم که اطراف هرپادشاه مقتدری وجود دارند وهرچه را که پادشاه اندك رغبتی بآن‌داشت هرچند که محال و نشدنی باشد ویرا بانجام آن تحریص می‌کنند این‌پندار‌را چنان ستودند که او باورکرد این‌کار بدست او شدنی است.

ACKU



جهان اسلام
میزان مسلمانان نسبت به مجموع جمعیت
پیش از ۸۵٪
۵۰٪ تا ۸۵٪
۲۰٪ تا ۵۰٪
۳٪ تا ۲۰٪
ترکیه
عراق
ایران
۹۸٪
افغانستان
۹۹٪
پاکستان
۸۶٪
ترکمنستان
ترکستان
۷۵٪
چین
۵٪
تبت
جمهوری مغولستان
منچوریا
هندوستان
۹٪
دهلی
برمه
سیام
۳٪
هندوچین
خلیج بنگاله
دریای عربستان
اقیانوس هند
اندونزی
۹۰٪
مالایا
برنئو انگلیس
۷۵٪
سیلان
۷٪
سیشل
۳٪
هند پرتقال
۳۰٪
خط استوا
عربستان سعودی
مکه ۹۹٪
الجزایر
۸۸٪
لیبی
۹۶٪
مصر
۹۲٪
قاهره
سودان
۸۰٪
حبشه
کنیا
تانگانیکا
۱۹٪
نیاسالند
۹٪
ماداگاسکار
کنگوی بلژیک
افریقای غربی فرانسه
۳۴٪
نیجریا
۳۴٪
افریقای استوائی فرانسه
لیبریا
۲۰٪
سیرالئون
گینهٔ پرتقال
۱۷٪
اسپانیا
غرناطه
قرطبه
فاس
مراکش ۹۴٪
مراکش اسپانیا ۹۳٪
قیروان
تونس
قبرس ۱۸٪
بیت المقدس
دمشق
بغداد
کویت ۹۹٪
قطر ۹۹٪
عمان ۹۹٪
مشهد
قم
بخارا
سمرقند
کشمیر
صحرا

ضمیمه

پس ازچاپ ترجمهٔ فارسی «اطلس تاریخ اسلامی» ازطرف مؤلف امریکائی آن مجموعه، نقشه ای رسید که باستناد نقشهٔ آسیای جنوب غربی ترسیم انجمن جغرافیائی ملی[1] عدهٔ مسلمانان هر کشوری را در قرن بیستم میلادی معین و زیر نام هر کشور با عدد ذکر کرده اند. چون پیوستن نقشه باین مجموعه خوانندگان را مزید فایدت بود بترجمه وترسیم آن نقشه نیز درصفحهٔ مقابل اقدام گردید.

(1) National Geographic Society, Southwest Asia Map.

ACKU